

سوريه

دفتر مطالعات سياسي و بين المللي

فهرست مطالب

مقدمه	پنج
فصل اول - جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی	۳
فصل دوم - جغرافیای انسانی	۱۷
فصل سوم - جغرافیای سیاسی	۲۵
فصل چهارم - ادیان در سوریه	۳۷
فصل پنجم - اوضاع فرهنگی، اجتماعی و آموزشی	۴۹
فصل ششم - رسانه‌های گروهی	۷۱
فصل هفتم - اوضاع اقتصادی	۷۹
فصل هشتم - حکومت، سازمان‌های اداری و سیاسی	۱۰۷
فصل نهم - روابط خارجی	۱۷۵
فصل دهم - روابط جمهوری اسلامی ایران با سوریه	۲۲۱
فهرست منابع	۲۵۹

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی

۱

۱- موقعیت جغرافیایی

جمهوری عربی سوریه با مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع، هشتاد و هفتمین کشور جهان از نظر وسعت محسوب می‌شود. این کشور در جنوب غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع گردیده و از شمال با ترکیه، از شرق با عراق و از جنوب با رژیم صهیونیستی و اردن، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه هم مرز است. سوریه در منطقه خاورمیانه قرار دارد و از کشورهای مهم این منطقه به حساب می‌آید.

مرزهای مشترک این کشور با کشورهای همجوار به شرح ذیل می‌باشد:

ترکیه	۸۴۵ کیلومتر	۳۵٪ کل مرزهای سوریه
عراق	۵۹۶ کیلومتر	۲۴/۷٪ کل مرزهای سوریه
لبنان	۳۵۹ کیلومتر	۱۴/۸٪ کل مرزهای سوریه
اردن	۳۵۶ کیلومتر	۱۴/۸٪ مرزها سوریه
رژیم صهیونیستی	۷۴ کیلومتر	۳/۱٪ کل مرزهای سوریه
ساحل دریای مدیترانه	۱۸۳ کیلومتر	۶ تا ۷٪ کل مرزهای سوریه

از نظر مختصات جغرافیایی، سوریه بین مدار ۳۲ و ۳۷ درجه شمالی و ۳۵- ۴۲ شرقی قرار دارد. این موقعیت حالت جغرافیایی سبب گردیده است که سوریه

يك موقعيت مهم راهبردي از نظر بازرگاني و سياسي بدست آورد و محل اتصال سه قاره مهم آسيا، آفريقا و اروپا گردد. اين کشور نقطه اتصال مراکز صنعتي و بازرگاني اروپا و مراکز توليد نفت در منطقه خليج فارس مي‌باشد. در صورت بهبود وضعيت عراق اين کشور مي‌تواند محل عبور لوله‌هاي نفتي و گازي براي صادرات نفت و گاز ايران و عراق به اروپا از طريق دريائي مدیترانه باشد. چنانکه اتصال راه آهن اين سه کشور مي‌تواند اهميت بازرگاني سوریه را افزايش دهد، زيرا تجارت از اين طريق هم سريعتر خواهد بود و هم وارد کنندگان نفت مجبور به دادن مالياتهاي کانال سوئز نخواهند بود.

۲- عوارض طبيعي

اين کشور را مي‌توان به دو منطقه جغرافيايي تقسيم نمود. کناره دريائي مدیترانه که آب و هوايي مدیترانه‌اي دارد و قسمت شرقي که شامل دشت‌ها و مناطق بياباني و خشک است که در نواحي مرزي اردن و عراق قرار دارد. درجه حرارت در بعضي از نقاط شرقي سوریه در تابستان تا ۵۰ درجه نیز مي‌رسد، اما در دمشق درجه حرارت بندرت از ۴۰ درجه عبور مي‌کند. در زمستان نیز حرارت کمتر به صفر درجه مي‌رسد.

۳- رودخانه‌ها

رودخانه‌هاي سوریه عبارتند: فرات، دجله، عاصي، بردي، يرموک، خابور، بليخ، کبير شمالي، کبير جنوبي، عفرين، ساجور و السن، رودهائي هستند که در سوریه جاري مي‌باشند. رود فرات باحدود ۶۰۰ كيلومتر طولاني ترين آنها است و قسمت زيادي از آن در ترکيه و عراق جاري است. حدود ۶۰ كيلومتر از رود دجله نیز از داخل اراضي سوریه مي‌گذرد.

۴- درياچه ها

درياچه‌هاي سوریه عبارتند از:

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی / ۳

دریاچه اسد که بر روی رودخانه فرات ساخته شده است دریاچه‌های دیگر عبارتند از قطینه بر روی رودخانه عاصی، ۱۷ نیسان بر روی عفرین، ۶ تشرین بر کبیر شمالی و دریاچه‌های کوچکی مانند مسعده، مزیریب در استان درعا و زرزور در استان ریف دمشق را می‌توان نام برد.

۵- سدها

سوریه دارای چند سد معروف می‌باشد: سد فرات بزرگترین سد سوریه است که توسط شوروی سابق ساخته شده است در چند سال اخیر سدهای کوچکتري نیز در سوریه بنا شده است و سوریه در نظر دارد از تجربه کشورمان در سد سازی استفاده نماید.

۶- استانهای سوریه

کشور سوریه دارای ۱۴ استان یا به زبان عربی محافظه به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- دمشق ۲- ریف دمشق ۳- قنیطره ۴- درعا ۵- سویدا ۶- حمص ۷- طرطوس ۸- لاذقیه ۹- حماه ۱۰- ادلب ۱۱- حلب ۱۲- رقه ۱۳- دیر الزور ۱۴- حسکه

استان دمشق و حومه دمشق

دمشق که آن را شام نیز می‌گویند پایتخت سوریه است شهر دمشق را کهن‌ترین شهری که از قدیم به طور مداوم آباد بوده است دانسته‌اند. باستان شناسان تاریخ این شهر را به ۹ هزار سال قبل از میلاد نسبت می‌دهند. عده‌ای از تاریخ شناسان دمشق را قدیمی‌ترین پایتخت جهان و بعضی دیگر قدیمی‌ترین شهر جهان می‌شناسند. این شهر ابتدا محل سکونت آرامی‌ها بوده است و به طور متناوب تحت حاکمیت آشوری‌ها، کلدانی‌ها و ایرانی‌ها قرار گرفته است و در سال ۳۳۳ قبل از میلاد به دست اسکندر مقدونی سقوط کرده است. در سال ۶۴ قبل از میلاد امپراطور روم آن را تصرف و این شهر در قرن اول میلادی مسیحی و یکی از مراکز مهم مسیحیان به حساب می‌آمده است نیروهای اسلام در سال ۱۴ هجری (قرن ۷

ميلادي) اين شهر را به تصرف خود در آوردند. بدین ترتيب که در زمان خلافت ابوبکر، ارتش اسلام به فرمان وي به سوي منطقه شام حرکت کرد، پس از درگيري هايي بين نيروهاي اسلام و سپاهيان (هرقل) امپراتور روم شرقي، در اردن و فلسطين نيروهاي روم شکست خورده به دمشق عقب نشيني کردند و شهر دمشق توسط مسلمانان محاصره گرديد. در اين هنگام ابوبکر در گذشت (بيست و دو جهادي اخري سال سيزدهم هجري) و عمر به خلافت رسيد. در رجب سال ۱۴ هجري نيروهاي مسلمان تحت فرماندهي خالد بن وليد پس از پيمان صلح از دروازه شرقي و سربازان ابو عبیده جراح با درگيري نظامي از دروازه اي بنام (باب الجابيه) وارد شهر شدند و ابو عبیده نیز پيمان صلح خالد بن وليد را امضاء نمود. دکتر سيد جعفر شهيدی در کتاب "تاريخ تحليلي اسلام" دليل اين پيروزي را چنين بيان مي دارد: «البته در اين پيروزي مسلمانان، آمادگي مردم اين منطقه جهت پذيرش اسلام بي تاثير نبود و عواملی مانند نزديکی مردم آن منطقه از نظر آداب و رسوم با عرب، رفتار ساده سپاهيان فاتح اسلام با مردم، مالياتهاي سنگيني که حکومتهاي قبلي از آنان مي گرفت خستگي مردم از بحثها و جدالهاي کلامي و مکتبهاي فکري گوناگون که در مسيحيت آن منطقه پديد آمده بود، مردم آن سامان را از مسيحيت و حکومت روميان رويگردان ساخته بود.» در هر حال از آن تاريخ، منطقه شام به قلمرو اسلام پيوست و از سال ۴۰ هجري که معاويه پس از شهادت حضرت علي (ع) زمام امور مسلمانان را در دست گرفت تا سال ۱۳۲ هجري قمری "دمشق" پايتخت بني اميه بود. در اين تاريخ با به قدرت رسيدن عباسيان شام اعتبار خود را از دست داد و بغداد به عنوان پايتخت و دار الخلافه انتخاب گرديد.

از آثار تاريخي، ديدني و زيارتي دمشق و حومه آن مي توان به موارد ذيل اشاره نمود:

- ۱- کوه قاسيون ۲- مسجد اموي ۳- بازار حميديه ۴-
- باب توما ۵- باب شرقي ۶- باب الصغير ۷- بازار

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی / ۵

حمیدیه ۸- کلیسای حضرت مریم ۹- قلعه دمشق ۱۰- مقبره باب الصغیر ۱۱- حرم حضرت زینب (ع) ۱۲- حرم حضرت رقیه (ع) ۱۳- مقبره ابن عربی در دامنه کوه قاسیون ۱۴- روستای معلولا ۱۵- روستای صیدنایا

کوه قاسیون

در شمال شرقی این شهر کوه قاسیون که گفته می‌شود محل فرو نشستن کشتی نوح است قرار و در این کوه منطقه‌ای به نام اصحاب کهف وجود دارد. در دامنه این کوه قبر پیامبران زیادی واقع است. مرقد عارف و مفسر بزرگ قرآن شیخ محی الدین عربی صاحب کتاب‌های مهم "فتوحات مکیه" و "فصوص الحکم" که علامه طباطبایی در خصوص آنها فرموده است «فصوص مشتمل بر مثنوی و فتوحات دامن دامن» در دامنه این کوه در منطقه صالحیه قرار دارد. حاج میرزا علی آقای قاضی استاد مرحوم علامه طباطبایی - رضوان الله تعالی علیهما - در خصوص ابن عربی می‌فرمایند: «بعد از مقام عصمت و امامت، در میان رعیت احدی در معارف عرفانی و حقایق نفسانی، در حد محی الدین عربی نیست و کسی به او نمی‌رسد.» و نیز فرموده‌اند «ملاصدرا هر چه دارد از محی الدین عربی است و در کنار سفره او نشسته است.»

مسجد اموی

محل این مسجد شش هزار سال قبل از میلاد مسیح ساخته شده است و در آن زمان بتخانه بوده است. بعداً در زمان گسترش مسیحیت به کلیسا تبدیل شده است. پس از فتح شام توسط مسلمانان قسمتی از آن کلیسا به مسجد تبدیل شد و قسمتی به حالت کلیسا باقی ماند و در سال ۸۶ هجری قمری در زمان حکومت ولید بن عبد الملک تمامی آن به صورت مسجد درآمد. ولید در سال ۸۸ هجری بنای مسجد را آغاز کرد و او هنگام بنای آن نصاری شام را جمع نمود و به آنها گفت هر کلیسایی را هر جا بخواهید به عوض آن به شما می‌دهیم و اگر بخواهید قیمت آن را مضاعف می‌پردازیم. آنان نپذیرفتند و عهد نامه خالد بن

ولید مبنی بر محفوظ ماندن کلیسا را به نظر او رساندند و گفتند ما در کتاب‌های خود خوانده‌ایم که هر کس این کلیسا را منهدم سازد خفه خواهد شد. ولید گفت: من اول کسی باشم که آن را خراب کنم. سپس در حالی که قبای زردی به تن داشت به تخریب آن پرداخت و مردم نیز او را متابعت کردند، پس از آن به مقداری که می‌خواست بر مسجد افزود و آنچه توانایی داشت در بنای آن کوشید و در صرف اموال کوتاهی نکرد و بر آن چهار در قرار داد. می‌گویند ساختمان مسجد نه سال به طول کشید و هر روز ده هزار کارگر در آن رخام بشکستند و ششصد سلسله طلا در آن به کار رفت. مسجد جامع دمشق این زیبایی و عظمت را تا سال ۴۶۱ داشت و در این تاریخ حریقی در آن روی روی داد و آن را از عظمت و زیبایی سابق انداخت. با حمله مغول‌ها به دمشق ۸۵٪ مسجد سوخت که البته تعمیر گردید. شبستان کنونی مسجد ۱۵۱۳۲ مترمربع وسعت دارد و دارای ۴۴ ستون و دو طبقه می‌باشد. این شبستان از سه قسمت تشکیل شده است که قسمت وسط دارای گنبد بزرگی به نام عقاب است. در این مسجد چهار محراب به نام چهار فرقه تسنن یعنی فرقه: مالکی، حنبلی، شافعی و حنفی وجود دارد.

در این مسجد مقامات و مرقد‌های ذیل وجود دارد:

مرقد حضرت هود مقام حضرت خضر (ع) – محل هبوط حضرت عیسی (ع) – محل دفن سر مبارک حضرت یحیی نبی (ع) – محل غسل تعمید مسیحیان – مقام راس الحسین (ع) – محراب امام زین العابدین (ع) – مشاهد صحابه (رض)

معلولا

معلولا، روستایی است باستانی در منطقه قلمون در ۵۰ کیلومتری دمشق. این شهر ۱۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و حداقل تاریخ آن به هزار سال قبل تولد حضرت مسیح بر می‌گردد زبان ساکنین این منطقه آرامی (زبانی که حضرت عیسی (ع) با آن صحبت می‌نمود می‌باشد) کلیساهای این روستا دارای

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی / ۷

قدمت چند صد ساله هستند به خصوص کلیسای سرکیس و مارتقلا که تاریخ آن به دو هزار سال قبل باز می‌گردد. اسقف‌ها و کشیش‌ها در کلیساهای این منطقه دعا‌های خود را به زبان آرامی می‌خوانند.

سیدنایا

شهر سیدنایا یکی از مناطق دیدنی سوریه است که به فاصله ۳۵ کیلومتری دمشق واقع است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۴۴۰ متر است و در دامنه سلسله جبال قلمون قرار دارد اکثر جمعیت این شهر را مسیحیان تشکیل می‌دهند که در کنار مسلمانان زندگی مسالمت آمیزی دارند. شهرت این شهر به واسطه کلیساهای زیبای است که در آن بنا شده است. آثار تاریخی زیادی از دوران حجر، آرامی، یونانی رومی و عربی در این شهر به چشم می‌خورد که نشان از قدمت آن دارد مشهورترین کلیسا از ۳۰ کلیسای موجود در این منطقه کلیسای سیده سیدنایا است سیدنایا کلمه‌ای سریانی است که به معنای با نوي ما می‌باشد و بعضی می‌گویند از صید گرفته شده است قدمت این کلیسا به سال ۵۴۷ میلادی می‌رسد در این دیر دست خطی نگهداری می‌شود که گفته می‌شود به دست لوقا البشیر به نگارش در آمده است و مسیحیان از آن به عنوان معجزه‌ای نام می‌برند. این کلیسا برای مسیحیان بسیار مقدس و مورد احترام است و شفاعتگاهی برای دردمندان و نیازمندان مسیحی است.

به ادعای مسیحیان حضرت نوح اولین درخت انگور را در این شهر کاشت و به همین علت انگور این شهر بهترین انگور جهان می‌باشد این شهر مقدس‌ترین شهر پس از بیت المقدس برای مسیحیان است.

استان حلب

یکی از شهرهای قدیمی جهان به حساب می‌آید و تاریخی مانند روم قدیم، نینوی و بابل برای آن قائل هستند. استان حلب ۱۰٪ مساحت سوریه را شامل می‌شود و طبق آخرین سرشماری در سال ۲۰۰۵ م، جمعیت این استان حدود چهار میلیون می‌باشد یعنی ۲۲٪

جمعیت سوریه را در خود جای داده است و در حال حاضر از دمشق نیز بزرگتر است. از القاب این شهر (الشهباء) است. حلب پایتخت اقتصادی و صنعتی سوریه شناخته می‌شود و صنعت نساجی در این استان رونق دارد. صابون معروف به غار، صنایع دستی، روغن زیتون و پسته این شهر از شهرت جهانی برخوردار است. در این شهر آثار تاریخی فراوانی وجود دارد که معروفترین آن قلعه حلب است که گفته می‌شود تاریخ بنای آن به پنج هزار سال قبل می‌رسد. این بنا که در چهل متری سطح شهر بر روی تپه‌ای بنا شده است شهرت جهانی دارد. در این شهر مسجد بزرگ اموی که در آن ضریح حضرت زکریا علیه السلام قرار دارد، نیز واقع می‌باشد. از دیگر اماکن مهم این شهر، مشهد النقطه امام حسین علیه السلام و مرقد مطهر محسن (ع) فرزند کوچک امام حسین و کلیسای سمعان را می‌توان نام برد در این شهر ۱۵۰ اثر تاریخی وجود دارد و یونسکو این شهر را یکی از شهرهای مهم تاریخی جهان می‌شناسد این شهر در سال ۲۰۰۶ میلادی به همراه اصفهان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی گردید. گفته می‌شود نام "حلب" ریشه آرامی دارد و به معنی سفیدی است زیرا خاک و سنگ این شهر سفید می‌باشد. اکثریت ساکنین این شهر را عرب‌ها تشکیل می‌دهند اما اقلیت کرد، چرکسی و ارمنی نیز در این شهر حضور دارند. اغلب ساکنین استان حلب از مسلمانان اهل سنت می‌باشند و اقلیت قابل توجهی مسیحی که اکثراً روم کاتولیک هستند نیز در این استان زندگی می‌نمایند. دو شهرک شیعه نشین "نبل" و "الزهرا" در نزدیکی این شهر قرار دارد. از نظر جغرافیایی این استان در شمال سوریه واقع و رودخانه‌های فرات و عفرین از این استان می‌گذرد. چنانکه گفته شد حلب پایتخت اقتصادی و صنعتی سوریه به حساب می‌آید و اهل این شهر از قدیم به تجارت معروف بوده اند. کشاورزی در این استان از رونق فراوانی بر خوردار بوده است و دلیل آن نیز خاک حاصلخیز و آب فراوان آن می‌باشد.

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی / ۹

فاصله این شهر با دمشق ۳۵۵ کیلومتر و با مرز ترکیه در منطقه باب الهوی ۴۵ کیلومتر است این شهر در فاصله ۴۵۶ کیلومتری درعا در جنوبی ترین نقطه سوریه و ۱۴۶ کیلومتری هماه قرار دارد. فواصل شهرهای مهم دیگر با این شهر (حمص) (۱۹۳) لاذقیه (۱۸۶) طرطوس (۲۷۶) رقه در شرق (۱۹۲) دیر الزور (۳۱۷) حسکه (۳۷۵) کیلومتر می باشد.

از اماکن زیارتی این شهر می توان به مشهد نقطه امام حسین که در زمان حاکمیت سیف الدوله حمدانی بنا شده و همچنین مشهد محسن بن امام حسین (ع) اشاره نمود.

استان الرقه

استان رقه در شمال شرق سوریه قرار دارد و مرکز آن شهر رقه در کنار رود فرات واقع است. این منطقه داری زمین و آب مناسب می باشد لذا کشاورزی در آن رونق دارد. سد بزرگ الثوره در این استان واقع است. جنگ صفین بین لشکر امام علی (ع) و معاویه در نزدیکی این شهر به وقوع پیوسته است. لذا مرقد جناب عمار یاسر از صحابه گرانقدر پیامبر اسلام در این شهر واقع و سالانه هزاران نفر از مسلمانان برای زیارت مرقد ایشان و اویس قرنی که در کنار ایشان مدفون است به این شهر می آیند در زمان خلفای بنی عباس از رقه به عنوان پایتخت تابستانی استفاده می نمودند. در این استان کشاورزی رونق فراوانی دارد.

استان درعا

مرکز این استان شهر درعا در ۱۰۰ کیلومتری دمشق قرار دارد این استان با اردن هم مرز است. این استان از مناطق تاریخی سوریه به حساب می آید و به دلیل نزدیکی به بیت المقدس پیامبران زیادی در این منطقه می زیسته اند. آرامگاه حضرت ایوب نبی (ع) در این استان قرار دارد. یکی از مناطق مهم این استان شهر بصری است که دارای آثار تاریخی فراوانی است از جمله دیر بحیراء - همان راهبی

که افتخار زیارت حضرت محمد (ص) در نوجوانی را یافت و این راهب بود که بعد از زیارت آن حضرت خبر از نبوت ایشان را به عبدالمطلب جد بزرگوارش داد.

شهر بصری يك شهر تاریخی است که در خود یادگار ادیان و فرهنگ‌های مختلف را دارد از ویژگی‌های منحصر به فرد شهر بصری، حضور و زندگی مردم امروزی در بافت قدیمی شهر است به گونه‌ای که آنان در همان منطقه قدیمی رومی و بیزانسی زندگی می‌نمایند و گویی در آن دوران تردد می‌نمایند. این امر باعث پیوند و درعین حال حضور همیشگی در این محوطه تاریخی شده است. که البته فواید و مضرات خود را نیز دارد.

از آثار این شهر می‌توان به آمفی تئاتر بصری با قابلیت پذیرش ۱۵۰۰۰ نفر تماشاگر اشاره نمود که دومین آمفی تئاتر بزرگ جهان پس از آمفی تئاتر روم است که از دوران رومیان بر جای مانده است. طی چند سال گذشته دولت سوریه توجه زیادی به این منطقه داشته و سیمینارها و کنفرانس‌های بزرگی در خصوص جهانگردی در آنجا برگزار شده است. از دیگر اماکن دیدنی بصری می‌توان به مسجد عمری، مسجد مبارک، تخت دختر پادشاه و دروازه‌های تاریخی این شهر اشاره نمود.

لاذقیه

این استان ساحلی که بندر اصلی سوریه نیز در آن واقع است در ۳۴۸ کیلومتری شمال غربی دمشق واقع شده و در ساحل شرقی مدیترانه قرار دارد. در شانزده کیلومتری مرکز این استان یعنی شهر لاذقیه خرابه‌های شهر باستانی اوگاریت وجود دارد. جمعیت این شهر بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر می‌شود که دارای ادیان مختلف می‌باشند در این شهر مسلمانان (علوی و سنی) و مسیحان (روم ارتدوکس، روم کاتولیک مارونی‌ها و پروتستان) دوستانه در کنار هم زندگی می‌نمایند و این شهر از قدیم اینگونه بوده است. ابو العلاء معری قصیده‌ای در توصیف لاذقیه دارد که

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی / ۱۱

به زندگی مسالمت‌آمیز مردم این شهر علی‌رغم وجود ادیان مختلف اشاره می‌نماید.^۱ دانشگاه تشرین در این شهر واقع گردیده است. آثار تاریخی و دیدنی این استان:

- ۱- مسجد جامع ۲- قلعه صلاح الدین ۳- قلعه کهف
- ۴- مقبره کمال ادهم در شهر جبله ۵- مسجد و جمعیت خیریه امام صادق (ع)

۱- فی لاذقیه زجه ما بین احمد و المسیح هذا بناقوس یغنی و ذاک بمآذنه یمیح

جبله

این شهر بندری در کناره دریای مدیترانه و در غرب سوریه، در ۳۰ کیلومتری جنوب لاذقیه قرار دارد و از توابع استان لاذقیه به حساب می‌آید. دو رود برغل و صنوبر در نزدیکی این شهر جاری و اراضی کشاورزی این منطقه را آبیاری می‌نماید. این شهر از نظر اقلیمی معتدل و آب و هوایی مدیترانه‌ای دارد میانگین درجه حرارت ۱۹ درجه سانتیگراد (۶۲ درجه زمستان و ۲۶ درجه در تابستان) است. طبق سرشماری سال ۲۰۰۵م میزان جمعیت آن حدود ۵۲۳۰۹۰ نفر بوده است. ساکنین این شهر علوی، اهل سنت و مسیحی می‌باشند. مزار عارف بزرگ ابراهیم ادهم در این شهر و در کنار مسجدی به این نام قرار دارد. در این شهر چندین جمعیت خیره جعفری از جمله جمعیت خیره امام رضا (ع) وجود دارد.

استان حمص

این استان در وسط سوریه واقع و مرکز آن شهر حمص است. رودخانه معروف عاصی که از لبنان سرچشمه و به ترکیه می‌رود از این استان عبور می‌نماید. این استان با ۴۱ هزار کیلومتر وسعت بزرگترین استان سوریه از نظر مساحت می‌باشد و سومین استان سوریه از نظر جمعیت به حساب می‌آید. این استان از غرب با لبنان و از شرق با عراق و اردن همسایه است مقبره و مسجد خالد بن ولید در این شهر قرار دارد. هر چند اکثریت مردم این استان را اهل سنت تشکیل می‌دهند اما تعداد قابل توجهی از پیروان مذاهب دیگر از جمله شیعیان، ارمی‌ها و مسیحیان ارتدوکس نیز در این استان و در کنار یکدیگر با صلح و دوستی زندگی می‌نمایند.

تدمر

شهر تاریخی تدمر در استان حمص قرار دارد. صحرا نشینان عرب از قدیم این شهر را "عروس البادیه" نام نهاده اند و دلیل آن نیز نخلستان‌های انبوه، نهرها و چشمه‌های پر آب و بقایای ۳۰۰۰

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی /۱۳

هزار ساله‌ای است که به این شهر ویژگی خاصی بخشیده است.

تدمر نام باستانی و عربی شهر پالیمرا است. این شهر در صحرای سوریه در حدود ۱۴۵ کیلومتری شرق حمص و ۲۴۰ کیلومتری غرب فرات قرار دارد (در ۳۴ درجه عرض شمالی و ۳۸ درجه طول شرقی و در ارتفاع ۴۰۷ متری)

تدمر از زمان‌های قدیم منزلگاهی بوده برای کاروانهایی که از بین النهرین به کناره دریای مدیترانه می‌رفته‌اند. زیرا جاده‌هایی که تدمر در آن واقع است از معری در رشته تپه‌هایی که از جنوب غربی به شمال شرقی امتداد داشته می‌گذشته است این شهر آنقدر اهمیت داشته است که کتاب دوم تواریخ ایام در عهد عتیق بنای آن را به حضرت سلیمان (ع) نسبت داده‌اند. در دوران رومیان این محل اهمیت جهانی داشته زیرا مشرف بر سرزمین‌های دشمنان رومیان یعنی ایرانیان پارتی و ساسانی بوده است. در سده پر آشوب سوم میلادی، دولت - شهر پالیمرا قادر بود سیاستی فراگیر در پیش گیرد و در عهد سپتیمیوس اودانوس دوم شاهزاده نیرومند آنجا، به قدرت نظامی مهمی تبدیل شود. وی شاپور اول پادشاه ایرانی را تا پایتختش تیسفون عقب راند و امپراتور روم «فرمانروای کل شرق» لقب گرفت پس از قتل اودانتوس در ۲۶۷ یا ۲۶۸ م، بیوه او زنوبیا (زینب) سیاست او را دنبال کرد. زنوبیا به زیبایی و خرد شهره بود و به همین دلیل در فرهنگ عرب جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و مکان‌های بسیاری به اسم زنوبیا نامیده می‌شود. عکس ایشان در روی اسکناس‌های رایج کشور سوریه چاپ شده است. دوران رونق پالیمرا با تسلط اعراب بر شام به پایان رسید. ابتدا این شهر توسط خالد بن ولید با صلح فتح شد، سپس مردم شورش کردند و بار دیگر با زور فتح شد. تدمر بعدها در اثر زمین لرزه‌های بسیار بویژه زمین لرزه سال ۵۵۲ م، آسیب دید. پالیمرا در توسعه فرهنگ عربی قدیم اهمیت داشته است. در میان دو هزار

کتیبه‌ای که در پالیمرا کشف شده است کتیبه‌های بسیاری دیده می‌شود که در آن‌ها به وفور نام‌های عربی یافت می‌شود. کاوشگران غربی در سال ۱۶۸۷ م، ویرانه‌های گسترده پالیمرا باستانی را باز یافتند. امروزه این شهر بار دیگر در حال رونق گرفتن از گردشگری است. ساکنین این شهر به بیش از ۳۰ هزار نفر می‌رسد.

منطقه تاریخی پالمیرا و یا تدمر دارای چهار قسمت است:

۱- دشت مقابر ۲- مجموعه معابد (۳۰ معبد) ۳- شهر قدیمی ۴- موزه

بنای این شهر به هزاره اول قبل از میلاد بر می‌گردد و اوج عظمت آن همزمان با میلاد حضرت مسیح بوده است. حکومت رومیان در این محل به فرماندهی اورلیان بوده که با حکومت شاپور اول ساسانی همزمان بوده است. جنگ‌های متعددی بین این دو حاکم در آن منطقه در گرفته است و به گواه نقش برجسته‌های نقش رستم و تنگ چوگان استان فارس که این حاکم یعنی اورلیان را اسیر و در بند به شاپور نشان می‌دهد نشان از پیروزی‌های ایرانیان بوده است. رد پای ساسانیان در منطقه تدمر به خوبی مشهود است شاپور ساسانی بارها به این منطقه لشکرکشی نموده و با خود غنایم زیادی را به ایران بازگردانده است. البسه‌های چین دار مخصوص شاهان ساسانی بر تن شاهزادگان تدمری آن دوران و تزیینات زنان ساسانی بر نقوش برجسته زنان تدمری هنوز جلوه‌نمایی می‌نماید که نشان از نفوذ فرهنگ ایرانی در آن منطقه دارد. تشابه این منطقه به حدی است که هرکس به این منطقه تاریخی می‌رود یادی از پاسارگاد و تخت جمشید نیز می‌نماید. البته وجود هر دو کشور بر سر راه جاده ابریشم باعث به وجود آمدن تعاملات و تاثیر و تاثرات فرهنگی بیشتر در دوران‌های پیشین شده است که امروزه می‌تواند پایه و مایه اصلی ایجاد مراودات فرهنگی بیشتری قرار گیرد.

معبد بل

معبد بل یا خدای خدایان که بعدها در زبان فارسی به بل به معنی خدا تغییر نام می‌دهد، از عظمت قابل توجهی برخوردار است. نقوش برجسته خدایان متعدد از جمله خورشید، ماه، خدای پروزی، خدای انتقال روح (که تا چهل خدا نام برده‌اند) دال بر اعتقادات چند خدایی در آن دوران و قابل بررسی تطبیقی با ایران دوران ساسانی است. همچنین در فاصله کمی از این شهر قلعه دفاعی متعلق به ایوبیان وجود دارد.

استان طرطوس

این استان در جنوب استان لاذقیه و در کنار دریای مدیترانه قرار دارد و شهرهای سیاحتی صافیتا، درکیش در ۳۵ کیلومتری شرق طرطوس واقع است این دو شهر دارای مناطق زیبا و دلربایی می‌باشند این دو شهر و اطراف آن پوشیده از درختان زیتون و بوته‌های گل است از دیگر مناطق دیدنی این استان جزیره زیبای "آرواد" می‌باشد که تنها جزیره مسکونی سوریه به حساب می‌آید. تاریخ این جزیره به دوران کنعانیان می‌رسد که کشوری مستقل بوده است به نام "اردواس". در این جزیره قلعه‌ای است که تاریخ آن به قرن پنجم قبل از میلاد باز می‌گردد. مردم این جزیره بیشتر به ساخت لنج، صیادی و دریا نوردی مشغول می‌باشند.

استان حسکه

استان حسکه در شمال شرقی سوریه واقع است و مرکز این استان نیز شهر حسکه می‌باشد وجود رودهای متعدد دجله، فرات و خابور به این استان اهمیت ویژه‌ای داده است و البته وجود مناطق نفت خیز رمیلان، هول و الحبیبه نیز در این استان واقع و شهر کردنشین قامشلی در این استان واقع است. قومیت‌های مختلف کرد، عرب و یزیدی‌ها و چچن‌ها در این استان در کنار هم زندگی می‌نمایند.

استان حماه

این استان حاصلخیز در بین دو استان حلب و حمص واقع است. دارای زمین‌های کشاورزی پر رونقی است و دامداری این استان معروف است. از آثار تاریخی می‌توان به دو نواعیر آبی اشاره نمود که همچنان در حال فعالیت است. شهر مهم این استان سلمیه است که اکثر آنها از شیعیان اسماعیلی هستند. در کنار جاده دمشق به حلب در نزدیکی مرکز این استان کوهی به نام جبل امام زین العابدین قرار دارد که گفته می‌شود در انتقال اسرای کربلا از کوفه به شام امام زین العابدین (ع) در آنجا به عبادت پرداخته‌اند و از آن به بعد مورد عنایت مردم واقع شده است در حال حاضر شیعیان علوی برای آن اهمیت خاصی قائل می‌باشند و مقامی نیز در آنجا به نام امام چهارم درست کرده‌اند که پذیرای زوار زیادی است.

استان دیر الزور

این استان که به زبان عامیانه دیر نیز گفته می‌شود در شرق سوریه قرار دارد و رود فرات از وسط شهر دیر الزور که مرکز این استان است می‌گذرد. در این استان نیز کشاورزی رونق دارد و گندم و پنبه آن از مرغوبیت برخوردار است. پل معلق فرانسوی بر روی فرات که از مرکز این شهر می‌گذرد به این شهر زیبایی خاصی داده است. عشایر این استان با عشایر عراق و عربستان قرابت دارند.

۱- جمعیت و ترکیب و پراکندگی آن

– طبق آخرین آمار جمعیت این کشور در اواسط سال ۲۰۰۷ به بیش از ۱۹ میلیون نفر بالغ گردیده است. طبق برآوردها هر بیست سال جمعیت این کشور دو برابر می‌شود و با این حساب در سال ۲۰۲۷ جمعیت این کشور بالغ بر ۴۰ میلیون خواهد گردید. لذا از هم اکنون دولت سوریه برای کنترل افزایش جمعیت در حال برنامه‌ریزی می‌باشد و طبق اطلاعات موجود از مقامات مذهبی نیز خواسته شده است مردم را به کنترل نسل تشویق نمایند در این رابطه سوریه بارها ابراز تمایل نموده تا از تجربه موفق جمهوری اسلامی ایران در کاهش رشد جمعیت استفاده نماید. شاید یکی از دلایل عدم موفقیت دولت سوریه در کنترل سریع جمعیت عدم استقبال روحانیون و مردم عامی از این سیاست می‌باشد.

رشد جمعیت این کشور در حال حاضر ۲,۴۵٪ در سال برآورد می‌شود در حالی که این میزان در فاصله زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ حدود ۲,۷۰٪ و در فاصله زمانی ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ حدود ۳,۳٪ بوده است یعنی طی ۲۵ سال رشد جمعیت با کاهشی کمتر از یک درصد مواجه شده است. اما عواقب افزایش جمعیت در دو دهه قبل از هم اکنون سنگینی خود را بر اقتصاد و جامعه سوریه نشان می‌دهد.

در خصوص رشد جمعیت در سوریه به دو مورد ذیل نیز باید اشاره گردد:

— رشد جمعیت در این کشور از ۳/۵٪ در دهه پنجاه به ۴/۴٪ در دهه شصت قرن گذشته میلادی رسید و این رشد در دو شهر مهم حلب و دمشق بیشتر بود به طوری که از ۳/۱٪ در دهه پنجاه به ۴/۶٪ در دهه شصت رسید و جمعیت این دو شهر طی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دو برابر شد و دلیل این افزایش نیز افزایش تحصیل کردگان بود که به دلیل تحصیل و نبودن کار نمی توانستند در روستاها کار نمایند لذا مجبور شدند به شهرها کوچ نمایند و چون به شهرها مهاجرت کردند جذب ادارات و وزارتخانه ها و ارتش شدند لذا سیستم شروع به افزایش بوروکرات ها کرد. به طوریکه در سال ۱۹۶۵ تعداد کارمندان حدود ۷۰۰۰۰ نفر بود که این تعداد در سال ۱۹۹۱ به ۶۸۵۰۰۰ نفر رسید و تعداد آنها در سال ۲۰۰۴ م، به ۹۰۰۰۰۰ نفر رسید. نیروهای ارتش و دستگاههای امنیتی نیز با چنین افزایشی روبرو شدند زیرا در سال ۱۹۶۵ این تعداد حدود ۶۵۰۰۰ نفر بود که در سال ۲۰۰۴ به هفتصد هزار نفر بالغ می گردند.

با توجه به این ارقام روزنامه تشرین طی چند مقاله رشد جمعیت در کشور را مورد توجه خاص قرار داده می نویسد: «هر ساله ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت کشور اضافه می گردد و این رشد بزرگترین چالش برنامه های توسعه اقتصادی کشور است. لذا لازم است کشور یک سیاست جمعیتی واقع بینانه را اتخاذ نماید و الا طی چند سال اخیر کشور با مشکلات مهمی مواجه خواهد شد.» این روزنامه در بخشی دیگر از گزارش خود می نویسد: «باید معدل رشد جمعیت به کمتر از ۱٪ برسد و الا با این رشد جمعیت باید در انتظار وضع اقتصادی بدی در آینده باشیم.»

لازم به یادآوری است سوریه یکی از کشورهای فقیر از نظر ثروت های معدنی محسوب می شود چنانکه از نظر صنعتی نیز پیشرفت قابل ملاحظه ای نداشته و اکثر تولیدات خود از نفت و محصولات کشاورزی را مستقیماً صادر می نماید.

۲- تاریخ تشکیل جمعیت در سوریه

در حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح، اقوام مهاجر سامی از جمله کنعانی‌ها و فنیقی‌ها به سوریه امروزی مهاجرت نمودند. یهودیان و قبایل بدوی نیز در دو هزار سال قبل از میلاد از نقاط مختلف به سوریه آمده‌اند. در زمان‌های بسیار قدیم چون سوریه در سر راه تجارت آن زمان واقع شده بود، همواره مورد هجوم اقوام مختلف قرار می‌گرفت. در سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد مصری‌ها به سوریه دست یافتند و پس از آن یهودیان، فنیقی‌ها، آسوریان، ایرانیان (مادها) و یونانیان بر سوریه مسلط گردیدند. هرکدام از این اقوام با خود موج جدیدی از اقوام مهاجر را وارد سوریه می‌کردند که به مرور زمان جزو ساکنان دائمی آن سرزمین می‌شدند. در سال ۶۴ قبل از میلادی رومیان سوریه را فتح کردند. پس از آن تا سال ۶۳۶ میلادی یعنی زمان فتح سوریه توسط اعراب، قسمتی از امپراتوری روم به حساب می‌آمد. بعد از قرن سوم میلادی رومی‌ها برای حفظ موجودیت خود در این منطقه مجبور به جنگ‌های فراوان با ایرانیان شدند زیرا تا اوایل قرن هفتم، سوریه به طور کامل در تصرف ایرانیان بود. با ظهور اسلام و گسترش آن سوریه نیز در قرن هفتم به تصرف اعراب در آمد و از این تاریخ اسلام وارد سوریه کنونی شد. پس از تصرف دمشق در سال ۶۳۵ م، و یرموک در سال ۶۳۶ م، مسلمانان بر تمام سوریه حکومت راندند. تا سال ۷۵۰ میلادی خلفای اموی در سوریه که به چهار منطقه حمص، اردن، دمشق و فلسطین تقسیم شده بود به قدرت رسیدند و دمشق را مرکز خلافت خود قرار دادند. اما پس از روی کار آمدن عباسیان و برگزیدن بغداد به عنوان پایتخت، سوریه و شامات اهمیت خود را از دست داد. اما مردم سوریه همچنان زبان عربی را به عنوان زبان اصلی برگزیده و دین اسلام نیز دین غالب گردید. انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد باعث شد تا از اهمیت این شهر کاسته شود.

۳- گروه‌های نژادی در سوریه

حدود ۹۰٪ مردم این کشور عرب هستند که به طور عمده در مرکز و غرب و جنوب این کشور سکونت دارند و ۱۰٪ باقی کرد و چرکس می‌باشند. تعداد اکراد در سوریه به دلیل عدم سرشماری بر اساس زبان مشخص نمی‌باشد علاوه بر این دلیل چون بسیاری از اکراد به استان‌های دیگر مهاجرت نموده‌اند اعلام و یا پیش بینی دقیق تعداد آنها مشکل به نظر می‌رسد. اما در حالی که کردها تعداد خود را حدود دو میلیون اعلام می‌نمایند منابع دولتی این تعداد را حدود یک میلیون تخمین می‌زنند.

مناطق اصلی کردنشین سوریه:

– شمال شرق سوریه (قامشلی، حسکه، عامودا، القحطانیه، المالکیه و عین العرب). در مناطق مرزی عراق واقع است.

– منطقه عفرین (شمال حلب) که به جبل اکراد معروف است. این منطقه مرز مشترک سوریه و ترکیه است.

– حی اکراد در دمشق که بیشتر منطقه صالحیه و شیخ محی الدین در دامنه کوه قاسیون را شامل می‌شود.

دولت سوریه در سرشماری سال ۱۹۶۲ م، تابعیت سوری را از بسیاری از اکراد سلب نمود بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه پس از به قدرت رسیدن بارها قول داده است این مشکل را حل و به این افراد تابعیت سوری اعطاء گردد و آخرین بار در تیر ماه ۱۳۸۶ در سخنرانی خود در مجلس ملی سوریه به مناسبت آغاز دومین دوره ریاست جمهوری خود بار دیگر قول داد این مشکل به زودی حل و فصل گردد. تعداد این افراد بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شوند که دارای هیچگونه تابعیتی نمی‌باشند. دولت سوریه در سال‌های متعددی از دادن تابعیت سوری به آنها خود داری نموده و مدعی است اینها از اکراد کشورهای همسایه هستند که برای گرفتن زمین بعد از تصمیم دولت برای واگذاری زمین به کشاورزان در دهه شصت قرن گذشته میلادی به سوریه مهاجرت نموده‌اند. در حالی که گروه‌های کرد مخالف دولت سوریه معتقدند

دولت سوریه بدون توجه به اکراد اسم این کشور را جمهوری عربی سوریه قرار داده است در حالی که رژیم بعثی عراق چنین کاری را نکرد. آنها معتقدند سیاست این کشور ظلم و ستم به اکراد و تضعیف آنها می‌باشد.

۴- زبان و خط

زبان و خط عربی زبان اصلی در جمهوری عربی سوریه می‌باشد و اکثریت مردم با این زبان تکلم می‌نمایند البته در کنار زبان عربی کردها نیز در مناطق کردنشین به زبان خود سخن می‌گویند و لهجه کردهای سوریه اکثراً کرمانجی است. در قانون اساسی سوریه هیچگونه اشاره‌ای به دیگر اقوام نگردیده است و این مسئله موجب آزرده‌گی اکراد را فراهم نموده است.

حدود سی هزار نفر در سوریه چرکسی هستند که به زبان خود صحبت می‌نمایند و طبق آخرین آمار منتشره آرامنه نیز تعدادشان به بیش از ۳۲۰ هزار نفر می‌رسد که آنها نیز زبان و خط مخصوص به خود را دارند. تعداد ترکمن‌های سوریه نیز به بیش از ۱۳۰ هزار نفر می‌رسد که بیشتر در روستاهای اطراف حمص، حماه و لاذقیه زندگی می‌نمایند.

تعداد آرامی‌های سوریه که زبان مخصوص خود را دارند حدود ۵۰ هزار نفر می‌باشند که در دمشق و روستاهای اطراف این شهر به خصوص روستای معلولا زندگی می‌نمایند.

سوریه قصد دارد زبان کهن آرامی را از خطر انقراض نجات دهد این زبان بیش از ۳ هزار سال قدمت دارد و حضرت عیسی (ع) با آن تکلم می‌کرده است این زبان به وسیله داریوش هخامنشی تقویت شده و بعدها در بین النهرین، سوریه و فلسطین رونق گرفته است. آرامی یکی از زبانهای باستانی قاره آسیا محسوب می‌شود این زبان در ایران، عراق و سوریه رونق داشته است این زبان در قرن دوم پیش از میلاد مسیح رفته رفته بر فرهنگ و زبان یهودیان غلبه نمود تا اینکه زبان عمومی مردم

فلسطین شد. یهودیان زبان آرامی را در ترجمه کتاب‌های عهد قدیم به کار بردند و با آن مهم‌ترین کتاب‌های خود مانند تلمود را نوشتند. در زمان تولد عیسی مسیح (ع) یهودیان فلسطین به زبان آرامی تکلم می‌کردند. این زبان امروزه در چند روستای کشور سوریه مورد استفاده قرار می‌گیرد اهالی روستاهای معلولا و صیدنایا در شمال دمشق هنوز دعا‌های روز یکشنبه خود را به زبان آرامی می‌خوانند و کشیشان کلیساهای این شهر سعی می‌کنند دعا‌های خود را به زبان آرامی بخوانند و مردمان با فرهنگ این دو روستا نیز سعی می‌نمایند برای زنده نگاه داشتن این زبان تاریخی آن را به فرزندان خود بیاموزند و دولت سوریه نیز پروژه‌هایی را برای زنده نگاه داشتن این زبان آغاز کرده است. مسیحیان حدود ۱۰٪ جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند و زبان آرامی برای این اقلیت به منزله ارتباط مستقیم با عیسی مسیح تلقی می‌شود.

۵- توزیع سنی جمعیت

بنابر آمار رسمی منتشره، جمعیت سوریه در سال ۲۰۰۷ میلادی از مرز ۱۹ میلیون نفر فراتر رفت. گزارش مرکز آمارگیری دولتی سوریه حاکی است: جمعیت سوریه تا نیمه‌ی این سال به ۱۹ میلیون و ۱۷۲ هزار نفر رسید، که ۹ میلیون و ۷۹۸ هزار نفر آن مرد، و ۹ میلیون و ۳۷۴ هزار نفر زن هستند. در این آمار، جمعیت شهری سوریه، ۱۰ میلیون و ۲۵۷ هزار نفر اعلام شده که چهار میلیون و ۲۶۵ هزار نفر آنان را مردان و چهار میلیون و ۹۹۲ هزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین، از هشت میلیون و ۹۱۵ هزار نفر جمعیت روستایی این کشور، چهار میلیون و ۵۳۳ هزار نفر مرد و چهار میلیون و ۳۸۲ هزار نفر زن هستند.

تحلیل این آمار از جوانی بسیار جمعیت سوریه حکایت دارد، به گونه‌ی که ۱۵ میلیون و ۶۷۶ هزار

نفر از جمعیت این کشور یعنی حدود ۷۶/۸۱ درصد آن زیر ۴۰ سال سن دارند.

همچنین از مجموع کل جمعیت سوریه، هفت میلیون و ۵۶۵ هزار نفر زیر ۱۵ سال و سه میلیون و ۴۹۶ هزار نفر (۲۴/۱۸ درصد) بالای ۴۰ سال سن دارند.

در همین حال، چهار میلیون و ۲۱۴ هزار نفر از جمعیت این کشور در سنین ۱۵ تا ۲۴ قرار دارند که طیف سنی واقع در معرض آسیب‌های اجتماعی و انحرافات اخلاقی به شمار می‌رود.

ولی، با عنایت به آن که جمعیت مردان در سوریه، ۴۲۴ هزار نفر (۲۱/۲ درصد بیش از زنان است، شمار مردان در گروه سنی مورد بحث ۹۷/۲۱ درصد رقم فوق (۴۲۴ هزار نفر) خواهد بود که این تناسب جمعیت، پیامدهای مثبت اجتماعی دارد.

البته در جامعه‌ی شهری سوریه، کفهی ترازو اندکی به سوی زنان سنگینی می‌کند و جمعیت زنان شهرنشین ۷۲۷ هزار نفر بیش از مردان است.

با این حال، استحکام و قداست کانون خانواده، پایبندی به ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی، به امنیت اجتماعی ملموس و ناچیزی میزان آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی در جامعه‌ی سوریه انجامیده است. در همین حال، اگر میانگین سنی ۱۹ تا ۶۰ سال را جمعیت فعال به شمار آوریم، این رقم بر اساس آمار رایج شده، هشت میلیون و ۴۰۵ هزار نفر یعنی ۸۳/۴۳ درصد جمعیت سوریه را شامل می‌شود.

از آن جا که سوریه عزم خود را برای پیوستن به اقتصاد جهانی جزم کرده و برای به حرکت درآوردن موتور اقتصادی خویش، شتاب دارد، این میزان جمعیت بویژه جمعیت مولد کار، نمی‌تواند پاسخگوی بلندپروازی‌های آن باشد.

در همین حال، آمار رایج شده بیانگر تفاوت نه چندان قابل اعتنای جمعیت شهرنشین و روستایی این کشور است که می‌تواند ناشی از تکیه اقتصاد سوریه بر کشاورزی باشد.

به جز نفت خام که حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز تولید می‌شود، محصولات کشاورزی و دامی بخش عمده‌ی اقلام صادراتی سوریه را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس اعلام مرکز آمارگیری، جمعیت ۱۹ میلیون و ۱۷۲ هزار نفری سوریه، مهاجران به خارج از کشور و اتباع عراقی پناهنده به سوریه را که شمارشان حدود یک و نیم میلیون نفر برآورد می‌شود، در بر نمی‌گیرد. وزارت امور مهاجران سوریه، شمار سوری‌های مقیم دیگر کشورها را که در گستره‌ی جغرافیایی آمریکای لاتین، اروپا، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و آمریکا پراکنده‌اند، برابر جمعیت این کشور برآورد کرده است.

هرچند بسیاری از جمله وزارت امور مهاجرین سوریه معتقدند بیش از ۱۵ میلیون سوری الاصل در خارج از کشور به سر می‌برند. این ادعا را به سختی بتوان ثابت کرد. اما بدون شک میلیون‌ها سوری هم اکنون در خارج از کشور زندگی می‌نمایند که بسیاری از آنها در اوایل قرن گذشته میلادی به دلیل اوضاع بد آب و هوایی و امنیتی مجبور به مهاجرت گردیده‌اند. بیشترین حضور سوری‌ها در آمریکای جنوبی می‌باشد.

بر اساس آمار مرکز عالی مطالعات و پژوهش‌های جمعیت در سوریه، بیش از پنج میلیون نفر در این کشور ۳۰/۱۳ درصد مردم زیر خط فقر معیار بالا و ۱۱/۳٪ زیر خط فقر معیار پائین زندگی می‌کنند. خط فقر "معیار بالا" کسانی را شامل می‌شود که قادر به تامین مسکن و لوازم زندگی خود نیستند، در حالی که خط فقر پائین شامل افرادی است که از تامین غذای خود نیز بازمانده‌اند.

نرخ بی‌سوادی برای افراد بالای ۱۵ سال ۶/۲٪ است و طبق اعلام مرکز عالی مطالعات و پژوهش‌های جمعیت در سوریه در سال ۶۲،۸۶٪ پسران و ۵۷٪ دختران زیر ۲۲ سال سرگرم تحصیل هستند. همچنین بر اساس آمار متوسط طول عمر زنان ۷۴ سال و متوسط عمر

جغرافیای انسانی / ۲۳

مردان ۶۹ سال می‌باشد و توزیع جمعیت در هر کیلومتر
۹۲ نفر می‌باشد.

چنانکه در بخش تاریخ معاصر سوریه خواهد آمد این کشور برای مدتها ضعیفترین دولت در میان کشورهای خاورمیانه بود. مرزهای این کشور را قدرتهای استعماری بعد از جنگ جهانی اول و بدون توجه به روابط اساسی جغرافیائی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی موجود در داخل کل منطقه، ترسیم کردند. منطقه‌ای که به نام سوریه می‌خواندند، درواقع سوریه کبیر یا بلاد شام بود که مشتمل بر فلسطین، لبنان و اردن می‌شد. سوری‌ها در ابتدا دولت خود را بخش کوچکی از منطقه وسیع‌تر که فقط اسم آن را باخود دارد، تصور می‌کردند. سوریه از همان ابتدای تأسیس یک نقص بزرگ جغرافیایی داشت. زمامداران سوریه از شناسائی کامل نهاد دولت احتراز می‌کردند و هیچ تمایلی در تحکیم عوامل وحدت در داخل مرزها نداشتند.

”سوریه عربی و مردمش هرگز و هیچگاه مرزهای مملکت خود را به رسمیت نمی‌شناسند و فقط سرحدات وطن بزرگتر عربی را قبول دارند.“ حتی سرود ملی هم کلمه سوریه را در بر ندارد، بلکه از عربیسم و جنگ قهرمانی تمام اعراب تجلیل می‌نماید.

۱- اهمیت استراتژیک سوریه در منطقه

در میان مناطق بزرگ تنش قابل شمارش در سطح کره زمین، منطقه مدیترانه که بطرف خاورمیانه کشیده می‌شود منطقه پر اهمیتی تلقی می‌شود. این

موضوع هم از دیدگاه مردم این منطقه و هم از دید گاه جهانی قابل تایید است. اگر تعمق عمیقی در مناطق جهان به عمل آوریم، مشاهده می‌کنیم که حادثترین مسائل ژئوپلتیکی در منطقه خاورمیانه وجود دارد. با این همه خاورمیانه فقط یک پانزدهم کمربند پیرامونی زمین را تشکیل می‌دهد. مهمترین دلیل وجود تنش (بالقوه) در این منطقه، وجود رژیم نامشروع رژیم صهیونیستی است که با غصب سرزمین فلسطین و توسعه طلبی روز افزون خود همواره عوامل تنش در منطقه را تقویت می‌کند. کشورهای عربی خاورمیانه از بدو پیدایش رژیم صهیونیستی در حال مبارزه با این رژیم بوده اند. البته این مبارزه به طور نامحسوس از دهه ۱۹۸۰ و بعد از اشغال کویت توسط عراق بطور محسوس رنگ باخته است. در حال حاضر تنها سوریه است که در منطقه عربی، در مقابل توسعه طلبی این رژیم جهت منافع خود ایستادگی می‌کند. از طرف دیگر، اهمیت ژئواستراتژیک مدیترانه نیز چشمگیر است و سوریه بعنوان عضوی از این منطقه در معادلات آن صاحب نقش است. اهمیت منافع موجود و تنشهای اطراف مدیترانه نخست ناشی از این واقعیت است که در این بخش از جهان حد و مرزهای چندین مجموعه ژئوپلتیکی با ابعاد جهانی با یکدیگر تلفیق شده و یکدیگر را قطع می‌کنند. از سوی دیگر موضوع منطقه‌ای مطرح است که به ویژه از نظر سیاسی بی ثبات است. زیرا بخش مهمی از کشورهای موجود در منطقه بخصوص آنهایی که در سواحل جنوب شرقی قرار گرفته‌اند با یکدیگر رقابت دارند و شاهد تنشهای داخلی روز افزونی هستند.

کشور سوریه در منطقه مدیترانه از موقعیت خاصی برخوردار است. می‌توان گفت این کشور پل ارتباطی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می‌باشد. سوریه با ۱۸۶ کیلومتر ساحل در دریای مدیترانه با کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد. بخصوص که سوریه از طریق خط لوله نفت در بندر بانیا، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تامین می‌کند و از این راه در معادلات منطقه نقش دارد.

موقعیت سوریه در خاورمیانه نیزقابل تأمل است. همسایگی با رژیم اشغالگر قدس، لبنان و عراق به این کشور موقعیت خاصی بخشیده است که بتواند در بازیهای سیاسی منطقه از جایگاه والایی برخوردار باشد. در میان کشورهای عربی خاورمیانه اکنون تنها سوریه است که سکاندار مبارزه با توسعه طلبی رژیم اشغالگر قدس می‌باشد. نزدیکی دیدگاه رهبران سوریه و جمهوری اسلامی ایران در این باره و دیگر معادلات منطقه‌ای و جهانی نیز به اهمیت نقش سوریه در میان کشورهای عرب منطقه افزوده است.

با نگاه اجمالی به وضعیت کشورهای عرب خاورمیانه متوجه می‌شویم که تنها سوریه است که در بازیهای سیاسی منطقه‌ای نقش مستقیمی‌کند و در عین حال صاحب دیدگاه خاص خود است. به همین دلیل است که محققان روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند تا راهحالی برای جلب نظر دیدگاه رهبری سوریه در هماهنگی با غرب و بویژه امضای موافقتنامه صلح با رژیم اشغالگر قدس پیدا کنند.

درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه محور اهمیت نظامی و استراتژیک سوریه در منطقه می‌باشد. تمام تحلیلهای مقامات رژیم صهیونیستی براین موضوع اتفاق نظر دارند که سوریه به عنوان خطر استراتژیک برضد رژیم صهیونیستی در منطقه است. آنها همچنین متفق القولند که نیروهای مسلح سوریه تنها نیروی مسلح عربی در منطقه است که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. تمام منابع رژیم صهیونیستی (حکومتی، تبلیغاتی و...) بر خطر سوریه تأکید می‌کنند و آن را از لحاظ سیاسی و نظامی به عنوان خطری بر ضد منافع رژیم صهیونیستی و اهداف آن در منطقه عربی دانسته‌اند. این اظهارنظرها پس از حضور نظامی سوریه در لبنان از شدت بیشتری برخوردار شد. کوشش‌های مستمر حکومت حافظ اسد با همکاری شوروی سابق در جهت تقویت بنیه نظامی سوریه سبب شد تا وضعیت ارتش سوریه در مرتبه نخست، از لحاظ حجم و تواناییها بین دیگر

نیروهای نظامی عرب همجوار با رژیم صهیونیستی قرار گیرد. اظهار نظرهای مسئولین رژیم صهیونیستی نشاندهنده دیدگاه آنها از خطر سوریه است. اسحاق شامیر نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی در ۱۹۸۳ اعلام نمود: "پرزیدنت حافظ اسد آخرین فرد در سلسله رهبران عرب که به عنوان خطر برای رژیم صهیونیستی تلقی میشوند قرار دارد" الان پس از گذشت ۲۵ سال صحت این حرف شامیر بیشتر ملموس شده است البته شامیر توجه نداشت که جانشین حافظ اسد فردی مانند آن مرحوم خواهد بود و سیاست او را دنبال خواهد نمود. نقش سوریه در لبنان بر اهمیت استراتژیک سوریه افزوده است. لبنان برای سوریه حکم منطقه‌ای را دارد که دشمنان سوریه به هدف ضربه زدن به منافع منطقه‌ای و بین‌المللی دمشق و یا به شکست واداشتن هر گونه طرح و برنامه‌ریزی سیاسی و نظامی دمشق، از آن طریق اقدام خواهند کرد و تحولات بعد از ترور حریری در سال ۲۰۰۵ و حوادث بعدی به خوبی این مسئله را به اثبات رساند.

منابع رژیم صهیونیستی معتقد بودند با تکمیل عقب نشینی رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های لبنان، سوریه به اقدامات تدریجی نظامی در لبنان روی خواهد آورد و بر اقداماتی از قبیل مسلح نمودن و بسیج نیروهای خود و توزیع و جابجایی آنان در مواقع لزوم تأکید خواهد نمود. بطور مثال از دیدگاه رژیم صهیونیستی، این امکان وجود دارد که سوریه در صورت نیاز نیروهای خود را به منطقه جولان که از نظر رژیم صهیونیستی و سوریه منطقه استراتژیک و امنیتی تلقی می‌شود، گسیل بدارد که از نظر رژیم صهیونیستی اقدامی خطرناک تلقی می‌شود. البته موقعیت لبنان با منافع مالی و امنیت ملی سوریه پیوندهای ناگسستنی دارد و سوریه ناچار از تثبیت موقعیت خویش در لبنان است تا بتواند ضمن حفظ موقعیت استراتژیک خود در منطقه، جلوی ضربه زدن دشمنان به منافع ملی خویش را بگیرد. بخصوص در مقطع زمانی حاضر که ناچار است در منطقه عربی به تنهایی با رژیم صهیونیستی مقابله کند.

سوریه در بین کارشناسان سیاسی بزرگترین کشور کوچک جهان نامیده می‌شود شاید دلیل آن این است که این کشور کوچک اهمیت فوق‌العاده‌ای در منطقه استراتژیک خاورمیانه دارد. این کشوری است که توانست نقش عمده‌ای را در عدم دستیابی رژیم صهیونیستی به مطامع خود در کشورهای عربی ایفاء نماید و وقتی صدام حسین رئیس‌جمهور عراق ناجوانمردانه جمهوری اسلامی ایران را مورد تجاوز خود قرار داد و تلاش می‌نمود جنگ را عربی فارسی نماید با در کنار ایران قرار گرفتن مانع موفقیت عراق شد و حتی اقداماتی را برای تضعیف رژیم صدام به انجام رسانید. زمانی که همه کشورهای عرب بی‌صبرانه منتظر صلح با رژیم صهیونیستی بودند حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه حاضر نشد بدون بدست آوردن تمامی بلندی‌های جولان با رژیم صهیونیستی صلح نماید.

سوریه بارها طی سه دهه گذشته نقش محوری خود را در مسائل مهم خاورمیانه به اثبات رساند و علی‌رغم تلاش‌های غرب و در رأس آن آمریکا برای به زانو در آوردن سوریه در این خصوص موفق نگردیدند و بار دیگر کشورهای جهان در حال پایان دادن به انزوای سوریه می‌باشند. رهبران رژیم اشغالگر قدس فهمیده‌اند که بدون سوریه رسیدن به صلح در منطقه خاورمیانه غیر ممکن است. رژیم صهیونیستی می‌فهمد معنی شکستش در تابستان ۲۰۰۶ در لبنان به واسطه مقاومت نیروهای و رزمندگان حزب الله. به چه معنا است و نباید نقش سوریه را فراموش نماید. وقتی آمریکا بغداد را فتح نمود و برای سوریه و ایران رجزخوانی را شروع کرد نمی‌فهمید که در کنار عراق سوریه قرار دارد با رژیمی که ۴۰ سال تجربه و اداره بحران در کنار رژیم صهیونیستی و لبنان را دارد.

لذا وقتی آمریکا در عراق گرفتار می‌شود کمیته بررسی جنگ عراق به نام بیکر هامیلتون توصیه می‌کند که دولت آمریکا باید با سوریه وارد مذاکره شود. رژیم اشغالگر قدس نیز بارها تلاش نمود تا بار دیگر سوریه را به پای میز مذاکره بکشاند

اما سوریه با تجربه مذاکرات گذشته خود و فلسطینی‌ها با این رژیم می‌گوید به شرطی وارد مذاکره می‌شود که رژیم صهیونیستی تضمین کتی مبنی بر خروج از جولان بدهد. وقتی نیروهای مخالف سوریه در لبنان به واسطه حضور آمریکا در منطقه در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ م، مغرور شدند و فشار خود را به دولت سوریه زیاد نمودند به یکباره دچار سردرگمی شده و حاکمیت آنها با خطر مواجه و لبنان به یکباره وارد بحران می‌گردد که خروج از آن تلاش فراوانی را می‌طلبد. در صحنه فلسطینی فتح که سال‌ها است با سوریه روابطی سرد دارد در اداره امور دولت خود گردان دچار مشکل می‌گردد و حماس مورد حمایت سوریه که رهبرانش در این کشور پناه گرفته‌اند در یک انتخابات آزاد در صحنه فلسطین با حمایت قوی مردمی پیروز می‌شوند و نیروهای مخالف سوریه در صحنه فلسطین برای جبران مافات دست به دامن سوریه می‌شوند همه این موارد نشان از نقش استراتژیک سوریه در منطقه دارد.

با توجه به مطالب فوق در خصوص عوامل ژئوپولتیک بودن سوریه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف - واقع شدن این کشور در منطقه راهبردی خاورمیانه

اگر به مسائل مطرح جهان نگاهی بیفکنیم متوجه می‌شویم حادثترین مسائل و بحران‌های جهان در این منطقه است و این منطقه همواره در جهان خبرساز و توجه جهانیان را به خود جلب می‌نماید حال این مسئله روزی جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی روز دیگر پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و روز دیگر تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صلح خاورمیانه، حمله عراق به کویت، درگیری آمریکا و عراق و اشغال این کشور توسط آمریکا می‌باشد. همه این موارد نشان از راهبردی بودن این منطقه و اهمیت آن در جهان دارد. سوریه در اکثر این بحران‌ها دارای نقش محوری بوده است.

ب - واقع شدن سوریه بر کناره شرقی دریای استراتژیک مدیترانه

این کشور حدود ۱۸۳ کیلومتر ساحل در کنار دریای مدیترانه دارد. این ساحل سوریه را به عنوان یک کشور حوزه دریای مدیترانه قرار داده است. وجود سوریه در این منطقه در واقع پل ارتباطی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا به حساب می‌آید و با توجه به برنامه‌های دولت سوریه می‌تواند یکی از مراکز مهم انتقال انرژی (نفت و گاز) به اروپا به حساب آید.

ج - همسایگی در کنار رژیم صهیونیستی، لبنان، ترکیه و عراق

موقعیت ویژه‌ای را به این کشور داده و چنانکه در بالا اشاره شد می‌تواند تأثیرات زیادی در این کشورها گذاشته و به عنوان بازیگر عمده منطقه‌ای به حساب آید. این تنها سوریه است که در میان کشورهای منطقه در حال بازی کردن نقش عمده است در حالی که سوریه هنوز به اردوگاه آمریکا و غرب وارد نشده و علی‌رغم فشارهای زیادی که از سوی غرب و همپیمانان این کشور علیه سوریه وارد می‌شود این سوریه است که هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای را در منطقه چه لبنان، چه عراق و چه فلسطین الغاء می‌نماید. تنش در روابط با رژیم صهیونیستی یا بهتر گفته شود عدم دستیابی به صلح بین سوریه و این رژیم می‌تواند از چالش‌های مهم منطقه برای آمریکا به حساب آید. رژیم صهیونیستی بارها بر این مسئله تأکید کرده است که تنها ارتشی عربی که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض تهدید قرار دهد ارتش سوریه است کوشش‌های بشار اسد در تقویت ارتش این کشور به سلاح‌های پیشرفته به خصوص روسی بارها مورد اعتراض آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است.

از نظر داخلی بعضی از عوامل می‌تواند موجب افزایش نقش و قدرت رژیم حاکم بر سوریه گردد از جمله:

الف - ایدئولوژی

در ادبیات سیاسی، ایدئولوژی از نظر لغوی به مفهوم عقیده یا نظر سیاسی، تعریف شده است. برخی آن را مجموعه‌ای از اندیشه‌ها درباره زندگی، جامعه و یا حکومت اطلاق می‌کنند که با گذشت زمان بر اثر کثرت استعمال به صورت اعتقاد مسلم و وجه مسلم و وجه مشخص گروه یا حزبی خاصی در می‌آید. به بیان دقیق‌تر، ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیتهای خارجی است. ایدئولوژی دارای کارکردهایی است که از آن جمله می‌تواند باعث تقویت روحیه ملی شود. ایدئولوژی در شرایط وجود اختلافهای فرهنگی، نژادی و قومی عاملی وحدت دهنده و یکپارچه کننده بشمار می‌رود. در چهار چوب سیاست خارجی، ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش نسبت به جهان فراهم می‌آورد و بالاخره این عنصر تشکیل دهنده قدرت معیارها و ضوابط مشخص و معینی را در اختیار سیاستگذاران قرار می‌دهد تا بر اساس آن چهارچوب هدفها و منابع ملی خویش را ترسیم نمایند.

یکی از عوامل تقویت و قدرت رژیم فعلی سوریه ایدئولوژیک بودن و بعثی بودن این حزب است با توجه به اینکه سیاستگذاری این حزب منبعث از سه اصل مهم و اصلی این حزب است می‌تواند باعث تقویت روحیه ملی گردد. این اصول توانسته است روحیه وحدت ملی در سوریه را افزایش داده و اختلافات مذهبی و فرهنگی را به حاشیه براند. سیاستگذاری در دولت سوریه منبعث از ایدئولوژی حزب بعث بر مبنای سه شعار:

- میهن عربی واحد سیاسی و اقتصادی تجزیه ناپذیر است.

- ملت عرب یک واحد فرهنگی است و تمام اختلافات با بیداری اعراب از بین خواهد رفت.

- میهن عربی از آن اعراب است و فقط آنان حق دارند امور اعراب را اداره کنند و از ثروت‌های آن بهره ببرند و سرنوشت آن را به دست بگیرند.

ب - جمعیت

کم و کیف جمعیت اعم ازدوران صلح یا جنگ عامل عمده‌ای در قدرت یک واحد سیاسی تلقی می‌شود. در این باره باید به وجود افراد متخصص و ماهر، تعداد نیروهای رزمی، میزان رشد جمعیت و قابلیت نظام سیاسی در ارائه خدمات لازم به مردم اشاره کرد. برای نمونه چین با بیش از یک میلیارد جمعیت، بدون توجه به سایر عناصر تشکیل دهنده دولت، به مراتب بیش از ویتنام با جمعیتی بر سیاست بین‌المللی تاثیر می‌گذارد. بدین ترتیب جمعیت زیاد باعث فراهم آمدن امکانات لازم اقتصادی، تکنولوژیک و نظامی می‌شود و در شرایطی که دولت از سایر عوامل قدرت از برتری نسبی برخوردار باشد می‌تواند با اتکالی عامل جمعیت در تامین منافع و تحقق هدفهای ملی خویش توفیق بیشتری بدست آورد.

برتری جمعیت سوریه نسبت به جمعیت کشورهای رژیم صهیونیستی، اردن و لبنان یک امتیاز مثبت در منطقه‌ای که یک نزاع قدیمی و ریشه دار بین اعراب و رژیم صهیونیستی وجود دارد، محسوب می‌شود. منتها جمعیت سوریه عمدتاً در قسمت غربی در حاشیه ساحل دریای مدیترانه و مرز لبنان مستقر هستند. قسمتی از جمعیت نیز در حاشیه رودخانه فرات مستقر هستند. بدین صورت قسمت وسیعی از مناطق مرکزی و جنوبی به علت کویری بودن، خالی از سکنه می‌باشند. بدین ترتیب توزیع جمعیت در سوریه بطور متمرکز در قسمتهای محدودی از کشور صورت گرفته است که این امر ضریب آسیب پذیری کشور را تا حدی بالا می‌برد.

ج - عوامل جغرافیایی

وسعت، شکل، وضع طبیعی، مرزها و وضعیت اقلیمی همگی از مهمترین عواملی هستند که باید در ارزیابی قدرت کشورها مورد توجه قرار گیرند.

سرزمین وسیع، ضمن آنکه می‌تواند نیروی انسانی زیادی را درخود جای دهد، در دوران جنگ امکان عقب‌نشینی نیروهای نظامی را فراهم کرده موقعیت تسخیر ناپذیری به آن می‌دهد. برای نمونه، روسیه در سال ۱۸۱۲ م، بدنبال حمله ناپلئون به این سرزمین و نیز شوروی سابق در سالهای ۴۲-۱۹۴۱ پس از تهاجم نیروهای آلمان نازی به این کشور، موفق شد دشمنان خود را از پای درآورد. زیرا وسعت خاک این کشور سبب گردید تا قوای آن بتواند صدها کیلومتر عقب‌نشینی کند و این تاکتیک مشکلات زیادی را از لحاظ پشتیبانی و تدارکات برای دشمنان بوجود می‌آورد.

شکل جغرافیایی سرزمین باید در ارزیابی قدرت ملی مورد توجه قرار گیرد. چنانچه شکل جغرافیایی یک کشور صورت هندسی منظم داشته باشد، آن کشور از موقعیت تدافعی مناسبی برخوردار خواهد بود. زیرا وجود مرکز مشخص، تسهیلات قابل ملا حظه‌ای را از لحاظ ارتباطات فراهم می‌آورد. عامل دیگری که باید در چهارچوب جغرافیا مورد توجه قرار گیرد وضع طبیعی قلمرو کشور است. کوهستانی بودن یک سرزمین، گرچه ممکن است یک سری مسایل ارتباطی را در پی داشته باشد، از نظر دفاعی می‌تواند سودمند افتد.

کشور سوریه یک کشور کوهستانی می‌باشد. با توجه به اینکه سلسله کوه‌های سوریه بیشتر در حاشیه دریای مدیترانه می‌باشد، موقعیت استراتژیکی ویژه‌ای به ساحل غربی سوریه بخشیده است. ضمن اینکه دژ محکمی در برابر حملات دریایی به سوریه محسوب می‌شود از طرفی دستیابی به قله‌های کوه‌ها، ضریب امنیتی شهرهای سوریه بویژه پایتخت را کم می‌کند. کما اینکه رژیم صهیونیستی با اشغال ارتفاعات جولان توانسته است شهر دمشق پایتخت سوریه را در تیررس خود قرار دهد و به همین خاطر است که سوریه برای برقراری صلح با رژیم صهیونیستی بر عقب نشینی کامل نیروهای اشغالگر صهیونیستی از ارتفاعات جولان بسیار تأکید می‌کند تا بدینوسیله ضریب امنیتی دمشق را افزایش دهد.

از طرف دیگر روابط یک دولت با سایر واحدهای سیاسی و وجود همسایگان ضعیف موجب می‌شود که در منطقه، حائلی برای جلوگیری از تهاجم بوجود آید.

د - عوامل نظامی

نیروی نظامی یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی به شمار می‌رود. در چهار چوب قدرت نظامی، سلاحها و تجهیزات جنگی، کم و کیف افراد نظامی، رهبری، بودجه نظامی، پایگاه‌ها، فنون نظامی، تحرک نیروها و امکانات لجستیکی مورد توجه قرار می‌گیرند از نظر کمی سوریه از نظر عده و عده بعد از رژیم صهیونیستی و ترکیه قدرت برتر منطقه به حساب می‌آید.

۲- نقش عناصر تشکیل دهنده قدرت در سوریه

کم و کیف عوامل مختلفی چون مردم، سرزمین، حکومت در افزایش یا کاهش قدرت واحدهای سیاسی و موفقیت یا عدم موفقیت آنها در تحقق اهداف و یا تأمین منافع نقش بسزائی دارند و میزان تاثیرپذیری و یا تاثیرگذاری دولتها را در صحنه سیاست بین‌الملل مشخص می‌کند.

عوامل نظامی در اغلب موارد، هنگامی که از قدرت ملی سخن می‌گوئیم، نیروی نظامی به ذهن متبادر می‌شود ولی همان گونه که ملاحظه کردیم نیروی نظامی یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی بشمار می‌رود. در چهارچوب قدرت نظامی می‌باید سلاحها و تجهیزات جنگی، کم و کیف افراد نظامی، رهبری، بودجه نظامی، پایگاهها، فنون نظامی، تحرک نیروها و امکانات تدارکاتی و لجستیکی مورد توجه قرار گیرند. اگر بخواهیم عوامل کمی قدرت نظامی سوریه را در مقایسه با دیگر کشورهای همسایه اش مقایسه کنیم، سوریه در رتبه بعد از رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد. بطور کلی کشورهای منطقه از حیث قدرت نظامی قابل قیاس با رژیم صهیونیستی نمی‌باشند. اما آنچه مسلم است عامل نظامی را نباید بصورت یک متغیر مستقل مورد بررسی قرار داد، زیرا قدرت

نظامی خود تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیک اقتصادی، روانی، ژئوپلتیک قرار می‌گیرد.

۳- عوامل ژئوپلتیک در روند سیاسی

سه عامل مهم ژئوپلتیک در تعیین روند سیاسی سوریه نقش دارند:

- الف - وجود اندیشه‌های نیرومند محلی گرا
 - ب- تغییرات مرزی بعنوان یک معیار تعیین کننده در ناسیونالیسم سوری
 - ج- اهمیت وفاداری‌های فوق ملی
- عامل اول اینکه سنت خود کفایی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محلی موجب تحکیم وفاداری‌های محلی در برابر سیاست‌های ملی شده و از اهمیت بسیاری از مسایل مربوط به رشد کاسته است. در این کشور ۱۲ مرکز محلی وجود دارد که هر کدام از یک شهر با حداقل صد هزار سکنه و چند شهرستان بزرگ و دهها روستا تشکیل شده و از یک پایگاه سنتی خودکفایی کشاورزی برخوردار است. مراکز جنوبی در قنیطره، السويدا (یا جبل دروز)، درعا و دمشق قرار دارند. مراکز حماه، حمص و لاذقیه در دشت و کوهستان پرجمعیت‌ترین مراکز شمال شرقی هستند. شهر شمالی حلب دومین مرکز بزرگ و پراهمیت کشور محسوب می‌شود. شهر دیرالروز ورقه در زمین‌های حاصلخیز منطقه فرات مرکز این منطقه کم جمعیت شمال غربی است. حسکه و قامشلی در منطقه جزیره در شمال شرق قرار دارد. معمولاً در بررسی تاریخ و اوضاع کنونی سوریه، چهار مرکز پرجمعیت لاذقیه، حماه، حلب و دمشق مورد توجه قرار می‌گیرد. یکپارچه نبودن هویت سوریه موجب آن است که احساسات و وفاداری‌های هر منطقه زمینه تحکیم همین نوع احساسات را در مناطق دیگر فراهم آورد و بدین سان اندیشه‌های محلی کماکان ماندگار شود.

دومین عامل ژئوپلتیک وجود ابهام در ارائه یک تعریف دقیق از موجودیت سوریه است. بطورکلی سوریه در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول، میان دو جنگ جهانی و پس از استقلال سه هویت مختلف سیاسی و

جغرافیایی داشته است. این کشور قبل از جنگ جهانی اول، یکی از استانهای امپراطوری عثمانی شامل اردن، فلسطین و لبنان کنونی محسوب می‌شد. پس از جنگ این مناطق به بخش‌های انگلیسی و فرانسوی تقسیم شد. در میان دو جنگ سوریه به همراه لبنان، استان اسکندرون تحت سرپرستی فرانسوی‌ها قرار گرفت. در سال ۱۹۳۹ م، استان اسکندرون به وسیله سربازان ترک به رهبری آتاتورک اشغال شد و این اشغال هیچگاه مورد قبول سوریه قرار نگرفت. در این نوشته منظور از سوریه، سرزمین و مردمی است که در سوریه مستقل قرار گرفته‌اند. موجودیت این کشور همچنین شامل یک ابهام سیاسی است. جنگ با رژیم صهیونیستی همیشه ترکیب نخبگان سوریه را تحت فشار قرار داده است. می‌توان گفت که اصولاً اگر چیزی به نام ناسیونالیسم سوری وجود دارد در واقع مکانیسمی دفاعی در برابر این عوامل خارجی و از جمله رژیم صهیونیستی است. مقایسه موقعیت سوریه با همسایگانش آموزنده است. برای ملی‌گرایان لبنانی، عراقی و ترک صرفنظر از هر گونه ادعای اراضی، یک چهارچوب مشخص جغرافیایی وجود دارد. اما ناسیونالیسم جدید و کشور سوریه از دو ماهیت مختلف سیاسی برخوردارند که اندیشه‌های ملی‌گرایانه سوریه را مبهم و پراکنده ساخته است.

سومین عامل ژئوپلیتیک را اندیشه‌های نیرومند محلی و تناقض میان ناسیونالیسم سوری و سرزمین سوریه تشکیل می‌دهد. تغییر مرزهای جغرافیایی سوریه در قرن بیستم زمینه رشد هر گونه ناسیونالیسم یکپارچه و پرمغز را از میان برد و شعور سیاسی سوری‌ها را قبل و بعد از استقلال بر وفاداری‌های محلی و یا ماورای ملی قرارداد و شعارهای پان عربیسم بعثی و سوریه بزرگ را همزمان در کنار آرمان‌های محلی گذاشت. برای سوری‌ها مرزهای کشورشان هرگز حقیقی نبوده و هویت عربی از هویت سوری پرمعناتر است. در این شرایط اگر وفاداری به دولت مرکزی نباشد ممکن است سیاست‌های محلی جایگزین سیاست‌های ملی شوند.

۴- عوامل گریز از مرکز در سوریه

در سوریه به علت توسعه نیافتگی زیر ساختهای مربوط به ارتباطات و سلسله مراتب مکان مرکزی در سطح ملی وفاداری سیاسی ناحیه‌ای قوی است. فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها با جدا سازی شهرهای عمده سوریه مثل حلب، حمص و دمشق از بندرهای مدیترانه‌ای حیفا، بیروت و اسکندرون که قبلاً در ارتباط بودند از طریق مرزهای سیاسی تحمیلی، الگوی میان کنشی منطقه را به کلی درهم ریختند. نقشه سیاسی بعد از جنگ جهانی اول نیز باعث برهم خوردن ارتباطات از طریق راه آهن شد. مرز شمالی به سمت جنوب تنها خط شرقی - غربی که از داخل ترکیه می‌گذشت، ترسیم شد. به همان نحو، خط بین دمشق و حمص (در نتیجه حمه و حلب) از داخل لبنان می‌گذشت. به این دلایل بود که سوریه واقعاً نتوانست تا قبل از دهه ۱۹۶۰ به توسعه بندرهای خود در لاذقیه و طرطوس پردازد یا راه‌های آهن مناسب‌تر و شبکه راه‌های داخل شهری بنا کند. عامل دیگری که مانع همبستگی و یکپارچگی سوریه به شمار می‌رفته است فقدان یک کانون جغرافیایی بارز است. دمشق و حلب که تا همین اواخر نیز دارای وسعت برابر بودند به طور سنتی رقیب یکدیگر بوده‌اند. طی دهه ۱۹۵۰ احزاب سیاسی با داشتن مقر در یکی و یا دیگری برای کسب قدرت در سطح ملی با یکدیگر رقابت داشتند. در حالی که دمشق طرفدار برقراری روابط نزدیکتر با مصر بود، حلب کوشش می‌کرد سوریه را متوجه عراق کند که موقعیت مناسبی بر سر راه عمده تجارتي بین آسیای صغیر و جلگه بین‌النهرین داشت. این توجیهات متضاد در عدم ثبات سوریه طی سالها و مشکلات آن کشور موثر بوده است. اگرچه دمشق که پایتخت است امروزه از نظر وسعت و اهمیت از حلب پیشی گرفته است ولی تنش به قوت خود باقی است. سایر مکانهای مرکزی ناحیه‌ای که بطور سنتی کانون تمرکز وفاداریهای سیاسی را تشکیل داده‌اند شامل لاذقیه، حمص و حمه می‌شوند.

۵- نقش تعیین کننده عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

منابع طبیعی مهم و شناخته شده‌ای در سوریه و جود ندارد که بتواند نقش راهبردی به سوریه بدهد. منابع گاز و نفت سوریه در حال کاهش است و سوریه در حال حاضر نیازمند گاز است و تا چند سال دیگر نفت این کشور دیگر کفاف مصرف داخلی را نیز نخواهد داد. محصول عمده صادراتی این کشور در حال حاضر محصولات کشاورزی است و زمین‌های کشاورزی منبع در آمد اصلی کشور می‌باشد و آب نقش حیاتی در سرنوشت آن ایفا می‌نماید. رودهای اصلی سوریه غالباً از کشورهای همسایه (ترکیه و لبنان) سرچشمه می‌گیرند و جریان مداوم رودخانه فرات نقش عظیمی در حیات اقتصادی این کشور دارد. از طرف دیگر سوریه نسبت به دیگر کشورهای همسایه خود کشوری با رشد جمعیت بالا است و نیروی انسانی یکی از منابع اصلی در آمد کشور می‌باشد. گفته می‌شود نیمی از جمعیت سوریه در خارج از این کشور زندگی می‌نمایند و بسیاری از سوری‌ها در دهه‌های قبل به کشورهای آمریکای لاتین و اروپا مهاجرت نموده‌اند و در حال حاضر بسیاری از سوری‌ها در کشورهای عربی خلیج فارس به کار مشغول هستند. دولت سوریه می‌تواند با گسترش نیروهای متخصص بازار کشورهای عربی را از آن خود نماید.

۱- تاریخچه ادیان در سوریه

سوریه از قدیم مهد ادیان سماوی بزرگی مانند یهودیت و مسیحیت بوده و از زمانهای بسیار دور محل حضور پیامبران بزرگی چون ابراهیم (ع)، موسی (ع) و عیسی (ع) و... بوده است، چنانکه در جای جای این کشور هنوز نشانه‌های این ادیان و پیامبران بزرگ خدا به چشم می‌خورد از مقبره هابیل در کوه قاسیون گرفته تا مقبره یحیی و زکریا و... .

راهب مجرا اولین فرد بشری که مژده ظهور پیامبر اسلام به عنوان پیامبر خدا را در نوجوانی حضرت محمد داد در این کشور بوده است محل دیر این راهب هنوز در استان درعا و شهر بصری وجود دارد. شهر مهم بیت المقدس که محل مقدس تمام ادیان است در کنار این کشور است و روزی جزء سوریه بوده است. در این کشور مقبره‌های پیامبران بزرگ خدا که در قرآن به آن اشاره شده به وفور یافت می‌شود. به همین دلیل سوریه، لبنان، اردن و فلسطین (سوریه بزرگ) دارای گوناگونی مذهبی فراوانی می‌باشند. این گوناگونی مذهبی در بعضی از زمان‌ها موجب بروز تنش‌هایی در این منطقه شده است. اما روی هم رفته مردم سوریه زندگی مسالمت‌آمیز و همزیستی درکنار یکدیگر را پذیرفته‌اند. لذا طی چند دهه گذشته شاهد تنش مذهبی در این کشور نبوده‌ایم. درگیری رژیم

صهیونیستی و اعراب (مسلمان) را باید در مقوله‌ای دیگر جستجو کرد و هرگز نباید آن را یک جنگ مذهبی به حساب آورد. البته نقش حاکمیت حزب سکولار بعث در این زمینه را نیز نباید فراموش نمود شاید یکی از دلایل آن وجود حکومتی سکولار در این کشور است که به قومیت عربی بیش از دین و مذهب اهمیت می‌دهد. حکومت سوریه به شعائر مذهبی اهمیت می‌دهد اما یک حکومت مذهبی نمی‌باشد. رئیس‌جمهور سوریه در بعضی مراسم مذهبی مهم شرکت می‌نماید به طور مثال سعی می‌نماید در نمازهای جمعه در ماه مبارک رمضان شرکت نماید و در دو نماز عید مبارک فطر و قربان نیز شرکت و مسئولین و شهروندان را بمناسب این اعیاد در مساجد به حضور می‌پذیرد از سوی دیگر در مراسم مذهبی مسیحیان نیز برای تبریک نماینده می‌فرستد و و یا خود به مناسبت‌های مختلف رهبران مذهبی را به حضور می‌پذیرد. آقای بشار اسد در ماه رمضان سال ۱۳۸۶ نماز عید فطر را در مسجد خالد بن ولید در استان حمص به جای آورد که انعکاس خوبی در بین مردم این استان داشت.

حضور جوامع مسیحی و مسلمان در سوریه این کشور را با مسئله‌ای حاد مواجه ننموده است. شاید دلیل آن نیز فرقه‌های زیادی باشد که در بین مسلمانان و مسیحیان در سوریه وجود دارد. وقتی گفته می‌شود ۸۵٪ مردم سوریه مسلمان و ۱۵٪ مسیحی هستند این درصد شامل اهل سنت، علوی‌ها، اسماعیلی‌ها، دروزی‌ها می‌شود و مسیحیان نیز به فرقه‌های مختلف تقسیم می‌شوند که مهمترین آنها روم ارتدکس، روم کاتولیک، ارمن کاتولیک، ارمن ارتدوکس و انجیلی‌ها می‌باشند. شاید بتوان دلیل این امر را پراکندگی جغرافیایی آنان دانست زیرا مسیحیان در هیچ استانی اکثریت ندارند و فقط در شهر صافیتا در استان طرطوس دارای اکثریت نسبی هستند. ضمناً مسیحیان سوریه خود را ساکنین اصلی این سرزمین می‌دانند و حتی آنها در توسعه ملی‌گرایی عربی نقش عمده‌ای ایفا نموده‌اند. سایر مذاهب سوریه نیز از آن جهت به ناسیونالیست عربی جلب

شده‌اند که بیم دارند اگر سوریه با بعضی دیگر از کشورهای عربی متحد شوند آنها در جامعه ذوب شوند. همچنین تعداد اقلیتهای مذهبی در سوریه نسبتاً زیاد است مسیحیان حدود ده فرقه مذهبی هستند همچنین چندین فرقه مذهبی مسلمان در سوریه وجود دارد از جمله اهل سنت، علوی دروزی، اسماعیلی، یزیدیه. علویان عمدتاً در بلندیهای مشرف بر ساحل دریای مدیترانه ساکن هستند و فرقه یزیدیه در جبل سنجار، اسماعیلیه در استان حماه به خصوص شهر سلمیه و موحدین (دروز) در استان سویدا در جنوب سوریه مستقر می‌باشند.

شیعیان سوریه نیز علاوه بر شهر دمشق (محلله‌های امام صادق و زین العابدین) در استان‌های دیگر از جمله حلب (دو شهرک نبل و الزهراء) حمص و درعا و ادلب زندگی می‌نمایند.

۲- سیاست مذهبی حکومت

حکومت سوریه نیز بر پایبندی به شعائر مذهبی تأکید دارد و خود را مکلف به اهتمام به آن می‌داند. به واسطه همین موضوع انجام شعائر مذهبی را در سازمان‌ها و دوائر دولتی لازم دانسته است. مسئولین و کارمندان دولتی نیز بواسطه تعلقات دینی خود را بر انجام این مهم ملزم می‌دانند. دولت به برپایی اعیاد و مراسم مذهبی در سازمان‌های دولت تأکید دارد و تلاش می‌نماید این مراسم با شکوه برگزار شود. سازمان‌های دولتی بودجه‌ای را به امور مراسم مذهبی اختصاص می‌دهند. مراسم مذهبی به خصوص در ایام ماه مبارک رمضان بیشتر شکل می‌گیرد و تلویزیون و رادیو دولتی سوریه برنامه‌هایی را به امور مذهبی اختصاص می‌دهند و به رهبران مذاهب مختلف اسلامی در سوریه اجازه استفاده از این رسانه ملی جهت مخاطب قرار دادن مردم داده می‌شود. سال‌ها است سریالهای تلویزیونی سوریه که بعد از افطار پخش می‌شود مردم کشورهای عربی و جامعه سوریه را مورد تاثیر قرار داده و حتی بعد از پایان این سریال‌ها مردم از آنها و شخصیت‌های آنها یاد می‌نمایند و بعضی از محله‌ها را به نام این شخصیت‌ها

نام گذاری می‌نمایند. ضمناً نماز عید فطر و مراسم حج واجب چند سالی است که از طریق تلویزیون سوریه مستقیم پخش می‌گردد.

۳- قانون اساسی و دین

در قانون اساسی سوریه دین رسمی معرفی نشده است و از این نظر قانون اساسی سوریه در بین کشورهای عربی منحصر به فرد است. زیرا در تمام کشورهای عربی به غیر از لبنان دین رسمی، اسلام معرفی شده است. اما در قانون اساسی سوریه به دین رسمی اشاره‌ای نگردیده است. اما در ماده ۳ قانون اساسی سوریه منبع اصلی قانونگذاری فقه اسلامی معرفی شده است.

طرفداران ادیان مختلف در سوریه از آزادی نسبی برخوردار می‌باشند. ولی بر طبق قانون احوال شخصیه سوریه مصوب ۱۹۵۳ میلادی دفاتر اسناد رسمی حق ندارند مرد و زنی از دو دین مختلف را به ازدواج یکدیگر در آورند و ماده ۴۸ این قانون ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان را باطل می‌داند ضمناً دادگاهها احوال شخصیه دروزی و مسیحی به هیچ وجه چنین ازدواجی را ثبت نمی‌نمایند. دادگاههای شرعی در سوریه اجازه نمی‌دهند زن مسلمان به ازدواج مرد دروزی در آید مگر اینکه اسلام خود را اعلام نماید، این مسئله موجب اعتراض دروزی‌ها گردیده است. چنانکه اشاره شد در سوریه حدود ۱۳ مذهب و دین وجود دارد و دادگاههای مذهبی بیش از هفت نوع می‌باشد (دادگاههای دروزی‌ها، روم ارتدوکس، کاتولیک، آشوری، انجیلی‌ها، شیعیان و یهودیان). هر یک از این دادگاهها مسائل شرعی ادیان و مذاهب خویش را مورد اهتمام قرار می‌دهند.

نسبت پیروان ادیان مختلف در سوریه را می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

اهل سنت ۷۰٪ ، شیعیان ۱۵٪ ، مسیحیان ۱۰٪ و دروزی‌ها ۵٪

۴- افزایش رویکرد به مذهب در سوریه:

مردم سوریه از قدیم مردمی مذهبی بوده‌اند و این کشور مهد ادیانی مانند مسیحیت بوده و تعداد زیادی از پیامبران در این منطقه مبعوث شده‌اند و آرامگاه و ضریح بسیاری از ایشان در سوریه می‌باشد.

پس از ظهور اسلام و تصرف سوریه توسط خالد بن ولید اسلام در این منطقه گسترش یافت و سال‌ها دمشق پایتخت خلافت اموی بود. حضور تعداد قابل توجهی از صحابه و اهل بیت در شام به گسترش اسلام در این منطقه کمک نموده است و مردم سوریه چه در زمان اموی‌ها، فاطمی‌ها و عثمانی‌ها مردمی مذهبی بوده که شئونات اسلامی را رعایت می‌نموده‌اند. اما در دهه ۵۰ قرن گذشته با ظهور احزاب و عقاید سکولار در منطقه مانند حزب بعث، تا حدودی سکولاریسم در سوریه گسترش یافت اما در سه دهه اخیر ما بار دیگر شاهد ظهورگرایی به اسلام بوده‌ایم. به طوری که بنا بر نظر ناظران رعایت حجاب اسلامی و رعایت شئونات اسلامی بشدت گسترش یافته است.

درحالی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی احزاب سکولار و چپ توانسته بودند جوانان عرب را جذب و شاهد گسترش نوعی سکولاریسم در این منطقه باشیم، اما امروزه وقتی در خیابانهای شهر دمشق حرکت می‌نمائیم با مظاهری از گسترش اسلام گرائی مواجه می‌شویم، به طور مثال دربسیاری از رستورانهای مدرن دیگر مشروبات الکلی تقدیم نمی‌گردد. بسیاری از رستورانها جهت جذب مشتری، عدم تقدیم مشروبات الکلی در رستوران خود را تبلیغ می‌نمایند که این نشانه‌ای دیگر از گسترش رعایت شئونات اسلامی است. از سوی دیگر تعداد مساجد و مراکز حفظ قرآن در حال افزایش می‌باشد.

در حال حاضر در سوریه بیش از ۸ هزار مسجد و ۱۲۰ مرکز حفظ قرآن که به اسم حافظ اسد نامگذاری شده است وجود دارد. مدارس علمیه اهل سنت به سرعت در حال گسترش است به طوری که بنا بر اظهار دکتر صلاح کفتارو مدیر مرکز اسلامی شیخ کفتارو در

حال حاضر دانشجویانی از ۶۰ کشور جهان در این مدارس مشغول به تحصیل می‌باشند. ضمناً ۶۰۰ مؤسسه حفظ قرآن کریم نیز در مساجد فعال است. حرکت جالب توجه دیگر گسترش مدارس علمیه دینی خانم‌ها در سوریه است. به طوری که گفته می‌شود علاوه بر برگزاری جلسات مذهبی در منازل، بیش از ۸۰ مدرسه علمیه مخصوص زنان نیز در سوریه فعال است.

بنابر آمار رسمی تمایل جهت ادامه تحصیل در دانشکده الهیات دمشق نیز طی ۱۰ سال گذشته بشدت گسترش یافته است. به گونه‌ای که ۷۶۰۰ دانشجو از ۴۸ هزار دانشجوی دانشگاه دمشق در دانشکده الهیات این دانشگاه مشغول به تحصیل می‌باشند. مدارس دینی مهم اهل سنت که در سراسر سوریه فعال می‌باشند را می‌توان به شرح ذیل برشمرد: مرکز فرهنگی آموزشی شیخ احمد کفتارو، مجتمع آموزشی فتح اسلامی، مدرسه نور، مدرسه شیخ احمد حسون در حلب، مدرسه اسلامی قصاب و مدرسه شیخ خزنوی در استان حسکه. ضمناً شیعیان نیز مدارس علمیه زیادی در زینبیه در حومه دمشق دارند که صدها تن از سوریه و دیگر کشورهای اسلامی در آن مشغول تحصیل می‌باشند. از مهمترین این مدارس می‌توان به مدرسه امام خمینی (ره) و مدرسه رسول اکرم (ص) و مدرسه آیت الله شیرازی اشاره نمود. دو مدرسه محسنیه و یوسفیه که از مدارس مهم غیر دولتی سوریه است توسط بزرگان شیعه دمشق اداره می‌شوند و از نظر کیفیت آموزشی می‌توان آن را همتای مدارس علوی و نیکان در ایران به حساب آورد. فارغ التحصیلان مدرسه محسنیه سال‌ها است که در دانشگاه‌های سوریه رتبه اول را بدست می‌آورند و مقامات عالی را کسب نموده‌اند.

۵- دلایل گسترش دین در سوریه

گسترش ظواهر اسلامی و رعایت شئون اسلامی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. یکی از دلایل آن مخالفت با دولت سکولار است. دولت سوریه پس از مواجهه با گروه تندرو اخوان المسلمین و سرکوب

شدید آنها طی سال‌های گذشته شدت سکولاریسم را کاهش داده است و حتی برای تقویت اسلام گرایان میانه رو تلاش‌هایی نمود و تا حدودی موفق گردیده است. به نظر می‌رسد علاوه بر عامل داخلی، تحولات منطقه و جهان نیز در گسترش اسلام گرائی در سوریه اثر عمده‌ای داشته است.

اولین تحول مهم پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در ایران بود. پیروزی این انقلاب با اصول و ارزش‌های ویژه خود اثر بسیار زیادی در جهان به خصوص کشورهای اسلامی گذاشت رابطه بسیار خوب ایران و سوریه طی چند سال اخیر موفقیت‌های بزرگ سیاسی، علمی و نظامی کشورمان، اثرات ویژه‌ای در سوریه بر جا گذاشت که گسترش اسلام گرائی یکی از آنان می‌باشد.

دومین تحولی که در تمایلات مردم به اسلام به خصوص قشر دانشجو و جوان تاثیر داشت فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکست نظریه کمونیسم بود. تضعیف کمونیسم در جهان و عدم دستیابی احزاب چپ و سکولار به موفقیت‌های مهم و قابل توجه علاوه بر اینکه بر تفکرات و نظرات گروه‌های چپ در سوریه اثر داشت موجب گردید هزاران جوان سوری که هرساله جهت ورود به دانشگاه و یا کار عازم کشورهای اروپائی می‌شدند راهی کشورهای حوزه خلیج فارس شدند که دارای جامعه‌ای اسلامی و سنتی بود. اقامت در کشورهای خلیج فارس موجب تاثیرپذیری آنها شد و بازگشت این افراد به سوریه موجب و تقویت توجه به شئون اسلامی گردید.

سومین دلیل تقویت اسلام گرائی را می‌توان پیروزی عظیم حزب‌الله در جنوب لبنان بر رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ و پیروزی غرور آفرین در جنگ ۳۳ روزه در تابستان سال ۱۳۸۵ بر شمرد. رابطه سوریه با حزب‌الله و مقاومت اسلامی در لبنان و

فلسطین (حماس و جهاد اسلامی) و تبلیغ در این خصوص، این فکر که اسلام تنها راه حل می‌باشد را تقویت نمود. البته عواملی چند از جمله گسترش تندروی یهودی و پیروزی احزاب تندروی مذهبی در رژیم صهیونیستی و همچنین دامن زدن به اختلافات مذهبی در عراق و لبنان نیز موجب گسترش نوعی تندروی اسلامی در سوریه گردیده است.

۶- نگاهی به بعضی از مذاهب موجود در سوریه علوی‌ها:

در سوریه، ترکیه و همچنین در شمال لبنان (طرابلس) فرقه‌ای به نام "علوی" وجود دارند که از طوایف اسلامی و از نظر مذهب شناسی از فرق شیعه امامیه می‌باشند و علت تسمیه آنها به علوی علاقه خاص این فرقه به حضرت علی (ع) می‌باشد. علویان مانند شیعیان معتقدند جانشین شرعی پیامبر حضرت علی (ع) است، گرچه در برخی از آنها نوعی غلو در خصوص امام علی (ع) و فرزندان ایشان وجود دارد، اکثریت آنها شیعه دوازده امامی می‌باشند. بر اثر ظلم و آزار و اذیتی که در طول تاریخ بر علویان روا داشته شده است، آنها به مرور زمان از جبل سنجار در عراق امروزی به کوه‌های اطراف دریای مدیترانه مهاجرت نموده‌اند تا از دست ظلم و ستم مخالفان در امان بمانند و علی‌رغم آن در طول تاریخ مورد ظلم و ستم بسیاری قرار گرفتند. با این حال و با وجود انزوای چندین صد ساله اعتقاد خود را به امام علی (ع) و فرزندان‌شان حفظ نموده‌اند. ایشان از قبایل اصیل عرب می‌باشند و تا به امروز فرهنگ قبیلگی در آنان رواج دارد. چهار قبیلله اساسی علوی‌ها عبارتند از: حدادی، مطاوره، خیاطی، کلی.

قبل از جنگ جهانی اول این فرقه به نام "نصیری" در بین اهالی شام معروف بودند. نصیری از محمد بن نصیر که گفته می‌شود رهبر و مؤسس این فرقه

بوده است، گرفته شده است. در زمان قیومیت فرانسه سعی گردید نام علوی بر آنها گذاشته و در مرحله‌ای دولت علوی در ساحل سوریه تشکیل شد. چنانکه اشاره گردید طی ۱۰۰۰ سال علوی‌ها تحت شدیدترین سرکوب‌ها و دشمنی‌ها واقع شده‌اند و حکومت‌های متمادی از صلیبی‌ها تا عثمانی‌ها آنها را تحت بدترین شکنجه قرار داده‌اند اما ایشان ایمان و عقاید خود را رها ننموده‌اند و هر روز بر تعداد ایشان افزوده شده است. در زمان سلاطین ایوبی به خصوص، صلاح الدین ایوبی به منطقه حضور علوی‌ها در کوه‌های اطراف لاذقیه لشکرکشی نمود و بسیاری از علمای علوی را به قتل رسانید و از ایشان جزیه گرفت و ابن تیمیه معروف طی فتوایی آنان را از مسیحان بدتر دانست و قتل ایشان را واجب و اهل سنت را علیه ایشان تحریک نمود. رساله حموی ابن تیمیه که مانیفست وهابیت به شمار می‌رود در واقع بر ضد علوی‌ها نوشته شده است. در زمان عثمانی‌ها که از قرن ۱۶ تا اوایل قرن ۲۰ بر سوریه حکومت نمودند تلاش زیادی برای تغییر مذهب ایشان دادند و چون با مقاومت رو برو شدند هزاران نفر از ایشان را قتل عام نمودند به طوری که علوی‌ها حتی تا اوایل قرن گذشته میلادی از خارج شدن از روستاهای خود و وارد شدن به شهر لاذقیه و طرطوس واهمه داشتند زیرا اهالی شهر آنها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. علوی‌ها در موارد ضرورت مجبور بودند برای تهیه مایحتاج و امور پزشکی به منطقه مسیحیان این دو شهر مراجعه نمایند.

با ورود فرانسوی‌ها به سوریه و مناطق ساحلی این کشور ایشان تا حدوی احساس آزادی نمودند و پس از سالها با آزادی از کوه‌ها پائین آمدند و در حواشی شهرهایی مانند لاذقیه، جبله و طرطوس پناه گرفتند. دولت فرانسه پس از ورود به سوریه آرام آرام تجزیه این منطقه را آغاز نمودند به طور مثال در سال ۱۹۲۰ صور، صیدا، بیروت، و طرابلس و دره بقاع و منطقه جبل که مارونی‌ها زندگی می‌نمودند را از سوریه بزرگ جدا و لبنان بزرگ نامیدند. در

سال ۱۹۲۱ مناطق وسیع اطراف حلب در ۵۰ کیلومتری این شهر را به ترکیه واگذار نمودند چنانکه از سوی دیگر برای حمایت اقلیت بزرگ ترکها در استان اسکندرون و — انطاکیه را تحت شرایط خاص قرار دادند. و بعد از ۲۰ سال این منطقه را به ترکیه واگذار کردند در سال ۱۹۲۰ دمشق و حلب را به دو قسمت تقسیم و در سال ۱۹۲۲ منطقه علوی نشین در غرب و منطقه دروزی نشین را نیز جدا و دو دولت در آن تأسیس نمودند. هرچند پس از خروج فرانسه از سوریه در سال ۱۹۴۶ بسیاری از مناطق مذکور بار دیگر ادغام گردید، اما این یک واقعیت است که مساحت ۳۰۰ هزار کیلومتری ولایت سوریه زمان عثمانی (قبل از ورود فرانسوی ها) به ۱۸۵ هزار کیلومتر در زمان خروج نیروهای فرانسوی رسید.

در سال ۱۹۲۰ م، بعد از ورود فرانسوی ها به لاذقیه و دیگر مناطق علوی نشین این منطقه را استان خودمختار علوی نام گذاشتند و در سال ۱۹۲۲ م، این منطقه کشور علوی ها نام گذاری شد. در سال ۱۹۳۰ م، این منطقه را کشور لاذقیه نامیدند تا اینکه در سال ۱۹۳۶ به بقیه کشور سوریه الحاق گردید. هر چند آزادی که علوی ها در دوران قیمومیت پیدا نمودند قابل قیاس با دوران عثمانی نبود اما علوی ها علی رغم امتیازاتی که پیدا نمودند همکاری زیادی با فرانسوی ها ننمودند بلکه افراد ملی گرایی مانند صلاح علی در مقابل آنها مقاومت و مبارزه نمودند.

تاخت و تاز صلیبیان و تسلط حکومت های سنی بر ناحیه شمال سوریه تا انطاکیه طی قرن های متمادی فشار زیادی بر علوی ها وارد نمود.

اگر سلسله جبال علوین نبود شاید در اثر فشارهای زیاد که بر آنها وارد آمده بود امروز به غیر از نامی از آنها باقی نمانده بود. به دنبال کوچ این افراد به کوه ها و جدایی اجباری آنها از دیگر هم کیشان خود طی قرن ها به تدریج بسیاری از عقاید آنها تغییر نمود و بعضی خرافات در عقایدشان رسوخ پیدا کرد. فشار بر علوی ها در زمان دولتهای

عثمانی به حدی بود که آنها تا اوایل قرن قبل حتی برای تهیه ما یحتاج جرات نمی‌نمودند از روستاها وارد شهرهایی مانند لاذقیه و طرطوس شوند. اگر اهالی شهرها متوجه می‌شدند یک علوی وارد شهر شده است او را اذیت و آزار می‌دادند. بعد از ورود فرانسه به سوریه و شکست عثمانی‌ها به تدریج علوی‌ها به آزادی نسبی دست یافتند. آنها ضمن اجازه برای ورود به شهر در بعضی از مراکز علوی نشین، مدرسه تأسیس و فرزندان آنها را برای تحصیل تشویق نمودند با بدست آمدن این آزادی بعضی از جوانان وارد دانشگاه گردیدند بعضی برای ادامه تحصیل به دیگر کشورها رفتند و امروزه میزان با سواد و علم در بین علوی‌ها نسبت به دیگران در سوریه بالاتر است. با این تحول عده‌ای از جوانان علوی چون خود را شیعه می‌دانستند برای تحصیل عازم حوزه علمیه نجف اشرف شدند و در بازگشت منشأ خدمات زیادی به جامعه علوی شدند و موجب تحولی در این جامعه گردیدند از جمله این افراد می‌توان از مرحوم شیخ فضل غزال و شیخ کامل حاتم و شیخ محمد علی اسبر نام برد.

مسیحیان:

فرقه‌های مسیحی در سوریه به شرح ذیل می‌باشند:
 - روم ارتدکس - روم کاتولیک - ارمن کاتولیک -
 ارمن ارتدکس - نسطوریان - مارونی‌ها -
 پروتستان‌ها - سریان کاتولیک

اکثر مسیحیان سوریه روم ارتدوکس و پیرو کلیسای انطاکیه و کشورهای شرقی می‌باشند و کلیسای حضرت مریم در باب شرقی محل اقامت سر اسقف کلیسای رم ارتدوکس انطاکیه و کشورهای مشرق است. پیروان این کلیسا حدود ۱۲ میلیون نفر می‌باشند که در سوریه، لبنان، عراق، اروپا، آمریکا و استرالیا اقامت دارند. زبان این کلیسا عربی، یونانی و انگلیسی می‌باشد و عضو کلیساهای خاورمیانه می‌باشد. روم کاتولیک که تابع واتیکان هستند و ارامنه سوریه تابع دو کلیسای ارامنه در

ارمنستان و لبنان می‌باشند. و سراسقف آرام اول که در لبنان حضور دارد رهبر مذهبی آنها به شمار می‌رود. با توجه به وجود آرامگاه مار مارون رهبر اصلی مذهب مارونی در نزدیکی شهر حلب، این کشور برای مارونی‌ها اهمیت دارد. تعداد مارونی‌های مقیم سوریه به حدود ۵۰ هزار نفر می‌رسد.

مسیحیان سوریه در اغلب شهرهای این کشور بویژه دمشق، حومه شهرهای حمص، لاذقیه حماه، حلب، حسکه و دیر الزور پراکنده می‌باشند. پس از بیت‌المقدس و بیت‌الحرم در فلسطین اشغالی، سرزمین سوریه به ویژه دمشق از اهمیت ویژه‌ای برای مسیحیان برخوردار است. بر اساس کتب مسیحیان، قدیمی‌ترین کلیسای پروان این آئین الهی در دمشق، کلیسای یوحنا تعمید دهنده (حضرت یحیی فرزند زکریا) بوده است. کلیسای حضرت مریم در دمشق نیز که در قرن دوم میلادی در مشرق شهر دمشق ساخته شده است در زمره کهن‌ترین کلیساهای جهان به شمار می‌رود. این کلیسا متعلق به روم ارتودکس است. کلیسای کیسان و منزل حنایا در باب توما مرقد مادر حضرت مریم (ع) در دامنه کوه قاسیون برای مسیحیان از تقدس ویژه‌ای برخوردار است.

دروزی‌ها:

محل اقامت آنها استان سویداء در جنوب سوریه قرار دارد. بیش از ۹۰٪ از مردم این استان دروزی می‌باشند طی چند سال گذشته دروزی‌های زیادی به استان دمشق و ریف دمشق مهاجرت نموده‌اند اما به دلیل ویژگی‌های خاص خود نتوانسته‌اند محل تجمع خاصی در دمشق و یا حومه آن ایجاد نمایند. در حال حاضر می‌توان از حسین جربوع حمود الحناوی و احمد الهجری به عنوان شیوخ دروزی‌های سوریه نام برد. این افراد در آبان سال ۱۳۸۶ طی بیانیه‌ای فعالیت ولید جنبلاط برای تشکیل یک دولت دروز در جنوب سوریه و لبنان را محکوم نمودند. گفته می‌شود ولید جنبلاط مذاکراتی با آمریکایی‌ها برای ایجاد یک کشور دروز آغاز نموده است. از دیگر مناطق دروزی نشین می‌توان

به جبل دروز یا جبل حوران که در استان سویدا واقع و بیش از هفتاد روستای دروزی نشین در این منطقه وجود دارد، اشاره نمود. دروزی‌های لبنان در چند منطقه حضور دارند از جمله جبل (الغرب الاعلی، الغرب السفلی)، اشحار، المناصف و الجرد و در فلسطین اشغالی در جبل کرمل و صفد و در مغرب در شهر تلمسان زندگی می‌نمایند. رژیم اشغالگر قدس تنها در بین اعراب دروزی‌ها را مورد شناسایی قرار داده و به دلیل اعتمادی که به آنها هست ایشان حتی به خدمت سربازی نیز می‌روند و به عنوان شهروند درجه یک بعد از یهودیان با آنها برخورد می‌شود. آئین دروزی از سال ۱۹۵۷ در رژیم صهیونیستی به عنوان دین رسمی شناخته شد.

آئین دروز مسلک و مرامی است که به تمام معنی مستقل بوده و دارای اصول، کتاب مقدس، احکام و مراسم خاص هستند. آئین دروزی در سال ۱۰۱۷ م، مصادف با ۴۰۸ هجری در مصر علی گردید. این اسم از نام یکی از رهبران این دین به نام نشتکین (محمد اسماعیل) دروزی از اهالی شرق ایران گرفته شده است. دین دروزی یک دین سری (باطنی) است که حتی تمام دروزی‌ها حق اطلاع از آن را ندارند. از نظر عملی دروزی‌ها به دو قسم تقسیم می‌شوند:

الف) عقل: که افراد متدین فرهنگی می‌باشند و متدینی می‌باشند که اجازه دارند به کتاب‌های دینی دسترسی پیدا نمایند.

ب) جهال: افراد غیر متدین که از اساس دین چیزی نمی‌دانند. به نظر می‌رسد این تقسیم برای محافظت از دین و سری ماندن مذهبشان انجام می‌شود. این مذهب در زمان خلیفه فاطمی مصر الحاکم بامرالله تأسیس شد. در سال ۱۰۲۱ به شکل پیچیده‌ای این خلیفه ناپدید شد. بعد از انتشار خبر مخفی شدن ایشان دروزی‌ها معتقد شدند ایشان امام غایب است در واقع بنیانگذار این فرقه حمزه بن علی بن احمد زوزنی و محمد بن اسماعیل دروزی معروف به نشتکین می‌باشند ایشان مردم را به اعتقاد به الوهیت خلیفه فاطمی دعوت کردند و حاکم نیز آنها را رد

نکرد. ایشان معتقدند خداوند در این خلیفه حلول کرده است. بعد از ظهور الحاکم بامر الله تمامی ادیان قبلی نسخ می‌گردد و بعد از مرگ ایشان همه جنبش‌های سیاسی و دینی به یک دین تبدیل می‌شود. ایشان ترجیح می‌دهند به آنها موحدین (یکتا پرستان) گفته شود تا در روز و معتقدند از زمان خلق انسان این دین وجود داشته است لذا از رهبران خود به پیامبرانی چون هابیل، شعیب، خضر و حضرت محمد (ص) اهتمام دارند. ایشان به تناسخ و تغمس معتقد می‌باشند از اماکن زیارتی ایشان می‌توان به مرقد حضرت هابیل در نزدیکی دمشق و قبر حضرت شعیب در الجلیل در اراضی اشغالی اشاره نمود. از عقاید آنها می‌توان به دوران تکلیف که از چهل سالگی شروع می‌شود اشاره کرد. تعدد زوجات، استعمال دخانیات، مصرف مشروب، گوشت خوک و مواد مخدر نیز در این آئین حرام است.

مکان عبادت آنها که به خلوت معروف است عبارت است از یک سالن و یا اتاق خالی که مشایخ دروژی دعا و کتاب برای متدینین می‌خوانند و یک شیخ بزرگ که به آن شیخ عقل می‌گویند. کتاب مقدس را قرائت و شرح می‌دهد معمولاً در مجالس آنها خانم‌ها از آقایان جدا هستند. فقط متدینین حق شرکت در مراسم مذهبی را دارند.

پرچم دروژی‌ها درای پنج رنگ به شرح ذیل می‌باشد:

- رنگ سبز: نشان حضرت نوح (ع) و ایام طوفان
- زرد: نشان حضرت موسی (ع) و عصای ایشان
- سرخ: ابراهیم (ع) و نشانه آتش
- آبی: حضرت عیسی (ع)
- رنگ سفید نشان حضرت محمد (ص) و پاکي.

۱- سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی

اوضاع اجتماعی و فرهنگی سوریه باید با توجه به تحولات تاریخی به خصوص دوران استعمار عثمانی و فرانسه مورد بررسی قرار گیرد. بدون شک حکومت چندین ساله اموی و مرکزیت خلافت آنها بر این منطقه تاثیر داشته است چنانکه چندین قرن حکومت عثمانی توانست بر فرهنگ و اجتماع مردم این کشور تاثیر بگذارد. سالها سلطه امپراطوری عثمانی بر بلاد شام باعث شده بود که نوعی مشابهت میان دو قوم پدید آید. اعراب لباس ترکی میپوشیدند و زبان ترکی در کنار عربی صحبت میشد. مدارس استانبول محل تحصیل پسران ثروتمندان سوری بود. ثروتمندان شامی ترجیح میدادند که فرزندانشان به مدارس عمومی بروند تا آموزشگاههای نظامی و دانشگاههای افسری این تفکر در میان طبقات ممتاز سوریه وجود داشت که نظامیگری شخصیت و موقعیت آنان را تضعیف مینماید. بنابراین انواع ارتباطات را به کار میبردند تا فرزندانشان به خدمت نظام نروند شاید این فرهنگ بود که بعدها موجب افول این طبقه در سیاست شام و تقویت قشر روستایی بر این منطقه گردید.

رویهم رفته بعد از افول دولت عثمانی پس از جنگ جهانی اول کم کم نخبگان عرب با جنگ زدن به

طناب ناسیونالیسم عرب توانستند نفوذ خود را در شرایط جدید ناشی از پیروزی نیروهای فاتح (انگلیس - فرانسه) حفظ و ادامه دهند. در دوران قیمومیت فرانسه بر سوریه علیرغم مشابهت‌های ظاهری حکومت اشغالگر فرانسه با عثمانی مردم سوریه دولت فرانسه را یک موجودیت نامشروع در میان توده‌های مسلمان سوری به حساب می‌آوردند و هرگز فرانسه نتوانست نفوذ عثمانی را در مردم سوریه بدست آورد. بنابر این موقعیت پاریس در سوریه از ابتدا به طور ذاتی بی ثبات بود. با فروپاشی عثمانی مشروعیت ناشی از مذهب هم از بین رفت. در این دوره بسیاری از نخبگان سوریه که به فرانسه رفته بودند پس از بازگشت به سوریه قومیت و ناسیونالیزم عربی را مطرح نمودند و این مسئله یکی از تأثیرات حضور فرانسه بود. ضمناً دولت فرانسه در زمان قیمومیت خود تلاش نمود اقلیت‌ها به خصوص مسیحی‌ها را در برابر اکثریت تقویت نماید. بسیاری از نخبگانی که در زمان قیمومیت فرانسه به اروپا رفته بودند بعد از بازگشت به سوریه منشأ تحولات و ایجاد احزاب و روزنامه‌های زیادی در سوریه شدند. به دلیل کمک‌های فرانسوی‌ها به اقلیت‌ها، بعد از استقلال آنها به دلیل موقعیتی که پیدا نموده بودند به سرعت تقویت گردیدند و توانستند نقش عمده‌ای را در تحولات سوریه ایفا نمایند.

۲- تحولات فرهنگی بعد از به قدرت رسیدن حزب بعث

طبق مفاد قانون اساسی دولت سوریه، نظام فرهنگی و آموزشی در این کشور باید بر اساس ایجاد نسل قومی و سوسیالیستی که جهت تحقق آرمانهای وحدت، آزادی و سوسیالیستی تلاش کند، استوار یافته و توسعه آموزش و فرهنگ ناسیونالیستی و سوسیالیستی همواره از حمایت دولت حاکم برخوردار خواهد بود. از اوایل دهه هفتاد به این طرف دولت سوریه بطور جدی در راه ترویج افکار حزب بعث بر کلیه مراکز آموزش و پرورش و مؤسسات فرهنگی و تبلیغاتی و انواع مختلف آن تلاش نموده و فرهنگ حزب

بعث فرهنگ حاکم و واجب الاجرا درآمد. ریشه‌های این فرهنگ در سطوح فرهنگی و آموزشی بطور قابل ملاحظه‌ای گسترش یافت. آموزش فرهنگ حزب بعث در مدارس و دانشگاه‌ها بسیار رواج دارد و والدین موظف هستند که فرزندان خود را به مدارس اعزام دارند و در غیر این صورت با مجازات مواجه می‌شوند. ائمه جماعات و آموزشکده‌های تعلیم قرآن کاملاً به وزارت اوقاف بستگی دارند و کلیه اماکن مذهبی در سوریه را تحت پوشش خود دارند.

پذیرش دانشجویان خارجی به غیر از فلسطینی و عرب در دانشگاه‌های سوریه در چارچوب مبادلات علمی و فرهنگی فیما بین انجام می‌شود. در سوریه از زمان استقلال رواج فرهنگ غربی بسیار محدود بوده و تنها وابسته‌های فرهنگی غربی نظیر فرانسه و آمریکا فعالیت مختصری را دارند. حزب بعث هیچگاه اجازه رقابت فکری و فرهنگی به بیگانگان را نمی‌دهد و خود به اکثر مراکز فرهنگی مسلط است. مبنای اساسی فرهنگی حزب بعث رواج دادن ایده‌های ناسیونالیستی عرب در قالب سوسیالیستی بوده و به همین دلیل حزب بعث معلمان و دبیران بعثی را جهت آموزش و پرورش و تربیت نیرو به کشورهای عرب اعزام می‌کرده است. حزب بعث پس از روی کار آمدن در سال ۱۹۶۳ تقریباً آموزش عمومی و سواد همگانی را جزء برنامه‌های جدی و اولیه خود قرار داده و اهتمام فراوانی در این بخش به ویژه آموزش عالی و دانشگاهی و توسعه این مراکز مبذول داشته است، به طوری که این کشور در پنج سال گذشته دارای ۱۵۷۰۰ کلاس سواد آموزی با ظرفیت ۳۷۵۰۰ داوطلب مرد و زن بوده که از این تعداد ۲۵۰۰۰ نفر به مرحله بعدی راه یافته‌اند. نسبت بیسوادی از ۵۳ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۲ درصد در ۱۹۸۴ و به ۲۵.۱۷٪ در سال ۱۹۹۸ کاهش یافته است. آمار سواد آموزی نشان‌گر بهبود وضع آموزش در گروه سنی بین ۱۴ تا ۴۵ سال است به گونه‌ای که نسبت به آن به ۲۴ درصد کاهش یافته است.

در مراحل دانشگاهی و آموزش‌های عالی، آموزش عقاید حزب بعث و حفظ سخنرانی‌های رئیس جمهور سوریه

یک امرالزامی بوده و کسانی که به این گونه آموزش‌ها آشنایی پیدا نکنند مردود می‌شوند. بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد و مطرح گردیدن اصلاحات سیاسی و فرهنگی در سوریه اهتمام به آموزش‌های حزبی و نظامی در مدارس و دانشگاه‌ها ی این کشور کاهش یافت. بیش از ۸۰ درصد تحصیل کنندگان آموزش عالی در خارج از کشور، از شوروی (سابق) و کشورهای بلوک شرق مدرک گرفته و سیستم فرهنگ سوریه به عنوان آمیخته‌ای از فرهنگ ناسیونالیستی عرب، شرقی و در برخی مقاطع غربی شناخته می‌گردد.

۳- مراکز فرهنگی

مراکز فرهنگی زیادی که اکثراً دولتی می‌باشند در سوریه وجود دارد. در تمامی استان‌های این کشور نیز یک مرکز فرهنگی به نام مرکز فرهنگ عربی وجود دارد که صرفاً به امور فرهنگی می‌پردازد و سینارها و همایش‌های زیادی در آنها برگزار می‌شود ضمناً اتحادیه نویسندگان عرب نیز در سوریه فعال است. از دیگر مراکز فرهنگی می‌توان به مراکز زیر اشاره نمود:

الف - مراکز آموزش عالی:

تعلیمات عالیة سوریه در دانشگاه‌های دولتی حلب، دمشق، تشرین، بعث، فرات و کالج و مؤسسات عالی صورت می‌گیرد اخیراً دانشگاه‌های چندی توسط بخش غیر دولتی مجوز گرفته است که در بخش‌های بعد به معرفی آنها می‌پردازیم. دانشگاه دمشق شامل دانشکده‌های ادبیات، علوم، حقوق، پزشکی، مهندسی، تعلیم و تربیت، پزشکی، علوم اسلامی، بازرگانی، دارو سازی و هنرهای زیبا می‌باشد. ضمناً این دانشگاه سه مؤسسه وابسته به خود نیز دارد که عبارتند از: مؤسسه عالی امور اجتماعی شامل رشته‌های اقتصاد و علوم اجتماعی و کالج کشاورزی. و کالج زبان. زبان دانشگاه دمشق عربی است.

ب - کتاب و کتابخانه:

کتابخانه ملی اسد بزرگترین کتابخانه سوریه می‌باشد و در سال ۱۹۸۴ توسط حافظ اسد افتتاح شد. این کتابخانه که در غرب شهر دمشق و در کنار میدان اموی قرار دارد در مساحتی ۲۲ هزار مترمربع و در ۹ طبقه بنا شده است. حیاط این مؤسسه نیز ۶ هزار متر است. یکی از مأموریت‌های این کتابخانه جمع آوری کتاب‌های خطی به زبان عربی است که یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های عربی است که کتاب‌های خطی نفیسی دارد از دیگر اقدامات این کتابخانه برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب دمشق است که تا کنون ۲۳ دوره نمایشگاه برگزار شده است. در سال‌های اخیر چاپ و انتشارات کتاب و میزان مشارکت در نمایشگاه به شدت افزایش پیدا نموده است.

موزه‌های مختلف و متنوعی در سوریه وجود دارد:

- ۱- موزه حلب که در ۱۹۶۰ تأسیس گردید؛ ۲- موزه الظاهریه در دمشق؛ ۳- موزه ملی در دمشق؛ ۴- موزه پالمیرا که در سال ۱۹۶۱ در شهر پالمیرا تأسیس گردید؛ ۵- موزه قصرالعظم در دمشق؛ ۶- موزه سویدا در طرطوس؛

ج - مکانهای تاریخی و زیارتی:

اماکن تاریخی زیادی در سوریه وجود دارد و این کشور را به یک کشور توریست‌پذیر مهم تبدیل نموده است. در این خصوص در معرفی استانها به تفصیل این اماکن معرفی شده‌اند.

۴- مشاهیر سوریه

سوریه مشاهیر مهمی دارد از جمله می‌توان به مصطفی عقاد سازنده فیلم مشهور محمد رسول الله (ص) که در اثر یک عملیات تروریستی در اردن در سال ۲۰۰۶ جان خود را از دست داد اشاره نمود. از

نویسندگان و شاعران معروف سوری می‌توان از ادونیس که تا کنون بارها کاندیدای جایزه ادبیات نوبل شده و نزار قبانی نام برد. موسیقدانان عرب نیز می‌توان به صبحی فخری، فرید الاطرش و خواهرش اسمهان که از خانواده‌ای دروز بودند و از سوریه به قاهره مهاجرت نمودند اشاره کرد. از شخصیت‌های مذهبی می‌توان به امام شافعی رهبر معروف فرقه شافعی، ابن تیمیه رهبر معنوی سلفی‌ها و وهابیت، و از علمای فعلی به شیخ کفتارو و شیخ احمدحسون مفتی سابق و فعلی سوریه اشاره کرد. از رهبران شیعیان سوریه نیز می‌توان از سید محسن امین نام برد.

۵- خصائص ویژه اجتماعی

سوری‌ها مردمی زحمتکش، مهمان‌نواز، سنت‌گرا و مهربان و پایبند به اصول اخلاقی و شیک پوش می‌باشند. هرچند درآمدشان متناسب زندگی آنها نمی‌باشد اما قانع هستند. هرچند سطح زندگی اکثریت پائین است اما مردمی شاد می‌باشند. اکثریت منازل دارای ماهواره می‌باشند و به موسیقی علاقه خاصی دارند مردم به خصوص در منطقه ساحلی به ادبیات علاقه دارند و شعری زیادی در این منطقه سوریه می‌باشند از جمله شاعر بزرگ سوریه ادونیس.

سوری‌ها عید فطر، قربان و تا حدودی تولد حضرت محمد (ص) را جشن می‌گیرند. اول سال میلادی نیز برای آنها اهمیت دارد و به یکدیگر تبریک می‌گویند. البته به دلیل وجود اقلیت قابل توجهی از مسیحیان در این کشور ابتدای سال جدید مسیحی برای سوری‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در هر کوی و برزن می‌شود نشانه‌های عید را دید به خصوص در منطقه مسیحی نشین باب توما و باب شرقی. عید قربان به منزله عید نوروز در ایران است و چون سه روز و گاه بیشتر تعطیل است مردم لباس نو می‌پوشند و به دیدار هم می‌روند. طی چند سال اخیر آذین بندی‌ها به مناسبت تولد حضرت رسول گسترش بیشتری داشته است و به این مناسبت تا هفته‌ها مراسم و همایش‌هایی برگزار می‌شود.

مراسم عروسی را نیز سوری‌ها به طور مفصل برگزار می‌نمایند و بنابر یک مراسم سنتی گروه‌های موسیقی سنتی و رقص با شمشیر در شب عروسی به مراسم حلاوت خاصی می‌بخشد. عروس داماد از زیر شمشیر این گروه رد می‌شوند که بسیاری از این گروه‌های موسیقی شمشیری ذوالفقار گونه بدست دارند. هرچند مردم شاد و به موسیقی علاقه خاصی دارند اما مردم ذاتاً مذهبی هستند به طوری که کمتری کسی است که در ماه رمضان روزه نگیرد و حتی دیده می‌شود کسانی که ظاهری اسلامی نیز ندارند خود را مقید می‌نمایند که در ماه مبارک روزه بگیرند. در سوریه پدیده‌ای به نام بد حجابی معنا ندارد و اکثر دختران سوری بعد از بلوغ با حجاب کامل در برابر نامحرم ظاهر می‌شوند ضمناً پر بودن مساجد در هنگام نماز به خصوص نماز جمعه دلیل دیگری بر مذهبی بودن ایشان است میزان مشارکت جوانان در نماز جمعه بسیار قابل توجه است.

۶- غذاهای سوری

غذا و تنوع آن یک فرهنگ است و با فرهنگ و تاریخ انسان مرتبط است بعضی از متفکرین معتقدند هنر آشپزی را نباید از هنرهای دیگر کمتر دانست زیرا این هنر به سلامتی انسان و رشد وی مرتبط است. غذاهای سوری متنوع است و علاوه بر غذاهای سنتی، حضور استعمارگران (عثمانی و فرانسوی) نیز در این فرهنگ تاثیر گذاشته است. غذای غالب مردم سوریه غذاهای معروف کناره دریای مدیترانه است که به مفید بودن آن در پزشکی تأکید شده است می‌باشد در غذاهای مشهور سوریه سبزی به وفور مصرف می‌گردد معمولاً در غذاهای سوری سبزی، روغن زیتون و زیتون زیاد استفاده می‌شود سالادها و پیش غذاهای سوریه بسیار متنوع است به طور مثال می‌توان به انواع سالادهای کاهو، سبزی که به نام‌های مختلف تبوله "فتوش" شیخ الحشی "دله‌های مختلف با برگ مو، کدو و... " متبل حمص و... اشاره نمود در استان‌های مختلف نیز غذاهای مختلفی معروف

است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود: در دمشق: فتات شامیه (نوعی آبگوشت که لعاب زیادی دارد و با صنوبر و مغز پسته تزئین می‌شود)، الاوزی (نوعی کته است که با گوشت چرخ کرده گوسفند و روغن محلی پخته می‌شود). فلافل شامی (از نخود کوبیده شده و اضافه کردن ادویه مختلف درست می‌شود). در استان حلب نیز غذای‌های ذیل از معروفیت ویژه‌ای برخوردار است:

کبه (مایع اصلی آن از برغل و گوشت کوبیده درست می‌شود بعد از خالی نمودن وسط آن را به شکل تخم مرغ در آورده می‌شود و با گوشت و سبزی سرخ می‌نمایند)، انواع کباب‌ها از جمله کباب بادجان، از غذای دیگر استان حلب می‌توان به عش البلبیل که در عروسی‌ها و مراسم شاد تهیه می‌شود اشاره نمود. این غذا گوشت چرخ کرده و پیاز را روی تکه‌ای خمیر گذاشته آن را در داخل فر می‌نهند تا سرخ شود غذای دیگر این استان باطریج است که از بادجان و گوشت تهیه می‌شود.

شیرینی‌های استان حمص معروف است از جمله شیرینی‌های خامه‌ای و پنیری این استان در سراسر سوریه و منطقه طرفدار دارد. غذای محلی این استان نیز برغل می‌باشد. در طرطوس و لاذقیه نیز ماهی را به شکل‌های مختلف می‌پزند و ماهی سلطان ابراهیم و فریده در این دو استان معروف است یکی دیگر از غذای این دو استان شنکلیش است که از کشک و زعفران درست می‌شود. ضمناً در سوریه غذای ترکی مانند کباب ترکی که به شاورما مشهور است نیز طرفدار زیادی دارد.

۷- لباس

لباس محلی سوریه از منطقه‌ای با منطقه دیگر فرق می‌نماید در مناطق جنوب شرقی سوریه به خصوص در مناطق رقه و دیر الزور و درعا لباس‌های آنها بیشتر با عراقی‌ها شبیه است به خصوص عشایر که سعی می‌نمایند لباس‌های اصیل عربی بپوشند و بعضی از زنان در این مناطق چادرهایی می‌پوشند که سرتا

پایشان را می‌پوشانند. در منطقه حسکه فرهنگی کردی حاکم است و در منطقه حلب و شام بیشتر مردم لباس معمولی می‌پوشند هرچند هنوز حتی در دمشق به خصوص در منطقه مزه افرادی که لباس سنتی به تن دارند یافت می‌شوند.

۸- مشکلات و آسیب‌های اجتماعی

با توجه به پایبندی اکثر مردم سوریه به ارزشهای اخلاقی و محوریت خانواده و کنترل و نظارت خانواده و مؤسسات آموزشی و همچنین جو امنیتی موجود، آسیب‌های اجتماعی شیوع و نمود کمتری نسبت به دیگر کشورها دارد. البته استفاده زیاد مردم از ماهواره تاثیر مشهودی در تغییرات فرهنگی و هویتی مردم نداشته است. به طور مثال اعتیاد در این کشور نسبت به دیگر کشورهای منطقه سطح پائینی دارد. ضمناً میزان جرم و جنایت نیز نسبت به دیگر کشورهای منطقه از شیوع کمتری برخوردار است. بر اساس آخرین آمار که در سال ۱۳۸۶ منتشر شد فقط در سوریه ۲۸۵۰ نفر معتاد وجود دارد که از این تعداد ۹۵۰ نفر سابقه دار می‌باشند. در گزارش وزارت کشور سوریه به مناسبت روز جهانی مواد مخدر اعلام شد در شش ماه اول سال ۲۰۰۷م، ۷۷۷ کیلوگرم تریاک، ۳۶ کیلو هروئین، ۵۹ کیلو کوکائین و شش میلیون قرص مخدر کشف شده است. تعداد پرونده‌های مواد مخدر در سوریه نیز ۱۸۳۷ فقره بوده و تعداد متهمان به ۲۵۰۰ نفر رسیده است. سوریه از کشورهایی است که مواد مخدر در آن کشت و تولید نمی‌شود اما موقعیت جغرافیایی این کشور باعث شده است که گذرگاهی برای ترانزیت به کشورهای همسایه باشد. قانون مبارزه با مواد مخدر سوریه که در سال ۱۹۹۲ در این کشور به اجرا در آمد مجازات تجارت، کاشت و تولید مواد مخدر را اعدام تعیین کرده است.

۹- ساختار اجتماعی

ساختار اجتماعی سوریه اساساً از چهار قومیت عرب، کرد، ارمنه و چرکسها پایه‌گذاری شده است.

۱۰- نگاهی به اوضاع اجتماعی و سیاسی زنان

به طور کلی وضعیت زنان در سوریه از نگاه سنتی اعراب به زنان مستثنی نمی‌باشد. اما به دلیل وضعیت مختلف اجتماعی، اقلیمی و سیاسی سوریه وضعیت زنان نسبت به کشورهای دیگر عرب به مراتب بهتر است و ایشان از آزادیهای اجتماعی و سیاسی برخوردار می‌باشند. امروزه هزاران زن سوری به فعالیتهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی مشغولند.

در دوره حاکمیت حزب بعث در سوریه سعی گردیده است که از نگاه سنتی به زن عبور نموده و زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور از نظر سیاسی و اجتماعی فعال گردند در این رابطه به زنان اجازه داده شد که وارد صحنه سیاسی نیز گردند طی حکومت حافظ اسد معمولاً چند زن در مقام وزیر در کابینه حضور داشتند در حال حاضر نیز زنان علاوه بر مقام وزارت در مجلس ملی سوریه (حدود ۲۵ نفر از اعضای مجلس زن می‌باشند)، شوراهای شهر و روستا، مدیریتهای دولتی و خصوصی و حتی رهبری احزاب فعال می‌باشند. خانم دکتر نجاح العطار^۱ که سالها در زمان حافظ اسد وزیر فرهنگ سوریه بود در زمان بشار اسد در سال ۲۰۰۵ به عنوان معاون فرهنگی رئیس جمهور تعیین شد و دو خانم نیز پست وزارت را برعهده دارند.

در زمان حکومت حافظ اسد همسر وی به عنوان زن اول سوریه در محافل رسمی و تبلیغی ظاهر نگردید اما پس از روی کار آمدن بشار اسد معمولاً همسر وی در اکثر سفرهای رسمی خارجی و دیگر مراسم در کنار وی حضور پیدا می‌نماید. ایشان تاکنون سمینارهای مختلفی در خصوص زنان برگزار نموده است و در

^۱- ایشان خواهر عصام عطار رهبر سابق اخوان المسلمین سوریه می‌باشد که در حال حاضر در آلمان به سر می‌برد.

فعالیت‌های بشر دوستانه به خصوص کمک به کودکان فعال است و چند سمینار بین المللی نیز برگزار نموده از جمله همایش زنان تاجر عرب در اردیبهشت سال ۸۱ تحت نظر ایشان برگزار گردید.

در سال‌های اخیر گرایش به دین و حجاب در بین خانم‌های سوریه به خصوص قشر تحصیل کرده افزایش قابل توجهی پیدا نموده است و مراسم و جلسات مذهبی توسط خانم‌ها به خصوص در شهرهای حلب و دمشق افزایش و با استقبال خانم‌ها به خصوص جوانان مواجه شده است. اخیراً پدیده‌ای که در محافل سیاسی آن را قبیسیات می‌نامند در دمشق مشاهده و گسترش یافته است. این اسم از نام خانم "منیره القبیسی" مبلغه معروف سوری که از شاگردان شیخ کفتارو مفتی سابق سوریه بوده است گرفته شده است و ی که دارای گرایشات عارفانه می‌باشد توانسته زنان و دختران زیادی را دور خود جمع نماید به طوری که مراسم و محافلی که وی در آن شرکت و سخنرانی می‌نماید هزاران دختر و زن شرکت می‌نمایند و به سخنان وی در مورد امور اسلامی و عرفان گوش فرا می‌دهند. بعضی از رسانه‌های گروهی در سال ۱۳۸۵ سعی نمودند حرکت این خانم را پدیده‌ای جدید جلوه دهند که می‌تواند برای دولت سکولار سوریه مشکل ایجاد نماید. اما دولت سوریه در برخورد با این پدیده با اغماض برخورد و این مبلغه نیز وارد سیاست نگردید.

با نگاهی به شبکه اطلاع رسانی جهانی (اینترنت) مشاهده می‌نمائیم سازمان‌ها و ارگان‌های زیادی برای دفاع از حقوق زنان در سوریه تشکیل شده است زیرا علی‌رغم افزایش سواد در سوریه هنوز جامعه بافت سنتی خود را حفظ نموده است به طوری که در سوریه سالانه بین ۲۰۰-۳۰۰ خانم سوری به جرم مسائل ناموسی توسط نزدیکانشان به قتل می‌رسند و از این جهت سوریه مقام چهارم را در بین کشورهای عربی و پنجم در جهان را دارا می‌باشد. بسیاری از این قتل‌ها به خاطر ازدواج‌هایی است که خانم‌ها با آقایانی از مذهب دیگر می‌نمایند. اخیراً سازمان‌های زیادی برای دفاع از حقوق زنان در سوریه ایجاد

شده است اما مهمترین ارگانی دولتی که در سوریه امور زنان را پیگیری می‌نماید اتحادیه کل زنان سوریه است که ذیلاً به معرفی آن پرداخته می‌شود.

۱۱- اتحادیه کل زنان سوریه

طبق ماده یک اساسنامه، این اتحادیه سازمانی غیر دولتی است که برای سرو سامان دادن به اوضاع زنان در سوریه تشکیل شده و مقر آن شهر دمشق و بالاترین مقام این اتحادیه رئیس دفتر اجرایی آن می‌باشد. اهداف این سازمان عبارت است از:

– سرو سامان دادن به اوضاع زنان و تمرکز تلاش آنها در چار چوب یک کار دسته جمعی و منظم جهت رسیدن به اهداف انقلاب و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی عربی.

– کوشش جهت افزایش سطح فرهنگی و اجتماعی زنان و ایجاد شرائط مناسب کار و فعالیت اجتماعی برای آنان.

– همکاری با سندیکاها و سازمانهای غیر دولتی مختلف جهت نهادینه نمودن مفهوم آزادی زن و اتخاذ مواضع اصولی در راستای مبارزه بین المللی جهت آزادی زنان.

– حمایت از زنان لایق برای بعهده گرفتن مسئولیت‌های دولتی و حزبی.

– ایجاد ارتباط با سازمانهای زنان در کشورهای مختلف به خصوص کشورهای دوست و برادر.

فعالیت‌های اتحادیه

– برگزاری کنگره و سمینار در خصوص زنان.
– برگزاری دوره‌ها و همایش‌های فرهنگی مختلف جهت کادر سازی.

– صدور نشریات و مجلات.

– احداث مؤسسه‌های اجتماعی و اقتصادی جهت خدمت به زنان.

– حمایت از زنان شاغل با ایجاد مهد کودک و کودکستان برای فرزندان آنها.

- برگزاری دوره‌های فنی و حرفه‌ای جهت آموزش زنان.
- مبارزه با بیسوادی.
- تشویق زنان برای تحصیل.
- انجام کارهای تحقیقی و آماری در خصوص زنان.

شرایط عضویت

مهمترین شرط عضویت، ایمان و پایبندی به اهداف انقلاب و حزب بعث می‌باشد که باید فرد به طور کتبی آن را اعلام نماید.

۱۲- اوضاع آموزشی

تحصیلات در سوریه در صدر برنامه‌های دولت قرار گرفته است. به طور کلی می‌توان گفت که در سوریه مسیحیان بیش از مسلمانان از تحصیلات برخوردارند. این مسئله در مورد مسلمانان شیعی نیز صادق است که بیش از مسلمانان سنی به تحصیل اشتغال دارند. با بالا رفتن سطح تحصیلات و تسهیلات مربوطه، اینک نخبگان جدیدی در سوریه شکل گرفته‌اند که کارمندان دولت، پیشه‌وران جزء و نظامیان از آن جمله‌اند. با اینکه بر اساس ایدئولوژی حزب بعث کارگران و کشاورزان بنیاد جامعه را تشکیل می‌دهند این گروه نتوانسته‌اند به مدیریت و اداره مملکت دست بیابند.

اکنون سوریه به دست نخبگان ارتش اداره می‌شود و با اینکه ارتش در ظاهر در حاشیه است اما به علت اینکه تمام اهرم‌ها در دست افسران ارتش است، آنان موجب تغییر در جامعه می‌گردند ترقی و پیشرفت در این کشور بستگی به عضویت در حزب بعث دارد. این مسئله باعث پائین آمدن معیارهای شایسته‌سالاری در دستگاه دولت و عدم علاقه کارمندان و پائین آمدن راندمان در سازمان‌های دولتی شده است و در نتیجه دستگاه دولت دچار دیوان سالاری پیچیده شده است.

با توجه به اهمیتی که نظام آموزشی در هر جامعه‌ای دارد ذیلاً سیستم آموزشی سوریه مورد بررسی دقیق قرار می‌دهیم.

نظام آموزشی

در نظام آموزشی و تربیتی سوریه، می‌توان آثار شیوه‌های تعلیمات اسلامی، عثمانی و اروپایی را مشاهده نمود. شیوه‌های قدیمی اسلامی در مساجد و دارالتعلیم و مدارس مذهبی دنبال می‌شود. الگوی فرانسوی و تدریس زبان فرانسوی که در زمان اشغال تحمیل شده بود همچنان در برنامه مدارس به چشم می‌خورد. هرچند که سوریه سیستم انگلیسی را اشاعه داده است. تعلیمات ابتدایی به مدت شش سال اجباری است ولی رایگان می‌باشد. تحصیلات متوسطه مدارس دولتی رایگان ولی اجباری نیست. یکی از ویژگی‌های نظام آموزش و پرورش سوریه اهتمام به مسائل قومی است که در سوریه وجود دارد و از اهداف حزب بعث می‌باشد بر این اساس کتاب‌های درسی سوریه نوشته شده است و به همین دلیل نگاه قومی متأسفانه در کتاب‌های درسی سوریه مطالب منفی در خصوص ایران نیز به چشم می‌خورد.

آموزش و پرورش در سوریه

الف - سیاست‌های آموزشی سوریه در قرن بیست و یکم

طبق برنامه‌های اعلام شده توسط دولت سوریه سیاست‌های آموزشی سوریه در قرن بیست و یکم به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱ - مطابقت روند برنامه‌های آموزش رسمی با روند رو به رشد دانش و تکنولوژی مدرن
- ۲ - ارائه دوره‌های تحصیلی قابل انعطاف‌تر به منظور پاسخگویی به نیازهای توسعه جهانی
- ۳ - توسعه تکنولوژی آموزشی و بهره‌گیری از این تکنولوژی در کلیه مراکز آموزشی کشور

- ۴- ارائه برنامه علمی ۱۰ساله آموزشی توسط وزارت آموزش و پرورش
 - ۵- اتخاذ سیاست اطلاع رسانی آموزشی بعنوان استراتژی ملی در تأکید بر آماده سازی معلمین واجد شرایط و تأسیس مراکز آموزشی مجهز به مدرنترین تجهیزات آموزشی
 - ۶- برگزاری کنفرانسهای آموزشی درجهت بحث پیرامون بررسی طرحهای جدید و طراحی برنامه های جدیدتر آموزشی
 - ۷- تأسیس دانشکده های تکنولوژیک آموزش معلمان به منظور آموزش تکمیلی معلمان
 - ۸- افزایش مدت زمان دوره آموزش کادر متخصص آموزشی از طریق تمدید جلسات آموزشی یکساله
 - ۹ - اختصاص توجه بیشتر به تکنیکهای آموزشی
- Perspective
- ۱۰- طراحی دوره ها و کتب جدید آموزشی مطابق با آخرین پیشرفتهای علمی

آموزش زنان بزرگسال

وزارت فرهنگ و اتحادیه کل زنان سوریه، اصلی ترین نهادهای اجرایی پروژه سوادآموزی و آموزش حرفه ای زنان روستایی میباشند. سازمانهای بینالمللی و عربی نظیر ایسکوو و یونسکو، نیز که به اجرای طرح توسعه مبادرت می نمایند، بر ترغیب زنان روستایی جهت حضور در دوره های سواد آموزی و پیشرفت آنان تأکید دارند.

وزارت فرهنگ، اتحادیه کل زنان، و سازمان یونسف نیز درصدد ریشه کن سازی بیسوادی دختران و زنان مناطق روستایی کشور میباشند. گفتنیست که تاکنون پروژه سوادآموزی زنان روستایی در مناطق طرطوس، حلب، لاذقیه و دیر الزور با اهداف آموزش الفباء، آموزش مهارتهای اساسی و تقویت فرهنگ گروهی به مورد اجرا درآمده است. اساساً، گزارشات

آماري صادره از اداره مركزي در ۱۹۹۱ نسبتهاي بيسوادي زير را كه تقسيم بندي شده به جنسيت و سنين بالاي ۱۰ سال

نرخ بيسوادي افراد بزرگسال رده هاي سني ۱۰ سال و بالاتر
طي سال ۱۹۹۸

مردان	زنان	جمع كل
60/9%	87/25%	25/17%

از آغاز سال ۲۰۰۰، كميته ملي مبارزه با بيسوادي به اجراي طرح ملي سواد آموزي درجهت ريشه كن سازي بيسوادي در جمهوري سوریه مبادرت نموده است. هدف اصلي طرح مذکور، ارتقاء سواد آموزي افراد بزرگسال جهت برخورداري اين افراد از امكان ادامه تحصيل، بهبود روش زندگي و تبديل شدن به ابزاري درجهت پيشرفت جامعه مي باشد.

اصول و اهداف آموزشي

از جمله مهمترين اصول و اهداف آموزشي كشور سوریه مي توان به موارد ذيل اشاره نمود:

۱- برخورداري كلييه شهروندان سوري از حقوق متساوي رايجان آموزشي و پرورشي و تضمين برخورداري از چنين حقوقي توسط دولت است.

۲- تلاش دولت در جهت ارتقاء آموزش اجباري به سطح بالاتر و نظارت بر آموزش پايه و جهت گيري آن درجهت تناسب با نيازهاي جامعه.

۳- پرورش نسلي با ويژگيهاي سوسياليست عربي، علم مدار، علاقمند به سرزمين و تاريخ ملي، مفتخر به ميراث ملي و برخورددار از روحيه قوي جهت نيل به اهداف ملت عرب و برقراري اتحاد، آزادي و سوسياليسم و كمك به رفاه و پيشرفت بشري.

۴- پرورش شهروندان عربي برخورددار از اعتقاد عميق به قوميت عربي با هدف برقراري اتحاد و آزادي و تشكيل جامعه اي سوسياليست و متعهد به ملت و سرزمين و اعتقاد به عملکرد انقلابي در مفهوم و عمل

متناسب با روحیه مسئولیت‌پذیری سوسیالیستی بنیادی.

۵- درونی سازی ارزشهای بنیادین علمی در ذهنیت جوانان سوری در جهت ادغام دیگر ارزشهای فرقه‌ای و قبیله‌ای.

۶- تربیت شهروندان کارآمد در جهت ایفای نقش مثبت در جامعه دموکراتیک.

۷- تأکید بر پرداختن به فعالیت شرافتمندانه خلاق و جمعی به منظور نیل به جامعه‌ای آزاد و متمدنی.

۸- پرورش شهروندانی با افکار واقع‌گرا، عینی، بهره‌مند از ذهنیت علم بنیاد و معتقد به شیوه‌های علمی.

۹- پرورش شهروندانی با شخصیتی یکپارچه خلقی، فکری و ذهنی، برقرارکننده ارتباطات مفید و سرزنده با خانواده و جامعه، قدردان از هنر و فرهنگ و ارج‌گذار به ارزشهای اخلاقی و روحی و حقوق انسانی.

۱۰- ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی شهروندان سوری و تمرکز برحوزه تحقیقات به ویژه تحقیقات آموزشی.

اولویتهای آموزشی

از جمله مهمترین اولویتهای جاری آموزشی کشور سوریه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- گسترش آموزش علوم کامپیوتری و نرم افزاری در مدارس و مراکز آموزش دانشگاهی کشور

۲- توسعه آموزش حرفه‌ای در چهارچوب طرحهای حرفه‌ای آموزشی

۳- معطوف داشتن توجه خاص برآموزش معلمان کلیه سطوح آموزشی و توسعه برنامه‌های آموزش ضمن خدمت در مراکز آموزش معلم و دانشکده‌های آموزش و پرورش

آخرین آمار دانش آموزان سوریه

بیش از پنج میلیون دانش آموز سوری، در مقاطع مختلف تحصیلی، در نیمه دوم شهریور (۱۸ / ۶ / ۸۶) نخستین روز سال تحصیلی جدید (۲۰۰۷ - ۲۰۰۸) روانه‌ی مدارس و مراکز آموزشی در سوریه شدند. جمعیت دانش آموزان سوریه در مقاطع ابتدایی و راهنمایی حدود چهار میلیون و ۳۹۴ نفر و در مقطع دبیرستان، ۳۶۱ هزار نفر می‌باشند. در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷، حدود ۸۰ تا ۹۰ هزار دانش‌آموز عراقی در مدارس سوریه به تحصیل مشغول گردیدند. این در حالی است که طبق آمار رسمی، در سال قبل از این، ۳۵ هزار دانش آموز عراقی در مدارس سوری تحصیل می‌کردند.

ب - آموزش عالی

قبل از روی کار آمدن بشار اسد آموزش عالی در سوریه در چهار دانشگاه دولتی مدرسه عالی مهندسی شیمی و نفت در حمص، دوازده مؤسسه عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای وابسته به آموزش عالی و سی و نه مؤسسه فنی و حرفه‌ای وابسته به سایر وزارتخانه‌ها ارائه می‌شد. مسئولیت آموزش عالی برعهده دولت و مجری آن وزارت آموزش عالی بود. با روی کار آمدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰ میلادی مؤسسات آموزش عالی در سوریه گسترش یافت. شورای آموزش عالی که پیش از این شورای عالی دانشگاه‌ها نامیده می‌شد، از نمایندگان دانشگاه‌ها، استادان، دانشجویان و وزارتخانه‌ای آموزش و پرورش، آموزش عالی و برنامه‌ریزی تشکیل شده است. این شورا سیاست کلی آموزش و پژوهش را تعیین و برنامه‌های مختلف آموزشی را هماهنگ می‌کند. این شورا بر ارتباط آموزش‌های ارائه شده در مؤسسات آموزش عالی و برنامه‌های عمران اقتصادی و اجتماعی نظارت دارد و در رابطه با هم‌ترازی درجات دانشگاهی، هنجارهای قابل استفاده را مشخص می‌نماید.

آموزش در مراکز آموزش عالی سوریه به عربی است منتها زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نیز بعضاً تدریس می‌شود. تربیت آموزگاران در دانش‌های تربیت

معلم و در سطح دبیرستان انجام می‌گیرد. مدت آن برای دارندگان گواهینامه دوره اول دبیرستان چهار سال و برای دارندگان دوره دوم دبیرستان یک سال است. مدت دوره یک سال است و پس از دریافت لیسانس علوم، ادبیات و یا حقوق گذرانده می‌شود. در پایان دانشنامه تخصصی آموزش و پرورش اعطا می‌گردد. سطح آغاز تحصیلات عالی، گواهینامه پایان دبیرستان است که پس از شش سال آموزش در دبستان و شش سال آموزش در دبیرستان متشکل از دو دوره سه ساله اول و دوم اخذ می‌شود. ورود به موسسات آموزش عالی از جمله مقاطع پیوسته به رشته تحصیلی دوره دوم دبیرستان (ادبی یا علمی)، نمرات امتحان نهایی و نمرات بدست آمده در دروس بنیادی بستگی دارد. انتخاب رشته تحصیلی بر اساس معدل دیپلم صورت می‌گیرد. به این ترتیب که دارندگان معدل بالا به رشته‌های مطلوب چون پزشکی، مهندسی و غیره راه می‌یابند. و افرادی که معدل پایین بدست آورده‌اند معمولاً در رشته‌هایی نظیر ادبیات، کتابداری و غیره ثبت نام می‌کنند. در مقطع کاردانی، رشته‌هایی نظیر پزشکی، علوم مهندسی، صنعت، کشاورزی، بازرگانی، منشی‌گری تدریس می‌شود و در پایان دوره دو ساله گواهینامه کاردانی اعطا می‌شود.

مرحله اصلی آموزش عالی در کسب معلومات عمومی و صلاحیت عالی حرفه‌ای خلاصه می‌شود و مدت چهار تا شش سال طول می‌کشد و به دانشنامه لیسانس می‌انجامد. فارغ التحصیلان علوم ادبیات و حقوق برای بدست آوردن اجازه تدریس در دبیرستان باید دانشنامه عمومی آموزش و پرورش را نیز اخذ کنند. این دانشنامه پس از یک سال تحصیل در دانشکده آموزش و پرورش دانشگاه دمشق اعطا می‌شود. مرحله دوم به کسب تخصص و آشنایی با پژوهش اختصاص دارد. این مرحله به دو نوع دانشنامه می‌انجامد: نخست دانشنامه دیپلم که در رشته دامپزشکی به یک سال و در سایر رشته‌ها به دو سال آموزش نیاز دارد. دانشجویان ممتاز رشته آموزش و پرورش در صورت تمایل به کسب تخصص عمیق ترمی توانند پس از دریافت

لیسانس و دانشنامه عمومی آموزش و پرورش دوره یک ساله‌ای را بگذرانند و دانشنامه تخصصی آموزش و پرورش دریافت کنند. دانشنامه دیگری که در مرحله دوم آموزش عالی دریافت می‌شود، فوق لیسانس است که به سه سال آموزش پس از اخذ لیسانس نیاز دارد. دانشکده‌های پزشکی دمشق و حلب پس از سه تا چهار سال آموزش بنابر تخصص‌های مختلف، گواهینامه‌های تحصیلات عالی اعطا می‌کنند.

مرحله سوم آموزش عالی به دکترا منتهی می‌شود که در پایان دست کم پنج سال آموزش پس از لیسانس اخذ می‌شود و به دفاع از رساله نیاز دارد. همه دانشکده‌های دانشگاه حلب از جمله انستیتوی تاریخ علوم عرب دکترا اعطا می‌کنند در حال حاضر دانشگاه دمشق در رشته‌های مختلف علوم انسانی تا سطح دکترا دانشجو می‌پذیرد.

آموزش عالی در سوریه در زمان بشار اسد

بخش آموزش عالی در سوریه بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد شاهد یک سلسله تحولات و اصلاحات بوده است در این رابطه رهبری کشوری حزب بعث در سال ۲۰۰۳ با تأسیس دانشگاه غیر دولتی در سوریه موافقت و به ۴۰ سال انحصار دولت در این بخش پایان داد. هدف از این اقدام مشارکت دادن جامعه در آموزش عالی و توسعه کمی و کیفی آن بود. در اقدام دیگری که آن را نیز می‌توان اقدامی اصلاحی به حساب آورد تصمیم به حذف واحد درسی "آموزش نظامی" از دروس اجباری دانشگاه بود. بدنبال این اقدام ساعات تدریس واحد درسی "تربیت قومی" که به تشریح افکار بعثی می‌پرداخت از دو ساعت در هفته به یک ساعت کاهش پیدا نمود و به جای آن توجه به رشته‌های علمی و آموزش زبان بیشتر شد اما رسیدن آموزش پرورش سوریه به حد متعارف جهانی زمان بر خواهد بود زیرا به بودجه عظیمی نیاز دارد که در حال حاضر چنین امکانی در سوریه فراهم نمی‌باشد.

در حال حاضر تعداد دانشگاه‌های دولتی سوریه ۵ دانشگاه در استان‌های دمشق، حلب، حمص، لاذقیه و دیرالزور می‌باشند. طبق اعلام وزارت آموزش عالی سوریه در تابستان ۱۳۸۶ تا کنون به ۱۸ دانشگاه خصوصی در سوریه اجازه فعالیت داده شده که با همکاری با دانشگاه‌های معتبر جهان در استان‌های مختلف سوریه تأسیس شوند. ضمناً دانشگاه مجازی که حضور دانشجویان در کلاس اجباری نیست نیز از سال ۲۰۰۳ در سوریه تأسیس شده است.

در حال حاضر تعداد دانشجویان سوریه به بیش از ۳۸۰ هزار نفر بالغ می‌گردند که ۲۵۰ هزار نفر در دانشگاه‌های دولتی پنج گانه و ۱۰۰ هزار نفر در دانشگاه‌های مجازی و ۶ هزار نفر در دانشگاه‌های غیر انتفاعی مشغول می‌باشند. از این تعداد دانشجوی ۵۱۲۳ نفر از دیگر کشورهای عربی می‌باشند که ۲۸۲۴ نفر از ایشان در دانشگاه دمشق به تحصیل مشغول می‌باشند. به غیر از صدها دانشجوی لبنانی که بنابر توصیه سیاسی مقامات عالی‌رتبه در دانشگاه‌های سوریه به تحصیل مشغول می‌باشند بیش از ۴۵ هزار دانشجوی عراقی نیز که به دلیل حوادث عراق در این کشور آواره شده اند در دانشگاه‌های سوریه به تحصیل خود ادامه می‌دهند.

تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سوریه نیز در سال ۱۳۸۶ حدود ۱۵ هزار نفر می‌باشند و تعداد دانشجویان بورسیه به خارج از کشور طی چند سال گذشته کاهش یافته و به ۲۱۰۰ نفر رسیده است. هزینه‌های دولت در آموزش عالی نیز کاهش یافته است و به ۱۵۰ میلیون دلار از بودجه ۱۱ میلیارد دلاری این کشور در سال ۲۰۰۶ به آموزش عالی اختصاص یافت. میزان بودجه تخصیص داده شده برای تحقیقات علمی در سوریه به ۳,۸ میلیون دلار می‌رسد.

معرفی دانشگاه‌های سوریه

برای آشنایی با دانشگاه‌های سوریه مختصراً به معرفی این دانشگاه‌های می‌پردازیم:

دانشگاه دمشق^۱

این دانشگاه اولین دانشگاهی است که در سوریه تأسیس شده است. هسته مرکزی این دانشگاه در سال ۱۹۰۱ میلادی با تأسیس مدرسه عالی طب آغاز شد و سپس در سال ۱۹۱۳ با ایجاد مدرسه حقوق در دمشق زمینه برای ایجاد اولین دانشگاه در سوریه امروزی به وجود آمد لذا در سال ۱۹۲۳ با ادغام این دو مرکز آموزش عالی دانشگاه سوریه تأسیس گردید در سال ۱۹۵۳ با گسترش تعداد دانشکده‌ها این دانشگاه به نام دانشگاه دمشق نامگذاری شد. زبان تدریس در این دانشگاه زبان عربی است و محل آن در وسط دمشق در محل برامکه قرار دارد. این دانشگاه بیش از ۲۰۰ قرارداد همکاری با دانشگاه‌های معتبر جهان دارد و دارای ۱۴ دانشکده و چندین مؤسسه تحقیقاتی می‌باشد و تعداد مجلات علمی آن بالغ بر ۱۲ عدد می‌باشد کرسی زبان فارسی نیز در این دانشگاه دایر است و دهها دانشجوی ایرانی برای اخذ تخصص در رشته‌های پزشکی در این دانشگاه مشغول به تحصیل می‌باشند.

دانشگاه حلب^۲

بعد از استقلال سوریه از فرانسه دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه سوریه در حلب تأسیس گردید این دانشکده هسته اصلی دانشگاه حلب در سال ۱۹۵۸ شد. در حال حاضر این دانشگاه ۲۰ دانشکده و چند مؤسسه تحقیقاتی دارد کتابخانه بزرگ این دانشگاه یکی از بزرگترین کتابخانه‌های سوریه به حساب می‌آید سالن مطالعه آن گنجایش ۱۵۰۰ نفر را دارد.

تعداد دانشجویان دانشگاه حلب در سال تحصیلی ۲۰۰۵-۲۰۰۴

تعداد دانشجویان روزانه	۶۱۶۴۳
تعداد دانشجویان مدارس و مؤسسات وابسته	۱۱۱۸۴

^۱- عنوان اینترنتی دانشگاه دمشق: <http://www.damasuniv.shern.net>

^۲- عنوان اینترنتی دانشگاه حلب: <http://www.alepuniv.shern.net>

۲۶۷۰۷	دانشجویان آزاد
۱۵۱	دانشجویان سوری مقیم خارج
۱۰۹۶	دانشجویان کشورهای عربی
۴۳۶۶	فارغ التحصیلان
۱۵۲۵	دانشجویان تحصیلات تکمیلی

دانشگاه تشرین^۱

این دانشگاه در سال ۱۹۷۱ تأسیس گردید و در سال ۱۹۷۲ با داشتن سه دانشکده عملاً کار خود را آغاز نمود. با اهتمام حافظ اسد ساختمان جدید آن در ناحیه شرقی شهر لاذقیه در زمینی به مساحت یک میلیون متر مربع بنا گردیده است و دارای چند بیمارستان آموزشی نیز می‌باشد. به غیر از دانشکده علوم تربیتی بقیه دانشکده‌ها در رشته‌های فنی و پزشکی می‌باشد.

دانشگاه البعث

این دانشگاه چهارمین دانشگاه دولتی سوریه به حساب می‌آید و در سال ۱۹۷۹ در منطقه میانی سوریه در شهر حمص تأسیس گردید. در سال‌های اخیر این دانشگاه توسعه پیدا نموده و در اکثر رشته‌ها در دوره فوق لیسانس و دکترا دانشجوی می‌پذیرد. این دانشگاه با دانشگاه تربیت معلم تهران قرار داد همکاری دارد.

دانشگاه فرات

این دانشگاه در سال ۲۰۰۶ تأسیس گردید اما هسته اصلی آن در سال ۱۹۷۷ با ایجاد دانشکده کشاورزی در دیرالزور ایجاد شد این دانشکده که تابع دانشگاه حلب بود. در سال ۲۰۰۳ دو دانشکده ادبیات و علوم نیز در این شهر تأسیس شد تا اینکه در سال ۲۰۰۶ بشار اسد فرمان ایجاد دانشگاه فرات در استان شرقی دیرالزور را صادر نمود. این دانشگاه قرار است سه استان حسکه، رقه و دیرالزور را زیر پوشش قرار دهد. در حال حاضر بیش از ۱۰ هزار دانشجو در حال تحصیل در این دانشگاه

^۱ - دانشگاه تشرین: <http://www.tishreen.shern.net>

هستند و تعداد هیئت علمی رسمی این دانشگاه نیز حدود ۱۰۰ نفر است. از دانشگاه‌های دیگر نیز اساتید مهمان دعوت می‌شوند. این دانشگاه اقدام به تأسیس چهار دانشکده در استان‌های رقه و حسکه نیز نموده است.

دانشگاه مجازی^۱

حضور در کلاس در این دانشگاه اجباری نیست و دانشجویان از طریق اینترنت به تحصیل می‌پردازند و در امتحانات شرکت می‌نمایند.

تاریخ تأسیس ۲ سپتامبر سال ۲۰۰۲

محل دانشگاه وزارت آموزش عالی

رئیس دکتر ریاض الداودی

تعداد دانشجو ۲۹۰۸

در این دانشگاه در حال حاضر علاوه بر سوری‌ها از ۲۰ کشور جهان از جمله ایران در حال تحصیل می‌باشند.

ضمناً دانشگاه‌های خصوصی زیادی طی دو سال گذشته در سوریه تأسیس شده است که مهم‌ترین آنها دو دانشگاه المامون و القلمون است در این دو دانشگاه هزاران دانشجو در حال تحصیل می‌باشند.

مؤسسات آموزش عالی دینی

علاوه بر دانشکده الهیات دانشگاه دمشق بعضی از مدارس دینی سوریه مجوز از دانشگاه‌های دینی معتبر گرفته و شعبه‌ای از این دانشگاه‌ها در مدارس دینی سوریه دانشجو می‌پذیرد به عنوان مثال مؤسسه آموزشی فرهنگی شیخ احمد کفتارو که هزارن طلبه از کشورهای مختلف جهان جذب می‌نماید برای اینکه به

^۱ - آدرس اینترنتی: <http://www.svuinlainsy.org>

آنها مدارك دانشگاهي اعطا كند مجوز دانشگاه الازهر مصر و ام درمان سودان را نيز گرفته است و تا سطح دكترآ در اين مجتمع دانشجويان مي‌توانند به تحصيل خود ادامه دهند از ديگر مؤسسات علوم ديني كه مدارك دانشگاهي مي‌دهند مي‌توان به مجمع فتح اسلامي و دانشگاه اهل بيت (ع) و دانشگاه حضرت رقيه اشاره نمود.

از زمانی که حزب سوسیالیست بعث عرب در سال ۱۹۵۳ میلادی در سوریه بر اساس اهدافی همچون «میهن عربی واحد سیاسی و اقتصادی تجزیه ناپذیر است، ملت عرب یک واحد فرهنگی است و تمام اختلافات با بیداری اعراب از بین خواهد رفت، میهن عربی از آن اعراب است و فقط آنان حق دارند امور اعراب را اداره کنند» به قدرت رسید، ساختار مطبوعات این کشور شکل جدیدی به خود گرفت. طبق الگوهای سوسیالیستی، بیشتر مؤسسات انتشاراتی این کشور توسط سازمان‌های سیاسی، مذهبی یا انجمن‌های حرفه‌ای اداره می‌شوند. چند رسانه این کشور نیز مستقیماً توسط دولت منتشر می‌شود و هرکس چنانچه خواستار انتشار یک جریده جدید باشد باید از دولت اجازه مخصوص دریافت کند. یکی از ویژگی‌های بارز مطبوعات سوریه، انعکاس موضع آشکار دولت حاکم بر این کشور است. روزنامه‌ای البعث، تشرین و الثوره از روزنامه‌های اصلی این کشور می‌باشند.

روزنامه‌های وابسته به دولت سوریه صرفاً محل عرضه ایده‌ها و افکار دولت بوده و با مراجعه به روزنامه‌های این کشور بخوبی می‌توان به مواضع سیاسی - اقتصادی اصلی این کشور دست یافت. به دلیل حزبی بودن در سوریه، دمشق کنترل مستقیمی بر روزنامه‌های این کشور دارد. تا سال ۲۰۰۱ میلادی جز نشریات دولتی، هیچ رسانه‌ای حق فعالیت در سوریه را نداشت. اما به دستور بشار اسد رئیس جمهوری این کشور، مجوز انتشار نشریه‌های غیردولتی

صادر شد. البته تعداد هفته‌نامه‌های سیاسی در اقلیت بود و حتی نشریه غیردولتی «المبکی» به اتهام تخلف از قانون مطبوعات و پرداختن به مسایل سیاسی تعطیل شد.

مطبوعات این کشور بیشتر تمایل به پرداختن به موضوعات خارجی به ویژه مسایل منطقه‌ای همچون مذاکرات صلح خاورمیانه، بحران فلسطین و رویدادهای لبنان را دارند. دلیل این امر نیز موقعیت جغرافیایی این کشور به عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و موقعیت خاص این کشور در مدیترانه است. دهمین کنگره سراسری حزب بعث سوریه که با حضور ۱۲۳۱ عضو حزب بعث از چهارده استان سوریه، اعضای کمیته مرکزی و مسئولان تشکلهای مردمی و سندیکایی برگزارشد، بی تردید فصل جدیدی در صحنه سیاسی کشور گشود چرا که اعضای کنگره خواستار تنظیم قانون جدید جهت ادامه فعالیت مطبوعات شده و بر انجام پاره‌ای از اصلاحات در این زمینه تأکید کردند.

مقامات سوریه تصمیمات این کنگره در زمینه فعالیت آزادانه احزاب، بهبود شرایط مطبوعات، مبارزه با فساد و سرعت بخشیدن به روند رشد و توسعه کشور را از مهمترین دستاوردهای کنگره می‌دانند. البته خانم «بثینه شعبان» سخنگوی کنگره فوق مدعی است: «سوریه براساس نیازهای خود اصلاحات در کشور را به پیش می‌برد. این نیازها نیز با آنچه که دیگران سعی می‌کنند با آن سوریه را تهدید کنند، ارتباطی ندارد.» معاون رئیس جبهه ملی ترقی خواه سوریه (ائتلاف حاکم) نیز گفت تدوین قانونی برای فعالیت احزاب و قانون جدید برای مطبوعات و بازنگری در قانون فوق‌العاده سوریه در اولویت کاری این جبهه قرار دارد. کنگره‌ای که با استقبال مشروط گروههای سوری منتقد دولت دمشق روبرو بود. مخالفین معتقدند توصیه‌ای کنگره فوق عملاً موجب تقویت طرز فکر مقامات این کشور شده و دستاورد زیادی برای آنها نخواهد داشت. چندی پیش نشریه الکترونیکی

«سیریا نیوز» اعلام داشت منابع نزدیک به وزارت اطلاع رسانی سوریه مدعی اند دولت این کشور بنا دارد به مطبوعات غیردولتی اجازه دهد به تحلیل و بررسی موضوعات سیاسی بپردازند. وزیر اوقاف سوریه نیز در اظهاراتی کم سابقه مدعی شد: «خطبای مساجد همیشه باید در سخنانشان اصل گفتمان و احترام به نظر مخالف را مدنظر قرار دهند و جامعه را نسبت به تهاجم فرهنگی و حملات تبلیغاتی مغرضانه رسانه‌های دشمن هوشیار سازند.» این مواضع جدید، در واقع علائم جدیدی بود که از سوی دمشق صادر می‌شد.

گروهی از نشریات غیر دولتی سوریه همچون «سیریا تودی»، اقتصاد حمل و نقل، ابیض واسود، شبابیک، المال، قضایا اداریه، ریاضیه و رقمیات» چندی پیش ضمن انتقاد از عملکرد ضعیف رسانه‌های دولتی کشورشان در واکنش به تبلیغات مغرضانه خارجی علیه این کشور، جبهه‌ای برای پاسخگویی به آن تشکیل دادند. این نشریات از وزارت اطلاع رسانی سوریه خواستند به طور جدی درصدد انجام اصلاحات در ساختار حرفه‌ای رسانه‌ها باشد چرا که تواناییهای خبرنگاران سوری در چهارچوب رسانه‌های دست بسته دولت بدون استفاده مانده است، از دیدگاه مقامات رسمی سوریه، هیچ سانسور حکومتی بر رسانه‌های این کشور وجود ندارد. حتی رسانه‌های الکترونیک متعددی در سوریه فعال هستند که منتقد دولت بوده اما هیچ گونه نظارت و محدودیتی بر آنها اعمال نمی‌شود و حتی در بسیاری از موارد انتقادات مبالغه‌آمیزی علیه دولت دارند و بسیاری از مخاطبان نظرات خود را به صورت صددرصد آزاد، نسبت به دولت سوریه می‌نویسند. اما آنچه که در آن تردید نیست اینکه اجرای سیاست‌های آزادی مطبوعات سوریه بی سابقه بوده و گروهی از رسانه‌ها با انتقادهای تند خود عملاً از خطوط قرمز سیاسی عبور کرده و به نظر می‌رسد فشارهای داخلی و خارجی، اجباراً و ناخواسته سوریه را در مسیر جدیدی قرار داده است.

مهدی دخل‌الله وزیر اطلاع رسانی سابق سوریه معتقد است: «درباره اظهار نظر افراد در سوریه، این حقی است که تضمین شده است. در ماده ۳۸ قانون اساسی سوریه و یکی از آرمانهای حزب بعث سوریه که از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار است، آمده است آزادی بیان و آزادی برگزاری تجمعات و تأسیس احزاب یک نوع آزادی مقدس است و این یعنی این که این موضوع از حقوق طبیعی انسانها است و تنها بخشی از حقوق اساسی سیاسی شهروندان نیست.»

دمشق همچنین مدعی است هم اکنون طرح‌هایی برای تقویت بخش خصوصی در رسانه‌های گروهی در دست پیگیری است. گفته می‌شود در سوریه در سال ۲۰۰۷ م، ۱۰۰ نشریه هفتگی و ماهنامه در بخش خصوصی وجود داشته که تحت هیچ گونه نظارتی نیست و غالباً دولت را مورد انتقاد قرار می‌دهند. سوریه همچنین تلاش دارد تا زمینه آزادی بیان را در اطلاع رسانی رسمی نیز افزایش داده و به زودی در پایتخت، شهرکی رسانه‌ای را ایجاد می‌کند و بخش خصوصی نیز شبکه‌های تلویزیونی را بدون دخالت دولت ایجاد می‌نماید. در حال حاضر در سوریه سه شبکه رادیویی دیگر نیز مجوز کسب کرده‌اند.

از دیدگاه مقامات رسمی سوری، در مرحله آینده زمینه آزادی اظهارنظر در کشورشان گسترش می‌یابد. به رغم تلاشهای دمشق برای ایجاد فضای بازسیاسی، گروهی از چهره‌های رسانه‌ای این کشور دائماً از مشکلات خود در این زمینه سخن می‌گویند. مقامات ذیربط سوریه مدعی‌اند برای مجوز انتشار نشریه، ارائه درخواست و داشتن شرایط عمومی و داشتن تحصیلات دانشگاهی کافی است اما مسئولین نشریه می‌بایستی دارای دفتر بوده و مشخصات مسئولان آن نیز می‌بایستی مشخص باشد. در سوریه خبرگزاری خصوصی وجود ندارد و خبرگزاری رسمی این کشور وظیفه تهیه بولتن‌های خبری برای آژانس‌های خبری خارجی را برعهده دارد اما بسیاری از خبرگزاریهای بزرگ جهان در این کشور دارای دفاتر فعالی هستند. اگر در گذشته‌ای نه چندان دور بسیاری از خبرگزاری‌های بین‌المللی بیروت

را محل دفاتر مرکزی خود انتخاب می‌کردند هم اینک حضور خبرنگاران خارجی در دمشق نیز روبه گسترش است. همچنین روزانه سوریه شاهد ورود خبرنگارانی از کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای غربی، آمریکا و کانادا است که البته این امر بی‌ارتباط با تنش در خاورمیانه نیست.

قرار است خبرگزاری جدیدی به نام «بازتاب» در این کشور راه اندازی خواهد شد. رادیو و تلویزیون سوریه در سال ۱۹۴۵ در دمشق تأسیس شد. رادیوی این کشور برنامه‌هایی به زبان عربی، فرانسوی، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی، اسپانیایی، پرتغالی، عبری، ترکی و بلغاری پخش می‌کند. مردم سوریه همچنین با استفاده از تجهیزات ماهواره می‌توانند ۳۵۰ کانال تلویزیون کشورهای مختلف عربی را تماشا کنند. مهم‌ترین روزنامه سیاسی در سوریه الثورة است که روزانه ۷۰ هزار نسخه منتشر می‌شود. تیراژ روزنامه البعث روزانه ۴۰ هزار نسخه است. درسوریه هریک از استان‌ها نیز جداگانه دارای نشریات محلی بوده و روزنامه سایر کشورهای عربی نیزهمه روزه در سوریه توزیع می‌شود.

روزنامه الوطن

با انتشار نخستین شماره‌ی روزنامه‌ی «الوطن» در تاریخ ۸۵/۸/۱۵ اولین روزنامه‌های سیاسی غیردولتی، پس از وقفه‌ای ۴۰ ساله، به عرصه مطبوعات سوریه پا نهاد. این روزنامه در حال حاضر در قطع بزرگ، و در ۱۶ صفحه شامل چهار صفحه‌ی رنگی منتشر می‌شود و به جز به موضوعات سیاسی، به مسایل داخلی، اقتصادی و فرهنگی نیز می‌پردازد.

بدنبال انتشار این روزنامه «وضاح عبد ربه» صاحب امتیاز و سردبیر الوطن در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در دمشق اظهار داشت که پیوستن الوطن به جرگه‌ی نشریات خصوصی در سوریه که از سال ۲۰۰۰ میلادی به تدریج پا گرفته‌اند، جایگاه آنها در عرصه اطلاع رسانی در این کشور را استحکام می‌بخشد. عبد ربه، صاحب مؤسسه‌ی «شرکت

انتشاراتي سوریه» است و در سال ۲۰۰۱ میلادی با وجود فقدان قانونی برای انتشار نشریات خصوصی با کسب مجوز ویژه توانست «الاقتصادیه» نخستین هفته‌نامه‌ی غیردولتی در این کشور را منتشرکند.

وی با اذعان به این که تأمین اعتبار مالی، مهمترین چالش فراروی انتشار نشریات خصوصی است، افزود: چند ماه پیش از درخواست مجوز، جنبه‌های مالی و اقتصادی مسأله را بدقت بررسی کردیم، زیرا تا کنون چندین نشریه‌ی خصوصی به سبب مواجهه با مشکلات مالی از فعالیت باز ماندند. نمی‌خواهیم دچار سرنوشت آنها شویم. عبدربه متذکر شد:

بازار تبلیغات و آگهی در سوریه نسبت به دیگر کشورهای عربی ضعیف است. بنابراین، استفاده از آگهی برای تأمین اعتبار نشریه مستلزم بالا بودن تیراژ و کیفیت برتر آن است تا بتوان تبلیغات و آگهی از دیگر کشورها بویژه حوزه‌ی عربی خلیج فارس و کشورهای اروپایی جذب کرد. وی در مورد نظارت دولت سوریه بر مطبوعات این کشور، گفت: «در هفته‌نامه‌ی الاقتصادیه به بسیاری از مسایلی که برخی آن را خط قرمز می‌پنداشتند، پرداختیم. این تجربه نشان می‌دهد، خط قرمزی وجود ندارد. فقط وسواس برخی از دست‌اندرکاران اطلاع رسانی است. این روزنامه با ۶۰ نیرو شروع بکار کرده و در حال حاضر به طور موقت در مؤسسه‌ی دولتی «انتشارات البعث» به چاپ می‌رسد.

روزنامه الوطن نخستین روزنامه سیاسی خصوصی است که از سال ۱۹۶۳ میلادی تا کنون در سوریه منتشر می‌شود. در پی به قدرت رسیدن حزب بعث در سوریه در سال ۱۹۶۳، روزنامه، مجله و دیگر نشریات و نیز فعالیت رادیو و تلویزیون، به انحصار دولت در آمد «بشار اسد» رئیس‌جمهوری کنونی سوریه پس از به قدرت رسیدن، طی قانونی در سال ۲۰۰۰ میلادی، به رسانه‌های خصوصی اجازه فعالیت داد. اما بندها و تبصره‌های این قانون، مانع روی آوردن افراد به انتشار نشریه یا راه‌اندازی رادیو و شبکه‌های تلویزیونی خصوصی شده است.

خبرگزاری‌های داخلی و خارجی

«آژانس اطلاعات عربی سوریه (سانا)» نام خبرگزاری سوری است. اکثر خبرگزاری‌های خارجی در سوریه نمایندگی دارند و مردم سوریه به خصوص جوانان بیشترین استفاده کننده از شبکه جهانی اینترنت می‌باشند.

مؤسسات انتشاراتی

۱- «سازمان تبلیغات عرب»، در شهر دمشق مستقر است. در سال ۱۹۶۳ تأسیس شده است. به غیر از مسئولیت برای تبلیغات حکومتی، مسئول انتشار «راهنمای تجارت و صنعت»، «راهنمای نمایشگاه بین المللی دمشق» و بولتن روزانه مزایده‌ای نیز می‌باشد. مدیر مسئول آن آقای مازن صباغ است.

۲- «انتشارات دانشگاه دمشق» کتابهای هنری، جغرافی، آموزشی، تاریخی، مهندسی، پزشکی، حقوقی و اجتماعی منتشر می‌کند.

۳- اداره عرب دی پرس ات دی، در دمشق مستقر است و در سال ۱۹۶۴ تأسیس شد. تعدادی نشریات دوره‌ای، مونوگرافی و بررسی‌های اموریسی و اقتصادی منتشر می‌کند. این اداره دو شاخه مجزا دارد:

الف) مرکز مشورتهای اقتصادی (مخصوص نمایندگان شرکتهای خارجی)

ب) مرکز مشورتهای تجارتي برای شرکتهای سوری و لبنانی است.

۴- هیئت انتشارات سیاسی، که نشریات «الفکر السیاسی» (دو ماهانه) و «جیش الشعب» (دو هفته‌ای) و «جندی العربی» را منتشر می‌کند.

۵- اسناد و بیانیه‌های سوری، در ۱۹۶۸ در دمشق تأسیس شد. سالنامه‌های متعدد درباره خاورمیانه و راهنمای عمومی مطبوعات، نشریات دوره‌ای در جهان عرب و نشریات متعدد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی،

ادبی و متون حقوقی درباره سوریه و جهان عرب منتشر می‌کند. مدیر آن لوئیس فارس می‌باشد.
۶- انتشارات وحدت، سازمان انتشار و چاپ، در شهر دمشق مستقر است. و نشریات *جماهير العربيه*، *العروبه*، *الثوره*، *الفداء*، *المکفف الرياضي* (هفتگی) و دیگر انتشارات بازرگانی را منتشر می‌کند.

رادیو و تلویزیون

رادیو و تلویزیون سوریه در ۱۹۴۵ در دمشق بنیاد نهاده شد. برنامه‌های رادیویی سوریه به زبانهای عربی، فرانسوی، انگلیسی، رومی، آلمانی، اسپانیایی، پرتغالی، عبری، لهستانی، ترکی و بلغاری پخش می‌شود. قرار است به زودی یک کانال ماهواره‌ای به نام «الشام» برنامه‌های خود را از دمشق پخش نماید.

میزان کنترل دولت بر رسانه‌های گروهی

یکی از مشخصه‌های بارز مطبوعات سوریه انعکاس مواضع آشکار دولت است. به عبارتی روزنامه‌های دولت محل عرضه ایده‌ها و افکار دولت می‌باشد و سیاستمداران خارجی برای آشنایی به مواضع دولت سوریه در خصوص هر مسئله‌ای با رجوع به روزنامه‌های آن کشور از آن مطلع می‌شوند. دولت سوریه کنترل مستقیمی بر روزنامه‌ها دارد. تمام مطبوعات دولتی هستند و بخش خصوصی اجازه انتشار مطبوعات را ندارند. مطبوعات خارجی با نظارت دولت در داخل توزیع می‌گردد.

از ویژگی مطبوعات سوریه عدم گرایش به تحلیل وقایع داخلی است: آنها بیشتر میل دارند به موضوعات خارجی بپردازند بخصوص مسایل منطقه‌ای که در رأس آنها مسئله «روند مذاکرات صلح خاورمیانه» با رژیم صهیونیستی قرار دارد. در میان مطبوعات سوری جناح بندي سياسي وجود ندارد. هیچ حزب یا گروهی سیاسی دارای نشریه کثیرالانتشار نیست. می‌توان گفت که دلیل این موضوع سیستم حزبی حکومت

است. حزب حاکم بعث سوریه با انتشار روزنامه البعث به عنوان ارگان این حزب، تنها حزبی است که رسماً دارای نشریه می‌باشد. این ویژگی مطبوعات سوریه سبب گردیده است که نشریات خارجی برای انعکاس مواضع رسمی دولت سوریه به این مطبوعات و مطالب آن رجوع کنند و مردم سوریه بیش از مردم دیگر کشورهای خاورمیانه از ماهواره و شبکه جهانی اینترنت استفاده نمایند. طبق برآورد موجود بیشترین استفاده از اینترنت در منطقه متعلق به شهروندان سوری است و از نظر ماهواره نیز کمتر بامی را می‌توان یافت که تجهیزات دریافت ماهواره مشاهده نشود. به طوری که وقتی خانم اولبرایت وزیر خارجه وقت آمریکا از دمشق دیدار نمود از وجود تعداد زیاد دیش‌های ماهواره‌ای بر بام منازل ابراز تعجب نمود.

۱- ساختار و ویژگی‌های اقتصادی

برای آشنایی با اقتصاد سوریه باید به تاریخ اقتصادی این کشور مراجعه گذرا داشته باشیم چنانکه معروف است سوریه از قدیم یکی از مراکز اقتصادی و محل تجارت بوده است و جاده ابریشم به این کشور منتهی می‌شده است. این کشور قبل از اسلام نیز یکی از مراکز مهم تجارت جهان به شمار می‌رفته است در تاریخ بسیار آمده است که اهالی جزیره العرب بیشتر مبادلات بازرگانی خود را به شام انجام می‌دادند و سفر حضرت پیامبر اسلام با کاروانی جهت تجارت به این منطقه مشهور است. در زمان اموی‌ها اوضاع اقتصادی این منطقه بهبود یافت اما با انتقال مرکز خلافت از شام به بغداد در دوران عباسی‌ها تا حدودی سوریه از رونق اقتصادی و سیاسی افتاد اما بعدها بار دیگر اوضاع اقتصادی تا حدودی رونق گرفت. ذیلاً اوضاع اقتصادی سوریه را در دوران اخیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف - ساختار اقتصادی سوریه در دوران عثمانی تا استقلال

تجارت سنتی حرفه اصلی مردم شهرهای سوریه بود و بازرگانان سوری طبق سنت چند هزار ساله به تجارت از طریق خشکی عادت داشتند و شهر حلب در انتهای خط ارتباط با عراق و نیز ایران و هند

بود. تا اواخر قرون وسطی بلاد شام از تجارت پر رونقی میان شرق و غرب برخوردار بود اما بدنبال اکتشاف راه دریایی اروپا به هند جریان تجارت اندکی تغییر پیدا نمود و اروپائیان به تدریج به جای اعراب و به ویژه سوریان تجارت بین شرق و غرب را بدست گرفتند و این مناطق به تدریج به انزوا کشیده شد. ضعف دولت عثمانی باعث شد که سیل کالاهای اروپایی وارد مناطق عثمانی گردد و این مسئله باعث آشفتگی بازرگانی در سوریه را فراهم آورد. فروپاشی دولت عثمانی باعث تغییرات کلی در ساختار اقتصادی سوریه شد. در دوران قیمومیت فرانسه بر سوریه، حلب که یک مرکز مهم تجاری بود از رونق سابق افتاد و تابع دمشق گردید در این زمان رقابت بین تجار دمشق و حلب بیش از پیش گسترش یافت و این رقابت باعث تغییراتی در اقتصاد سوریه گردید. در دوران قیمومیت فرانسه جریان کالاهای غربی به سوریه روان شد و مواد خام از این کشور به اروپا صادر می‌گردید. صنایع محلی سوریه فقط اقدام به آماده نمودن مواد خام برای صدور به اروپا می‌نمودند از موادی که در این دوره به اروپا ارسال می‌گردید می‌توان به پنبه، فسفات و نفت اشاره نمود البته خدمات عمومی دارای منافع سرشار و خطر کمتری برای سرمایه‌داران فرانسوی داشت از این خدمات می‌توان به برق، تراموا و بانکدار و بیمه اشاره نمود. البته بعضی صنایع مانند سیمان و نساجی نیز در این کشور به وجود آمد. البته به دلیل روحیه محافظه کارانه تجار سوریه ایشان توجه به سرمایه گذاری نداشتند و ترجیح می‌دادند که از اقدامات استعمارگران به نفع خود بهره‌برداری نمایند. در جنگ جهانی دوم مالکان سوریه به دلایل فشارهای دولت و نظامیان فرانسوی نتوانستند قیمت کالاهای خود را افزایش دهند به خصوص کالاهای کشاورزی مانند گندم، لذا از این بابت بسیار متضرر شدند و از این تاریخ بود که به فکر سرمایه گذاری افتادند.

ب - ساختار اقتصادی سوریه در زمان استقلال

اقتصاد سوریه پس از استقلال تا حدود زیادی متأثر از شرایط سیاسی بوده است از گذشته‌های باستانی تا دوران عثمانی و از زمان قیمومیت فرانسه تا عصر استقلال کشاورزی عامل اصلی در اقتصاد سوریه به شمار می‌رود در عصر استقلال تا اواخر دهه ۵۰ قرن گذشته مالکان، اقتصاد سوریه را در دست داشتند و محصولات کشاورزی بیشترین سهم را در صادرات سوریه تشکیل می‌داد. این کشور قاعداً به دلیل حاصلخیزی زمین و مجاورت دریای مدیترانه و همچنین عبور رودخانه عظیمی مانند فرات یک کشور کشاورزی محسوب می‌شود. اقتصاد کشاورزی این کشور بعد از استقلال فراز و نشیب زیادی را شاهد بوده است.

بعد از استقلال تا وحدت با مصر نوعی نظام ارباب و رعیتی بر این کشور حاکم بود در سال‌های تشکیل جمهوری متحده عرب به رهبری جمال عبدالناصر قانون اصلاحات ارضی در سوریه اجرا شد و بخش‌هایی از زمین‌های بزرگ بین رعیت‌ها تقسیم شد و بخش‌های دیگر تحت نظارت دولت در آمد بعد از فروپاشی این اتحاد مالکان مجدداً قدرت گرفتند اما دیری نپائید دوباره سوسیالیستها و این بار از نوع بعثی آن در سوریه زمام امور را در دست گرفتند و بار دیگر اقتصاد دولتی گردید و زمین داران و مالکان به تدریج قدرت را از دست داده و دولت زمام اقتصاد را به دست گرفت. رویهم رفته با توجه به اهمیت کشاورزی و کشاورزان است که دولتهای متوالی در سوریه به کشاورزان اهمیت دادند و با به قدرت رسیدن حزب بعث و حافظ اسد در قانون اساسی جایگاه ویژه‌ای را برای کشاورزان تعریف نمودند و کشاورزان و کارگران بیش از نیمی از پارلمان را به عهده می‌گیرند و نمایندگان این قشر از مردم باید حضور فعالی در پارلمان داشته باشند. البته از زمان قیمومیت فرانسه تلاش می‌شده است کشاورزی در این کشور مدرنیزه شود اما به دلیل مشکلات فراوانی که دولتهای سوریه با آن روبرو بودند

این مهم تا کنون نتوانسته است بر اساس وقع پیش برود البته یکی از مشکلات دولت سوریه در کشاورزی مسئله آب است. دولت سوریه در این زمینه طرح‌های متعددی را آغاز نموده ست و مذاکرات زیادی را با ترکیه در این زمینه انجام داده است. شاید یکی از دلایل راهبردی بودن جولان برای سوریه آب این منطقه می‌باشد. دولت سوریه در دو دهه اخیر بانک کشاورزی درست کرده و با پرداخت وام‌های کم بهره از کشاورزان حمایت می‌نماید. اصلاحات ارضی در سوریه منجر به سرازیر شدن جوانان روستایی به شهرها شد و اقتصاد کشاورزی سوریه که بر اساس نیروی کار ارزان بنا شده بود دگرگون گردید و مهاجرین به شهرها، جذب ارتش و حزب و خدمات در شهرها شدند. با توجه به رشد جمعیت توجه دولت به جای توجه به محصولات کشاورزی صادراتی نظیر پنبه متوجه محصولات غذایی مصرفی مانند گندم گردید. صنایع نیز در این دوره نتوانست به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برسد و فقط توانستند تا حدودی به نیازهای داخلی پاسخگو باشند. با روی کار آمدن حزب بعث توجه به صنعتی شدن شتاب بیشتری گرفت اما به دلیل عدم وجود نیروی کار متخصص نتوانستند به موفقیتی دست یابند و فقط تا حدودی در زمینه نساجی به موفقیت دست یافتند که محصولات آن اغلب به کشورهای بلوک شرق روانه می‌شد. اقدام دیگری که موجب رکود صنعتی این کشور شد به قدرت رسیدن بعثی‌های تندرو بود. ایشان در اولین اقدام صنایع را ملی کردند و بدنبال آن برای تضعیف به قول خودشان سرمایه داری ظالم دست به ملی نمودن بانک‌ها زدند و موقعیت سرمایه داران سوری به شدت تضعیف گردید. با توجه به حمایت دولت از ثابت ماندن کالاها و اعطای خدمات بهداشتی و آموزش رایگان و حمایت از کارگران و خانواده آنان به سوددهی صنایع بی‌توجهی شد و لذا صنایع از نظر توسعه و درآمد زایی دچار مشکل حادی گردید و هیچ گونه رشدی را شاهد نبود. البته باید به این دلایل دو دلیل عمده دیگر که باعث رکود اقتصادی سوریه گردید اشاره شود یکی

تحولات سیاسی و رقابتهای سخت در داخل حزب بعث و دیگری جنگ ۱۹۶۷ م، رژیم صهیونیستی علیه سوریه که به زیر بنای اقتصادی سوریه لطومات غیر قابل جبرانی وارد و سالها این کشور را با رکود مواجه کرد. از دیگر تحولات مهم اقتصادی سوریه اکتشاف نفت در این کشور در سال ۱۹۵۰ بود که با کمک شرکتهای غربی و بعداً شوروی توانست در سال ۱۹۶۸ به میزان تجاری برسد. در دوره حاکمیت جناح چپ حزب بعث (۱۹۶۶-۱۹۷۰) وابستگی اقتصاد به دولت افزایش یافت و نفوذ شوروی بیشتر شد. در این زمان طرح ساخت سد بزرگ فرات بر روی این رود آغاز گردید. با به قدرت رسیدن حافظ اسد در سال ۱۹۷۱ وی در جنبش اصلاحی خودآزاد نمودن اقتصاد را یکی از برنامه‌های خود قرار داد و بسیاری از محدودیتهای اقتصادی که حاکمان پیشین ایجاد نموده بودند را بر داشت و حتی سرمایه گذاری در کشور را تشویق نمود اقدامات اقتصادی سوریه مخالف با شوروی تلقی نگردید و مناسبات دو کشور افزایش پیدا نمود و حتی این روابط جامع‌تر نیز گردید در دهه هفتاد قرن گذشته رشد اقتصادی سوریه بر اساس افزایش قیمت نفت سریع گردید و موفقیت‌هایی قابل توجهی را کسب نمود اما از سال ۱۹۷۶ به دنبال دخالت سوریه در لبنان این کشور با رکود اقتصادی مواجه گردید زیرا هزینه‌های نظامی سوریه به دلیل این دخالت افزایش پیدا نمود و این اقدام لاجرم بر اقتصاد نه چندان قوی سوریه اثر منفی گذاشت در دهه ۸۰ اقتصاد سوریه نتوانست رشد اقتصادی دهه قبل را تجربه نماید در این سال به دلیل کاهش درآمدهای کارگران سوری که در کشورهای خلیج فارس به کار اشتغال داشتند از ۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ به ۳۵۰ میلیون دلار کاهش یافت، دخالت سوریه در لبنان دچار پیچیدگی‌های زیادی شد که مجبور شد بودجه نظامی را افزایش دهد و در اوایل این دهه سوریه با خشکسالی غیر قابل تصویری مواجه شد. در این دهه دولت سوریه مجبور به افزایش واردات گندم شد و میزان واردات از ۳۳۶ هزار تن در سال ۱۹۸۳

به حدود یک میلیارد تن در سال ۱۹۸۴ رسید از سوي دیگر به دنبال کمک سوریه به ایران در جنگ تحميلي کشورهاي خليج فارس که مهمترين حاميان دولت سوریه بودند کمکهاي خود را به اين دولت را قطع نمودند و از اين ناحیه نیز دچار مشکل گرديد. در اين سالها اقتصاد سوریه با مشکلات عديده اي مواجه شد اما دولت سوریه با افزايش نقش بخش خصوصي توانست از فشارها بر خود بکاهد.

در دهه نود وضع اقتصادي سوریه در اثر حمايت اين کشور از کويت در برابر حمله عراق و مشارکت در نيروهاي چند مليتي که عراق را مجبور به خروج از کويت نمود بهبود يافت و دليل اين بهبودي نیز بازگشت کمک کشورهاي خليج فارس به اقتصاد اين کشور بود در دهه نود توليد گندم اين کشور به رقم بي سابقه ۴ ميليون تن در سال رسيد و عملاً توانست به عنوان یک کشور توليد کننده گندم مطرح گردد در دهه نود همچنين توليد پنبه سوریه به رقم ۴۲۵ هزار تن در سال ۹۱ رسيد. در اين سال ها با افزايش قيمت نفت دولت سوریه توانست نفت خود را نیز با قيمت مناسبي به فروش برساند در اين سال ها دولت سوریه به دليل فروپاشي شوروي به غرب به خصوص آمريکا روي آورد که در بخش رابطه با آمريکا اين بحث مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. با روي کار آمدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰ م، ايشان سياستهاي پدر در مسائل اقتصادي را ادامه داد در بعضي از موارد تلاش نمود به سياستهاي اقتصادي سرمايه داري نزديک شود در اين رابطه قوانين و مقرراتي وضع نمود که بخش خصوصي تقويت گردد و حتي سرمايه گذاري خارجي را تسهيل نمود. ضمناً برنامه هاي اقتصادي پنج ساله دولت نیز ادامه يافت و سازمان برنامه ريزي در نظام اقتصادي سوریه تقويت گرديد.

ج - استراتژي سوریه در اقتصاد و تجارت

در سال ۲۰۰۰ راهبرد سوریه در اقتصاد در برنامه پنج ساله ۲۰۰۱-۲۰۰۵ بر اساس اصلاح ساختار

اوضاع اقتصادي ۸۳/

اقتصادي و گسترش اقتصاد اين کشور بر اساس موارد زیر تعيين گرديد:

- گسترش سرمايه گذاري و تکميل زمينه ها براي تشويق سرمايه گذاران براي سرمايه گذاري در سوريه از جمله ايجاد بازار بورس، و ايجاد اصلاحات در سيستم بانکي.
- تحقق عدالت اجتماعي و افزايش رفاه عمومي، مبارزه با بیکاري و ايجاد شغل.
- ايجاد توازن اقتصادي داخلي و خارجي از راه ادامه سياستهاي اصلاح اقتصادي و آزادي تجارت و آماده نمودن شرايط جهت الحاق سوريه به سازمان تجارت جهاني، امضاي نهايي مشارکت سوريه و اروپا.
- تشويق صادرات و افزايش کيفيت کالاهاي سوري جهت رقابت.
- اصلاح سيستم بانکي.

د - اوضاع سرمايه گذاري در سوريه

سرمايه گذاري در سوريه از سال ۱۹۹۱ م، رو به رشد بوده است و دليل اين امر نيز تصميم حافظ اسد در سال ۱۹۹۰ براي ايجاد اصلاحات در نظام متمرکز اقتصادي اين کشور بود. در اين راستا قانون خاصي به نام قانون شماره ۱۰ را صادر نمود. در چار چوب اين قانون سرمايه گذاران خارجي براي فعاليت اقتصادي در سوريه از آزادي قابل توجهي بهره مند شدند. بر اساس اين قانون سرمايه گذاران خارجي با سرمايه گذاري مشترک با طرفهاي خارجي براي مدت هفت سال از پرداخت هرگونه عوارض و ماليات معاف خواهند بود.

موارد ذيل در اين رشدتاثير داشته است:

- افزايش فرصتهاي مناسب جهت سرمايه گذاري در سوريه
- تصويب قوانيني که سرمايه گذاري (خارجي و داخلي) را تسهيل مي نمايد
- تلاش جهت انتقال به اقتصاد بازار آزاد
- اجازة ايجاد بانک خصوصي در سوريه

- قرار دادهای بین کشورهای عربی و با دیگر کشورهای جهت آزاد نمودن تجارت و امتیازاتی که کالاهای سوریه جهت صدور از آن برخوردار است.

- قرار دادهایی که با بعضی از کشورهای برای حمایت و تشویق از سرمایه گذاری به امضاء رسیده است

ه - علل رشد تولیدات غیر نفتی در سوریه

"عبدالله الدردري" معاون اقتصادي نخست وزير سوریه در تاریخ ۸۶/۳/۲ اعلام کرد که نرخ رشد تولیدات غیر نفتی این کشور، از ۵/۵ درصد در سال ۲۰۰۵ میلادی، به هفت درصد در سال گذشته ی میلادی (۲۰۰۶) رسید. الدردري، افزایش تولیدات غیرنفتی را ناشی از افزایش مصرف، رشد درآمد مالیاتی دولت، به علاوه ی افزایش صادرات دانست. وی گفت: صادرات محصولات غیرنفتی سوریه، در سه سال اخیر از ۵/۶ میلیارد دلار به ۱۰/۷ میلیارد دلار رسیده است. معاون نخست وزیر سوریه، رشد سرمایه گذاری در سوریه را رضایت بخش خواند و گفت رقمی که برای سال ۲۰۱۰ میلادی پیش بینی شده بود، در سال ۲۰۰۶ میلادی محقق شد. به گفته ی الدردري، حجم سرمایه گذاری در سوریه در سال ۲۰۰۶ میلادی نسبت به سالهای پیش از آن، هفت درصد افزایش یافت و از مرز ۳/۵ میلیارد دلار فراتر رفت.

الدردري همچنین سهم کل سرمایه گذاری سوریه از میزان تولید ناخالص ملی را بین ۲۸ تا ۲۹ درصد اعلام کرد وی افزود: سوریه بدون اجرای برنامه های خصوصی سازی، لغو یارانه ی فرآورده های نفتی، یا کاهش هزینه آموزش و بهداشت، توانست با کسری درآمد ناشی از کاهش تولید نفت (از ۶۰۰ هزار بشکه به ۳۰۰ هزار بشکه در روز) مقابله کند به گفته ی ایشان، سپرده گذاری بانکی در سوریه، در سال ۲۰۰۶ میلادی به حدود ۱۵ میلیارد دلار افزایش یافت. همچنین میزان تسهیلات بانکی در سال گذشته به ۹/۳ میلیارد دلار رسید که نسبت به دو سال پیش از آن، ۴۱ درصد افزایش نشان می دهد. معاون نخست وزیر

سوریه افزود: افزایش حجم سرمایه گذاری، گردشگری، صادرات، و خدمات بازرگانی در ایجاد ثبات ارزش لیره سوریه نقش داشت، همچنین افزایش واردات، کسری تراز بازرگانی را از ۷۸۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵، به کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ رسانده است.

به گفته‌ی یک کارشناس مسائل اقتصادی میزان صادرات غیرنفتی سوریه در سال ۲۰۰۶ میلادی افزایش چشمگیری داشت و درآمد ناشی از صادرات کالاهای صنعتی، بالغ بر ۶ میلیارد دلار شد. این کارشناس اقتصادی افزود: همچنین میزان سرمایه گذاری خارجی در سوریه طی سال گذشته، حدود ۲/۶ میلیارد دلار بود و این رقم نیز در رشد تولید ناخالص ملی نقش دارد. معاون نخست وزیر سوریه پیشتر اعلام کرده بود که میزان رشد تولید ناخالص ملی سوریه در سال ۲۰۰۶ بیش از ۶ درصد افزایش نشان می‌دهد، همچنان که نرخ بیکاری در این کشور از ۹/۵ درصد در سال ۲۰۰۲ میلادی به ۸/۳ درصد در سال ۲۰۰۶ میلادی کاهش یافته است.

۲- بخش‌های مختلف اقتصادی الف- کشاورزی

علیرغم وجود تجارت سنتی و تلاش‌های اخیر در جهت صنعتی کردن کشور، کشاورزی بخش مهم و حیاتی اقتصاد سوریه را تشکیل می‌دهد. بخش کشاورزی در ۱۹۸۲ حدود ۲۳٪ نیروی کار سوریه را در خود جذب کرده است. بخش عمده زمین‌های کشاورزی، نوار باریکی در بخش غربی سوریه از لبنان تا ترکیه است که دارای آب و هوای مدیترانه‌ای است و بسیار حاصلخیز است و محصولات از قبیل میوه جات، زیتون، تنباکو و پنبه در آنجا به عمل می‌آید. قسمت شرقی این بخش ادامه کوه‌های لبنان به سوی شمال است که به شرق دره رودخانه فرات می‌رسد مرداب‌های اطراف این رودخانه حاصلخیزترین زمین‌های سوریه را تشکیل می‌دهد. این دره در مرکز سوریه به جلگه‌ای با وسعت ۱۵۰

کیلومتر می‌رسد که از سرحدات اردن با جهت شمال — شرق به سوی دره رود فرات امتداد می‌یابد. این جلگه بخش مهم کشاورزی سنتی سوریه است که محصولات عمده آن غله و حبوبات است. در این منطقه شهرهای مهم سوریه مثل دمشق، حمص، حماه و حلب قرار دارند. یکی از مهمترین ویژگی‌های کشاورزی سوریه، نوسان سقف تولیدات سالانه کشاورزی سوریه به خاطر نداشتن سیستم آبیاری و کم آبی است. با این وجود در اوایل دهه ۱۹۹۰ با اجرای برنامه‌های مدرن آبیاری و سرمایه گذاری در این بخش تولیدات سالانه کشاورزی سوریه افزایش یافته است.

سوریه یکی از مراکز مهم تولیدات سبزیجات، صیفی‌جات، زیتون و سیب زمینی و پنبه در خاورمیانه می‌باشد. که هر چهار مورد فوق مازاد تولید فراوان دارد. اما به علت خشکسالی و عدم اجرای برنامه‌های اقتصادی فعال، این کشور برخی از فرآورده‌های دیگر کشاورزی را از کشورهای همسایه و یا خارج وارد می‌کند. بدون در نظر گرفتن مشکلات کشاورزی و آبیاری در سوریه گزارشهای اقتصادی این کشور حاکی است که کمیت آب حاصل شده در سوریه سالانه به ۲۲۶۷۰ میلیون مترمکعب می‌رسد که ۲۲ میلیارد مترمکعب آن از سوی رودخانه‌ها تأمین می‌گردد. این کشور می‌تواند ۱۸/۵ میلیون مترمکعب موجود را در کشاورزی و آبیاری استفاده کند. زمینهای کشاورزی و آبیاری شده در سوریه سالانه ۹/۲ میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کند و دولت سوریه در نظر دارد از بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب آب که بدون استفاده هدر می‌رود بهره برداری کند. طبق آمار منتشره در سوریه در نیمه دوم دهه هشتاد تعداد شاغلان در سوریه به دو میلیون و سیصد و چهل و یک هزار تن می‌رسند که ۷۴۳ هزار نفر در بخش کشاورزی مشغول بودند. این افراد ۳۱/۷ درصد تعداد افراد شاغل را تشکیل می‌دهند. تعداد شاغلان در بخش کشاورزی طبق آمار ۱۹۹۰ ۶۰۰ هزار نفر می‌رسد و برای پیشرفته ساختن بخش کشاورزی تعداد ۱۲ هزار مهندس کشاورزی وجود دارد.

دولت سوریه به تولید گندم توجه دارد و منابع وزارت کشاورزی این کشور پیش‌بینی می‌کنند که تولید گندم سالانه به ۲/۵ تا ۲/۷ میلیون تن برسد. تولید این کالا در سال ۱۹۹۱ به ۲/۳۵ میلیون تن رسیده بود. در این کشور تقریباً ۲/۱ میلیون تن گندم در داخل مصرف می‌شود. طبق گزارش وزارت کشاورزی، تولید جو نیز در چند سال آینده بطور متوسط سالانه به ۱/۱ میلیون تن خواهد رسید. در سال ۱۹۹۱، ۱/۰۳۷ میلیون تن جو در سوریه تولید شده است. یکی دیگر از محصولات دیگر که مورد توجه دولت سوریه است، کشت و تولید پنبه می‌باشد که این محصول اکثراً توسط دولت خریداری می‌شود و جهت مصرف داخلی در پارچه بافی، صنایع غذایی و صدور به خارج به ویژه ایتالیا و چند کشور شرقی بهره برداری می‌شود. تولید پنبه در ۱۹۹۱ به ۵۵۵ هزار تن رسید.

از سال ۱۹۷۰ دولت سوریه با هدف رسیدن به خودکفایی در مواد غذایی عنایت ویژه‌ای به کشاورزی از خود نشان داد در سال ۱۹۷۰ ذخیره آبی سوریه نیم میلیارد مترمکعب بوده است در حالیکه در سال ۲۰۰۶ ذخیره آبی پشت سدهای مختلف این کشور بالغ بر ۱۹ میلیارد مکعب گردید. ظرفیت برق آبی نیز در این سال افزایش یافت. مساحت زیر کشت آبی در سوریه در این سال به ۵۲۵ هزار هکتار بالغ گردید و بنابر برنامه قرار است میزان زیر کشت در ده سال آینده ۲۰۰ هزار هکتار افزایش یابد. در سوریه توجه خاصی به آب می‌شود لذا سیستم سنتی آبیاری به سرعت در حال تغییر است و سیستم قطره‌ای و لوله کشی با کمک تکنولوژی جدید در حال انجام است دولت قوانین دید در مورد حفظ منابع آبی به تصویب رسانده است. منابع آب سوریه با ترکیه و عراق مشترک است لذا این کشور مجبور است رابطه خوبی با این دو کشور داشته باشد. یکی دیگر از منابع مهم آب سوریه بلندی‌های جولان است که با اشغال آن توسط رژیم صهیونیستی سوریه از این منبع

مهم محروم شده است. مهمترین محصولات کشاورزی سوریه گندم، پنبه و زیتون است. گندم سوریه از نوع سفت می‌باشد که در صنایع ماکارونی و شیرینی سازی مصرف دارد لذا سوریه سالانه مقدار زیادی از این محصول را به کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا صادر و به جای آن گندم برای نان وارد می‌نماید. پنبه سوریه نیز از مرغوبیت خاصی برخوردار است.

زیتون:

مناطق همجوار دریای مدیترانه در طول تاریخ به داشتن زیتون معروف بوده است و این محصول در سوریه نیز مورد توجه بوده است به طوری که سوریه در سال ۲۰۰۶ م، چهارمین تولید کننده زیتون در جهان شناخته شد و این کشور در زمره پیشتازان تولید زیتون و روغن زیتون در جهان به شمار می‌رود. روغن زیتون سوریه از مرغوبترین انواع روغن زیتون در جهان است و بخش اعظم آن به خارج از این کشور به ویژه ایتالیا و اسپانیا صادر می‌شود تا پس از بسته بندی دو باره به کشورهای چون ژاپن و آمریکا صادر گردد. در سال ۲۰۰۶ در سوریه ۸۲ میلیون اصله درخت زیتون که ۶۲ میلیون آن مثمر بود وجود داشت و میزان تولید در این سال به یک میلیون و ۱۵۰ هزار تن رسید طبق برنامه ریزی دولت سوریه در نظر دارد تولید روغن زیتون را در سال ۲۰۱۰ به ۲۵۰ هزار تن برساند که پیش بینی می‌شود ۱۵۰ هزار تن آن برای مصرف داخلی کفایت نماید. مناطق زیر کشت زیتون در سوریه به ۴۸۰ هزار هکتار بالغ می‌گردد.

از هر درخت زیتون به طور متوسط بین ۱۵ تا ۵۰ کیلو زیتون در سال تولید می‌شود. در سوریه حدود ۸۰۰ کارخانه تولید روغن زیتون ۵۱ کارخانه تولید صابون زیتون (معروف به غار) وجود دارد. حدود ۴۰ نوع زیتون در سوریه شناسایی شده است. این کشور بعد از کشورهای اسپانیا، ایتالیا و یونان چهارمین تولید کننده زیتون جهان می‌باشد. مصرف

داخلی روغن زیتون در سوریه ۱۳۵ هزار تن (متوسط ۴,۶ کیلو گرم) برای فرد است در این کشور همچنین ۹۵ هزار تن زیتون مصرف می‌شود.

سیاست دولت در بخش کشاورزی

بخش کشاورزی در اقتصاد سوریه، بخش پیشتاز می‌باشد. بدین لحاظ دولت اهمیت اول را در گسترش و توسعه آبیاری و کشاورزی و سرمایه گذاری در بخش کشاورزی داده است. در این راستا سوریه در سالهای گذشته توانست است کار احداث برخی از سدها و شبکه های آبیاری و اصلاح اراضی را که بالغ بر دهها هزار هکتار می‌باشد را انجام دهد و تا سال ۲۰۰۲م کار احداث ۱۲سد به گنجایش ۳۸/۵ میلیون مترمکعب به پایان رسید و در حال حاضر کار ساخت ۲۳ سد به ظرفیت ۲۵۵۳ میلیون مترمکعب درحوزه های مناطق ساحلی، رود یرموک و عاصی و منطقه صحرا و رود فرات و خابور که می‌تواند ۱۴۸۶۱۲ هکتار زمین را آبیاری نماید، در جریان می‌باشد و در خلال چند سال گذشته دهها هزار هکتار از اراضی جدید به زیر کشت رفته است.

در عرض این چند سال با توسل به گسترش روشهای آبیاری و حفر چاههای جدید مساحت اراضی کشت آبی در سوریه افزایش یافته است. دولت سوریه در حال اجرای پروژه های عظیم کشاورزی در منطقه غاب در نزدیکی حمه و همچنین تلاش برای ایجاد یک کانال که آب فرات را به نزدیکی حلب منتقل نماید می‌باشد. این پروژه در حال اجرا توسط یک شرکت ایرانی است.

ب - نفت و گاز

معاون نخست وزیر سوریه در تاریخ ۲۲ / ۵ / ۸۶ اعلام نمود نفت یکی از بخش های مهم اقتصاد سوریه طی ۴۰ سال آینده باقی خواهد ماند. در سال ۲۰۰۶ صادرات سوریه به ۱۰/۷ میلیارد دلار رسید که نفت ۴۰٪ آن را تشکیل می‌دهد. این در

حالی است که در سال ۲۰۰۰ نفت ۷۰٪ صادرات این کشور را تشکیل می‌داد. تولید نفت در سوریه در حال کاهش است زیرا میادین جدید نفتی کشف نگردیده است و تولید نفت سوریه از ۶۰۰ هزار بشکه در روز در اواسط دهه نود به ۳۹۰ هزار بشکه در سال ۲۰۰۷ م، کاهش یافته است.

وزیر نفت سوریه در تابستان سال ۱۳۸۶ هجری شمسی اعلام نمود ذخایر نفتی کشورش بالغ بر ۶۵۰ میلیون مترمکعب است. طی چند سال اخیر دولت سوریه راهبرد خود را استفاده از گاز طبیعی به جای نفت قرار داده است و پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ میزان مصرف گاز طبیعی در این کشور از ۱۸ میلیارد مترمکعب فعلی به ۵۰ میلیارد مترمکعب در سال بالغ گردد. در این راستا سوریه اخیراً مذاکراتی با جمهوری اسلامی ایران و ترکیه جهت واردات گاز ایران از ترکیه آغاز نموده است و در سفر وزیر نفت سوریه در مهر ماه سال ۱۳۸۶ توافق اولیه برای صدور ۲ تا ۳ میلیارد مترمکعب گاز حاصل گردید برای اتصال خط گاز ایران به ترکیه نیاز به لوله گذاری در ۹۰ کیلومتر در داخل ترکیه و ۶۲ کیلومتر در داخل سوریه است با توجه به افزایش مصرف گاز در ایران پیش بینی می‌شود این مقدار گاز در فصل هایی دیگر سال به سوریه ارسال گردد. انتظار می‌رود با آرام شدن اوضاع عراق سوریه به یکی از مراکز صدور نفت و گاز ایران و عراق به اروپا مبدل گردد و مطالعات راهبردی برای اتصال لوله های نفت و گاز ایران، سوریه و عراق انجام گردیده است.

انتقال نفت خام در سوریه

شرکت حمل و نقل نفت خام سوریه در حال حاضر دارای دو خط لوله عمده به شرح زیر است:

۱- خط لوله انتقال نفت خام عراق به بانیاس و طرطوس سوریه در دریای مدیترانه. این خط لوله از شهر حمص می‌گذرد و دارای دو خط ۳۲ اینچی است. از آنجایی که در سال ۲۰۰۳ صدور نفت خام عراق از طریق سوریه متوقف شده، از امکانات فوق برای تغذیه پالایشگاه‌های حمص و بانیاس از نفت سوریه بهره برداری می‌شود.

۲- خط لوله طولانی شمال شرقی - کراچوک - به دریای مدیترانه. از این طریق نفت تولیدی مناطق شرقی به پالایشگاه و بنادر برای صدور منتقل می‌شود.

همچنین یک مسیر انتقال برای فرآورده‌های نفتی وجود دارد که آن را به شهرهای حمص، لاذقیه، حلب و دمشق می‌رساند. در طول این مسیرها، پست‌های تقویت فشار تعبیه شده و خطوط احتیاطی برای تأمین مداوم نفت بین بنادر و پالایشگاه‌ها احداث گردیده است. خط لوله یعنی عراق - سوریه به طول ۸۸۰ کیلومتر، نفت را از حوزه‌های نفتی شهر کرکوک در شمال عراق به شهر بندری بانیاس در سواحل دریای مدیترانه منتقل می‌کرد این خط در سال ۲۰۰۳ به دنبال اشغال عراق مورد هدف آمریکا قرار گرفت و در سال ۲۰۰۷ بدنبال سفر نوری المالکی نخست‌وزیر عراق دو کشور برای راه اندازی مجدد آن توافق کردند. راه اندازی این خط لوله نفتی درآمدی حدود ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در سال برای سوریه ایجاد خواهد نمود.

صنایع گاز

بهره برداری از گاز در سوریه از سال ۱۹۸۲ آغاز شد و به تدریج تولید آن افزایش یافت و به مرز ۲۲ میلیون مترمکعب در سال رسید. در نظر است این میزان پس از به ثمر نشستن اقدامات در دست اجرا در مناطق مرکزی سوریه، به مرز ۳۵ میلیون مترمکعب برسد.

شرکت نفت سوریه جهت رساندن گاز به مصرف کنندگان، چندین پروژه را به اجرا درآورد که در این میان می‌توان به احداث خط لوله ۱۸ اینچی تا

حمص به طول ۴۴۷ کیلومتر و خط لوله تدمر به غرب با یک انشعاب ۱۸ اینچی اشاره کرد. در مرکز نیز یک خط لوله ۲۴ اینچی، گاز را به حمص و نیروگاه زیزون می‌رساند. یادآوری می‌شود که بخش بزرگی از گاز تولیدی از طریق خط لوله به نیروگاه‌ها می‌رسد به گونه‌ای که درصد بالایی از انرژی تولیدی، با استفاده از گاز و یا سیکل ترکیبی حاصل می‌شود. سوریه و عراق اخیراً بر سرآغاز بهره‌برداری از حوزه گازی عراق در نزدیکی مرز سوریه و ایجاد خط لوله مشترک برای انتقال گاز از این حوزه موافقت نمودند.

اهداف و استراتژی برنامه ۵ ساله نهم در خصوص صنایع معدنی

در برنامه ۵ ساله نهم توسعه تلاش می‌شود وابستگی کشور به صدور مواد خامی چون نفت و پنبه کاهش یابد. یادآوری می‌شود که تولیدات صنایع معدنی در سال ۲۰۰۱ معادل ۱۸۶۷۷۰ میلیون لیتره - حدود ۳,۷۵۴ میلیارد دلار - بود که ۲۱ درصد از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داد. بر اساس طرح‌های این برنامه، قرار است بخش بزرگتری از گاز طبیعی علاوه بر استفاده در منازل، در صنایع کود شیمیایی، تولید برق و ایجاد واحدهای پتروشیمی بکار گرفته شود. صدور بخشی از گاز به لبنان نیز از جمله طرح‌های برنامه ۵ ساله نهم است.

تأمین نیازمندیهای کشور به نفت و گاز و فرآورده‌های آن و مواد خام معدنی، از اهداف اصلی استراتژی اقتصادی بخش معدن است. در این میان کار بر روی صنایع گاز و افزایش تولید و فرآورده‌های مربوطه به همراه مواد خام است. دستیابی به اهداف فوق از راه‌های زیر تجربه می‌شود:

- ۱- افزایش فعالیتهای اکتشافی برای دستیابی به منابع نفت و گاز
- ۲- افزایش بهره‌وری و تولید از طریق استفاده از امکانات جدید و بکارگیری شرکتهای خدماتی توانمند در امور تولید.

۳- جلوگیری از کاهش تولید و بهبود کیفیت از طریق ممانعت از نفوذ آب به درون چاههای نفت تولید کالاهای مطابق با استاندارد جهانی و غیر مضر برای محیط زیست و همچنین توجه به تکنولوژی حفر چاههای افقی که میتواند در نهایت باعث کاهش هزینه تولید و افزایش قدرت رقابت در بازار گردد، از دیگر راهکارهای سوریه برای رشد و توسعه صنعت نفت و گاز است. یادآوری میشود که در برنامه ۵ ساله، بر استفاده از گاز به جای فرآوردههای نفتی در نیروگاهها و رعایت اصول زیست محیطی تأکید شد است.

طی ۲۰ سال گذشته شرکت نفت سوریه سالانه حدود ۱۶۰ میلیون بشکه نفت تولید کرده که با توجه به ذخائر ۱۴/۴ میلیارد بشکه‌ای موجود و در صورتی که امکان استخراج همه ذخائر فراهم آید و کلیه فاکتورها ثابت باشد، این میزان نفت میتواند به مدت ۹۰ سال با تولید سالانه ۱۶۰ میلیون تن، ادامه یابد. اما قراردادهایی با شرکتهای "اینا نفتابیلین"، "شل"، "دیوان انرژی"، "پترو کانادا"، "آی. پی. آر" منعقد شده و مذاکراتی با شرکتهای "اج، پی، اس، وان"، "تات نفت"، "استراتیک انرژی" و "دنوی" جهت عقد قرارداد در جریان است و مقامات سوریه توقع دارند از این رهگذر میزان اکتشاف و تولید نفت افزایش یابد. در این رابطه وزیر نفت و منابع معدنی سوریه اعلام داشت که علیرغم خبرهای منفی منتشره پیرامون منابع نفت و چشم انداز صنایع مربوطه در سوریه انتظار می‌رود طی چند سال آینده، روزانه ۱۰۰ هزار بشکه به تولید نفت خام کشور افزوده شود و تولید گاز نیز از افزایش ۵۰ درصدی برخوردار گردد. وی مدعی است که ۲۵ سال همکاری سوریه با شرکت "شل" برای طرفین مفید بوده و در نظر است با مساعدت این شرکت، از تکنولوژی پیشرفته جهت افزایش تولید استفاده شود. در طول سال ۲۰۰۳، تولید نفت سوریه بین ۵۲۰ هزار تا ۵۵۰ هزار بشکه در روز متفاوت بود و سهم شرکت الفرات که شل در آن ۳۷/۵ و کانادا ۱۲/۵ درصد شریک هستند

به ۳۰۰ هزار بشکه در روز رسید. مقامات سوریه معتقدند علت کاهش میزان تولید از ۶۰۰ هزار بشکه در سال ۱۹۹۲ به ۵۵۰ هزار بشکه در سال ۲۰۰۳، و کاهش آن به سطح کمتر از ۴۰۰ هزار در اوایل سال ۲۰۰۷ م، عدم حفاری‌های جدید و خاتمه عمر بعضی از چاه‌های قدیمی است و این سیر منفی غیرطبیعی نمی‌باشد به همین مناسبت و به منظور کاهش هزینه تولید، تلاش برای بهره‌برداری از فن‌آوری‌های جدید آغاز شده است.

در حال حاضر سوریه ۳ طرح برای افزایش روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت بر تولید فعلی در دست اجرا دارد که عبارتند از:

۱- توسعه میدان نفتی سویدا که انتظار می‌رود منجر به افزایش ۴۰ تا ۵۰ هزار بشکه در روز گردد و شرکت شل در این زمینه کار می‌کند.

۲- توسعه حوزه نفتی تشرین، عوده، کبیه و شیخ منصور، این عملیات توسط ۴ شرکت انجام می‌شود و سوریه امیدوار است از این رهگذر، بین ۳۰ تا ۴۰ هزار بشکه به میزان تولید افزوده شود.

۳- انجام حفاری عمیق و انشعابی شرکت شل و پترکانادا با انجام اینگونه حفاری‌ها تلاش دارند دسترسی به منابعی را که تاکنون امکان استخراج نداشته است، را فراهم آورند. در این رابطه در ۴ میدان نفتی عملیات اکتشافی جریان دارد و ۱۲ میدان دیگر به مناقصه گذاشته خواهد شد.

از سوی دیگر سوریه انتظار دارد بتواند در آبهای مدیترانه به منابع نفت دست پیدا کند. پیدا شدن نفت در سواحل مدیترانه در مصر و همچنین گزارشات واصله از لبنان در این خصوص، امید سوریه به دستیابی به منابع نفتی در دریای مدیترانه و سواحل را افزایش داده است. دمشق در کنار تلاش برای افزایش تولید نفت، بر روی منابع گاز و افزایش تولید آن نیز متمرکز شده است. در حال حاضر تولید گاز سوریه بین ۲۲ تا ۲۴ میلیون مترمکعب است و پروژه‌ای برای استخراج گاز در مرکز کشور - پالمیرا - در دست اجرا است که می‌تواند

حدود ۹ میلیون مترمکعب گاز به سقف فعلی تولید اضافه کند. تاکنون شرکت "اینا" از کرواسی توانسته است در شرق پالمیرا، ۳ حلقه چاه هریک به ظرفیت ۳۰۰ هزار مترمکعب در روز حفر کند و پیش بینی می‌شود ظرف چند سال تولید گاز سوریه به ۳۵ میلیون مترمکعب در سال برسد.

مرکز مطالعات نفت و گاز سوریه که با حمایت شرکت شل، دولت سوریه و شرکت نفت این کشور تأسیس شده است نقش مؤثری در آموزش و انتقال تکنولوژی صنایع نفت و گاز به عهده دارد و مقامات سوری امیدوارند از این طریق، مسائل مربوط به زمین شناسی و فیزیک زمین حل و فصل گردد. پراکندگی منابع نفتی سوریه در مخازن کوچک و متفرق، عملیات استخراج را مشکل و پر هزینه می‌کند. کهولت چاه‌های نفتی بویژه در حوزه تحت پوشش شرکت الفرات، حفاری عمیق‌تر را اجتناب ناپذیر کرده است. در حال حاضر شرکت "شل" در همکاری با شرکت نفت سوریه، در ۳۸ نقطه کشور نفت استخراج می‌کند و مدت قرارداد مربوطه از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ تدریجاً خاتمه می‌یابد. اما مقامات شل مذاکراتی را با دولت سوریه آغاز کرده اند تا قرارداد را به مدت ۱۰ سال دیگر تمدید کنند.

شرکت نفت و گاز "گلف ساندز" آمریکا در تابستان ۱۳۸۶ یک حوزه نفتی جدید در شمال شرق سوریه کشف کرد که پیش بینی می‌شود ذخایر آن به ۱۰۰ میلیون بشکه برسد. این شرکت به همراه دو شرکت دیگر آمریکایی قرار دادی را در سال ۲۰۰۳ با وزارت نفت سوریه به امضاء رساندند که بر اساس آن عملیات اکتشاف نفت در منابع هیدروکربوری در میدان نفتی به مساحت بالغ بر ۱۱ هزار کیلومتر مربع در شمال شرق سوره را بر عهده گرفتند.

منابع سوری معتقدند انتظار دارند منابع نفتی بیشتری طی چند سال آینده در سوریه به خصوص شرق این کشور کشف گردد. پیش بینی می‌شود که کاهش تولید نفت در سوریه در سال ۲۰۰۷. م موجب کاهش یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار از درآمدهای این

کشور گردد لذا دولت سوریه به سرعت بدنبال استفاده از تجارب دیگر کشورها برای کنترل مصرف سوخت می‌باشد گفته می‌شود دولت سوریه در نظر دارد یارانه سوخت را طی یک برنامه پنج ساله کاهش دهد.

ج - صنایع

بخش صنایع در سوریه پیشرفته حساب نمی‌شود زیرا اکثر صنایع این بخش محدود و برای مصرف داخلی تولید می‌گردد و بخش ناچیزی از صنایع داخلی مانند نخ، پارچه، کنسرو سازی و مواد شیمیایی به چند کشور عرب و کشورهای اروپایی شرقی صادر می‌گردد. از سال ۱۹۶۳ با روی کار آمدن حزب بعث، صنایع سوریه با برخورداری از تعرفه‌های حمایتی دولت توسعه یافت. از آن زمان تا اواخر دهه هشتاد دولت دخالت قابل توجهی در اقتصاد و صنایع اساسی کشور اعمال نمود. به نظر می‌رسد که اولین برنامه صنعتی، پنج ساله (۱۹۶۳ الی ۱۹۶۹) چیزی شبیه به یک پرواز آزمایشی در فضای سرمایه‌داری دولتی بوده است و از قرار معلوم در آن زمان اولین برنامه صنعتی جهت ایجاد ۶۷ کارخانه مختلف و ۱۰ مرکز آموزشی تجارب ارزنده‌ای به همراه داشته است. در این برنامه نزدیک به ۴۰۰ میلیون لیرسوری برای ایجاد صنایع و معادن و مبلغ ۶۱۲ میلیون لیرسوری در زمینه تولید انرژی و سوخت در نظر گرفته شده بود. بر اثر جنگ ۱۹۶۷ اعراب و رژیم صهیونیستی بخش اساسی طرحهای صنعتی سوریه به ناچار به تعویق افتاد و یا نیمه تمام ماند. در برنامه صنعتی ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۵ دولت سوریه ناچار گردید تا طرحهایی برای فعال نمودن بخش صنعتی مجدداً تهیه کند و بیش از ۱/۶ میلیارد لیر سوری بعنوان اعتبارات پیش بینی شده صرف سرمایه‌گذاری دولتی گردید که در آن زمان چندین کارخانه جدید به منظور تأمین نیازمندیهای داخلی تأسیس گردیدند.

دولت و محافل اقتصادی و بازرگانی سوریه اعتقاد دارند که تنوع صنایع و ایجاد کارخانه‌های

صنعتي يکي از شرايط رسيدن به خود کفائي را تشکيل مي‌دهد. گرايش به ايجاد کارخانه‌هاي مونتاژ سازي و صدور چندين قانون جديد سرمايه گذاري توسط دولت سوريه به منظور جذب سرمايه گذاري خارجي به ويژه از کشورهاي عرب خليج فارس تنها بخاطر پرهيز از فشارهاي صنعتي خارجي عليه اين کشور صورت پذيرفت. تحول عمده در بخش صنعت سوريه بعد از استقلال رخ داد که عمدتاً در بخش منسوجات بود و سبب لغو اتحاديه گمرکي با لبنان در ۱۹۵۹ م، شد. بعد از لغو اين اتحاديه، صنايع (شامل بخش توليدي و معادن) رشد با ثباتي داشتند و در ۱۹۷۱ م، براي اولين بار بخش صنعت پول سازتر از بخش کشاورزي در سوريه شد طوري که ۱۹/۵٪ صادرات را در اين سال تشکيل داد، در حالي که بخش کشاورزي ۱۹/۱٪ GDP را به خود اختصاص داده بود. در DP سال ۲۰۰۶ م، بر اساس آمار بانک جهاني بخش کشاورزي ۲۵/۴٪، صنايع ۲۶/۶٪، و خدمات ۴۸٪ از GDP سوريه را تشکيل مي‌دادند.

در سوريه کارخانجات آهن، فولاد و سيمان وجود دارد که در استان حماه، مستقر هستند که توسط آلمان غربي، سوئيس و ايران ساخته شده‌اند. بعد از رفع اشغال کويت، عربستان و کشورهاي خليج فارس، کمکهايي براي ساخت کارخانه‌هاي جديدي به سوريه نموده‌اند. به رغم تسلط ديرين بخش دولتي بر صنايع سوريه، بخش خصوصي نيز در توليدات صنعتي فعال مي‌باشند. در ۱۹۸۶ بخش خصوصي ۵۶٪ توليدات بخچال، ۲۳٪ توليد بيسکويت، ۱۰۰٪ توليد روغن زيتون و ۳۴٪ توليد فريزر را به عهده داشت. بر اساس قانون ۱۰ مه ۱۹۹۱ دولت سوريه امتيازاتي به سرمايه گذاران داخلي و خارجي در بخشهاي پر مخاطره صنعتي به ويژه در بخش صنايع سبک مي‌دهد.

در ۱۹۸۳ سوريه و شوروي سابق قرار داد مطالعه و ساخت اولين نيروگاه برق اتمي را امضاء

کردند اما تا قبل از فروپاشی شوروی هیچ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در ساخت این نیروگاه به عمل نیامد. در دهه ۱۹۷۰ با صنعتی شدن کشور تقاضای نیروی برق بسیار افزایش یافت و نیروگاه‌های آبی بخصوص نیروگاه سدفرات جوابگوی نیاز نبود. به همین خاطر توجه دولت معطوف نیروگاه‌های حرارتی شد. بدنبال آن نیروگاه‌های متعددی ساخته شد و یا در دست ساخت است. به ویژه بعد از رفع اشغال کویت کمک‌های قابل ملاحظه‌ای در زمینه ساخت چنین نیروگاه‌هایی به سوریه شده است. در ۱۹۹۱ تولید برق به ۱۱۶۳۸ میلیون کیلو وات ساعت رسید که ۱۳/۴٪ آن از نیروگاه‌های آبی تهیه شد است.

سیاست دولت در زمینه صنایع

سیاست دولت در این زمینه براساس ضرورت بکارگیری از نیروهای موجود و بالا بردن درصد استفاده از آنان و تمرکز بر صنایعی که مواد اولیه آن در داخل موجود و از نظر اقتصادی به صرفه می‌باشد.

دولت عملیات اکتشاف و حفاری برای نفت و گاز و دیگر منابع زیرزمینی را ادامه خواهد داد تا بتواند سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف منابع معدنی بخصوص نفت و گاز و فسفات و پتروشیمی را گسترش دهد و نیاز پالایشگاه‌های کشور به نفت سبک و سنگین را تأمین نماید. نتایجی که شرکت نفت سوریه و دیگر شرکت‌های خارجی که با سوریه قرارداد امضاء نموده‌اند به آن دست یافته‌اند آینده‌ای خوب را وعده می‌دهد. دولت سعی دارد که بین صنایع تبدیلی و بخش‌های دیگر خصوصاً بخش کشاورزی رابطه تکاملی ایجاد نماید و برای رسیدن به این تکامل، تمرکز بر روی گسترش زیر بنائی صنایع غذایی، خصوصاً آن بخشی که به مواد اولیه کشاورزی تکیه دارند می‌باشد و تشویق پژوهش‌های علمی در زمینه صنایع تبدیلی و تشویق ابتکارات فردی در این زمین در دستور کار دولت می‌باشد.

د- معادن

مهمترین معادن موجود در سوریه فسفات و نمک سنگ است. بهره برداری از این دو نوع معدن در اوایل دهه هفتاد آغاز گردید. سوریه مازاد بر استفاده‌های داخلی، فسفات، نمک سنگ و سنگ مرمر را به خارج صادر می‌کند. تولید فسفات از ۲۷۴ هزار تن در سال ۱۹۷۵ به ۲/۳۵۰ هزار تن در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته که مقدار ۱/۹ میلیون تن فسفات در همان سال به خارج صادر گردیده است. نمک سنگ از مقدار ۳۷ هزار تن در سال ۱۹۷۵ به ۱۴۷ هزار تن در سال ۱۹۹۰ افزایش تولید داشت. تولید مرمر و سنگ تزئینی در سوریه باعث متوقف شدن واردات این معدن از دهه هشتاد شده و از برخی مناطق جنوبی و مرکزی این کشور چندین منطقه حاوی مرمر صادراتی کشف گردیده است. صدور مرمر از سوریه در سال ۱۹۸۱ به ۳۱۱۵ هزار متر مکعب رسیده بود که این مقدار در سال ۱۹۹۰ به ۱۱۹۲۵ هزار متر مکعب افزایش یافت. دیگر معادن سوریه آهن است که ذخایر منطقه "راجو" به ۶۴ میلیون تن و مناطق "قدموس" و "زبدانی" به ۶۵ میلیون تن برآورد می‌شوند. سوریه برای کشف مواد خام دیگر به تکاپو افتاده است و سرمایه گذاری‌هایی در بخش اکتشاف معادن به عمل آورده است.

ه- نیروی برق

کلیه تأسیسات تولید برق در سوریه در اختیار بخش دولتی است و دولت این کشور سال ۱۳۸۶ به منظور تقویت شبکه‌های برق چندین توربین بزرگ خریداری نموده است. سوریه طرح ایجاد برق مشترک میان کشورهای منطقه را مورد تأیید قرار داده است بنا به گزارش رسمی اداره برق سوریه مصرف برق در کشور به ۴۰۰۰ مگاوات رسیده است که تولید این انرژی از منابع زیر بدست آمده است:

- منابع آبی

- منابع بخاري
 - منابع گازوئيلي
 - منابع گازی
 - از شبکه بخاري تشرین
- طبق گزارش اداره یاد شده از سال ۱۹۸۱ الی ۱۹۹۰ مبلغ ۱۳/۴ میلیارد لیر سوري براي توسعه شبکه هاي برق هزینه شده است. بر اساس آمارهاي سال ۱۹۹۳ ظرفیت نیروي برق سوریه ۳/۲۰۵/۰۰۰ کیلو وات میباشد و در همین سال تولید برق ۱۱/۹ میلیارد کیلووات ساعت بوده است. بر اساس آمارسال ۱۹۹۲ مصرف سرانه برق ۸۳۰ کیلو وات ساعت بوده است.

سیاست دولت در تولید نیروي برق

دولت تلاش خواهد نمود که بتواند با فراهم نمودن نیروي برق به تقاضاهای موجود پاسخ گوید و در این خصوص با احداث نیروگاههای جدید و بهبود وضعیت کاردر نیروگاههای موجود به تلاش خود ادامه میدهد. در اثر گسترش صنایع و کشاورزي و ساختمان سازی تقاضا برای برق روزبه روز افزایش مییابد. به طوري که مقدار مشترکین برق در سوریه از ۴۴۲ هزار مشترک در سال ۱۹۷۰ میلادی به ۲/۳۴۱ هزار مشترک در سال ۱۹۹۲ بالغ گردیده است و علیرغم اینکه میزان تولید انرژی برق از ۷۷۰ میلیون کیلووات ساعت به ۱۹۰۰ میلیون کیلووات ساعت افزایش یافته ولي در حال حاضر در این زمینه با کمبود روبرو است.

کار ساخت نیروگاه حرارتي تشرین با قدرت ۲۰۰ مگا وات قبل از پایان سال ۱۹۹۴ خاتمه یافت و در کار ساخت نیروگاه ۶۰۰ مگا واتي "جنדר" تسریع گردیده است. همچنین نیروگاه آبی سد تشرین نیز در دست اقدام است. از طرف دیگر دولت برای کمبود پروژه عملیات وصل برق سوریه به شبکه برق کشورهای عربي و همسایه را در دست اقدام دارد. سوریه با کمک از تجربه کشورمان در حال بازسازی چند نیروگاه این کشور میباشد.

و- حمل و نقل و ارتباطات

دولت سوریه برای ایجاد روابط اقتصادی و گسترش آن با کشورهای همسایه تلاش کرده که شبکه نسبتاً وسیعی از جاده‌ها و راه آهن ایجاد کند. اما با توجه به محدود بودن وضعیت اقتصادی در سوریه، این کشور غالباً مرکز عبور ترانزیت کالاهای صادراتی ترکیه و لبنان به کشورهای خلیج فارس بوده است. سوریه به منظور توسعه صادرات خود و تسهیل عبور کالاهای کشورهای منطقه خط اتوبان ۱۶۰ کیلومتری میان دمشق و اردن را احداث کرد و چندین طرح برای ایجاد اتوبان با ترکیه وجود دارد. در ۱۹۹۳ در سوریه ۱۹۹۸ کیلومتر ریل آهن وجود داشت. از این میان ۱،۷۶۶ کیلومتر آن مطابق با اندازه استاندارد جهانی می‌باشد. در همین سال جمعاً ۲۹۰۰۰ کیلومتر جاده آسفalte داشته است. از این میان ۲۲۶۸۰ کیلومتر آن جاده معمولی و آسفalte، ۶۷۰ کیلومتر بزرگراه و اتوبان و ۶۳۲۰ کیلومتر آن جاده خاکی می‌باشد. در سوریه در ۱۹۹۳، ۱۳۰۴ کیلومتر خطوط لوله انتقال نفت خام و ۵۱۵ کیلومتر خطوط انتقال محصولات نفتی وجود داشته است. بنادر مهم سوریه طرطوس، لاذقیه و بانیا می‌باشد. تنها فرودگاه بین المللی سوریه در شهر دمشق است البته در سال‌های اخیر فرودگاه‌های حلب و لاذقیه نیز توسعه یافته است.

ح - جهانگردی

گام‌های قابل توجهی برای توسعه جهانگردی در سوریه اتخاذ گردیده است و طبق گزارش رسمی مطبوعات این کشور درآمد این بخش در سال ۱۹۹۲ بالغ بر ۱۳/۷ میلیارد لیر سوری بوده است. در سال ۲۰۰۳ م، تعداد ۴۳۸۸۱۱۹ جهانگرد از سوریه دیدار نمودند که ۷۷٫۵٪ از کشورهای عربی و ۲۲٫۵٪ از آنها اتباع کشورهای غیر عربی بودند. مراکز توریستی سوریه عمدتاً شامل مناطق مذهبی از قبیل بارگاه حضرت زینب (س)، مکان‌های قدیمی از قبیل بازار قدیمی

دمشق و تفریح گاه‌های ساحلی در غرب سوریه می‌باشد.

جهانگردی در سوریه بعنوان بخش مهم اقتصادی به شمار می‌رود. دولت سوریه به منظوردستیابی به ارز خارجی و درآمد حاصل شده از این بخش تلاش‌های فراوانی انجام داده است. این کشور به منظور جلب جهانگردان خارجی اقدامات نسبتاً وسیعی را در مناطق سیاحتی کنار دریا و مناطق باستانی صورت داده است.

ط - کمک‌ها و وام‌های خارجی

گره خوردن موضع‌گیری سیاسی سوریه با مناسبات اقتصادی این کشور با کشورهای غربی سبب شده که کمک‌های مالی غربی و کمک‌های اعراب خلیج فارس (که اصولاً با چراغ سبز غرب انجام می‌پذیرد در پی بحران اشغال کویت توسط رژیم عراق) و همچنین تحرک یافتن روند مذاکرات خاورمیانه و آغاز عادی سازی مناسبات اعراب با رژیم صهیونیستی، به سوریه سرازیر شوند. این کمک‌ها همواره به موضع‌گیری سیاسی فعلی و آینده سوریه در مورد منطقه خاورمیانه و روند صلح با تل آویو ارتباط داده شده است. به طوری که بعد از اینکه مذاکرات دو طرف در سال ۲۰۰۰م، متوقف گردید این کمک‌ها نیز قطع شد.

دولت سوریه در قلمرو دریافت کمک‌های خارجی و تشویق کشورهای منطقه و جهان جهت سرمایه گذاری در پروژه‌های صنعتی، کشاورزی و جهانگردی سیاست میانه‌روی و احتیاط را اعمال می‌کند زیرا با توجه به وضعیت سیاسی و نظامی این کشور در برابر رژیم صهیونیستی، همیشه تلاش کرد که با حفظ مواضع سیاسی خود کمک‌های خارجی را دریافت کند. هر چند این راهبرد بعد از حمله آمریکا به عراق دچار تغییر گردید. این کشور در دهه هفتاد و هشتاد شدیداً به کمک‌های کشورهای عرب نفتخیز احتیاج داشت. در برخی مقاطع به علل عدم تغییر موضع‌گیری و یا عدم پذیرش برخی درخواست‌های سیاسی کشورهای عرب خلیج فارس، از دریافت کمک‌های مالی که توسط اتحادیه عرب

تعیین شده بود، محروم گشت، البته سوریه در عین وفاداری به اصول و مبانی در طی چند دهه اخیر کوشید از هرنوع بهره‌های مادی و کمک‌های خارجی بهره جوید و کشورهای عرب بویژه کشورهای نفتخیز را به پرداخت کمک‌های مالی سالانه برای تقویت ارتش و اقتصاد سوریه در برابر قدرت روزافزون رژیم صهیونیستی قانع سازد. دریافت کمک‌های خارجی، در سوریه بعنوان اسرار ملی تلقی می‌شود و هیچگاه گزارش رسمی درباره این کمک‌ها و یا بدهی خارجی این کشور تا بحال منتشر نشده و تنها گزارش‌های منتشره از سوی مراکز اقتصادی جهان بیانگر این مسأله بوده است.

بنا بر گزارش صندوق بین المللی و بانک بین المللی پول صادره از ژانویه ۱۹۹۲ حجم بدهی خارجی سوریه که اکثراً به شوروی سابق، اروپای شرقی و ایران می‌باشد تا پایان سال ۱۹۹۰ به ۱۶/۴۴ میلیارد دلار رسیده و سوریه در تلاش است بخشی از این بدهی را پرداخت کند. طبق گزارش فوق حجم بدهی خارجی سوریه تا سال ۱۹۸۰، ۳/۵۴ میلیارد دلار بود که در سال ۱۹۸۵ به ۱۰/۸۱ میلیارد دلار رسید و در سال ۱۹۸۷ این بدهی رقمی در حدود ۱۶ میلیارد دلار بود.

شوروی سابق یکی از متحدین قدیمی سوریه بود. سوریه کمک‌های زیادی از این کشور دریافت می‌کرد. در حال حاضر سوریه به کشور روسیه بعنوان جایگزین شوروی سابق بدهی زیادی دارد. براساس اخبار منتشره در روزنامه النهار مورخ ۷۴/۱/۱۸، سوریه ۱۱ میلیارد دلار بدهی به روسیه دارد. در همین راستا وزیر امور خارجه روسیه برای حل و فصل مشکل بدهی‌های سوریه در فروردین ۱۳۷۴ وارد دمشق شد. پس از انجام چند دور گفتگو دو دولت به توافقاتی رسیدند اما این توافقات عملی نشد تا اینکه با سفر ۲۰۰۶ م، بشار اسد به روسیه گفته شد پوتین رئیس‌جمهور روسیه تمامی بدهی‌های سوریه به روسیه را بخشیده است.

ی - سیاست دولت در بازرگانی خارجی

در بازرگانی خارجی نقش صادرات بعنوان یک موضوع اصلی و جوهری است که مستلزم این باشد که صنایعی مشخص برای این امر تخصیص داده شود و با حمایت از این صنایع قدرت رقابت کالاهای ساخته شده را بالا برد و به وسیله آن امکانات مالی برای رفع نیاز به واردات را رشد داد تا به یک توازن منطقی در روابط اقتصادی خارجی رسید. در این راستا دولت تکامل سیستم‌های بازرگانی خارجی را در دستور کار خود دارد و با توجه به تحولات اقتصادی جاری در کشور، اقداماتی جهت آسان نمودن امر واردات و صادرات را در دست انجام دارد. همچنین دولت مطالعه ایجاد بانک توسعه اقتصادی را که کارش مربوط به ارائه تسهیلات به صادر کنندگان است در دست دارد. از طرف دیگر دولت تلاش می‌کند که مناطق آزاد تجاری را فعال نماید تا آنها بتوانند سرمایه‌های عربی و خارجی را در این مناطق جذب کند.

بانک‌ها در سوریه

تا چند سال قبل بانک خصوصی در سوریه وجود نداشت بشار اسد در سال ۲۰۰۳ م، با صدور قانونی آزادی فعالیت بانک‌های خصوصی را اعلام و به چهل سال ممنوعیت فعالیت بانک‌ها در این کشور پایان داد. طبق قانون جدید بانک‌های خصوصی و بانک‌های خارجی حق ندارند شعبه‌ای برای بانک مادر در سوریه ایجاد نمایند بلکه فقط می‌توانند بانک مستقلی با مشارکت طرف سوری تأسیس نمایند. در تابستان سال ۱۳۸۶، ۹ بانک عادی و سه بانک خصوصی اسلامی در سوریه فعال بودند. طبق قوانین سوریه حداکثر سرمایه بانک‌های اسلامی ۲۰۰ میلیون دلار می‌باشد و طرف خارجی حق دارد ۶۰٪ سهام آن را در اختیار داشته باشد. نخستین بانک خصوصی سوریه "بانک سوریه و المهجر" است که در سال ۲۰۰۴ م، تأسیس شد.

اوضاع اقتصادي / ۱۰۵

مدیر بانک تجاري سوريه در ۸/۸/۸۶ اعلام نمود حجم سپرده گذاري در بانک مذکور بالغ بر شش ميليارد يورو رسیده است که رقم رضایت بخشي است. نقدینگی ارزي سوريه شامل دلار، يورو، ين و ليره استرلینگ است که دلار ۶۰٪ این نقدینگی (۱۰ ميليارد دلار) را تشکیل مي‌دهد

ک - عضویت در پیمانها و سازمانهاي اقتصادي بين المللي و منطقه‌اي

سوريه عضو صندوق بين المللي پول، گروه ۲۴، گروه ۷۷، سازمان بين‌المللي انرژی اتمي، ايکائو، اینتر پول، اینتر سات، جنبش غير متعهدها، آ اپک، سازمان کنفرانس اسلامي، سازمان ملل متحد، آنکتاد، یونیدو، آنروا، سازمان بهداشت جهاني، شوراي اقتصادي و اجتماعي سازمان ملل براي غرب آسيا، صندوق عربي براي اقتصاد و توسعه اجتماعي، صندوق پول عرب، شوراي وحدت اقتصادي عرب، بانک توسعه اسلامي، اتحادیه پست جهاني و چندین مؤسسه منطقه‌اي و بين المللي ديگر مي‌باشد.

عضویت در پیمان کشورهای اورو - مدیترانه

سوريه همچنين عضو پیمان شراکت اروپا - مدیترانه است. این پیمان در سال ۱۹۹۵ در همایش وزراي خارجه اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه دریاي مدیترانه در شهر بارسلونا منعقد گردید. کشورهای عضو این پیمان که "کشورهاي عضو اعلاميه ي بارسلون" نیز نامیده می‌شوند عبارتند از ۱۵ کشور اتحادیه اروپا (اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، سوئد، انگلیس و اسپانیا) به علاوه ۱۰ کشور حوزه دریاي مدیترانه (الجزایر، قبرس، مصر، اردن، لبنان، مالت، مراکش، فلسطین، سوريه، تونس و ترکیه) به غیر از سوريه همه طرفهاي مدیترانه‌يي اعلاميه بارسلون و به موجب آن توافقنامه ي شراکت با اتحادیه اروپا امضاء کرده‌اند. در سال ۲۰۰۴ میلادي متن اولیه ي

توافقنامه به امضای سوریه و اتحادیه اروپا رسید اما امضای نهایی آن در پی ترور رفیق الحریری "نخست وزیر سابق لبنان با بهانه جویی‌های اتحادیه اروپا به تعویق افتاد. گفته می‌شود، اتحادیه اروپا برای امضای نهایی توافقنامه شراکت با سوریه، خواهان همکاری بیشتر این کشور در تحقیقات جاری برای کشف عاملان ترور الحریری و همچنین بهبود وضعیت حقوق بشر در این کشور است. سوریه در اجلاس وزرای اقتصاد عضو پیمان شراکت اورو - مدیترانه در سال ۱۳۸۶ شرکت نمود در این اجلاس تصمیماتی برای ایجاد طرح منطقه آزاد تجاری میان اعضا تا سال ۲۰۱۰ میلادی بررسی گردید.

عضویت در سازمان تجارت جهانی

کشور سوریه از اعضای ۲۳ گانه کشورهای است که پیمان گات را در سال ۱۹۴۸ م، تأسیس نمودند اما این کشور در سال ۱۹۵۱ م، از این پیمان خارج گردید پس از تغییر نام این سازمان به سازمان تجارت جهانی سوریه در سال ۲۰۰۱ م، رسماً خواستار پیوستن به این سازمان گردید. در حال حاضر ۱۵۰ کشور عضو این سازمان می‌باشند و ۳۰ کشور نیز درخواست انضمام به آن را داده اند.

اهم شاخص‌های اقتصادی سوریه

GDP: در سال ۲۰۰۲ م، (۹۷۸۴۸۲ میلیون لیر سوری) در سال ۲۰۰۳ (۱۰۰۴۳۴۸ میلیون لیر سوری) رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۳ م: با قیمت جاری ۳,۷٪ و با قیمت‌های ثابت ۲,۶٪
متوسط در آمد هر نفر در سال ۲۰۰۳: با قیمت‌های جاری ۵۹۹۹۵ لیر سوری که تقریباً برابر ۱۲۳۷ دلار می‌شود. و با قیمت‌های ثابت ۵۷۲۲۸ لیر که برابر ۱۱۸۰ دلار می‌شود.
تعداد نیروی کار: ۴,۴۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۳ م.

اوضاع اقتصادي / ۱۰۷

بودجه کشور در سال ۲۰۰۳: درآمدها ۴۲۰۰۰۰ میلیون لیر سوري و هزینه‌ها ۴۲۰۰۰۰ میلیون لیر سوريه.

مهمترین صنایع: استخراج و پالایش نفت، مواد غذایی، ریسندگی و بافندگی، سیمان، چوب و مبل، صابون و استخراج فسفات.

مهمترین تولیدات کشاورزي: سبزي و میوه، حبوبات، گندم، جو چندر قند، پنبه، زیتون و مرکبات.

تجارت خارجي: صادرات ۲۶۵۰۳۹ میلیون لیر سوريه و نسبت صادرات به شرح ذیل بوده است:

- کشورهای عربي: ۲۰,۹٪

- اتحادیه اروپا ۵۷,۱٪

- بقیه کشورهای اروپا ۲,۹٪

- کشورهای آمریکا ۴٪

- کشورهای آسیايي ۱۱,۶٪

- دیگر کشورها: ۴,۸٪

واردات: در سال ۲۰۰۳ سوريه ۲۳۶۷۶۸ میلیون لیر واردات داشته است.

جداول اقتصادی*

مهمترین مشخصات اقتصادی سوریه (۱۹۷۰-۲۰۰۵)

میلیون لیره سوری

۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۲۵۶۸۷۳	۲۱۳۰۵۳۳	۱۸۵۲۳۸۸	۱۷۳۳۳۰۰	۱۶۴۵۷۰۰	۱۵۵۷۱۱۹	۸۲۹۴۷	۱۰۴۱۸	۱۰۴۱۸	تولید کالا و خدمات
۱۰۸۸۲۰۶	۸۷۶۹۰	۷۸۵۱۲۳	۷۱۶۷۸۱	۶۷۱۶۹۲	۶۵۳۱۷۵	۱۹۶۵۸۶	۳۱۶۷۷	۳۶۱۸	خارج
۱۴۷۹۶۶۷	۱۲۵۳۹۴۳	۱۰۶۷۲۶۵	۱۰۱۶۵۱۹	۹۷۴۰۰۸	۹۰۳۹۴۴	۲۶۸۳۲۸	۵۱۲۷۰	۶۸۰۰	تولید محلی
۲۳,۷	۲۴,۰	۲۳,۳	۲۰,۳	۲۰,۳	۱۷,۳	۱۶,۵	۲۸,۰	۱۳,۳	سرمایه گذاری
۱۲۰۷۱۵۴	۹۸۹۶۳۱	۶۶۱۱۱۵	۷۲۸۲۷۸	۶۵۶۱۷۱	۵۹۰۵۸۳	۱۵۱۰۴۲	۲۷۵۱۳	۲۶۲۲	مجموع بازرگانی خارجی

معدل رشد پنچ ساله	معدل رشد -۲۰۰۵ ۲۰۰۴	۲۰۰۵	معدل رشد -۲۰۰۳ ۲۰۰۴	سال ۲۰۰۴	معدل رشد -۲۰۰۲ ۲۰۰۳	۲۰۰۳	معدل رشد	سال ۲۰۰۱	سال ۲۰۰۰	
۲,۴۵	۲,۴۵	۱۸۳۵۶	۲,۴۵	۱۸۲۰۰	۲,۴۵	۱۷۵۵۰	۲,۴۵	۱۶۷۲۰	۱۶۳۲۰	تعداد جمعیت
۱۰,۵۲	۱۸	۱۴۷۹۶۶۷	۱۷,۴۹	۱۲۵۳۹۴۳	۴,۹۹	۱۰۶۷۲۶۵	۷,۷۵	۹۷۴۰۰۸	۹۰۳۹۴۴	درآمد ناخالص
۷,۹۶	۱۷	۸۰۶۰۹	۱۳,۲۹	۶۸۸۹۸	۲,۴۸	۶۰۸۱۳	۵,۱۷	۵۸۲۵۴	۵۵۳۸۹	درآمد فرد

مشخصات نیروی کار در سوریه

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	سال شاخص های نیروی کار
۲۷/۶	۲۹/۷	۳۱/۹	۳۲/۶	نسبت نیروی کار به کل جمعیت
-	۳۱/۹	۲۱/۴	۲۰/۳	نسبت نیروی کار زنان به نیروی کار
۱۷/۱	۲۶/۲	۳۰/۴	۳۰/۴	نسبت نیروی کار در بخش کشاورزی
۱۳/۷	۱۳/۶	۱۳/۷	۱۳/۶	نسبت نیروی کار در بخش صنعتی

جدول رشد ناخالص ملی به رشد جمعیت (در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴)

جدول زیر سهم بخشهای مختلف اقتصادی سوریه را نشان میدهد:

اوضاع اقتصادي / ۱۰۹

در جدول زیر سهم بخشهاي اقتصادي مختلف سوریه در GNP سال ۱۹۹۱، با سال ۲۰۰۳، ميلادي مقايسه شده است:

نام بخش	سهم به درصد ۱۹۹۱	سهم به درصد ۲۰۰۳
کشاورزي	۳۰	۲۵
صنعت و معدن	۱۸/۳	۲۵
ساختمان	۴	۳,۶
حمل و نقل	۹/۲	۱۳
تجارت	۲۲	۱۷
مايه بیمه	۳/۶	۳,۴
خدمات دولتي	۹/۴	۱۰
خدمات شخصي و اجتماعي	۲	۳

منبع: گزارش اطلاعات اقتصادي وزارت اقتصاد و بازرگاني سوریه.

سیستم اداری	استان ها	مناطق	ناحیه	شهر	روستا	مزرعه			
تعداد	۱۴	۶۰	۲۱۱	۸۴	۶۱۲۸	۷۱۱۳			
سال		۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۵
تعداد جمعیت	در هزار	۷۰۷۳	۱۰۰۹۶	۱۴۱۱۰	۱۷۹۳۸	۱۸۸۶۶	۱۹۳۹۶	۱۷۷۶۵	۱۸۳۵۶
میزان جمعیت	جمعیت / کم مربع	۳۴	۴۸	۶۵	۸۸	۹۰	۹۲	۹۴	۹۶
درصد متوسط عمر %	۰-۱۴	۴۹,۳	۴۸,۴	۴۴,۸	۴۰,۴	۴۰,۵	۴۰,۲	۳۹,۶	۳۸,۵
	۶۵-۱۵	۴۶,۳	۴۸,۳	۵۲,۲	۵۶,۴	۵۶,۴	۵۶,۲	۵۶,۶	۵۸,۲
	+۶۵	۴,۴	۳,۳	۳	۳,۱	۳,۶	۳,۶	۳,۶	۳,۳

۱- تاریخ کشور

سوریه کنونی سابقه‌ای بسیار قدیمی در تاریخ دارد که مورخان این قدمت را به بیش از ۵ هزار سال می‌رسانند از این جهت که این سرزمین در طول تاریخ از فرهنگ و تمدن درخشانی برخوردار بوده است آثار و نشانه‌های زیادی از تمدن قدیم این کشور بر جا مانده است. قبل از تصرف این منطقه توسط اعراب مسلمان اقوام زیادی بر این منطقه حکمرانی کرده‌اند از جمله سامی، آموری، آرامی، مصری، آشوری، بابلی، یونانی، رومی و ایرانی که هر یک هر از چند گاهی بر این کشور حکم رانده‌اند. با تصرف شام توسط سپاه اسلام فرهنگ این دین جدید بر تمدن‌های چند سده اقوام مذکور بر شام غلبه یافت. در قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری که مقارن جنگ‌های صلیبی بود حکام بسیار مقتدر و دین داری بر این سرزمین حکومت می‌نمودند که پرچم جهاد علیه صلیبیان را بر افراشتند کسانی چون نورالدین محمود زنگی شهید، سلطان صلاح الدین ایوبی، ملک عادل ایوبی، ملک ظاهر، سیف الدوله حمدانی و... نه تنها امور جنگی و نظامی را در رأس امور خود قرار داده بودند و به ایجاد پایگاه‌های نظامی، ساخت قلعه حفر خندق‌ها و... می‌پرداختند که وجود صدها آثار آن دوره نشان این مدعا است. در قرون بعدی، ممالیک و سرانجام ترکان عثمانی پس از استیلاء بر این سرزمین سیاست‌های پیشگامان خود را

تداوم بخشیده و ضمن حفاظت و بازسازی آثار اسلامی به احداث بناهای دیگر نیز پرداختند. آرامی‌ها اولین کسانی بودند که دمشق را بنا نهادند و آنها ساکنین اصلی این سرزمین بوده‌اند و ایشان از نسل سام بن نوح می‌باشند که این شهر را ایجاد و آن را به نام جد خود سام نام گذاری کردند. گفته شده است سام بعداً به شام تبدیل گردید و این منطقه به شام معروف گردید. نام کنونی سوریه را فرانسوی‌ها پس از فروپاشی عثمانی و مستعمره نمودن این کشور از روی تاریخ کهن این بخش جهان و آشوریان باستانی بر این سرزمین نهاده‌اند.

الف - قبل از اسلام

سوریه سرزمینی بسیار کهن از نظر قدمت تاریخی و موقعیت جغرافیایی است. در برخی از روایات آمده که هابیل وقابیل در این سرزمین می‌زیسته‌اند و مکان شهادت هابیل که بدست برادرش بقتل رسیده است در این کشور واقع است. همچنین آثار تاریخی فراوانی که دارای اهمیت بسیاری است، در سوریه وجود دارد که حاکی از تمدن کهن در این سرزمین است. از این آثار می‌توان خرابه‌های قصر و شهر تدمر و سالن آمفی تئاتر روباز بصری که دقیقاً مهندسی آن شبیه استادیوم‌های ورزشی امروزیست و گنجایش پنجاه هزار تماشاچی را دارد. با وجود اینکه قریب بیست قرن از ساختن آن می‌گذرد، هنوز دولت و مردم سوریه در جشنهای بسیار بزرگ از آن استفاده می‌نمایند. همچنین آثاری از شهر اوگاریت که گفته می‌شود از تمدن‌های قدیم انسانی بوده است در نزدیکی شهر لاذقیه وجود دارد.

قلعه بزرگ و مشهور حلب که از نظر نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، قلعه حصن که در غرب شهر حمص واقع است و قلعه مرقب که کاملاً بر دریای مدیترانه مشرف است و یکی از شگفتی‌های تاریخ و زیبایی‌های هنر باستانی کاخ نرون در بعلبک لبنان می‌باشد. که هنوز قسمتهایی از آن بجا مانده است

دولابها و نواعیر مشهور هماه که در جهان بی نظیر است و صدها آثار تاریخی بزرگ و کوچک دیگر که همگی حکایت از وجود تمدنی عظیم و ریشه‌دار در این سرزمین دارد. قدیمی‌ترین مردمی که وارد سرزمین شام شدند "اموریها" بودند که در شمال سوریه ساکن شدند. همچنین قبیله "روتانو" یا "لودانو" در مشرق این سرزمین سکونت اختیار کردند. بعد از طوفان حضرت نوح علیه السلام آرامیها در دمشق، جولان، بقاع، حمص، لبنان اسکان یافتند.

کنعانی‌ها حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح اولین ملتی بودند که در سوریه اسکان یافته و بر دیگر قبایل فائق آمدند و تشکیل حکومت دادند همچنین در این زمان گروهی بنام حثیون به شمال سوریه وارد و دولت شمال سوریه را ایجاد کردند. اراضی که در دست کنعانیها بود، از مدخل هماه و شمال لبنان تا بادیه و ساحل امتداد داشت. شمال سوریه، حلب، قسمتی از جنوب ترکیه بدست حثیها اداره می‌شد.

سوریه بعثت قرارداداشتن بر سرجاده ابریشم و برخورداری از آب و هوای مدیترانه‌ای، از دیرباز مورد توجه سلاطین و حکومت‌ها بود و مدت‌های مدیدی در دست حکومت‌های قوی دست به دست می‌گشت. در نیمه قرن ۱۵ ق م، فراعنه مصر متوجه سوریه شدند. طوطمس سوم فرعون مصر جنگ‌های فراوانی در سوریه نمود تا اینکه موفق شد سوریه را به تسلیم وا دارد. از این تاریخ سوریه امروزی چند قرن تابع مصر بوده، در قرن یازدهم قبل از میلاد آشوری‌ها از شمال سوریه بر قبایل حثیون غلبه کرده، حوزه حکومت خود را گسترش داده و بر کل سوریه تسلط یافتند. در قرن هفتم قبل از میلاد بابلی‌ها بر آشوری‌ها تاختند، بر آنان غلبه یافته و سرزمین سوریه بدست آنان اداره می‌گشت. در سال ۵۳۹ قبل از میلاد با یورش نیروهای ایرانی شکست خورده سقوط نمودند و این کشور به تصرف ایرانیان در آمده در این دوران ساحل شام شکوفا و بسیاری از شهرها در ساحل شام و سوریه آباد می‌گردد. با حمله اسکندر

مقدونی نیروهای ایرانی مدت هفت ماه در بعضی مناطق سوریه مقاومت کرده عاقبت در سال ۳۳۹ ق.م از ارتش اسکندر مقدونی شکست می‌خورند و سوریه به تصرف اسکندر مقدونی در می‌آید. پس از فوت اسکندر مقدونی متصرفاتش بین سر دارانش تقسیم می‌شود. یکی از فرماندهان اسکندر به نام "سولوکوس" بر سوریه و ساحل آن تسلط پیدا می‌کند. و شهر "بریاریتوتا" (لاذقیه) را به اسم مادرش "لاوژیکیا" تغییر نام می‌دهد. که از آن زمان بنام "لاوتکیه" نامیده شد. در خلال این مدت این سرزمین بین یونانیها، مصریها و ایرانیان دست به دست می‌گشت تا اینکه در سال ۶۴ قبل از میلاد فرمانده روم بنام برمیوس بر شام مسلط گردید و انطاکیه را پایتخت خود قرار داد.

از این تاریخ سوریه جزئی از ولایت روم محسوب شد و رومی‌ها شهر انطروتوس را در مقابل جزیره ارواد بنا کردند. در زمان "هرود" که از طرف سناي روم به فرمانداری سوریه منصوب شده بود حضرت "عیسی مسیح" در بیت‌الحم متولد گردید. البته از قرن سوم میلادی به بعد، روم مجبور بود برای باقیماندن در سوریه درگیر مبارزه با قوای ایران شود مخصوص پس از انتقال قدرت روم به امپراطوری روم شرقی و بیزانس حملات ایران به شهرهای سوریه گسترش یافت در ۵۴۰ میلادی و تا اوایل قرن هفتم تمام سوریه کاملاً تحت حکمفرمایی و تسلط ایران بود.

اعتقاد بر این است که اولین کلیسا در جهان مسیحیت بنام مریم عذرا در ایام پطرس از شاگردان حضرت مسیح در شهر طروتوس (انطروتوس) بنا گردید و مسیحیت بدین طریق در ساحل شام و دیگر مناطق عشایر عرب سوریه که بعثت خشکسالی از عربستان راهی شام گردیده بودند منتشر گردیدند. در سال ۳۹۵ میلادی امپراطوری عظیم روم به روم شرقی و غربی تقسیم گردید و روم شرقی به اسم بیزانس موسوم و پایتخت آن قسطنطنیه گردید. تا ظهور اسلام و سقوط شام این سرزمین به دست روم شرقی

(بیزانس) اداره می‌شد. دولتهای کوچکی نیز در بعضی نواحی شام وجود داشت که عملاً خراج گذار روم به حساب می‌آمدند.

لازم به ذکر است که در مقاطعی در زمان دولت ساسانیان، ایرانیان با شکست رومیها بر این سرزمین استیلا یافتند.

ب - حکمرانی اعراب و ترکها

با ظهور اسلام و گسترش قدرت آن در قرن هفتم میلادی، سوریه نیز از تسلط اعراب به دور نماند و از آنجائی که مردم سوریه نیز دارای زبان و اعتقادات سامی و امید به کسب آزادیهای بیشتر از مسلمین بودند در برابر اعراب مقاومتی ننمودند و به این ترتیب مسلمین در ۶۳۵ میلادی دمشق را تصرف کردند و با پیروزی کامل در منطقه رود یرموک در سال ۶۳۶ عملاً تمام سوریه را تحت کنترل خود در آوردند. در فاصله سالهای ۶۶۰ تا ۷۵۰ میلادی بنی امیه در سوریه که آن زمان به چهار منطقه حمص، اردن، دمشق و فلسطین تقسیم شده بود حکمفرمایی کردند و در زمان عبدالملک زبان عربی به صورت زبان رسمی این کشور در آمد و سوریها اعم از مسلمان و مسیحی در اداره امور مملکت که تا این زمان بیشتر در دست بوروکراسی قدیمی بیزانس بود، سهم بیشتری یافتند زیرا که در این زمان سوریه بمنزله قلب امپراتور بزرگ اسلام در آمده بود و ارتش سوریه که در منازعات دائمی سرحدی کاملاً جنگیده و ورزیده شده بود بار اصلی امپراتوری اعراب را بر دوش داشت. پس از روی کار آمدن بنی عباس در ۷۵۰ میلادی و انتقال پایتخت از دمشق به بغداد، شام یا سوریه امروزی اهمیت خود را از دست داد و به صورت یکی از ایالتهای کشور بزرگ اسلامی در آمد. اما اسلام در این سرزمین گسترش یافت و دین اکثریت مردم این کشور شد به همین جهت بسیاری از مسیحیان سوریه به منطقه لبنان امروز مهاجرت کردند و آخرین بقایای تمدنهای یونانی و رومی نیز در سوریه از بین رفت. در قرن نهم میلادی در اثر

پیدایش انشعابات جدید مذاهب علوی دروزی و اسماعیلی در این کشور گسترش یافت و سوریه درگیر اختلافات مذهبی گردید. در قرن دهم میلادی حکمرانان محلی نیز گاهی قدرت گرفتند از جمله همدانی‌ها که در زمان سیف الدوله (حکمران حلب در سالهای ۹۴۶ تا ۹۶۷م) برای مدتی صاحب قدرت گردیدند و گفته می‌شوند که برخوردهای نظامی آنان با بزانسی‌ها از عوامل اصلی برانگیختن بیزانس در اقدام به فتح مجدد سوریه در قرن دهم بوده است. به هر صورت طبق عهدنامه سال ۹۷۷ میلادی سوریه شمالی به بیزانس واگذار گردید در حالی که بقیه کشور همچنان در دست سلسله فاطمیان که از ۹۶۹ میلادی بر مصر حکمرانی می‌کردند بود. در سال ۱۰۲۷ دولت فاطمی سقوط نمود و در سال ۱۰۷۵م، دمشق به تصرف سلسله سلجوقی که از ایران به سوریه حمله کرده بودند سقوط کرد. اختلافات داخلی در بین سلجوقیان باعث عدم ایجاد یک دولت قوی شد و کشور سوریه شاهد یک ملوک طوایفی گردید. این تجزیه سیاسی باعث پیروزی صلیبی‌ها در جنگ‌های صلیبی اول و گرفتن انطاکیه در سال ۱۰۹۸ و سقوط بیت‌المقدس در سال ۱۰۹۹ شد. اما با توجه به مقاومت مسلمانان مسیحیان موفق به فتح حماه، حمص، حلب و دمشق نگردیدند و به زودی مجبور به عقب نشینی در برابر امیر زنگ (یا زنگی موصلی) شدند که در سال ۱۱۲۸ حلب و در سال ۱۱۴۴ ایالت ادسا را متصرف شد گردیدند. بعد از او پسرش نورالدین با گرفتن دمشق در ۱۱۵۴ قدرت مسلمانان را در دمشق احیاء نمود و بعد از مرگ او صلاح الدین ایوبی که در این زمان بر مصر حکومت می‌کرد کنترل دمشق را بدست گرفت و در سال ۱۱۸۳م، حلب را نیز مسخر شد و با پیروزی بر صلیبی‌ها در حطین در سال ۱۱۸۷م، به حکومت صلیبی‌ها بر بیت‌المقدس پایان داد. اما این پیروزی‌های مسلمانان موجب بروز جنگ دوم صلیبی شد (۱۱۸۹-۱۱۹۲م) که طی آن صلیبی‌ها عسقلون، عکار و یافا را به تصرف خود در آوردند و با مرگ صلاح الدین در ۱۱۹۳ و تجزیه قلمرو فرمانروایی او صلیبی‌ها توانستند موقعیت خود را در بعضی از

نواحی ساحلی سوریه حفظ نمایند. اما با روی کار آمدن حکومت مملوکی در مصر جنگ‌هایی بین آنها و صلیبی‌ها در گرفت که منجر به آزادی انطاکیه در ۱۲۶۸م و طرابلس ۱۲۸۹ و عکار در سال ۱۲۹۱م، گردید و به این ترتیب آخرین آثار حکومت صلیبی‌ها در سوریه برچیده شد.

در نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی موج حملات مغول‌ها به سوریه آغاز شد و طی آن شهرهای حمه و حلب به تصرف آنها در آمد و دمشق محاصره گردید اما در سال ۱۲۶۰ سپاهیان مغول از مملوکی‌ها در عین الجوت شکست سختی خوردند و مملوکی‌ها سیطره خود را بر تمام سوریه بسط دادند. لکن درگیری و بر خورد مملوکی‌ها در سوریه که حدود سه قرن ادامه یافت پس از یک سلسله جنگ با ترکان عثمانی در سالهای ۱۴۸۵-۱۴۹۱م، بالاخره بدست سلطان سلیم اول (۱۵۱۲-۱۵۲۰) که در سال ۱۵۱۶ سوریه و در ۱۵۱۷م، مصر را ضمیمه متصرفات عثمانی نمود پایان یافت.

زمان تسلط عثمانی بر سوریه برای مدت سه قرن متوالی ادامه یافت در این ایام سوریه به سه ایالت دمشق، حلب و طرابلس تقسیم شده بود و اداره امور به دست پادشاهان ترک قرار داشت و رویهم رفته تا سال ۱۷۹۹ که ناپلئون بناپارت به خاور نزدیک حمله برد حادثه مهمی در این منطقه رخ نداد.

ج - سوریه در قرن نوزدهم میلادی

قرن نوزدهم میلادی علاوه بر حمله ناپلئون که پس از تصرف غزه و یافا و حمله به عکا مجبور به عقب نشینی شد، شاهد حوادث مهم دیگری نیز در سوریه بودیم از جمله در سال ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۳م، ابراهیم پاشا پسر محمد علی پاشا حکمران مصر در اثر بد قوی سلطان محمود دوم حاکم عثمانی در واگذاری سوریه به مصر این منطقه را به زور اشغال کرد و برای اولین بار پس از چند قرن یک حکومت مرکزی در سوریه به وجود آمد. در این دوره کشور مصر شاهد یک دولت قوی بود که با ایجاد

مدارس متعدد و وضع مالیات و رفرم قضایی در واقع می‌توان گفت تاریخ جدید سوریه آغاز گردید با وجود پیروزی در جنگ با سپاهیان عثمانی در ۱۸۳۹م، و در اثر قیام مردم در سال ۱۸۴۰ و دخالت قدرت‌های بزرگ به نفع عثمانی محمد علی پاشا مجبور به ترک سوریه و صرف نظر نمودن از ادعاهای خود نسبت به این منطقه گردید. با خروج نیروهای مصری بار دیگر سوریه تحت اشغال دولت عثمانی در آمد از این تاریخ تا جنگ جهانی اول سوریه که شامل چهار ولایت دمشق، حلب، بیت‌المقدس و بیروت بود بدست نیروهای عثمانی اداره می‌شد در این مدت اغتشاشات مذهبی و سیاسی زیادی گزارش شده است از جمله درگیری بین مارونی‌ها و دروزی‌ها که به یک جنگ داخلی بین این دو فرقه منجر شد لازم به یادآوری است که فرانسه از مارونی‌ها و انگلیس از دروزها حمایت می‌نمود در سال ۱۸۶۰ میلادی که منجر به قتل عام هزاران مارونی به دست دروزها انجام شد ناپلئون سوم نیروهای خود را برای حمایت از مارونی‌ها به لبنان اعزام نمود پس از چند ماه یک کمیته بین المللی حقیقت یاب برای رسیدگی به علل بروز این اختلافات تشکیل و متعاقب آن خودمختاری لبنان طی اعلامیه‌ای اعلام شد و مقرر گردید که اداره امور لبنان بدست یک فرماندار مسیحی عثمانی که از طرف پاپ تعیین می‌شود و مستقیماً در برابر قدرت‌های بزرگ مسئول بود سپرده شود.

د - جنگ جهانی اول تا زمان استقلال سوریه - ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۶

هنگام شروع جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴، جنبش ناسیونالیستی عرب که از اوایل قرن بیستم در بین طبقات تحصیل کرده، کارگران و به خصوص افسران ارتش گسترش یافته و نضج گرفته بود خواستار رهایی اعراب از تسلط عثمانی بود ولی با آنکه در مذاکرات شریف مکه با کمیسر وقت انگلستان در مصر به اعراب اطمینان داده شد که در مقابل پشتیبانی از مقاصد ملل متفق به آنان استقلال داده خواهد

شد پس از پایان جنگ بر اساس قرار داد سایکس - پیکو که بین کشورهای انگلیس و فرانسه منعقد شد، متصرفات دولت عثمانی تحت قیمومیت انگلیس و فرانسه قرار گرفت با این ترتیب که اداره امور نواحی ساحلی سوریه و لبنان در اختیار فرانسه و مناطق جنوبی زیر نظر انگلیس قرار گرفت. مناطق مرکزی شامل حلب، حمص، حماه دمشق و اردن در دست اعراب و زیر نظر ملک فیصل پسر شریف حسین قرار داشت.

در سال ۱۹۲۰ ناسیونالیست‌های سوریه تشکیل پادشاهی مستقل سوریه بزرگ شامل سوریه، لبنان و فلسطین را اعلام کردند ولی در کنفرانس سان رمو در ادامه کار کنفرانس ورسای که نتوانسته بود یک راه حل نهایی برای سرزمین‌های عربی پیدا نماید پیشنهاد رژیم قیمومیت و یا سرپرستی را به کار بستند و در نتیجه نیمه شمالی شامل سوریه و لبنان تحت سرپرستی فرانسه و قسمت جنوبی (اردن و فلسطین) تحت قیمومیت انگلیس قرار گرفت. البته در نظام قیمومیت جامعه ملل برای سوریه و لبنان مقرر شده بود که به مرور زمان اداره امور بتدریج بعهدہ آنها واگذار شود و دولت فرانسه نیز که سرپرستش بر سوریه در محیط نارضایتی و سوء ظن ناسیونالیست‌ها آغاز شده بود طبق خواسته بعضی جوامع بومی به تقسیمات جدیدی دست زد از جمله دولت لبنان بزرگ را به وجود آورد و پس از آن در لاذقیه، جبل دروز، حلب و دمشق تشکیلاتی مستقل ایجاد کرد و همچنین رژیم مخصوصی در منطقه اسکندرون در شمال غربی سوریه ایجاد نمود. در سال ۱۹۲۲م، فدراسیون سوریه که شامل حلب و دمشق می‌شد تشکیل شد و قدرت قانونگذاری به شورای فدرال به ریاست برکات واگذار شد. در سال ۱۹۲۳ این فدراسیون منحل و استان‌های دمشق و حلب در سوریه ادغام گردید از سال ۱۹۲۵ تقسیمات اینگونه شد لبنان بزرگ شامل طرابلس و بیروت و جمهوری سوریه شامل لاذقیه و جبل دروز هم گردید.

امیر فیصل که فرماندهی ارتش شمال غربی را بعده داشت در سال ۱۹۱۸ وارد شهر دمشق گردید، و پرچم عثمانی را پائین کشید و بجای آن پرچم عربی را برافراشت و سپس راهی حمص، حماه و حلب شد. پس از اینکه قرارداد آتش بس میان نماینده ترکیه و نیروهای متفقین منعقد گردید نیروهای فیصل نیز در حوالی حلب مستقر شدند. استعمار بریتانیا که به شریف حسین وعده تشکیل دولت عربی داده بود، پنهانی قراردادی میان وزیر خارجه بریتانیا و فرانسه مبنی بر تقسیم اراضی عربی عثمانی میان آنان منعقد کرد که به موجب آن قرارداد، سوریه و لبنان در اختیار فرانسه و فلسطین، اردن و عراق تحت سرپرستی انگلستان قرار می‌گرفت. پس از اینکه توافقنامه مذکور فاش گردید، کنگره ملی سوریه در هشتم مارس ۱۹۲۰ امیر فیصل را رسماً بعنوان حاکم سوریه که حدود آن از جنوب ترکیه منطقه کیلیکیا تا رفح امتداد داشت اعلام کرد. فیصل بلافاصله وزراء را تعیین و یوسف عظمه بعنوان رئیس ستاد جنگ انتخاب گردید.

نیروهای فرانسه در تابستان همان سال (۲۴ ژوئیه) به طرف دمشق به منظور اخراج فیصل از سوریه به حرکت در آمدند و در ۲۵ کیلومتری غرب دمشق در منطقه میلیسون ارتش کوچک فیصل را که از داوطلبان عرب بودند شکست دادند و فرمانده آن یوسف عظمه را به قتل رساندند و دست کم یک هزار نفر از نیروهای فیصل کشته شدند. پس از این شکست، ارتش فرانسه وارد شهر دمشق گردید و ژنرال گورو حکومت نظامی اعلام کرد و طی بیانیه‌ای که در ۲ ژوئیه صادر شد، از حکومت سوریه خواستار ۱۰ میلیون فرانک بعنوان غرامت جنگ شد و در عین حال درخواست خلع سلاح شدن ارتش سوریه، تسلیم و محاکمه سیاستمداران سوری و پایان دادن به حکومت فیصل گردید. در ۲ تموز ژنرال گورو به فیصل هشدار داد که باید هرچه سریعتر خاک سوریه را ترک کند. پس از این اولتیماتوم فیصل سوریه را به مقصد

ایتالیا ترک و بدین ترتیب به حکومت چهار ماهه وی پایان داده شد.

در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۲ مجمع ملل متن قانون سرپرستی (قیومیت) دو کشور استعماری فرانسه و انگلستان را بر سوریه و لبنان، اردن و عراق تصویب کرده و به این عمل جنبه قانونی داد.

در سال ۱۹۲۵ م، مردم جبل درروز (حوران) سر به شورش برداشتند و علیه فرانسوی‌ها وارد میدان مبارزه شدند، فرماندهی نیروهای دروز را سلطان اطرش برعهده داشت. سلطان اطرش با صدور بیانیه‌ای خود را فرمانده کل ارتش ملی انقلاب سوریه معرفی و از همه مردم این کشور دعوت کرد که به انقلابیون بپیوندند و دست استعمار فرانسه را از کشور کوتاه کنند. قیام دروزی‌ها دیری نپائید و منجر به شکست آنان و تبعید شدن گروه کثیری از رجال دروزی به اردن گردید. همچنین دست کم ده هزار نفر از نیروهای مردمی دروز در این قیام به قتل رسیدند و نیز روستاهای زیادی توسط فرانسوی‌ها به آتش کشیده شد. در آوریل ۱۹۲۸ دولت فرانسه انتخابات قانون اساسی را برگزار کرد ولی مجلس فرانسه قانون اساسی بدون ذکر قیومیت فرانسه را تصویب کرد به همین دلیل کمیسر عالی فرانسه انحلال پارلمان را اعلام داشت. در ژانویه ۱۹۳۲ م، انتخابات دیگری ترتیب داده شد و مقام‌های فرانسوی و سوری پیمان دوستی و اتحاد دو کشور را امضاء کردند که باز هم پارلمان سوریه نپذیرفت و منحل گردید. در همین زمان فعالیت ملیون گسترش یافت و دولت فرانسه را در تنگنا قرار داد. کنگره ملی سوریه در ۱۹۳۶ م، در دمشق تشکیل جلسه داد و ضمن محکوم کردن استعمار فرانسه، پشتیبانی و حمایت خود را از ملیون اعلام نمود. در پی آن ۶۰ روز اعتصاب عمومی در کشور حکمفرما شد و سرانجام در ۹ سپتامبر ۱۹۳۶ بین نمایندگان فرانسه و سوریه پیمانی منعقد شد که مفاد آن بدین گونه می‌باشد:

۱- فرانسه استقلال و حاکمیت ملی سوریه را به رسمیت می‌شناسد.

۲ - سوریه متعهد می‌شود که در مسائل سیاست خارجی با دولت فرانسه مشورت کند.

۳ - سوری‌ها همچنین تعهد می‌کنند که فرانسوی‌ها را در مشورت کردن و کمک گرفتن، بر دیگران مقدم بدارند.

۴ - دو پایگاه نظامی در خاک سوریه به حکومت فرانسه واگذار شود.

این پیمان به تصویب پارلمان فرانسه نرسید و مجلس ملی سوریه که نمی‌خواست امتیازی فراتر از آن به فرانسه بدهد از یک سو، و بحران مسئله ایالت اسکندرون که در سال ۱۹۳۹ با یک برنامه حساب شده به کشور ترکیه ضمیمه و موجب خشم سوری‌ها گردید از سوی دیگر باعث انحلال پارلمان سوریه در سال ۱۹۳۹ توسط کمیسر عالی فرانسه شد.

با آغاز جنگ جهانی دوم و شکست فرانسه در برابر آلمان "گابریل پوو" کمیسر عالی فرانسه در سوریه به دولت دست نشانده ویشی پیوست و همکاری خود را با آن آغاز کرد. در ۸ ژوئن ۱۹۴۱ نیروهای متفقین وارد سوریه شدند و با طرفداران ویشی به نبرد پرداختند و آنان را به سختی تارو مار کردند ژنرال کاترو بلافاصله از سوی فرانسه آزادی و استقلال سوریه را اعلام کرد که در ۲۶ و ۲۷ سپتامبر توسط مارشال دوگل و مجلسیان فرانسه تأیید شد.

در سال ۱۹۴۳ شکری القوتلی بعنوان نماینده حزب ملی به ریاست جمهوری برگزیده شد. لبنان و سوریه در ۱۲ آوریل ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد درآمدند و در همان سال پیمان اتحادیه عرب را امضاء کردند. آخرین سربازان فرانسوی در ۱۷ آوریل ۱۹۴۶ خاک سوریه را ترک نمودند.

از استقلال سوریه تا ۱۹۸۵

خروج فرانسه از سوریه مانند دیگر کشورهای استعماری سختی‌های دوران پرمشقت بویژه مشکلات اقتصادی را پس از استقلال به همراه داشت سوریه با ضعف شدید اقتصادی و برخوردار نبودن دستگاه دولت از تجربه اداری و سیاسی، نداشتن کارگزاران با

تجربه و عقب ماندگی فرهنگی و ضعف ارتش و مسائل زیاد دیگری مواجه بود. در همین حال با تشکیل دولت یهود در فلسطین و بروز جنگ بین نیروهای عرب و یهود و شکست ارتش سوریه در جنگ این کشور تازه به استقلال رسید را با بحران جدید و مشکلات بیشتری روبرو ساخت.

"احمد شرباتی" وزیر دفاع استعفا داد و "جمیل مردم بک" نخست وزیر وقت ناچار شد خود بدین مسئولیت گردن نهد. در فرماندهی ارتش تغییراتی داده شد. "عبدالله عطفه" رئیس ستاد، از کار بر کنار و سرهنگ حسنی زعیم رئیس پلیس جایش را گرفت. علی رغم این تغییرات اعتراضات مردمی نسبت به شکست در جنگ فروکش نکرده و مردم در محوطه مجلس اجتماع کردند و خواستار از سر گرفتن جنگ با یهودیها شدند. نخست وزیر "جمیل مردم بک" در دسامبر ۱۹۴۸ استعفا داد و "خالد عظم" مسئول تشکیل کابینه شد با روی کار آمدن خالد عظم نه تنها مشکل حل نگردید بلکه با بروز بعضی مسائل زمینه اولین کودتا که توسط حسنی زعیم انجام گرفت فراهم شد.

(۱) کودتای حسنی زعیم:

حسنی زعیم رئیس ستاد ارتش با کمک "ادیب شیشکلی" اکرم حورانی و "بهیج کلاس" کودتایی را علیه رئیس جمهور طرح ریزی کردند و در ۳۰ مارس ۱۹۴۹م، واحدهای ارتش وارد دمشق شدند و مقر ریاست جمهوری، نخست وزیری، فرودگاه، مراکز حساس نظامی، رادیو و مجلس را اشغال کردند. زعیم اوضاع را کاملاً در دست گرفت این اولین کودتایی بود که پس از استقلال سوریه در این کشور رخ داد. زعیم در مدت کوتاه ریاستش به منظور روابط با فرانسویها به آنان نزدیک شد و با یهودیان وارد مذاکره شد، این گفتگوها در ۱۲ آوریل ۱۹۴۹ آغاز شد و در ۲۰ ژوئیه همان سال پیمان آتش بس به امضاء رسید. حسنی زعیم در ۲۵ ژوئن رئیس جمهور شد و محسن برزای را مأمور تشکیل هیئت وزیران نمود. دوران

تصدي حسني زعيم بيش از چهار ماه طول نکشيد، که با کودتاي حناوي سرنگون گرديد.

(۲) کودتاي حناوي:

سرهنگ محمد حناوي در ۱۴ اوت ۱۹۴۹ دست به کودتا زده وحسني زعيم و نخست وزيرش را اعدام و یک شوراي نظامي يازده نفره تشکيل داد که خود رئيس آن بود. یک روز بعد از کودتا حکومت را بدست غير نظاميان سپرد و هاشم آتاسي را مسئول تشکيل کابينه قرار داد. حناوي افسراني را که زعيم برکنار کرده بود، به سرکار باز گرداند. یکی از ايشان سرهنگ اديب شيشکلي بود که به فرماندهي تيپ یکم گمارده شد. دوران قدرت نمائي حناوي نيز زياد دوام نداشت و نامبرده با کودتائي که توسط اديب شيشکلي انجام گرفت سرنگون شد.

(۳) کودتاي اديب شيشکلي:

اديب شيشکلي در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۹م، دست به کودتا زد بروز اختلاف بين شيشکلي و حزب خلق که اکثريت اعضاء پارلمان را به خود اختصاص داده بود موجب شد که تشکيل کابينه با مشکل روبرو گردد. بين ۲۰ تا ۲۳ دسامبر کوششهاي فراواني براي تشکيل کابينه به عمل آمد ولي هيچ کدام به جائي نرسيد تا بالاخره "خالد عظم" در ۲۷ دسامبر با ارائه ليست وزيران که مورد قبول حزب خلق بود مأمور تشکيل کابينه گرديد. خالد عظم به علت درگيري با جناحهاي مختلف ۲۹ مه ۱۹۵۰ استعفا کرد و ناظم قدسي مأمور تشکيل کابينه شد. پارلمان سوریه در تاريخ ۵ دسامبر ۱۹۵۰ قانون اساسي را ازتصويب گذراند و "هاشم آتاسي" را به رياست جمهوري برگزيد. شيخ "معروف دواليبي" نخست وزير شد. پس از گذشت اندک زماني اديب شيشکلي براي بار دوم دست به کودتا زده و تعداد زيادي از سياستمداران را باز داشت نمود. رئيس جمهوري استعفا داد، و شيشکلي

که منتظر این فرصت بود طی فرمانی پارلمان را منحل و خود اختیارات رئیس دولت را بعهدہ گرفت. شیشکلی در دوران ریاستش به ارتش سروسامان بخشید، افسران سال خورده را بازنشسته و افسران جوان را جای آنان قرار داد. همچنین به کشاورزی رسیدگی نمود و شرکت پنبه سوریه را تأسیس کرد. شیشکلی در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۵۲ فرمان تشکیل هیئت وزیران را صادر نمود و روز بعد «فوزی سلو» به عنوان نخست وزیر سوگند یاد کرد. یک ماه پس از انقلاب مصر ادیب شیشکلی حزب جدیدی به نام "جنبش آزادی بخش عربی" را تأسیس کرد. در نهم اکتبر ۱۹۵۳ انتخابات مجلس برگزار گردید و حزب شیشکلی ۶۰ کرسی را اشغال کرد.

سلب آزادی و عدم امنیت موجب شد که مخالفین شیشکلی در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۵۳ کنگره‌ای در شهر حمص تشکیل داده و قطعنامه‌ای به نام پیمان ملی انتشار دهند که بر اساس آن سازمانی به نام جبهه ملی برای مبارزه با شیشکلی پدید آمد. در اولین اقدام دانشجویان در شهرهای حلب، حمص، حماه و دمشق به خیابان‌ها ریختند و با پلیس درگیر شدند. در پی آن حقوق‌دانان زبان به اعتراض گشودند. تعدادی از سیاستمداران نظیر میشل عفلق، صلاح بیطار، اکرم حورانی، صبری علی، امیر حسن اطرش، به زندان افتادند. دروژی‌ها دست به آشوب زدند و در کشور حالت فوق‌العاده اعلام شد. در ۲۵ فوریه ۱۹۵۴م، سرگرد فیصل آتاسی افسر ستاد لشکر حلب دست به شورش زد و حلب را به اشغال خود در آورد. در همان روز فرماندهان پادگان لاذقیه، دیر الزور، حمص، حماه، به شورشیان پیوستند و به شیشکلی اخطار کردند که تا بعد از ظهر از کشور بیرون رود همچنین از هاشم آتاسی خواسته شد که ریاست جمهوری را بعهدہ بگیرد. شیشکلی که قصد داشت در دمشق بماند و مقاومت کند پس از این اخطار کشور را بسوی بیروت ترک کرد.

کودتا گران پس از رسیدن به قدرت، پارلمان را منحل کردند، و نمایندگان قبلی به جلسه دعوت

شدند. در اکتبر ۱۹۵۴ انتخابات مجلس برگزار گردید. در این انتخابات حزب بعث ۲۲ کرسی، گروه‌های مستقل به رهبری خالد عظم نیز ۶۴ کرسی را به خود اختصاص دادند از نفوذ حزب خلق کاسته شد. پارلمان جدید سوریه در ۱۴ اکتبر ۱۹۵۴ اولین نشست خود را تشکیل داد و فارس خوری مأمور تشکیل کابینه گردید. در ۵ مارس ۱۹۵۵ سوریه با مصر پیمان دوستی و اتحاد امضاء کردند. در همین هنگام دران ریاست جمهوری آتاسی به پایان رسید و بار دیگر شکری قوتلی از پارلمان رأی اعتماد گرفت و برای مدت ۵ سال به ریاست جمهوری برگزیده شد.

قوتلی در ۲۰ فوریه ۱۹۵۶م، از تمام گروه‌های سیاسی دعوت کرد که اختلافات را کنار بگذارند و پیمانی را به نام منشور ملی به منظور سازندگی کشور امضاء نمایند. پس از توافقنامه منشور ملی کابینه صبری علی با عضویت صلاح الدین بیطار در وزارت امور خارجه روی کار آمد. در سال ۱۹۵۷ آمریکا با ادیب شیشکلی و برخی از سیاستمداران سوری نقشه یک کودتای نظامی را طراحی کردند، ولی قبل از اینکه به مرحله عمل برسد، کشف و خنثی شد. دولت سوریه جریان را اعلام و سه تن از دیپلمات‌های آمریکایی را بعنوان عناصر نامطلوب از کشور اخراج کرد.

از اتحاد با مصر تا کودتای حافظ اسد

مجلس سوریه در نوامبر ۱۹۵۷ مصوبه‌ای را در حمایت از اتحاد با مصر تصویب کرد و در سال ۱۹۵۸ (فوریه) سوریه و مصر متحد شدند. جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور و صبری علی معاون وی شد. بدنبال این اتحاد همه احزاب سیاسی سوریه منحل گشتند.

در دسامبر ۱۹۵۹ وزیران بعثی بطور دسته جمعی از کابینه اتحاد کناره‌گیری کردند و با عناصر ضد ناصری وارد همکاری شدند بالاخره نظامی‌های دست راستی ضد ناصری طی کودتایی که در ۲۸ سپتامبر صورت گرفت انخلال جمهوری عربی را اعلام کردند و بدین ترتیب سوریه از مصر جدا شد و جمال عبدالناصر دولت

مستقل آن را به رسمیت شناخت، لکن بعثیها که خود عامل انحلال جمهوری متحد عربی بودند به اهداف خود دست نیافتند لذا با کمک افسران نظامی بعثی در ۸ مارس ۱۹۶۳ دست به کودتا زدند و در اولین قدم به پاکسازی نیروهای مسلح و پرسنلی که به هواداری پیمان با مصر شناخته شده بودند پرداختند. ژنرال امین حافظ بعنوان فرمانده کل ارتش منصوب شده، و در ۱۲ نوامبر ۱۹۶۳ به ریاست شورای انقلاب و نخست وزیری رسید و در ۱۹۶۴ قانون اساسی موقت را صادر کرد. در ۲۳ فوریه ۱۹۶۶ گروهی از افسران بعث از جمله صلاح جدید، حافظ اسد، مصطفی طلاس برضد امین کودتا کردند و وی را سرنگون نمودند. امین حافظ^۱ در جریان کودتا دستگیر و در سپتامبر ۱۹۶۶ به لبنان گریخت و دکتر نورالدین آتاسی رئیس جمهور و یوسف زعین رئیس وزراء گردیدند.

در آوریل ۱۹۶۷ واحدهای توپخانه و نیروی هوایی سوریه ورژیم صهیونیستی در جنوب شرقی دریاچه طبریا درگیر شدند که ادامه این درگیریها منجر به جنگ تمام عیار ژوئن ۱۹۶۷ گردید. و صهیونیستها پس از جنگ سختی با سوریها مواضع آنان را در تپه‌های بالای دریاچه طبریا به تصرف در آورده و شهر قنیطره را اشغال کردند.

در ۱۰ ژوئن همین سال سوریه موافقت رسمی خود را با پیشنهاد سازمان ملل مبنی بر آتش بس، اعلام کرد ولی سوریها هر گونه سازش با رژیم صهیونیستی را رد نموده و خواهان استمرار مبارزه با آن شدند. این مسئله باعث شد که حزب بعث در کنگره ۱۹۶۸ دمشق به دو گروه ملی‌ها و پیشروها تقسیم شود. رهبری گروه ملی، که حافظ اسد بود اعتقاد داشت باید همه امکانات و منابع کشور برای مبارزه با صهیونیسم تجهیز گردد. ولی گروه پیشرو به رهبری دکتر یوسف زعین معتقد بود که نبرد با صهیونیسم تنها از راه

^۱ - امین حافظ بعداً به عراق تحت حکومت صدام حسین پناهنده شد تا اینکه با سقوط صدام آواره شد و به دلیل بیماری و کهولت سن دولت سوریه به وی اجازه بازگشت و اقامت در شهر حلب را داد.

اعمال نیروی نظامی امکان‌پذیر نخواهد بود. به هر حال این رقابت و کشمکش ادامه داشت، تا اینکه حزب بعث در سال ۱۹۷۰ طرف گروه پیشروها را گرفت و نظامیان تحت امر حافظ اسد را از دخالت در سیاست برحذر داشت، حافظ اسد نیز که فرمانده نیروی هوایی بود، در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۱ (تشرین ثانی - ۲۵ آبان ۱۳۴۹) دست به سلاح برد و با انجام کودتایی تحت عنوان "حرکت تصحیحیه" جناح غیر نظامیان را سرنگون کرد و رئیس‌جمهور نورالدین آتاسی و ده‌تن دیگر از جناح رقیب دستگیر و روانه زندان شدند از آن تاریخ تا تابستان سال ۲۰۰۰ م که حافظ اسد در اثر بیماری فوت نمود قدرت در دست داشت.

حافظ اسد طی سال‌ها فرزند بزرگش باسل اسد را برای جانشینی خود آماده می‌نمود اما ایشان در اثر یک تصادف در سال ۱۹۹۴ م، در جاده منتهی به فرودگاه دمشق جان خود را از دست داد لذا حافظ اسد فرزند دیگر خود بشار را که به دلیل جلوگیری از تکرار مشکلاتی که برای خود او و برادرش (رفعت اسد) پیش آمده بود از سیاست دور کرده و به مسائل علمی و پزشکی در لندن مشغول بود به دمشق فراخواند. بشار اسد پس از بازگشت به کشورش طی سه سال متوالی مسئول پرونده‌های مهمی از جمله لبنان شد. پس از فوت حافظ اسد بلافاصله رهبری حزب بعث تشکیل جلسه داد و با همکاری عبد الحلیم خدام معاون رئیس‌جمهور که از نظر قانون اساسی جانشین رئیس‌جمهور بود قانون اساسی اصلاح گردید و سن رئیس‌جمهور از ۴۰ سال به ۳۵ سال کاهش یافت تا بشار بتواند کاندیدای ریاست‌جمهور شود بعد از این تغییرات در قانون اساسی و شرکت بشار در رفراندوم ریاست‌جمهوری، بشار اسد از سال ۲۰۰۰ م میلادی اولین دوره ریاست‌جمهوری خود را آغاز نمود.

در به قدرت رسیدن بشار نباید نقش فرماندهان ارشد نظامی، نیروهای امنیتی و یاران پدرش مانند خدام و طلاس را فراموش نمود. بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد طی دو سال اول حکومت ایشان بیشتر از اصلاحات سیاسی در کشور سخن می‌گفت به طوری که

دو سه سال اول حکومت وی تا حدودی فضای باز سیاسی در سوریه ایجاد شد کمیته‌های دفاع از حقوق شهروندی و... ایجاد شد.^۱ اما بدنبال هشدار نیروهای امنیتی به بشار اسد مبنی بر خطرناک بودن این نوع آزادی‌ها در سوریه به تدریج بار دیگر بشار اسد اولویت خود را به سیاست خارجی و اقتصادی معطوف نمود و با فعالان سیاسی که دم از اصلاحات می‌زدند برخورد شد. طی چند سال گذشته هرچند بارها بشار خبر از اصلاحاتی محدود از جمله آزادی مطبوعات و اعلام قانون مطبوعات و قانون احزاب داده است اما تا کنون عملاً شاهد چنین مسئله‌ای نبوده ایم. انتظار می‌رود با توجه به تحولات منطقه به مرور زمان شاهد تغییراتی اصلاح‌گونه و افزایش آزادی‌ها طی سال‌های آینده در سوریه باشیم. بشار اسد در سال ۲۰۰۷ م، در فرماندم ریاست جمهوری اسلامی سوریه که یک کاندیدا داشت شرکت و با پیروزی دوره جدید را در تیر ماه سال ۱۳۸۶ آغاز نمود.

۲- قانون اساسی

با قدرت رسیدن حزب سوسیالیست عربی بعث در سال ۱۹۶۳ م، در سوریه، تاکنون بارها شاهد تغییر قانون اساسی در این کشور بوده ایم در سال ۱۹۶۴ در زمان حکومت امین حافظ قانون اساسی موقتی تدوین گردید که بر اساس آن اقتدار عالی حکومت در دست "شورای ریاست جمهوری" بود و در عین حال ایجاد یک شورای قانونگذاری انتصابی با شرکت نمایندگان کارگران، کشاورزان و سازمان‌های حرفه‌ای پیش بینی شده بود که بر اساس قانون اساسی موقت دیگری که در ماه مه ۱۹۶۹ اعلام گردید بسیاری از اصول و مقررات تغییر پیدا نمود.

قانون اساسی فعلی سوریه در تاریخ ۱۳/۳/۱۹۷۳ به امضای رئیس جمهور وقت سوریه حافظ اسد رسید. این قانون اساسی دارای یک مقدمه، چهار باب و ۱۵۶ ماده است. این قانون اساسی در سال ۲۰۰۰ م بعد از مرگ حافظ اسد برای تسهیل به قدرت رسیدن

^۱ - این زمان کوتاه را بهار دمشق می‌نامند.

بشار اسد اصلاح و حداقل سن رئیس‌جمهور از ۴۰ سال به ۳۵ سال کاهش یافت. در فصل اول، باب اول اصول قانون اساسی حاکم بر سوریه به شرح ذیل تبیین شده است:

۳- قوه مقننه

الف - تاریخچه:

سابقه مجلس در این کشور به سال ۱۹۱۹ یعنی قبل از استعمار فرانسه باز می‌گردد و سوریه اولین کشور عربی است که در آن مجلس تأسیس گردیده است نام اولین مجلس سوریه «کنفرانس سوریه بزرگ» بود که اعضای از دیگر کشورها مانند لبنان، اردن و فلسطین نیز در آن حضور داشتند در دوران استعمار فرانسه در سال ۱۹۲۳ دومین مجلس سوریه تشکیل گردید که دارای ۳۰ عضو بود. پس از پایان دوره استعمار بار دیگر مجلس با ساختار جدید شکل گرفت و از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۷ م، مجلس با ۱۲۴ عضو به ریاست فارس خوری تشکیل گردید بعد از جنبش اصلاحی آقای حافظ اسد قانون جدید مجلس نوشته شد و دوره فعلی نهمین دوره مجلس خلق سوریه می‌باشد که بهار سال ۸۶ آغاز بکار نمود.

ب - برگزاری انتخابات

طبق قانون اساسی انتخابات مجلس باید در خلال ۹۰ روز پس از پایان کار دوره قبل تشکیل گردد و رئیس‌جمهوری دستور برگزاری انتخابات را صادر می‌نماید و رای‌گیری باید با آزادی کامل انجام گیرد و کاندیداها می‌توانند نمایندگان را جهت نظارت بر حسن برگزاری انتخابات در حوزه انتخابی داشته باشد. انتخابات طی دو روز متوالی غیر تعطیل برگزار می‌شود.

ج - شروع به کار مجلس و مصونیت

مجلس جدید پس از اعلام نتایج انتخابات در خلال ۱۵ روز بنا به دستور رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و زمان هر مجلس ۴ سال می‌باشد. اگر رئیس‌جمهور دستور

برگزاری صادر ننمود در روز شانزدهم مجلس منعقد می‌گردد. بر طبق ماده ۶۱ قانون اساسی این کشور مجلس در طول سال سه اجلاس عادی خواهد داشت مجلس خلق در طول سال ۶ ماه متناوب تشکیل می‌شود. اجلاس اول و دوم ۴۵ روز و اجلاس سوم ۳ ماه خواهد بود. اما رئیس جمهور، رئیس مجلس و یا یک سوم نمایندگان می‌توانند درخواست اجلاس‌های فوق‌العاده نمایند. نمایندگان مجلس خلق سوریه طبق ماده ۶۶ قانون اساسی دارای مصونیت می‌باشند. در صورت ارتکاب جرم مشهود توسط نماینده مجلس هر گونه اقدام قضائی فقط با اجازه مجلس انجام می‌شود.

ه - شرایط انتخاب شونده‌گان

طبق قوانین موجود در سوریه شرایط متقاضیان نمایندگی مجلس به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- داشتن حداقل ۲۵ سال سن، ۲- داشتن تابعیت سوریه به مدت ۵ سال، ۳- نداشتن محکومیت مؤثر، ۴- سواد خواندن و نوشتن ۵- در خواست مستقیم جهت شرکت در انتخابات

تعداد نمایندگان مجلس ۲۵۰ نفر می‌باشد که از این تعداد ۱۲۷ کرسی به گروه (الف) شامل کارگران، کارمندان دولت و کشاورزان می‌باشد و ۱۲۳ کرسی دیگر متعلق به گروه (ب) شامل باقی اقشار جامعه مانند صاحبان صنایع تجار، پزشکان و وکلاء می‌باشد.

ضمناً از ۲۵۰ کرسی مجلس ۱۷۶ کرسی به جبهه ملی پیشرو به شرح ذیل تعلق دارد:

الف) حزب بعث ۱۳۱ نفر (۵۲/۴٪)

ب) باقی احزاب جبهه ۳۲ نفر (۱۲/۸ درصد) به شرح ذیل:

- * جنبش سوسیالیست‌های عرب (دو جناح) ۶ کرسی.
- * حزب کمونیست سوریه (دو جناح) ۸ کرسی.
- * اتحادیه سوسیالیست‌های عرب ۷ کرسی.
- * حزب وحدت گرایان سوسیالیست عرب ۷ کرسی.
- * حزب وحدت گرایان دموکرات ۴ کرسی.

ج) ضمناً ۸۳ کرسی نیز اختصاص به افراد مستقل دارد که در مجلس هشتم ۳۵ نفر عضو گروه (الف) و ۴۸ نفر متعلق به گروه (ب) می‌باشند از ۱۶۷ عضو جبهه ملی ترقی خواه ۱۰۶ نفر متعلق به بخش کشاورزی و کارگری و ۶۱ نفر متعلق به باقی اقشار جامعه هستند.

ز- خارج انتخابات

کاندیداهایی که در لیست جبهه ملی ترقی خواه می‌باشند نیاز به هزینه تبلیغاتی زیادی ندارند اما کاندیداهای مستقل باید هزینه زیادی نمایند طبق بعضی از اخبار موجود در انتخابات اخیر مجلس بعضی از داوطلبان مستقل بین ۱ تا ۳ میلیون دلار هزینه نمودند.

ح - انحلال مجلس

طبق ماده ۱۰۷ قانون اساسی سوریه رئیس جمهور می‌تواند مجلس را منحل نماید.

ط - نقش زنان در مجلس

زنان در سوریه برخلاف دیگر کشورهای عربی نقش فعالی را در مجلس خلق این کشور ایفاء نموده‌اند برای اولین بار زنان در سال ۱۹۴۹ حق شرکت در انتخابات و رأی دادن را در این کشور بدست آوردند و در سال ۱۹۶۱ به ایشان اجازه داده شد به عنوان داوطلب نمایندگی نیز حضور پیدا نمایند. در سال ۱۹۶۵ مجلس سوریه شاهد حضور ۱۵ زن بود در آخرین انتخابات مجلس خلق سوریه در سال ۱۳۸۵ بیش از ۸۰۰ خانم برای ورود به مجلس کاندیدا شدند که از این تعداد ۳۰ نفر به عنوان عضو مجلس انتخاب گردیدند.

ی - وظایف مجلس

۱- معرفی کاندیدای ریاست جمهور، ۲- تهیه قوانین، ۳- بررسی سیاستهای کلی، ۴- تصویب بودجه عمومی، ۵- تصویب معاملات، ۶- اعلام عفو عمومی، ۷- قبول استعفای اعضای مجلس، ۸- رأی عدم اعتماد به وزراء، ۹- پیشنهاد اصلاح قانون اساسی،

۴ - قوه مجریه

الف - رئیس‌جمهور:

رئیس‌جمهور بالاترین مقام رسمی در سوریه است. رئیس‌جمهور رئیس قوه مجریه نیز محسوب می‌شود عزل و نصب اعضای کابینه از جمله نخست وزیر در اختیار وی قرار دارد.

کاندیداتوری رئیس‌جمهور توسط مجلس خلق و بنا به پیشنهاد رهبری کشوری حزب بعث اعلام می‌گردد و مردم در یک فراندوم برای تعیین رئیس‌جمهور شرکت می‌نمایند. این فراندوم به درخواست رئیس‌مجلس خلق برگزار می‌شود و رئیس‌جمهور برای یک دوره + هفت ساله انتخاب می‌گردد. آقای بشار اسد دومین دوره ریاست‌جمهوری ۷ ساله خود را در تیر ماه سال ۱۳۸۶ آغاز نمود.

ب - شرایط برای کاندیداتوری ریاست‌جمهوری:

- از شهروندان عرب سوریه باشد.^۱
- حداقل ۳۴ سال سن داشته باشد.
- طبق ماده ۸۴ قانون اساسی سوریه کاندیدای ریاست‌جمهور در صورتی که اکثریت مطلق آراء را بدست آورد به مقام ریاست‌جمهوری می‌رسد والا مجلس کاندیدای دیگری را معرفی می‌نماید.

ج - وظایف رئیس‌جمهور:

- ۱- صدور فرمان‌ها و قوانین، ۲- اعلام جنگ، صلح، بسیج عمومی پس از موافقت مجلس خلق، ۳- اعلام حالت فوق‌العاده، ۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح، ۵- مسئولیت قوه مقننه به هنگام انحلال مجلس خلق تا تشکیل مجلس جدید، ۶- امضای عهدنامه‌های بین‌المللی،

^۱- یعنی یک کرد نمی‌تواند در سوریه رئیس‌جمهور شود.

۷- عفو عمومی و اعاده حیثیت اشخاص، ۸- انحلال مجلس، ۹- تعیین معاونین رئیس جمهور، نخست وزیر، وزراء و معاونین وزراء و برکناری ایشان. در صورت بیماری یا مرگ رئیس جمهور قائم مقام یا معاون اول او عهده دار وظایف ریاست جمهوری می‌گردد و باید در خلال ۹۰ روز رئیس جمهور جدید مشخص گردد. ۱۰- پذیرش استوار نامه سفراء و امضای استوار نامه سفرای سوریه در کشورهای دیگر ۱۱- ریاست شورای عالی قضایی

د - نگاهی به انتخاب مجدد بشار اسد به ریاست جمهوری:

در ششم خرداد سال ۱۳۸۶ همه پرستی ریاست جمهوری سوریه در سراسر این کشور و نمایندگی‌های سیاسی این کشور در دیگر خارج برگزار گردید. در این انتخابات از مجموع ۱۱ میلیون و ۹۶۷ هزار و ۶۱۱ نفر شهروند واجد شرایط رأی ۱۱ میلیون و ۴۷۲ هزار و ۱۵۷ نفر یعنی ۸۶/۹۵ درصد واجدین شرایط در همه پرستی شرکت کردند. شمار آرای موافق با بشار اسد ۱۱ میلیون و ۱۹۹ هزار و ۴۴۵ رأی بود. یعنی ۹۷/۶۲ درصد کل آرا به نام ایشان به صندوقها ریخته شد. ۱۹ هزار رأی منفی و ۲۵۳ هزار رأی نیز باطله اعلام گردید. دومین دور ریاست جمهوری بشار اسد در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۸۶ آغاز شد.

اسامی روسای جمهور سوریه از زمان استقلال تا کنون

اسامی	طول دوره ریاست جمهوری
۱- شکری القوتلی	۴۹ - ۱۹۴۳
۲- حسنی زعیم	مارس ۱۹۴۹
۳- ادیب شیشکلی	۵۴ - ۱۹۴۹
۴- هاشم الاتاسی	۱۹۵۴
۵- شکری القوتلی	۵۸ - ۱۹۵۴
۶- جمال	۶۱ - ۱۹۵۸
عبدالناصر	سپتامبر ۱۹۶۱
۷- معوم الخضیری	۶۳ - ۱۹۶۱

مارس ۱۹۶۳	۸- ناظم القدس
۶۵ - ۱۹۶۳	۹- ژنرال لوئی
۷۰ - ۱۹۶۵	الاتاسی
۷۱ - ۱۹۷۰	۱۰- ژنرال امین
از مارس ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۰	الحافظ
چهار دوره	۱۱- دکتر نور
۲۰۰۰ تا کنون	الدین الاتاسی
	۱۲- احمد الخطیب
	۱۳- ژنرال حافظ
	الاسد
	۱۴- دکتر بشار
	الاسد

اولین رئیس جمهور کشور پیش از استقلال محمدعلی العابد بود که در ژوئن ۱۹۳۲ میلادی با موافقت اشغالگران فرانسوی به ریاست جمهوری انتخاب شد. تعداد کابینه تشکیل شده که از زمان ملک فیصل تا کنون در سوریه بشرح ذیل بوده است:

* خروج عثمانی‌ها تا قبل از ملک فیصل یک دولت

* عهد ملک فیصل (۱۹۱۸ - ۱۹۲۰) ۴ دولت

* عهد قیمومیت (۱۹۲۰ - ۱۹۴۶) ۲۷ دولت

* در زمان جلاء (خروج) نیروهای فرانسه (۱۹۴۶ - ۱۹۵۸) ۲۴ دولت

* زمان وحدت مصر و سوریه ۴ دولت

* زمان انفصال (۱۹۶۱ - ۱۹۶۳) پنج دولت

* از کودتا تا حرکت اصلاحی (۸ مارس ۱۹۶۳ تا ۲۱ نوامبر ۱۹۷۰) ۱۱ دولت

* از زمان حرکت اصلاحی حافظ اسد (۱۹۷۰ تا کنون) ۱۴ دولت که اولین دولت به ریاست حافظ اسد در سال ۱۹۷۰ تشکیل و وزارت دفاع را نیز در این هیئت دولت خود وی به عهده داشت.

از سال ۱۹۷۰ تا کنون هفت نفر ریاست دولت بر عهده داشته‌اند:

* حافظ اسد

* عبدالرحمن خلیفاوی (دو بار)

* محمود الابوبی (دو بار)

- * محمد علي حلي
- * عبدالرئوف الكسم (دوبار)
- * محمود الزعبي (دوبار)
- * محمد مصطفى ميرو (دوبار)
- * ناجي العطري (دوبار) ایشان هم اکنون نیز نخست وزیری سوریه را بر عهده دارد.

ه - جایگاه نخست وزیر و هیئت وزیران در قانون اساسی سوریه

بنا بر مفهوم ماد ۸۹ قانون اساسی سوریه نخست وزیر سومین مقام رسمی کشور پس از رئیس جمهور و معاون اول وی می باشد. طبق ماده ۱۱۵ این قانون، هیئت دولت یک شورای عالی اجرائی و اداری متشکل از: نخست وزیر، معاونین و وزراء می باشد که بر اجرای قوانین و مقررات اشراف و بر فعالیت سازمانها و ارگانهای دولتی نظارت دارد.

نخست وزیر بر فعالیتهای وزراء نظارت دارد و طبق ماده ۱۱۶ قانون اساسی نخست وزیر، معاونین و وزراء و معاونین آنان مراسم سوگند را در نزد رئیس جمهور به جای می آورند. طبق ماده دیگر، نخست وزیر و وزراء در مقابل رئیس جمهور مسئول می باشند و باید هیئت دولت جدید برنامه های کلی خود را تقدیم مجلس ملی نماید و طبق بند ۲ ماده ۱۱۸ موظف است هر ساله گزارشی از فعالیتهای انجام شده بر طبق برنامه های توسعه تقدیم مجلس نماید.

طبق ماده ۱۲۵ قانون اساسی جمع بین وزارت و نمایندگی مجلس بلامانع است. ضمناً رئیس جمهور میتواند درخواست نماید که هیئت دولت به ریاست ایشان تشکیل شود و حق دارد از وزراء گزارش بخواهد.

و - وظایف هیئت دولت

طبق ماده ۱۲۷ قانون اساسی وظائف هیئت دولت بشرح ذیل می باشد:

- ۱- آماده نمودن سیاستهای کلی نظام و اجرای آن با مشورت رئیس جمهور،
- ۲- هماهنگی بین وزارتخانه ها،

ادارات و ارگانهای دولتی، ۳- تهیه لایحه بودجه، ۴- تهیه لوایح دولت، ۵- تهیه برنامه‌های توسعه، ۶- اعطای وام، ۷- امضای موافقتنامه‌ها و یادداشت‌های تفاهم، ۸- صدور تصویبنامه‌ها و آئین نامه‌های اجرایی قوانین

۵- قوه قضائیه

طبق قانون اساسی سوریه رئیس جمهور رئیس شورای عالی قضائی نیز می‌باشد و وزیر دادگستری در حکم دادستان کل کشور است. پس از به قدرت رسیدن بشار اسد کمیته‌های تخصصی برای ارائه پیشنهادهایی در زمینه تغییر قوانین و انجام اصلاحاتی در دستگاه‌های حساس دولت بویژه بخش قضائی تشکیل شد. مهمترین اقدام‌ها برای اصلاح بخش قضائی در سوریه در استقلال آن، بهبود وضعیت معیشتی قضات بازنگری دادگاه‌های ویژه، قانون جدید دادگاه‌ها، تلاش برای راه اندازی مرکز دادگاه منطقه ای و کاهش محدوده فعالیت‌های دادگاه‌های سیاسی عنوان شده است اوج این اصلاحات زمانی بود که دولت سوریه در اقدامی بی سابقه اجازه داد تا در دادگاه‌های سیاسی محاکمات علنی و حتی با حضور خبر نگاران و دیپلمات‌های خارجی برگزار شود و متهمان نیز اجازه یافتند برای خود وکیل انتخاب کنند. در اوائل اسفند ۸۲۱۳ بشار اسد دادگاه‌های ویژه اقتصادی را منحل اعلام نمود.

هرچند در ماده ۱۳۱ قانون اساسی سوریه از استقلال قوه قضائیه سخن گفته شده و مسئولیت آن نیز بر عهده رئیس جمهور گذاشته شده است، اما این ماده در تناقض با ماده ۱۳۲ قرار دارد که ریاست شورای عالی قضائی را به رئیس‌جمهور واگذار نموده است و در واقع می‌توان گفت که در سوریه تفکیک قوا به معنی واقعی وجود ندارد.

الف - انواع دادگاه‌ها

دادگاه‌ها در سوریه عمدتاً به دو گروه تقسیم می‌شوند:

* دادگاههای قضائی
 * دادگاههای اداری که هر کدام زیر مجموعه‌های خود را دارند
 از سال ۱۹۷۳ دادگاه عالی قانون اساسی به عنوان بدنه اصلی و ثابت ساختار قضائی کشور شناخته شده است.

- دادگاه عالی قانون اساسی:

این دادگاه عالی‌ترین دادگاه سوریه بوده و صلاحیت ویژه‌ای به شرح ذیل دارد:

۱- بررسی صحت انتخابات؛ ۲- بررسی حقوقی تبعیت قوانین عادی از قانون اساسی؛ ۳- بررسی فرامین رئیس‌جمهور در صورت اعتراض یک چهارم نمایندگان مجلس خلق؛ ۴- رسیدگی به قضا و قوانین و دادگاهها و تشخیص دادگاه صلاحیتدار در هنگام اختلاف بین سیستم قضائی دادگاهها و دیگر دستگاهها که صلاحیت قضائی دارند؛

اعضای دادگاه عالی قانون اساسی پنج نفر می‌باشند که برای دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. (انتخاب مجدد بلامانع است) رئیس‌جمهور یک نفر از آنان را به عنوان رئیس انتخاب و اعضای این دادگاه نباید پس‌نهایی نخست وزیری و یا وزارت و یا نماینده مجلس داشته باشند. ایشان در مقابل رئیس‌جمهور سوگند یاد می‌نمایند.

دادگاه عالی قضائی مرکب از رئیس قوه قضائیه و چهار قاضی می‌باشد که با حکم رئیس‌جمهور برای یک دوره چهار ساله که قابل تمدید هم می‌باشد انتخاب و تعیین می‌گردند.

- دادگاه عمومی قضائی:

این دادگاه به ۶ شاخه تقسیم می‌شود: ۱- دادگاه تمیز؛ ۲- دادگاه استیناف؛ ۳- دادگاه مقدماتی شهرستانها؛ ۴- دادگاه صلح؛ ۵- دادگاه امور خانواده؛ ۶- دادگاه اقلیتهای دینی؛ که هر کدام (به غیر از امور خانواده) به سه شاخه مدنی، کیفری و جنائی تقسیم می‌شود.

– دادگاه اداری:

این دادگاهها صلاحیت رسیدگی به دادخواهی‌های مربوط به دولت و یا دیگر سازمان‌های اداری را دارند. دادگاههای اداری به دو دادگاه اداری و اداری قضائی تقسیم می‌شوند. در این میان دادگاه اداری از اهمیت بیشتری برخوردار است.

– دادگاه امنیتی:

این دادگاهها با دادخواهی علیه تمام پرسنل نظامی در تمامی سطوح و حفظ فاصله دادخواهی کیفری علیه افسران سروکار دارد و افرادی که جرائم‌های امنیتی مرتکب می‌شوند، در این دادگاهها مورد محاکمه قرار می‌گیرند طی چند سال گذشته بسیاری از مخالفین و منتقدین رژیم حاکم توسط این دادگاهها محاکمه شده اند.

– دادگاههای شرع:

نیز برای مسلمانان و دروزیها و سایر اقلیتهای غیرمسلمان وجود دارد. دادگاههای اسلامی دارای یک قاضی شرعی می‌باشد و دادگاههای دروزیها شامل یک قاضی در دادگاه بدوی و سه قاضی در دادگاه استیناف می‌باشد.

دادگاه درخواست پناهندگی و دادگاه تریبون صلح نیز از دادگاههای حقوقی است.

۶- احزاب در سوریه

احزاب سوریه را می‌توان به احزاب موافق و احزاب مخالف دولت فعلی تقسیم نمود.

الف – احزاب موافق دولت سوریه:

قانون اساسی سوریه نظام حزبی (تعدد احزاب) را در چارچوب جبهه ملی ترقی‌خواه به رسمیت شناخته است. نظام فعلی سوریه پس از روی کار آمدن به

تعدادی از احزاب اجازه فعالیت داد و آنها را تحت جبهه‌ای به نام جبهه ملی ترقی‌خواه منسجم نمود و این جبهه در واقع ائتلاف حاکم بر سوریه می‌باشد.

جبهه ملی ترقی‌خواه

مجموعه‌ای از احزاب و گروه‌های سوسیالیست و ملی سوریه به رهبری حزب بعث می‌باشد که بر مبنای یک منشور با یکدیگر متحد شده اند. این جبهه پس از به قدرت رسیدن حافظ اسد در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۰ تشکیل و منشور خود را دو سال بعد یعنی هفتم مارس ۱۹۷۲ منتشر کرد.

در ماده ۸ قانون اساسی سوریه که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسیده آمده است: حزب سوسیالیست عربی بعث، حزب اصلی در جامعه و کشور سوریه می‌باشد و رهبری جبهه ملی ترقی‌خواه را بر عهده دارد. این جبهه که ائتلاف حاکم بر سوریه نامیده می‌شود شامل احزاب زیر است:

- * حزب بعث
- * حزب کمونیست (دو شاخه)
- * حزب سوسیالیست‌ها ی عرب
- * حزب وحدت گرایان سوسیالیست
- * حزب اتحاد سوسیالیست عرب
- * حزب وحدت گرایان سوسیال دموکرات
- * حزب قومی اجتماعی که اخیراً به این ائتلاف پیوسته است

هدف از تشکیل جبهه

پایان دادن به مناقشات گروه‌های سیاسی بخصوص در دانشگاه‌ها که موجب بی‌ثباتی و درگیری‌های مسلحانه بین طرفداران احزاب و کودتاهای مختلف در دهه شصت در سوریه گردیده بود می‌باشد. لذا برای حفظ تمامیت ارضی کشور و جلوگیری از نا امنی، احزاب فوق با یکدیگر متحد گردیدند. با تشکیل جبهه ملی ترقی‌خواه، احزاب در چارچوب مشخصی به فعالیت ادامه دادند. احزاب عضو جبهه مذکور چنانچه اشاره شد دارای سوابق عمیقی در تاریخ معاصر

حکومت، سازمان‌های اداری و سیاسی / ۱۳۵

سوریه بوده‌اند. این جبهه تا حدودی به خانه احزاب ما شباهت دارد و یادداشت تفاهم همکاری بین این جبهه و خانه احزاب جمهوری اسلامی ایران نیز به امضاء رسیده است.

محورهای منشور جبهه

منشور این جبهه در سه محور ملی، قومی (عربی) و بین‌المللی تنظیم گردیده است.

الف - ملی

- آزادی اراضی عربی تحت اشغال.
- تصمیم‌گیری در مورد مسائل صلح و جنگ.
- تایید برنامه‌های پنج‌ساله توسعه.
- سیاست‌های کلی اقتصادی، تبلیغی و...

ب - قومی (عربی)

- یکی‌بودن سرنوشت اعراب در مبارزه برضد استعمار و صهیونیسم.
- بکارگیری نفت اعراب به عنوان حربه‌ای برای آزادی فلسطین.
- اتحاد نیروهای ترقی‌خواه عربی.

ج - بین‌المللی

- گسترش روابط با مردم و حکومت‌های کشورهای اسلامی.
- گسترش روابط با مردم و حکومت‌های جهان سوم.
- استفاده از مواضع کشورهای اروپایی غربی جهت حل مشکلات اعراب.
- تعمیق روابط با جنبش‌های آزادی‌بخش و پیشرو در جهان.
- مخالفت با نژادپرستی.

تشکیلات جبهه

تشکیلات جبهه به شرح ذیل می‌باشد:

رهبري مرکزي، رهبري شعب حزب در استانها، دفاتر کمیته‌ها.

- رهبري مرکزي جبهه: شامل ۱۷ عضو به اضافه رئیس جمهور که دبیر کل حزب بعث می‌باشد. رئیس جمهور در حقیقت رئیس جبهه ملی ترقی خواه نیز می‌باشد از ۱۷ عضو، ۹ نفر از حزب بعث و ۸ نفر از احزاب دیگر می‌باشند. رهبري این جبهه هر سال چندین بار تشکیل جلسه می‌دهد. در زمان حافظ اسد، وی معمولاً در نشست جبهه شرکت نمی‌کرد و جانشین خود در این جبهه یعنی محمد زهیر مشارقه را می‌فرستاد. با توجه به اینکه رهبري این جبهه از لحاظ نظري بالاترین ارگان سياسي کشور است بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد وی در جلسات شرکت می‌نماید و تلاش شده است روح جدیدی در این جبهه دمیده و به این احزاب اجازه داده شد که دفاتر خود را در استانها باز نمایند و حتی به انتشار روزنامه بپردازند.

طبق میثاقی که رهبران این احزاب در زمان حافظ اسد امضاء نمودند احزاب عضو جبهه اجازه هیچگونه فعالیتی در نیروهای مسلح، بین دانش آموزان و دانشجویان ندارند و حتی حق پیشنهاد دستور جلسات رهبري جبهه ملی ترقی خواه را نیز ندارند. احزاب کاندیداهای خود را برای نمایندگی مجلس و یا وزارت به رئیس‌جمهور که رئیس این جبهه نیز می‌باشد معرفی می‌نماید و این رئیس‌جمهور است که تصمیم نهایی را اتخاذ می‌نماید.

احزاب جبهه، به غیر از حزب بعث، مورد توجه مردم نمی‌باشند و تنها حزب کمونیست در گذشته دارای نفوذ قابل توجهی بود که به دلایل مختلف از جمله شکست کمونیست در جهان و فروپاشی شوروی اهمیت خود را از دست داد.

تعداد اعضای احزاب مهم جبهه به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- حزب کمونیست (جناح بکداش)، ۸ هزار عضو.
- ۲- حزب کمونیست (جناح یوسف فیصل)، ۹-۱۰ هزار عضو.

- ۳- حزب وحدت گرایان سوسیالیست، ۵ هزار عضو.

۴- حزب وحدت گرایان سوسیال دموکرات، ۱۰۰۰ نفر.
۵- جنبش سوسیالیست‌های عرب، ۱۰۰۰ عضو.
این احزاب در داخل خود نیز اختلاف زیادی دارند، به طوری که تقریباً نظام وراثتی در تعیین دبیر کل حاکم گردیده است و هر وقت دبیرکل به دلیل مرگ یا بیماری برکنار شود، همسر، فرزند یا برادر جای وی را می‌گیرد.

معرفی احزاب عضو جبهه ملی ترقی خواه ۱- حزب بعث:

تأسیس:

این حزب بطور رسمی در سال ۱۹۴۷ در دمشق تأسیس گردید هرچند قبل از اعلام موجودیت از سال ۱۹۴۰ فعالیت‌هایی را در سوریه و لبنان آغاز نموده بود. این حزب از ادغام جنبش عربی بعث و حزب سوسیالیست عربی به وجود آمد در سال ۱۹۶۳ قدرت را در سوریه بدست گرفت و به بی‌ثباتی و کودتاهای پیاپی خاتمه داد. با به قدرت رسیدن حافظ اسد در سال ۱۹۷۰ سوریه وارد مرحله جدیدی گردید.

- حزب سوسیالیست بعث عرب: بر اثر ادغام حزب بعث به رهبری میشل عفلق و حزب سوسیالیست عرب به رهبری اکرم حورانی در اواخر ۱۹۵۲ به وجود آمد، این حزب در سال ۱۹۵۳ به نام حزب سوسیالیست بعث عرب سوریه معروف گشت. علوی‌ها معتقدند که حزب بعث اساساً توسط یک شخص علوی مذهب به نام «زکی ارسوزی» در اوایل دهه ۴۰ بوجود آمده اما تاریخ نگاران بعثی، بنیانگذار اصلی حزب بعث را میشل عفلق می‌دانند. عفلق پس از گذراندن دوره تحصیلات عالی خود در دانشگاه سوربن پاریس به سوریه بازگشت و با همکاری صلاح الدین بیطار از اوایل دهه چهل پایه حزب بعث را تشکیل داد و در هفتم آوریل ۱۹۴۷ این حزب رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. حزب بعث ابتدا از کودتای حسنی الزعیم حمایت بعمل آورد اما به علت اختلاف نظر با او علیه رژیم

کودتاچی به فعالیت پرداخت و در دولت سامی حنانه شرکت فعالانه نمود.

حزب بعث در پی کودتایی علیه شیشکلی بطور فعالانه وارد صحنه سیاسی شد و تا سال ۱۹۵۸ که اتحاد میان سوریه و مصر بوجود آمد، فعالیت‌های خود را گسترش داد، اما به دستور عبدالناصر فعالیت کلیه احزاب سوریه در همان سال متوقف گردید. حزب بعث از این اقدام عبدالناصر خشمگین شد اما علناً علیه عبدالناصر به مخالفت نپرداخت. در سال ۱۹۵۹ به دنبال تلاش مصر برای تسلط بر اوضاع سیاسی سوریه، وزرای بعثی از کابینه استعفا می‌دادند و خصومت میان عبدالناصر و بعثی‌های سوریه در همان سال شدت یافت. حزب مذکور (بعث) در ایجاد جدایی میان مصر و سوریه نقش فعالی ایفا نمود. حزب مذکور فعالیت سیاسی خود را در مخالفت آشکار با حکومت تا مرحله بعد از جدایی مصر و سوریه ادامه داد و در کودتای هشتم مارس توانست زمام امور را بدست گیرد.

تشکیلات

– تشکیلات قومی: این تشکیلات شامل سازمانها و تشکیلات حزب در داخل تمام کشورهای عربی و خارج آن بوده است. سال‌ها است کنفرانس قومی که نمایندگان حزب بعث تمامی کشورهای عربی در آن شرکت می‌نمایند تشکیل جلسه نداده است. در حال حاضر مسئولیت تشکیلات قومی با عبدالله الاحمر می‌باشد و بعد از مرگ حافظ اسد هنوز دبیرکل قومی حزب بعث تعیین نشده است.

مقر حزب: شهر دمشق.

– رهبری قومی: عبارت است از شورای عالی، جهت تصمیم‌گیری در حزب بعث در تمامی کشورهای عربی رئیس این شورا دبیرکل حزب بعث است که از بین اعضاء آن انتخاب می‌شود.

– رهبری قطری (کشوری): در هر کشوری که از یک سازمان حزبی با بیش از دو شعبه برخوردار باشد ایجاد می‌گردد.

رهبر کشوری حزب بعث سوریه در حال حاضر ۱۴ عضو دارد رهبری کشوری حزب بعث نقش اساسی را در تنظیم سیاست‌های شعبه‌های حزب در مناطق به عهده دارد شاخه: از دو شعبه تشکیل می‌شود و با موافقت رهبری کشوری در سطح استانها و شهرستانها تشکیل می‌گردد. این حزب دارای گرایش ناسیو نالیستی (قومی) عربی است و توانسته است طی چندین سال کادر شایسته و پرنفوذی را تربیت نماید.

شعار اصلی حزب «پیش بسوی امت یگانه عربی با رسالتی جاودانه»^۱ و اهداف حزب عبارتست از «وحدت - آزادی و سوسیالیسم».^۲ در حال حاضر بشار اسد دبیرکل این حزب بوده عبدالله الاحمر جانشین دبیرکل قومی و محمد سعید بخیتان معاون کشوری حزب هستند. به دلیل برگزار نشدن کنگره قومی به دلیل اختلافات درونی بعد از مرگ حافظ اسد دبیرکل قومی حزب انتخاب نشده است.

طی چند سال اخیر عضو گیری این حزب افزایش یافته است. با توجه به اینکه طبق قانون اساسی حزب بعث حزب حاکم است و رهبری کشور را بر عهده دارد دامنه فعالیت‌های آن گسترش یافته است تعداد اعضای حزب در زمان به قدرت رسیدن در سال ۱۹۶۳ به هزار نفر نمی‌رسید در زمان به قدرت رسیدن حافظ اسد (۱۹۷۱) ۶۵۰۰۰ هزار نفر و در زمان فوت ایشان در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۱۷۱۵۷۳۷ نفر رسیده بود و امروزه اعضای آن به حدود ۲ میلیون نفر می‌رسند. در کنگره دهم حزب بعث که در سال ۱۳۸۴ در دمشق برگزار شد گامی به سوی اصلاحات و انعطاف پذیری در فضای سیاسی کشور ارزیابی شد زیرا برای نخستین بار از زمان به قدرت رسیدن حزب بعث در سال ۱۹۶۳ میلادی در کنگره سخن از تدوین قانون احزاب و لغو حالت فوق العاده به میان آمد هرچند در این کنگره نیز تاکید شد که اجازه تاسیس احزابی با ماهیت قومی، مانند احزاب کرد و دینی مانند

^۱- که به عربی: (امه عربیه واحده - ذات رساله خالده)

^۲- که به عربی: الوحده - الحریه و الاشتراکیه

اخوان المسلمین در سوریه داده نخواهد شد. جوانگرایی در ترکیب رهبری جدید به خوبی مشهود بود. در دهمین کنگره که با فاصله ای پنجساله از کنگره قبلی برگزار شد سوریه با بعضی از شخصیت‌های معروف به «نسل قدیم» مانند مشارقه معاون فرهنگی و خدام معاون سیاسی رئیس‌جمهور، سپهبد طلاس وزیر دفاع و میرو نخست وزیر سابق از رهبری کشوری حزب بعث خداحافظی نمود و شمار اعضای رهبری کشوری حزب نیز از ۲۱ نفر به ۱۴ نفر کاهش یافت و بشار اسد به دبیری حزب بعث انتخاب شد. رئیس‌جمهور سوریه در مناسبت‌های مختلف سخن از لزوم اصلاحات سیاسی در سوریه رانده است و در سخنرانی خود به مناسبت آغاز دومین دوره ریاست جمهوری خود در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی، بار دیگر به زمینه سازی جهت صدور قانون احزاب اشاره نمود و بر ارتقای آزاد سازی سیاسی و مردمی در سوریه تأکید نمود و جنگ آمریکا علیه عراق را مانع و علت کندي روند اصلاحات در سوریه دانست. و تأکید نمود به دلیل دخالت‌های خارجی مجبور شدیم اولویت خود را از اصلاحات سیاسی به مسائل اقتصادی معطوف نمائیم. ایشان معتقد است بدون ثبات اقتصاد وجود ندارد و بدون اقتصاد نیز اصلاحات بدون معنا است و ی فساد اداری را یکی دیگر از موانع توسعه در سوریه دانست و تأکید نمود رشد اقتصادی کشور در سال ۲۰۰۶ به ۵/۱ رسیده است

۲- حزب کمونیست حزب کمونیست سوریه

زمانی که لبنان و سوریه تحت سیطره استعمارفرانسه بودند حزب کمونیست ابتدا در سال ۱۹۲۴م، در لبنان تأسیس یافت که عملاً فعالیت این حزب در سال ۱۹۲۸ به سوریه منتقل و در هفتم ژوئیه ۱۹۳۰ حزب کمونیست با صدور منشور رسمی تشکیل گردید.

حزب در سال ۱۹۳۱ با حزب کمونیست فلسطین ائتلاف نمود. این حزب بیانیه‌های خود را علیه حکومت استعمار گر فرانسوی منتشر می‌ساخت و بنام حزب کمونیست در

سوریه و لبنان امضاء می‌کرد. در سال ۱۹۳۲ رهبران این حزب یعنی «خالد بکداش» و «وارطان مادویان» توسط نیروی فرانسه دستگیر شدند. در ابتدا حزب کمونیست تلاش نمود با دیگر احزاب کمونیستی و سوسیالیستی جهان و منطقه خاورمیانه ائتلاف کند. به همین منظور ایجاد منظومه سوسیالیستی جهان عرب را مطرح ساخت.

فعالیت حزب کمونیست در سال ۱۹۳۹ با انتشار روزنامه (صدای خلق) گسترش یافت و در سال ۱۹۴۳ در پی برگزاری دومین کنگره عمومی حزب کمونیست منشور ملی خود را مبني بر ترویج افکار مارکس و لنین انتشار داد. با سقوط رژیم شیشکلی حزب کمونیست توانست اولین نماینده خود را به پارلمان سوریه روانه نماید.

بروز تحولات سیاسی در سوریه که در پی کودتای حزب بعث در سال ۱۹۶۳ بوجود آمد جدایی میان حزب کمونیست سوریه و لبنان را به دنبال داشت و در سال ۱۹۶۴م این دو حزب رسماً از یکدیگر مستقل شدند. زمانی که سومین کنگره حزب در سال ۱۹۶۹ برگزار گردید به انشعابات در درون آن دامن زده شد که در پی انعقاد چهارمین و پنجمین کنگره اختلافات میان رهبری و اعضای حزب در مورد سیاست داخلی و خارجی شدت یافت که در سال ۱۹۷۴م رادیوسف به همراه هفت تن از اعضای کمیته مرکزی، از عضویت حزب کمونیست منشعب و مدتی بعد تشکل جدیدی را به نام حزب کمونیست سوریه - سازمانهای پایه - اعلام نمودند و علیه بکداش به فعالیت پرداختند. دومین و مهمترین انشعاب در درون حزب کمونیست سوریه در سال ۱۹۸۶ بوجود آمد که با برگزاری ششمین کنگره حزب ۱۰ تن از اعضای کمیته مرکزی و ۸ تن از اعضای دفتر سیاسی از شرکت در این کنگره خود داری نموده و بکداش را به دیکتاتوری متهم نمودند. انشعاب جدید به ریاست یوسف فیصل و به نام حزب کمونیست سوریه فعالیت خود را ادامه داد و توانست مهمترین کادرهای حزب را به خود جلب کند و از لحاظ جهت گیری، این شاخه بعنوان نزدیک به سیاست حزب بعث

شمرده می‌شود لذا این شاخه حزب نیز وارد جبهه ملی ترقیخواه گردید که عملاً توانست فعالیت بکدش را محدود کند و حزب کمونیست (شاخه بکدش) در پی فروپاشی شوروی وجود اسمی و حضور افتخاری در صحنه سیاسی پیدا کرد در سال ۱۳۸۴ این حزب، کنگره خود را برگزار و قبل از این کنگره نیز اقدام به برگزاری یک گردهمایی در استادیوم الجلاء نمودند. شناخته ترین شاخه دیگر حزب کمونیست به نام (حزب کار کمونیست) است. این حزب از ابتدا مخالف سیاست حزب بعث بود و در دهه هشتاد کلیه اعضای آن از جمله «ریاض الترك» مسئول این حزب مورد تعقیب قرار گرفتند. این حزب عملاً از صحنه سیاسی سوریه خارج شده است و ریاض الترك بعد از سالها در سال ۱۳۸۴ از زندان آزاد و علیرغم اینکه وعده فعالیت سیاسی به پیروان خود داد به دلیل کهولت سن نتوانست فعالیت جدی از خود بروز دهد و فقط بعضی اوقات بیانییه هایی علیه رژیم حاکم در خصوص نقض حقوق بشر منتشر می‌نماید.

۳- حزب اتحاد سوسیالیست عرب

تشکیلات سیاسی این حزب اساساً در ژوئیه ۱۹۶۲ در مصر توسط جمال عبدالناصر ایجاد شد. عبدالناصر برای انتقال اندیشه خود، دستور تشکیل شاخه های دیگر در چند کشور عرب از جمله سوریه را داد و بعثت خصومت میان ناصریها و بعثیها، حزب اتحاد سوسیالیست عرب شاخه سوریه اولین کنگره خود را در ژوئیه ۱۹۶۴ در لبنان منعقد نمود. در دومین کنگره این حزب که در سال ۱۹۶۵ منعقد شد تعدادی از رهبران و اعضای آن منشعب و به شاخه «جنبش ناسیونالیستهای عرب» پیوستند. طبیعی است که با مرگ عبدالناصر، فعالیت حزب اتحاد سوسیالیست محدود شده و در پنجمین کنگره این حزب که در سال ۱۹۷۳ به منظور همکاری و یا عدم همکاری با حزب بعث سوریه تشکیل شد، انشعاب مهمی درون این حزب به وجود آمد و «جمال آتاسی» دبیرکل این حزب از پست خود برکنار گردید. چند تن از اعضای باقیمانده

حزب، ضمن پیوستن به جبهه احزاب سوریه به رهبری اسد او را دنباله رو عبدالناصر تلقی نمودند. با مرگ ناصر جنبش ناصری از بین نرفت و برای احیای فکر ناصر که بر پایه دموکراسی، سوسیالیست و ناسیونالیست عرب استوار است، بایستی روند مبارزه و دستیابی به حقوق ملت عرب را پیش برد. در سال ۱۹۸۸ در دهمین اجلاس کنگره این حزب حافظ اسد به عنوان جانشین و تنها رهبر جهان عرب از سوی حزب شناخته شد.

حزب اتحاد سوسیالیست عرب مانند دیگر احزاب سیاسی سوریه همواره شاهد انشعابات بوده که تمامی انشعابات که در احزاب سوسیالیست جهان عرب صورت می‌گرفت در حزب یاد شده انعکاس می‌یافت. در اواخر دهه هفتاد «فوزی کیالی» به اتهام عدم اتحاد موضعگیری شدید در برابر اخوان المسلمین سوریه از پست دبیرکل حزب برکنار شد و در سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ انشعابات جدیدی حزب را تکان داد که نهایتاً در سال ۱۹۸۵ و با همکاری حزب بعث اتحادیه سوسیالیست عرب کنگره خود را به نام کنگره وحدت گرای حزب تشکیل داد اما هرگز اختلاف نظر میان رهبران و اعضای حزب پایان نیافت و سرانجام در سال ۱۹۸۹ اختلافات درون گروهی منجر به استعفای چند تن از اعضای کادر مرکزی گردید که حزب بعث به منظور جلوگیری از فروپاشی کامل اتحادیه مذکور میان اعضای آن میانجیگری کرد و آنان را به وحدت و عدم انحلال و یا تجزیه دعوت نمود.

۴ - حزب جنبش سوسیالیستهای عرب

این جنبش در نتیجه انشعاب از حزب سوسیالیست بعث عرب در سال ۱۹۶۳ تشکیل شد. شعار این حزب اجرای آزادی، وحدت و سوسیالیستی بود و با رهبری یک نفری بر کشور اعلام مخالفت نمود و اعلام داشت که رهبری حزب و یا کشور بایستی توسط شورا اداره گردد. در تابستان ۱۹۶۴ گروهی از رهبران این حزب در شهر دمشق اولین کنگره خود را برگزار و انشعاب از حزب بعث را مورد تأکید قرار دادند. در

اساسنامه این حزب که در ۱۹۸۵ بطور رسمی منتشر شده آمده است، جنبش سوسیالیست‌های عرب شدیداً مخالف سرمایه داری فئودالیسم بوده و این جنبش جهت ایجاد رفاه برای کارگران، کشاورزان و مردم محروم سوریه تلاش می‌کند.

دومین کنگره عمومی این جنبش در ۱۹۷۲ در اطراف دمشق برگزار شد و هدف آن ارزیابی مجدد برای خط مشی جنبش و بررسی اوضاع سیاسی سوریه و احتمال همکاری با حزب بعث حاکم، ذکر گردید. در کنگره حزب از رهبری حافظ اسد حمایت بعمل آمد و برخی از اعضای مخالف این طرح از عضویت در این جنبش خارج شدند و جنبش مذکور عملاً منشور فرماندهی کشور سوریه را بعنوان منشور خود برگزید. در سال ۱۹۷۴ جنبش مجدداً برنامه سیاسی خود را تغییر داد و در همان سال منشور جدیدی را صادر کرد. عملکرد سیاسی جنبش هیچگونه تضادی با حزب بعث سوریه ندارد و رهبری سوریه را به عنوان رهبری جهان عرب می‌داند.

۵- حزب وحدت گرای سوسیالیست

در نوامبر ۱۹۶۱ و در پی فروپاشی اتحاد میان مصر و سوریه، تنی چند از اعضای حزب بعث سوریه بعنوان اعتراض به عملکرد این حزب، استعفا داده و شاخه‌ای به نام حزب وحدت گرایان سوسیالیست تأسیس نمودند. حزب یاد شده از همان آغاز در کودتای حزب بعث شرکت نداشت و همواره در انزوا شعارهایی از قبیل حمایت از کارگران، کشاورزان، نظامیان رده پائین و فرهنگیان و اجرای جامعه سوسیالیستی سر می‌داد. بنابر اساسنامه این حزب، باید برای ایجاد هماهنگی میان اندیشه عبدالناصر و خط مشی سیاسی حزب سوریه تلاش نمود. در اساسنامه ذکر گردیده است که با استفاده از دموکراسی و سوسیالیسم ممکن است در میان کشورهای عرب وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد نمود و برای رسیدن به چنین هدفی اجرای وحدت سوسیالیستی ضروری است. حزب در اوایل نیمه دوم دهه شصت بعد از آنکه خود را در انزوای سیاسی یافت تلاش کرد با حزب بعث

حاکم وارد مذاکره شود اما مذاکرات دو جانبه بعثت اختلاف نظر پیرامون اندیشه عبدالناصر، سرانجام به شکست انجامید و در سال ۱۹۷۱ این حزب تلاش نمود که به رهبری اسد نزد یک شود در برگزاری یازدهمین کنگره در همان سال تعداد زیادی از اعضای این حزب به حزب بعث پیوستند و رهبری کوچک و محدود حزب وحدت گرایان سوسیالیست را در طوفان انشعابات و تحولات درون گروهی رها ساختند. در سال ۱۹۷۴ مجدداً انشعاب دیگری درون گروه مذکور ایجاد شد و حزب جدیدی بنام «حزب وحدت گرایان سوسیال دموکرات» بوجود آمد. در سالهای بعد رهبری این حزب ناچار شد که با رهبری اسد سازگاری نماید و رهبری وی را بپذیرد.

۶ - حزب وحدت گرای سوسیال دموکرات

پس از تزلزل پایه‌های حزب وحدت گرایان سوسیالیست بر اثر اختلاف نظر پیرامون همکاری و یا عدم همکاری سیاسی با حزب بعث حاکم بر سوریه، حزب وحدت گرای سوسیال دموکرات از حزب یاد شده منشعب و در سال ۱۹۸۹ رسماً به عضویت جبهه ملی ترقی‌خواه سوریه در آمد. فرماندهی این حزب از پنج شاخه اساسی یعنی کنگره ناسیونالیستی، فرماندهی ناسیونالیستی، کنگره کشوری، کمیته مرکزی و دفتر سیاسی تشکیل می‌شود. این حزب مانند حزب بعث شعار وحدت، سوسیالیسم و آزادی را برای خود انتخاب کرده و رهبری اسد را کاملاً محترم شمرده است. اصول اساسی این حزب، ترویج سوسیالیسم و ناصریسم ذکر شده و در اساسنامه حزب آمده است. ملت و جامعه عرب مشترک بوده و برای تحقق اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در جهان عرب بایستی وحدت ناسیونالیستی، آزادی فراگیر و سوسیالیسم جامع را رواج داد. با توجه به تأسیس این حزب در زمان کودتای حافظ اسد، رهبران آن هیچگونه تضادی با رهبری اسد ندارند و حزب مذکور طی چند سال اخیر پانزده کنگره عمومی برگزار کرده است و در آخرین کنگره

این حزب ۶۵ نفر بعنوان اعضای کمیته مرکزی انتخاب شدند.

ب- احزاب مخالف:

بعد از سرکوب شورش اخوان المسلمین توسط حافظ اسد در سال ۱۹۸۲ م، کشور سوریه دیگر شاهد فعالیت احزاب مخالف نبود و تمامی فعالیت‌های سیاسی توسط احزاب جبهه ملی ترقی‌خواه انجام می‌شد. با به قدرت رسیدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰ م، احزاب مخالف دولت در داخل و خارج کشور شروع به رشد نمود و حتی بعضی از احزاب با ۱۰ عضو اعلام موجودیت نمودند و بعضی از احزاب بعد از اعلام موجودیت دچار انشعاب گردیدند. به طوری که کارشناسان مسائل سوریه معتقدند احزاب مخالف دولت سوریه به شدت دچار اختلاف هستند و تا کنون نتوانسته‌اند یک کنگره و یا ائتلافی ایجاد نمایند و حتی ایشان از ایجاد یک کانال تلویزیونی و یا روزنامه که بتواند با مردم سخن بگوید ناتوان بوده‌اند. بعید است طی سال‌های آینده بتوان آل‌ترناتیو برای حزب بعث سوریه تصور نمود زیرا به معرفی چند حزب مخالف سوریه می‌پردازیم:

احزاب فعال در داخل سوریه

* اعلامیه دمشق

در سال ۲۰۰۱ م فقط تجمع ملی دموکراتیک که ائتلافی از ۵ حزب چپ‌گرای قومی بود به عنوان نماینده معارضة دولت سوریه شناخته می‌شد البته در حاشیه حزب کمونیست سوریه و احزاب کرد و گروه اخوان المسلمین نیز فعالیت داشتند. این تجمع در سال ۲۰۰۱ فعالیت خود در داخل سوریه گسترش داد و در نهایت در سال ۲۰۰۵ ائتلافی از احزاب معارض در داخل سوریه به نام "اعلامیه دمشق برای تغییر دموکراتیک در سوریه" تشکیل داد. که اعضای آن گروه‌ها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر و بعضی از شخصیت‌های مخالف و منتقد رژیم بودند این ائتلاف طی دو سال گذشته نتوانسته است فعالیت جدی در داخل

سوریه داشته باشد و فقط اقدام به ایجاد يك سايت اينترنتي در شبکه جهانی اطلاع رسانی تأسیس نموده است.^۱ در آخرین بیانیه این حزب از روند کند فعالیت این حزب در داخل پس از دو سال فعالیت انتقاد شده است.

***تجمع دموکراتیک**

این حزب از فعال‌ترین احزاب مخالف که در داخل سوریه فعالیت می‌نماید. از حزب سوسیالیست عرب که در سال ۱۹۶۴ تأسیس شد انشعاب پیدا کرده است این گروه ابتدا به جبهه ملی ترقی‌خواه پیوست و حتی بعضی از اعضای آن از جمله حسن عبدالعظیم و عبدالمجید منجوتیه به عضویت مجلس خلق نیز در آمدند اما در سال ۱۹۷۳ به موجب ماده هشت قانون اساسی که حزب بعث را حزب حاکم معرفی نمود از این ائتلاف جدا شدند و تعدادی که باقی ماندند در حال حاضر به همین نام عضو جبهه ملی ترقی‌خواه هستند و نماینده آنها صفوان القدسی است. کسانی که از این ائتلاف جدا شدند کلمه «دموکراتیک» به حزب اضافه نمودند و در سال ۱۹۸۰م، حزب مذکور را ایجاد نمودند بعد از مرگ جمال آتاسی در حال حاضر رهبري این حزب را "حسن عبدالعظیم" و "یوسف صیاصینه" برعهده دارند. گفته می‌شود این حزب طرفداران قابل توجهی در داخل سوریه دارد. این حزب دارای يك نشریه است و دولت سوریه طی سال‌های متمادی نسبت به فعالیت آن اغماض می‌نمود تا اینکه در سال ۲۰۰۶ بدنبال تأسیس ائتلاف اعلامیه دمشق وي به دادگاه نظامی فراخوانده شد و به تهمت انتشار روزنامه بدون مجوز مورد باز پرسى قرار گرفت.

***حزب کمونیست (دفتر سیاسی)**

این حزب همانگونه که ذکر شد از حزب کمونیست خالد بکداش منشعب گردید و به رهبري ریاض الترك به فعالیت خود ادامه داد در کنگره اخیر حزب نام آن

^۱ - آدرس اینترنتی: <http://www.damadec.org>

از حزب کمونیست به حزب (دموکراتیک خلق) تغییر پیدا کرد و رهبری حزب نیز از ریاض ترک به عبدالله هوشه منتقل گردید. حزب کمونیست ریاض الترك در ۱۹۸۲ حاضر نشد اعمال خشونت‌آمیز اخوان المسلمین را محکوم نماید که از این جهت مورد انتقاد دیگر احزاب قرار گرفت. این حزب در حال حاضر به دلیل فرتوت بودن تشکیلات و پیر شدن رهبری آن فعال نمی‌باشد.

*** حزب سوسیالیست دموکراتیک عربی بعث ***

این حزب از حزب بعث منشعب شده و فعالیت خاصی در سوریه بعد از جنبش اصلاحی حافظ اسد نداشته است.

*** حزب کمونیست کار ***

این حزب توسط کمونیست‌های چپ در دهه ۷۰ قرن گذشته تأسیس شد اکثر اعضای آن دستگیر و به زندان افتادند. این حزب به شدت از اخوان المسلمین به خاطر اعمال تروریستی انتقاد نمود. در حال حاضر فعال نیست.

*** کمیته‌های احیای جامعه مدنی ***

این کمیته‌ها بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد تأسیس گردیدند و اقدام به برگزاری سمینارهایی در خصوص حقوق شهروندی نمودند. اکثر فعالین این کمیته‌ها را شخصیت‌های سیاسی مخالف دولت و فرهنگیان و شخصیت‌های مستقل تشکیل می‌دادند این فعالیت‌ها که تا سال ۲۰۰۳ ادامه داشت به بهار دمشق معروف گردید دولت سوریه به شدت با برگزاری این تجمعات مخالفت نمود.

از دیگر احزابی که طی سالهای اخیر بوجود آمدند می‌توان به احزاب تجمع دموکراتیک آزاد به رهبری خانم رهاب بیطار (دارای تابعیت سه گانه سوری، آمریکایی و اماراتی)، ائتلاف ملیون آزاد که عده‌ای از بازرگانان حلب به رهبری سمیر نشار است اشاره نمود.

*** احزاب کرد**

احزاب کرد طی سال‌های اخیر به شدت فعال شده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

*** حزب دموکرات کردستان (یکیتی)**

این حزب به رهبری اسماعیل عمر و فؤاد علی‌کو فعالیت قابل توجهی دارد. یک جناح از این حزب به رهبری محمد موسی در ائتلاف احزاب مخالف دولت سوریه حضور دارند.

*** حزب دموکراتیک پیشرو**

این حزب از سال ۱۹۶۵ تأسیس شده و اخیراً نام خود را به حزب آزادی کردستان سوریه تغییر داده است.

*** جبهه دموکراتیک کردستان**

این جبهه از ائتلاف چهار حزب کرد از جمله حزب ملی دموکراتیک کردستان به رهبری عبدالحمید درویش به وجود آمده است.

احزاب کرد داخل سوریه خواستار حقوق مدنی و فرهنگی می‌باشند در حالی که احزاب کرد خارج سوریه حتی به پسوند عرب برای سوریه معترض و خواستار یک دولت مستقل کرد هستند.

احزاب مخالف در خارج سوریه

*** اخوان المسلمین**

شعبه اخوان المسلمین سوریه مهمترین و شاید قوی‌ترین شعبه سازمان جهانی اخوان المسلمین بود اما بعد از درگیری‌های این حزب در اوایل دهه ۹۰ قرن گذشته اکثر اعضا و رهبران این حزب اعدام یا از سوریه خارج و به عراق و عربستان پناهنده شدند. این حزب تا کنون قوی‌ترین حزب مخالف دولت سوریه به حساب می‌آید و رهبری آن را وکیل صدرالدین البیانونی به عهده دارد و مرکز فعالیت آن در حال حاضر لندن است. این حزب اخیراً اعلام

نموده است با هرگونه خشونت مخالف مسئولیت خشونت‌های اخوان در سوریه را برعهده يك جناح از اين حزب نهاده است. بر طبق قانون ۴۹ كه در سال ۱۹۸۰ در سوریه به تصویب رسیده است هرگونه وابستگی به این حزب ممنوع و اعضای این حزب با اعدام مواجه خواهند شد. این حزب در سال ۲۰۰۶ م، پس از خروج خدام از سوریه با وي ائتلافی به نام جبهه نجات سوریه تشکیل دادند و كنگره دوم این جبهه نیز در سال ۲۰۰۷ در برلین تشکیل شد. علی رغم گذشت بیش از يك سال و نیم از فعالیت این جبهه هیچگونه فعالیتی به غیر از چند اعلامیه و اجلاس توسط این جبهه برگزار نشده است. با توجه به اهمیت این حزب برای آشنایی خوانندگان با تاریخ این حزب مسائل زیر آورده می‌شود:

ریشه‌های اخوان المسلمین سوریه را می‌توان در جمعیت‌های اسلامی یا جوامع خیریه اجتماعی گوناگونی جستجو کرد كه طی اواخر قرن نوزدهم بوجود آمدند. اخوان المسلمین در ۱۹۳۵ در شهر حلب تأسیس شد. در ۱۹۴۴، كه دكتر مصطفى السباعي كه چندین جامعه اسلامی سوریه را درهم ادغام کرده بود، مقرر خود را به دمشق منتقل كرد. وي، به عنوان ناظر كل (مراقب العام)، از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۱ اخوان المسلمین سوریه را با همکاری اخوان المسلمین مصر رهبری كرد. اخوان المسلمین سوریه از نظر ساختاری همانند اخوان مصر بود. گرچه دو گروه به يكدیگر به عنوان جنبش واحد نگاه می‌کردند، اما در عمل خودمختار بودند. اخوان المسلمین سوریه، همانند اخوان مصر، بیشتر از سوي عناصر طبقه متوسط و متوسط پائین جامعه، نظیر تجار بازار، روحانیون، معلمان، دارندگان مشاغل حرفه‌ای و بروکراتها حمایت می‌شد. اما، برخلاف مصر، طبقه متوسط پائین روستایی و شاخه شهری آن، در اخوان المسلمین شهری سوریه عناصر مهمی به حساب نمی‌آمدند.

جهت‌گیری ایدئولوژی سباعی به حسن البناء نزدیک بود. هرچند كه در دهه ۱۹۵۰، سباعی تحت تاثیر جنبش‌های چپ در سوریه به میزان قابل توجهی

نظریه سوسیالیسم اسلامی را مطرح ساخت. ریشه‌های روشنفکری مصری سباعی، به دانشگاه الازهر و دوستی‌اش با حسن البنا باز می‌گردد. در واقع، مصر بوتله آزمایش سباعی بود و در همانجا بود که فعالیت‌های انقلابی‌اش را آغاز کرد و باعث زندانی شدن او در مصر، و سپس در سوریه تحت کنترل فرانسویان شد. بدین ترتیب، اشغال سوریه از سوی فرانسه، و نتایج سیاسی - اقتصادی ناشی از تقسیم و شکاف جهان عرب به واحدهای ملی جداگانه، انگیزه فعالیت طرفداران اخوان المسلمین بود. سباعی جنبش خود را روح و انقلاب جدیدی می‌دانست که هدفش استقرار یک نظام اسلامی جامع بود. شکست ۱۹۴۸م، اعراب به توسعه و گسترش اخوان کمک کرد و همین امر باعث شد تا سرهنگ ادیب شیشکلی در سال ۱۹۵۲ به سرکوب آن بپردازد. بعد از سرنگونی شیشکلی در ۱۹۵۴ اخوان با منازعه طلبی‌های جدی حزب بعث، ناصریستها و کمونیستها مواجه شد. اخوان در دوران اتحاد مصر و سوریه نیز فعال نبود، زیرا بیشتر حامیان سنی شهری و طبقه متوسط آن به سمت ناصر گرایش پیدا کردند. در واقع، سباعی در ۱۹۵۸م، جهت برآوردن آرزوهای ناصر، گروه خود را منحل اعلام کرد.

اخوان المسلمین به دلیل اختلاف ایدئولوژیک خود با ناصر، از جدائی مصر و سوریه و انحلال جمهوری متحده عربی حمایت کرد. بعضی از اعضای آن به افسران جدایی‌خواه سنی به رهبری عبدالکریم نهلاوی پیوستند، و ده کرسی در پارلمان بدست آوردند. این موفقیت، زمان کوتاهی بطول انجامید و پس از قتل یافتن حزب بعث در مارس ۱۹۶۳، اخوان بشدت سرکوب شد. عصام عطار، رهبر جدید اخوان تبعید شد و ناچار گشت با موفقیتی کم و بیش گروه را از خارج رهبری کند. در اواسط دهه ۱۹۶۰، اخوان به رقیب بلامنازع حزب بعث تبدیل شد، هرچند که عطار به

دلیل مخالفت با جهاد مسلحانه علیه رژیم، از سایر رهبران جدا شد.

عطار به عنوان فردی که شدیداً به اصلاح معتقد بود، نمی‌توانست از خشونت انقلابی چشم پوشی کند. با وجود این، در ۶۵-۱۹۶۴، در اثر قیام هماه و مبارزه اخوان المسلمین به رهبری شیخ حنیفه برای سرپیچی از اوامر دولت، رویارویی شدت گرفت. هنگام بروز شکاف درونی میان ارگانهای سیاسی و نظامی حزب بعث، اخوان المسلمین نتوانست نقش مؤثر و قاطعی در جریان مبارزه قدرت میان حافظ اسد و صلاح جدید بازی کند. عصام عطار، از محل تبعید خود در آلمان غربی، از حافظ اسد، به دلیل میانه‌روی ایدئولوژیکی‌اش حمایت کرد. در جریان روزهایی مصیبت‌بار شکست ۱۹۶۷، در اثر شکاف میان گروه میانه‌روی طرفدار عطار در دمشق و طرفداران جهاد در شهرهای شمالی کشور، اخوان المسلمین منشعب شد. یکی از مبارزان اخوان، مروان حدید از شهر حماه بود که در ۱۹۶۵ به همراه سید قطب توسط ناصر زندانی شد. حدید به منظور آمادگی در مبارزه اخوان با رژیم بعثی در دهه ۱۹۷۰، در سال ۱۹۶۸ به گروه فلسطینی الفتح پیوست و در آنجا آموزش دید. پس از بازگشت به دمشق، تلاش برای ترور چهره‌های دولتی را آغاز کرد. اما در ۱۹۷۶ دستگیر شد، و در زندان در گذشت.

اعلام جهاد علیه دولت (۸۳ - ۱۹۷۶)

جنبش اسلامی سوریه، از اواخر دهه ۱۹۶۰ به بعد، چندین مرحله را پشت سر گذاشت. که جهاد خشونت بار ۱۹۷۶، عالی‌ترین سطح پیکار جویان به حساب می‌آمد. دگردیسی اخوان المسلمین از یک گروه مذهبی - سیاسی، به صورت یک سازمان جنگجو، باعث شکاف در جنبش شد. این مسئله یعنی شکاف میان

مبارزان شمال و گروه عطار در دمشق، تا سال ۱۹۸۰ که جبهه اسلامی سوریه تشکیل شد حل نگردید. رهبری اخوان شمال را، امین یاغان، عدنان سعید، شیخ عبدالفتاح ابوعزه، سعید حوا و عدنان سعدالدین بر عهده داشتند و معتقد بودند تنها از طریق یک مبارزه مسلحانه درست سازمان یافته، می‌توان رژیم حافظ اسد را سرنگون ساخت. اما، تلاش‌های اولیه آنها برای جلب حمایت‌های توده‌ای، به دلیل نزدیکی اسد به مصر، اردن و عربستان سعودی و نیز سیاست‌های اصلاح طلبانه و لیبرالیزم اقتصادی او نتیجه نبخشید. این سیاست‌ها، که در اثر ثروت نفت عربی خلیج فارس تقویت می‌شد، مستقیماً به رفاه آن گروه عناصر اجتماعی انجامید که به حمایت از اخوان تمایل داشتند. اوضاع در سال ۱۹۷۳ به هنگام تدوین قانون اساسی غیر مذهبی از سوی اسد تغییر یافت، شورش‌ها و تظاهرات وسیعی به رهبری اخوان درگرفت. اعتصابات پراکنده در طول آوریل ۱۹۷۳ ادامه یافت، و این خود نشانگر همکاری فزاینده علما و اخوان المسلمین علیه دولت بود. اسد فوراً به اصلاح قانون اساسی دست زد و مقرر شد رئیس جمهور همیشه باید مسلمان باشد. اسد برای خنثی کردن انتقاد بدگویان بنیادگرای خود، در سال ۱۹۷۴ به حج عمره رفت و از آن زمان طبق معمول در نمازهای جمعه یکی از مساجد دمشق شرکت و به طریق اهل سنت نماز گذاشت تا دیگر کسی او را متهم به علوی بودن ننماید.

جنگ اکتبر ۱۹۷۳ احساسات ناسیونالیستی عرب را به اوج خود رساند و رژیم حملات اخوان المسلمین را خنثی کرد، زیرا اغلب سوری‌ها پشت سر رئیس جمهورشان متحد شدند. با وجود این، اخوان المسلمین، اسد و فرماندهی عالی سوریه را به علت از دست دادن جولان، پیوستن به «فرایند صلح» کسینجر، و برقراری

روابط نزدیک با شاه ایران، مورد انتقاد قرار دادند. در سال ۷۶-۱۹۷۵ بود که حدید برای دست زدن به یک جهاد مسلحانه برتر آماده شد. عامل اصلی این جریان، نقش سوریه در جنگ داخلی لبنان بود و از دیگر عوامل و منابع نارضایتی می‌توان به فساد حکومتی، رشد تجارت مصرفی، و تورم سرسام آور، اشاره کرد. مداخله اسد به نفع مارونی‌ها و علیه اتحاد مسلمانان فلسطینی چپ گرا، نقطه عطف مهمی به حساب می‌آمد. در حالی که موفقیت ابتدایی نیروهای مسلح سوریه، اعتبار و حیثیت قابل ملاحظه‌ای برای اسد به ارمغان آورد اما ناتوانی او در تحمیل اراده‌اش بر مارونی‌های لبنان، باعث انتقادات گسترده‌ای از او شد. خودداری سوریه از دادن اجازه به فلسطینی‌ها برای رهایی از محاصره مارونی‌ها در اردوگاه تل الزعتر، که به قتل عام بسیاری از فلسطینی‌ها منجر شد، خصومت عمده‌ای را نسبت به اسد برانگیخت. اخوان المسلمین، اسد را به عنوان حافظ منافع رژیم صهیونیستی، مارونی‌ها، آمریکایی و عربستان سعودی در لبنان، متهم کردند. اما، دلیل اصلی مخالفت اسلامی، افزایش سریع نقش علوی‌ها در رژیم و فرسایش قدرت و موفقیت اقتصادی سنی‌ها بود. در حالی که اهل سنت، پستی‌های مهمی در ارگان‌های سیاسی (کابینه، قوه قضائیه، حزب) به عهده داشتند، اما قدرت نظامی مؤثر غالباً در دست حافظ اسد و خویشاوندان او بود. اخوان المسلمین رژیم را متهم کرد که ویژگی «فرقه‌ای» دارد و از «مسلمانان دروغین» تشکیل شده و این در واقع به ایدئولوژی غیر مذهبی حزب بعث و «موقعیت سوال برانگیز» فرقه علوی در اسلام اشاره داشت.

اخوانی‌ها، با رفعت اسد، برادر حافظ اسد، دشمنی ویژه‌ای دارند، زیرا شیوه‌های ظالمانه و سرکوب گرانه و نیز اعمال غیر اخلاقی او، عامل نارضایتی عمیقی در سراسر سوریه شده بود. رفعت اسد، ریاست جوخه‌های دفاع^۱ را که مسئول دفاع از رئیس جمهور و

^۱ - عربی: سرايا الدفاع

رژیم بود، بر عهده داشت. این ارگان و نیز واحدهای ویژه^۱ سر لشکر علی حیدر، غالباً از علویانی تشکیل می‌شد که وفاداریشان به نخبه حاکم، زبانزد بود.

طی سالهای اواسط دهه ۱۹۷۰، عدنان سعدالدین رهبری اخوان المسلمین را به عنوان ناظر کل به دست گرفت تا مرحله جدید مبارزه علیه حزب بعث را آماده کند. اولین مرحله جهاد در ۱۹۷۶ آغاز شد و آن هنگامی بود که «پیش‌تاز رزمنده»^۲ اخوان با دست زدن به تاکتیکهای جنگ و گریز، درصدد تحریک رژیم برای افزایش سرکوب و فشار برآمد. چریکها رهبران علوی، مأموران امنیتی و مقامات حزبی را مورد هدف قرار دادند تا بدین وسیله جنبه اقلیت بودن رژیم اسد را نشان دهند و مردم را علیه رژیم حافظ اسد تحریک نمایند که در این راه موفقیت قابل توجهی بدست نیاوردند. مرحله دیگر جهاد قهرآمیز در ژوئن ۱۹۷۹ با کشتن ۳۸ دانشجوی علوی دانشکده افسری در حلب و حملات چشمگیر دیگر به ساختمانهای دولتی، مراکز پلیس و مراکز حزب بعث، آغاز شد. در مارس ۱۹۸۰، در گرماگرم حملات به کمونیستهای سوریه و مستشاران نظامی شوروی، تظاهرات و تحریمهای گسترده‌ای در حماء، حمص و حلب صورت گرفت. دولت، در پاسخ به این اقدامات، به سرکوب وسیع بویژه در حلب متوسل شد. ایشان حتی بارها اقدام به تلاش برای ترور حافظ اسد نمودند. این اقدامات رژیم را وا داشت تا ترور متقابل را که شامل کشتارهای زندان تدمرنیر بود، شدت بخشد. دولت با اعلام قانون شماره ۴۹ ژوئیه ۱۹۸۰، برای عضویت یا همکاری با اخوان، مجازات مرگ تعیین کرد.

طی سالهای ۱۹۸۰، نشانه‌های یک مبارزه سخت میان رژیم اسد و اسلام گرایان، آشکار گردید. هدف اخوان المسلمین برای دوری اهل سنت از رژیم تا اندازه‌ای با موفقیت همراه بود، هرچند که جامعه

^۱- عربی: وحدات الخاصة

^۲- عربی: الطلیعه المقاتله

علوي، از ترس به خطر افتادن موجودیت و سلامت خود، پشت سر حافظ اسد گرد آمده بود. با وجود این مشخص بود که رژیم شورش را تحت کنترل درآورده و ضربه سختی بر اخوان و متحدانش وارد کرده است.

پایگاه اجتماعی اخوان

طی دهه ۱۹۷۰، اخوان المسلمین و گروههای کوچک طرفدار آن تغییر و تحول پیدا کردند و از صورت انجمنهای نسبتاً کوچک و سر برآه، به صورت یک جنبش بزرگ انقلابی پیکار جو درآمدند. بر اساس گزارشهای بین سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۸، تعداد فعالان اسلامی در حلب ده برابر رشد کرده و بین ۵ تا ۷ هزار عضو تخمین زده شدند. چنین میتوان تخمین زد که تعداد اعضای تمامی گروههای اسلام گرای سوریه در اواخر دهه ۱۹۷۰، به ۳۰۰۰ نفر، بعلاوه بسیاری پیروان دیگر میرسید. همچنین میتوان چنین فرض کرد که تعداد مخالفان اسلامی پس از گذراندن قانون شماره ۴۹ ژوئیه ۱۹۸۰ و ضربات وارد آمده برگروههای اسلام گرا در حماه و مناطق دیگرکشور، کاهش یافته است. در نتیجه، تروریسم ضد رژیم اساساً کم شده، هرچند که معقول نیست بپنداریم مخالفت اسلامی همچنان در سکون باقی خواهد ماند چنانکه بعد از دو دهه بار دیگر بعضی از گروههای رادیکال سلفی مانند جند الشام دست به اقدامات تروریستی علیه دولت سوریه زدند.

تمایل و گرایش اخوان و متحدان آن به آغاز فعالیتهایشان در آینده، از ۲ منبع سرچشمه میگیرد: اول اینکه، فعالیت آینده اخوان به تواناییاش در به عهده گرفتن نقش پیشتازی و رهبری یک مخالفت گسترده و وسیع علیه حزب بعث، منوط خواهد بود. سرانجام، اخوان در صورتی میتواند دوام آورند که طبقات شهری سنی، که قدرت اقتصادی و سیاسی شان در اثر سیاستهای دولت رو به کاهش گذاشته شده، از آنها حمایت بعمل آورند. که تا کنون چنین چیزی مشاهده نگردیده است. اخوان المسلمین همچنین نمایندگی علماء کم بضاعت، صنعتگران

خرد و فروشندگان بازارهای کوچک شهری را به عهده دارند. سیاستهای بعثی، که نفع روشنفکران غیر مذهبی، ارتش، عناصر روستایی، کارگران صنعتی و اقلیتها را در نظر دارد، نتوانست منافع این گروههای تجاری شهری را درست حفظ کند. رژیم در تأسیس تعاونیهای کشاورزی و مصرفی، به منافع اجتماعی و اقتصادی طبقات زمیندار، تاجر و صنعتگر سنتی سنی زیان وارد آورد. اسلام گرایان مبارز، بیشتر از خانواده‌های سنتی طبقه متوسط پائین شهری، بازرگانان کوچک، دارندگان مشاغل حرفه‌ای و روحانیون بودند. این مبارزان، ویژگی مهم دیگری نیز داشتند و آن برخورداری از تحصیلات دانشگاهی بود که پدرانشان غالباً فاقد آن بودند. اطلاعات جمع‌آوری شده از سابقه شغلی ۱۳۸۲ نفر فعال اسلامی دستگیر شده توسط دولت بین سالهای ۸۱-۱۹۷۶، نشان می‌دهد که از میان اینان ۲۷/۷ درصد دانشجوی، ۷/۹ درصد معلمان مدارس و ۱۳/۲ درصد دارندگان مشاغل حرفه‌ای بودند. گروه دیگر شامل ۷۹ مهندس، ۵۷ فیزیکدان، ۲۵ وکیل و ۱۰ داروساز می‌شدند. این الگوها در مورد رهبری جوامع اسلام‌گرای سوریه نیز صادق است. تصادفی نیست که رژیم سوریه در آوریل ۱۹۸۰، اتحادیه‌های وکلاء، مهندسين و پزشکان را منحل اعلام کرد و در دهه بعد همه آنها را تحت کنترل خود در آورد.

اخوان المسلمین، علی‌رغم پایگاه اجتماعی شهری‌اش، ضعفهای قابل توجهی نیز دارد از جمله عدم توانایی در نفوذ به مناطق روستایی و اطراف شهرها. اخوان به عنوان یک جنبش شهری نمی‌تواند نماینده منافع روستائیان باشد یا در آنها نفوذ کند. علاوه براین، چنین به نظر می‌رسد که بعضی از تاجران با نفوذ دمشق هم از دولت و هم از اخوان حمایت کرده‌اند، تا بدین وسیله بتوانند به بهترین وجه حافظ منافع خود باشند.

اخوان المسلمین به دلیل زیانهای سنگینی که در سالهای ۸۳ - ۱۹۸۱ بر آنان وارد، و نیز اختلاف رهبران بلند پایه شان سالها در دوره زوال به سر

می‌بردند. یکی از دلایل عمده اختلاف، به روابط جبهه با قدرتهای خارجی، بویژه عراق، اردن و ایران مربوط می‌شود. اختلاف بویژه میان «معتدین به اصول» به رهبری عدنان سعد الدین، و «سازش طلبان» به رهبری عدنان سعد الدین، بوقوع پیوست. جناح عدنان سعد الدین، که با یک مبارزه سخت علیه رژیم مواجه بود، به «اتحاد ملی برای آزادی سوریه» پیوست، که تحت حمایت رژیم وقت عراق و اردن قرار داشت. این اتحاد که ائتلاف نوزده گروه مخالف اسد بود، در برگزیده جبهه اسلامی، بعثیهای طرفدار صدام و ناصریستها بود. اظهارات سعدالدین به طرفداری از صدام و گرایش و ملاقاتهای او با مقامات آمریکایی در امان در ۱۹۸۲، شدیداً مورد انتقاد عقیله قرار گرفت. نزدیکی سعدالدین به صدام و اردن، با نیاز اخوان مبنی برکسب حمایت خارجی در رویارویی با دولت اسد، که با ایران کنار آمده بود سازگار بود اما این اقدام موجب دلسردی بسیاری از طرفداران اخوان المسلمین سوریه و مایه طعنه و ناامیدی گردید.

به نظر می‌رسد آنچه موجب تضعیف اخوان المسلمین در داخل سوریه را فراهم آورد یکی مدیریت حافظ اسد بود که توانست خود را به رئیس جمهور تمام سوریها تبدیل کند. از جمله ابتکارات مهم او آغاز سیاست «اصلاح» در ۱۹۷۱ و تخفیف رو به رشد سیاستهای سوسیالیستی بود. علاوه بر این، اسد پیشنهادات مکرری به عناصر سنی، به منظور دست یافتن به آشتی به آنها داده است. در ضمن، به منظور خنثی ساختن و مقابله با اسلام گرایان مبنی بر در پیش گرفتن «فرقه گرایی علوی»، انتصابات مقامات سنی به پستهای مهم را افزایش داد به طوری که سالها یک سنی مانند خدام نفر دوم سوریه بود و نخست وزیر، وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش نیز از اهل سنت انتخاب گردیدند و جالبتر اینکه بسیاری از مقامات حزبی و ریاست مجلس نیز به اهل سنت سپرده شد.

نتیجه شکست اخوان المسلمین، تأسیس جبهه اسلامی سوریه (جبهه الاسلامیه فی سوریا) در اکتبر ۱۹۸۰، به دبیرکلی «شیخ محمد ابوالنصر البیانونی» از شهر حلب بود. این جبهه، از اخوان، جناح تندرو مخالف عصام عطار، بعضی از علما و گروه‌های اسلام‌گرای کوچک‌تر تشکیل می‌شد. نیروی پرتحرک جبهه اخوان المسلمین عدنان سعدالدین، عضو سابق اخوان مصر، از شهر حماه، بود. سعید حوا، رهبر ایدئولوژیک جنبش اسلامی سوریه، بعد از او مقام دوم را داشت. در ۹ نوامبر ۱۹۸۰ جبهه اسلامی اعلامیه‌ای که حاوی برنامه‌های جبهه‌اش بود صادر کرد، که در منشور جنبش در ژانویه ۱۹۸۱ منتشر گردید. جبهه اسلامی در اعلامیه خود بیهوده تلاش می‌کرد تا میان علویان شکاف ایجاد کند و تمام عناصر مخالف را پشت سر خود جمع کرده و مفاهیم اسلامی را با لیبرالیزم و دموکراسی ترکیب کند. نکات عمده این اعلامیه برای نشان دادن ویژگی‌های منحصر بفرد جنبش اسلامی سوریه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با جنبش‌های مصری، عراقی، سعودی و کشورهای دیگر عربی، آموزنده است:

- در خواست از «عقلایی» جامعه علوی مبني بر سرنگونی «رژیم برادران اسد» به منظور جلو گیری از تراژدی جنگ داخلی.
- درخواست رهایی تمام شهروندان از ستم «استبداد»، از بین بردن زندانهای سیاسی، برقراری آزادی فکر و بیان و حفظ حقوق اقلیتها.
- درخواست تشکیل یک حکومت معتقد به تفکیک قوا و دولت قانونی متکی بر شورا، که شرافت فردی و آزادی را تضمین کند.
- حمایت از مالکیت کامل زمین توسط کشاورزان و کوتاه کردن دست واسطه‌ها و دولت از بخش کشاورزی.
- انتقال مالکیت صنایع ملی از دولت به کارگران، به عنوان پاداش کافی.

مخالف با نقش دولت به عنوان یک تاجر، حمایت از بخش آزاد خصوصی در تجارت و صنعت، و تشویق صنعتگران.

- تعهد به «سوسیالیسم اسلامی» برای گسترش عدالت اجتماعی در قانون شرع اسلامی.

- تعهد به جهاد به عنوان یک وظیفه بسیار مهم در اسلام، به منظور تبدیل رژیم «فرقه‌ای» فعلی به یک حکومت اسلامی.

تقویت ناسیونالیسم و وحدت عربی در محیط بزرگتر همبستگی اسلامی.

بیطرفی در امور خارجی.

مخالفت سازش ناپذیر با اسرائیل و صهیونیسم.

اعلامیه جبهه اسلامی، همانند منشور آن، نشانگر نفوذ بی چون و چرای ایدئولوژیک حسن البناء، رشید رضا، مصطفی السباعی، سید قطب و سعید حوا بود. با وجود این، نقاط مشترک میان ایدئولوژی‌های اسلام گرایان مصری و سوری نباید باعث انکار و پوشیده نگاه داشتن اختلافات عمده آنها شود. رویهم رفته با توجه به تشکیلاتی که اخوان المسلمین دارد این حزب می‌تواند در آینده سوریه نقش داشته باشد هرچند در سال‌های اخیر به خصوص ائتلافش با خدام در جبهه خلاص ضربه محکمی به آبروی این حزب وارد گردیده است و حتی بعضی از طرفداران حزب نیز این ائتلاف را مورد نکوهش قرار داده اند. طی سال‌های اخیر برای جلب رضایت غرب برای تغییر در دولت سوریه و کسب حمایت غرب و زدودن حساسیت نسبت به خود این جنبش موضعی بسیار معتدل اتخاذ نموده است. اینگونه موضعگیری‌ها نه تنها موجب تقویت اخوان را فراهم نیاورد بلکه دلسردی مردم و طرفداران خود را به همراه داشته است.

*تجمع یکپارچه قومی

این تجمع توسط رفعت اسد عموی بشار اسد که در خارج از سوریه زندگی می‌نماید در سال ۲۰۰۵ میلادی تأسیس گردید و کانال ماهواره‌ای ANN متعلق به ایشان است. این حزب از مخالفان جبهه نجات است و علی‌رغم تلاش بعضی از کشورهای منطقه برای نزدیک نمودن رفعت اسد با خدام و بیانونی ایشان حاضر به شرکت در کنگره آن نشد. رفعت اسد با ملک عبدالله

پادشاه عربستان نزدیک است اما در سال ۱۳۸۵ علی‌رغم دعوت ملک عبدالله از ایشان و خدام و بیانونی حاضر نشد همزمان با آنها در عربستان حضور یابد.

رفعت اسد در دهه هشتاد بعد از موفقیت در سرکوب اخوان المسلمین و تقویت خود در داخل رژیم سوریه خود را برای جانشینی برادرش آماده می‌کرد. زمانی که متوجه شد حافظ اسد در نظر دارد فرزند ارشدش باسل را برای جانشینی خود مهیا نماید دچار چالش جدی با حافظ اسد گردید و در یک برهه نیروهای معروف به گردانهای دفاع که افرادی کاملاً وفادار به رفعت اسد بودند خود را برای درگیری با نیروهای ارتش و وفاداران حافظ اسد آماده کردند و حتی در یک مقطع این نیروها در داخل دمشق علیه یکدیگر صف آرائی کردند. گفته می‌شود بزرگترین چالش داخلی دولت حافظ اسد پس از شورش اخوان المسلمین و قیام آنها در حماه، چالش با رفعت اسد بود. حافظ اسد توانست از احساسات خانوادگی استفاده و برادر کوچکتر خود رفعت را مهار نماید و پس از اینکه به وی پست معاونت ریاست جمهور داد به تدریج از نفوذ وی در ارگانهای نظامی و امنیتی کاست و در نهایت رفعت اسد در اوایل دهه ۹۰ قرن میلادی گذشته مجبور شد بدون سرو صدا به خارج از کشور برود و در اسپانیا و فرانسه مقیم گردد. رفعت، بعد از مرگ باسل اسد جهت تسلیت به سوریه بازگشت اما به سرعت سوریه را ترک نمود و سال‌ها ست که به سوریه باز نگشته است هرچند دو قصر وی در سوریه موجود و خانواده وی در آن زندگی می‌کنند. چند تن از فرزندان وی نیز در دمشق به تجارت و طبابت مشغول هستند.

*حزب اصلاح

رهبری این حزب بر عهده فرید الغادری است و با آمریکا و رژیم صهیونیستی رابطه نزدیکی دارد. فرید الغادری در سال ۲۰۰۷ م، از رژیم صهیونیستی دیدار و در کنیست سخنرانی کرد. این حزب به شدت

با خط اخوان المسلمین مخالف و اخوان المسلمین را به خشونت و تلاش جهت اجبار نمودن مردم به پذیرش عقایدش متهم می‌سازد. سالها است که آمریکا و غرب تلاش می‌کنند این فرد را به عنوان آلترناتیو حکومت فعلی مطرح کنند، اما تاکنون هیچ گونه محبوبیتی را در سوریه کسب ننموده است. و بعید است بتواند موفقیتی در این رابطه بدست آورد.

* سازمان‌های حقوق بشری

طی چند سال اخیر انجمن‌های دفاع از حقوق بشر در سوریه تقویت و فعال شده‌اند از جمله این سازمانها می‌توان به سازمان عربی حقوق بشر به رهبری محمد رعدون که با سازمان حقوق بشری مصر به رهبری محمد فائق مرتبط است اشاره نمود.

۷- سیستم دفاعی

نیروی نظامی

بافت اصلی ارتش سوریه در پیش از استقلال این کشور شکل گرفته و ارتش سوریه در زمان استقلال در حال تبدیل شدن به یک ارتش فنی بود. به دلیل اینکه افرادی که به ارتش پیوسته بودند بیشتر افرادی سیاسی بودند ارتش سوریه بعد از استقلال به یک ارتش سیاسی تبدیل گردید. به دلیل جو روانی بعد از استقلال و اهمیتی که مردم برای ارتش قائل بودند کم ارتش در سوریه احترام ویژه‌ای در نزد افکار عمومی یافت و به عنوان تضمین کننده حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال کشور بر علیه دشمنان خارجی به حساب آمد به دلیل همین رویکرد مردمی و قدرتی که نظامیان دارا شدند بعد از استقلال بیشتر دولتمردان و حاکمان سوریه نظامیان بودند. البته باید توجه داشت منظور حکومت نظامیان است نه حکومت نظامی. البته حکومت نظامیان به دلیل رقابتهای درونی در بین خود بارها به دست حکومت‌های نظامی دیگر به وسیله کودتا سرنگون می‌شدند.

در طول سالهای ۱۹۴۶ - ۱۹۶۳ سوریه بارها شاهد کودتا ی نظامی بود، به طوری که این کشور به کشور کودتاهای نظامی معروف گردید. بعد از به قدرت رسیدن حزب بعث در سال ۱۹۶۳ در سوریه نقش ارتش نهادینه شد و افسران سوری توانستند کنترل حزب بعث را به دست گیرند و دلیل پیروزی و بقای حزب بعث بر سر قدرت در سوریه و عراق حمایت ارتش از آنها بود. پیروزی حافظ اسد بر صلاح جدید در سال ۱۹۷۰، در واقع پیروزی جناح نظامی حزب بعث بر جناح سیاسی و عقیدتی آن بود.

دلیل حمایت ارتش از حافظ اسد را می‌توان به شرح ذیل بر شمرد: ۱- ارتباط داخلی و سازمان یافته اسد با افسران عالی‌رتبه ارتش در سراسر سوریه. ۲- روح همبستگی و یگانگی که افسران ارتش با حافظ اسد داشتند به طوری که به خاطر سابقه نظامی حافظ اسد و مسئولیت وی از آن حمایت نمودند. ۳- حافظ اسد با نیازمندیهای حرفه‌ای ارتش آشنا بود و در جنگ ۱۹۷۳ واقع‌گرایی را پیشه خود کرد. در اینجا نباید نقش دوستان وی در ارتش را به فراموشی سپرد وی دوستان عمده‌ای مانند طلاس در نظامیان سنی داشت و علوی‌ها نیز که به دلیل فقر در زمان فرانسوی‌ها به ارتش پیوسته بودند به حافظ اسد علاقه ویژه‌ای داشتند و به وی به عنوان منجی نگاه می‌کردند. حافظ اسد پس از به قدرت رسیدن و در طول حکومت خود با سیاست بی نظیری کشور را تحت کنترل در آورد و از آن به بعد دیگر در ارتش شاهد کودتا نبودیم زیرا اولاً نزدیکان سنی خود مانند سرلشکر مصطفی طلاس که همیشه یار حافظ اسد بود را در مناصب بالای ارتش گمارد. همچنین وزارت کشور معمولاً در دست افسر سنی مذهب بود. اسد برای کنترل ارتش اقدام به تقویت نیروهای اطلاعاتی در ارتش نمود و چندین دستگاه ضد اطلاعاتی قوی در ارتش ایجاد نمود مانند اطلاعات ارتش، ضد اطلاعات ارتش و اطلاعات نیروی هوایی. ضمناً اسد برای شکل دادن ساختار حرفه‌ای به ارتش نظامیان حرفه‌ای که صرفاً به کار خود علاقمند بودند، را بر افسرانی

که اهل سیاست باشند ترجیح می‌داد. البته در یک دوره حافظ اسد نقش برادر خود رفعت اسد را نیز تقویت نمود و وی توانست به سرعت تقویت گردد و حتی برای خود یک نیروی شبه نظامی نیز به نام "گردان‌های دفاع" ایجاد نمود. این گردان‌های دفاع نقش عمده را در سرکوب اخوان المسلمین در سوریه داشتند. حافظ اسد بعدها توانست رفعت اسد که در اواسط دهه هشتاد قصد نافرمانی داشت را تحت کنترل در آورد و وی را بدون درگیری به خارج از کشور تبعید نماید. در زمان حافظ اسد نقش ارتش و نظامیان در سیاست افزایش پیدا کرد و مهمترین مشاوران حافظ اسد افسران نظامی بودند مانند سرلشکر محمد الخولی فرمانده نیروی هوایی، سرلشکر ابو وائل، سرلشکر شفیق فیاض، سرلشکر علی حیدر و... علی‌رغم عدم استطاعت مالی سوریه برای مدرن نمودن ارتش خود اما حافظ اسد از جو حاکم بر رقابت شرق و غرب استفاده نمود و ارتش این کشور را تقویت نمود تا به توازنی نسبی با ارتش رژیم صهیونیستی برسد و بدون شک رقابت با رژیم صهیونیستی و اشغال مناطقی از سوریه توسط این رژیم و خوی متجاوز کارانه آن باعث شد که حافظ اسد به ارتش اهمیت ویژه‌ای بدهد به طوری که در حال حاضر از نظر قدرت و نیرو ارتش سوریه دومین ارتش کشورهای عربی پس از ارتش مصر می‌باشد. فرماندهی ارتش سوریه که به نام ارتش عربی سوریه نامیده می‌شود بر عهده رئیس جمهور که فرمانده کل ارتش و نیروهای مسلح می‌باشد قرار دارد.

خدمت سربازی در سوریه اجباری است و کلیه افراد ذکور به شرطی که تنها فرزند پسر خانواده نباشند به خدمت نظام اعزام می‌گردند. با تغییراتی که در قانون نظام وظیفه سوریه در سال ۱۳۸۶ اتفاق افتاد خدمت سربازی از ۳۰ ماه به ۲۴ ماه کاهش پیدا نمود.

نهاد ضد اطلاعات ارتش حرف اول را در ارتش سوریه می‌زند و رئیس قسمت اطلاعات ارتش این کشور دارای نفوذ زیادی در سوریه می‌باشد. رئیس قسمت

مذکور در حال حاضر سر لشکر آصف شوکت همسر خانم بشری اسد خواهر بشار اسد است. روی هم رفته طی سی سال گذشته فرماندهان نظامی در سوریه از قدرت بالایی برخوردار بوده‌اند و نقش فرماندهان عالی سوریه در به قدرت رساندن بشار اسد پس از مرگ حافظ اسد مشهور است.

قسمتهای ارتش سوریه به شرح ذیل تقسیم می‌گردد:

- اداری
 - ضد اطلاعات ارتش
 - نیروی زمینی
 - نیروی هوایی
 - نیروی دریایی
- سازمان نظامی ارتش به شرح ذیل می‌باشد:

نیروی زمینی:

استعداد این نیرو حدوداً ۲۰۰ هزار نفر است و دارای سه سپاه می‌باشد که سپاه اول در دمشق، سپاه دوم در منطقه زبدانی و سپاه سوم در شهر حلب در شمال سوریه مستقر است. دیگر نیروها و لشکرهای سوریه به شرح ذیل است:

هشت لشکر زرهی (لشکرهای ۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۱)

سه لشکر مکانیزه (۴، ۷، ۱۰)

چهار تیپ پیاده (این تیپ‌ها مستقل و تابع لشکرهای فوق نیست)

لشکر ویژه زرهی (۱۴)

دو تیپ مستقل توپخانه

دو تیپ مستقل ضد زره

سه تیپ موشکی زمین به زمین که هر کدام سه گردان دارد.

لشکر دفاع دریایی (موشکهای زمین به دریا)

لشکر حفاظت از مرزها

لشکر گارد جمهوری که در حال حاضر فرماندهی آن

با سرهنگ ماهر الاسد برادر بشار اسد می‌باشد.

نیروی هوایی:

دو نیروی دفاع هوایی و هوایی تابع آن است. دانشکده نیروی هوایی سوریه در حلب قرار دارد و ۲۲ / اکتبر / ۲۰۰۷ دولت سوریه ۶۱ سالگرد تأسیس نیروی هوایی خود را جشن گرفت.

نیروی دریایی:

فرماندهی این نیرو در شهر لاذقیه قرار دارد و نیروهای آن در شهرهای لاذقیه، بانیاس و طرطوس مستقر است تعداد نیروهای آن در حال حاضر حدود ده هزار نفر است که دارای دو زیر دریایی، دو ناوچه و دو کشتی ضد زیر دریایی، چهارمین نصب کن دریایی و ۲۵ کشتی جنگی در حجم های مختلف می باشد.

- رتبه های ارتش سوریه

اشخاص غیر نظامی

سرباز (سرباز معمولی، سرباز اول، گروه بان)

افسران (ستوان سه، ستوان ۱، نقیب)

افسران میانی (سرگرد، سرهنگ)

افسران فرمانده (سرتیپ، سرلشکر، سهد، سپهد

اول و ارتشبد که فقط به فرمانده کل نیروهای مسلح داده می شود.)

سن خدمت سربازی	۱۸ سالگی
تعداد نیروهای مسلح	۴۳۵۶۴۱۳ نفر در سال ۲۰۰۵
نیروهای فعال نظامی	۳۱۹۰۰۰
تعداد تانک	۴۷۰۰
هزینه نظامی در سال	۱ میلیارد دلار
نسبت در آمد ملی	۵,۹%

در حال حاضر سپهد بشار اسد در راس نیروهای مسلح سوریه قرار دارد. به دنبال وی وزیر دفاع مسئولیت نیروهای مسلح را به عهده دارد. ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح از طریق یک شاخه عمومی و یک شاخه اجرایی که خود به زیر شاخه های آموزشی، پرسنلی، لجستیکی و اطلاعاتی تقسیم و اداره می شود این ستاد دستورات را مستقیماً از

ریاست جمهوری به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح دریافت می‌نماید و خود قدرت تصمیم‌گیری مستقل ندارد.

خدمت سربازی در سوریه اجباری است و تمام اقشار جامعه به غیر از یهودیان باید به سربازی بروند. زنان از انجام خدمت سربازی معاف هستند. سن خدمت سربازی ۱۸ سال است. پس از آن نیز یک دوره احتیاط پنج ساله وجود دارد که سربازان باید در آن ثبت نام کنند. در طول دوره اجباری و احتیاط آموزش تخصصی ارائه نمی‌شود. آموزش‌های عالی تخصصی فقط به افسران ارائه می‌شود در حال حاضر علویان اکثر پست‌های بالای امنیتی و نظامی را در اختیار دارند.

آموزش‌های تخصصی در سه دانشکده نظامی ارائه می‌شود. دانشکده افسری در حمص که در سال ۱۹۳۳ توسط فرانسویان ساخته شده است و بزرگترین و قدیمی‌ترین دانشکده نظامی می‌باشد به آموزش توپخانه و تخصص‌های پیاده نظام مشغول است. دانشکده نیروی دریایی در لاذقیه (۱۹۶۲) و دانشکده نیروی هوایی در حلب (۱۹۶۰) دو مرکز دیگر نظامی هستند که به آموزش افسران می‌پردازند. در کنار این سه دانشکده مراکز آموزشی کوچکتر که به آموزش نیروهای ویژه می‌پردازند نیز وجود دارند.

معاهدات نظامی

درگیری‌های نظامی سوریه با رژیم صهیونیستی و اشغال قسمتی از خاک سوریه توسط این رژیم همواره یکی از دغدغه‌های مسئولین سوریه بوده است. با توجه به قدرت نظامی رژیم صهیونیستی و تهدیدات این رژیم سوریه راهبرد خود را بر این اساس تعیین نموده است و چنانکه گفته شد نقش ارتش در دفاع از تمامیت ارضی سوریه موجب توجه افکار عمومی به ارتش شده است و همین امر باعث تقویت نقش ارتش در داخل گردید است. دولت سوریه یکی از اهداف اصلی خود را آزاد سازی جولان و مقابله با تهدیدات روز افزون رژیم صهیونیستی قرار داده است برای همین دلیل

بودجه زيادي را براي ارتش اختصاص داده و قرارداد كلاني را با بلوك شرق به ويژه پس از فرو پاش شوروي با روسيه داشته است بدهي‌ها نظامي سوريه به روسيه به بالغ بر ۱۵ ميليارد دلار است كه در جريان سفر سال ۲۰۰۶ بشار اسد به روسيه اين بدهي‌ها بخشیده شد. طي دهه هشتاد و ۹۰ قرن گذشته توجه روسيه به سوريه بيش از پيش افزايش يافت. طي سال‌هاي اخير نيز روابط سوريه و روسيه در بعد نظامي تقويت گرديده ات و سوريه اخيراً يك سيستم دفاع هوايي پيشرفته از روسيه دريافت نموده است و گفته مي‌شود سلاح‌هاي ضد تانك روسي كه سوريه در سال ۲۰۰۶ م، از روسيه دريافت نمود بسيار قوي است و مي‌تواند تانك‌هاي پيشرفته رژيم صهيونيستي را زمين‌گير نمايد.

سوريه در اثر اوضاع جديد جهاني جهت دريافت و دستيابي به اسلحه مورد نياز خود با موانعي روبروست منجمله تانك‌هاي جديد ساخت كشورچك و موشك‌هاي زمين به زمين ساخت كره از نوع اسكاد - سي قرار بود به سوريه ارسال شوند. تسليحاتي كه هم اكنون در اختيار سوريه است در واقع در پي تلاش‌ها و اقدامات بي وقفه رهبران سوريه با همكاري اتحاد جماهير شوروي سابق و روسيه فعلي بدست آمده است و سوريه در حال حاضر سلاح‌هاي مدرن از روسيه دريافت مي‌كند. در حال حاضر سوريه سرگرم امضاي قراردادهاي تسليحاتي جديد با روسيه بويژه در زمينه تانك، نفر بر زره، سيستم‌هاي دفاع هوايي و جنگنده مي‌باشد. ضمناً سوريه تسليحات دفاعي زيادي نيز در پي سفر سال ۲۰۰۶ بشار اسد به روسيه دريافت نمود. روسيه حاضر شد بدهي‌هاي سوريه را ببخشد. در ادامه به بررسي تعداد و تجهيزات نيروهاي نظامي سوريه مي‌پردازيم:

* نيروي زميني

- تعداد ۳۰۰۰۰۰ هزار نفر كه از اين تعداد ۱۳۰۰۰۰ هزار نفر كادر وظيفه اجباري، و ۵۰۰۰۰ نفر نيروي احتياط و باقي كادر رسمي هستند.

- دو مقر فرماندهی سپاه
- ۶ لشکر نظامی، هر کدام شامل دو تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه و یک تیپ توپخانه.
- ۳ لشکر مکانیزه، هر کدام شامل دو تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه و یک تیپ توپخانه.
- ۱ لشگر گارد ریاست جمهوری.
- ۱ لشکر نیروی ویژه شامل سه هنگ نیروی ویژه.
- ۱ تیپ در هر لشکر بالا برای تقویت نیروی کادر (بطور اضافی) در نظر گرفته شده است.
- ۳ تیپ پیاده نظام مکانیزه مستقل.
- ۲ تیپ توپخانه مستقل.
- ۸ هنگ نیروی ویژه مستقل.
- ۳ تیپ موشک‌های زمین به زمین شامل: ۲ تیپ هر کدام سه گردان مجهز به موشک‌های فراگ، اسکاد، ۱ تیپ شامل سه گردان مجهز به موشک‌های اس. اس. ۲۱.
- ۱ تیپ دفاع ساحلی مجهز به موشک‌های SS-C-1B اسپال، SS-C-3.
- ۱ تیپ نگهبان مرزی.
- ۲ هنگ ضد تانک مستقل.
- نیروی احتیاط شامل ۹ تیپ پیاده نظام مکانیزه.

* تجهیزات نیروی زمینی

- تانک جنگی ۴۶۰۰ دستگاه از انواع مختلف، —
- خودرو مکانیزه سواره نظام: ۲۲۵۰ دستگاه —
- شناسایی: ۵۰۰ دستگاه، — نفر بر زرهی: ۱۵۰۰
- دستگاه — توپخانه کششی: ۲۰۰۰ عدد از انواع مختلف
- چند میلیمتری — توپ خود کششی: ۳۸۰ عدد ۱۲۲
- میلیمتری — توپ ۱۳۰ میلیمتری، ۶۰۰ عراده — توپ
- ۱۵۵ میلیمتری ۵۰ عراده — ۱۸۰ میلیمتری ۱۰
- کاتیوشا: ۱۸۰ عدد ۱۲۲ میلیمتری — خمپاره انداز: ۵۰۰ عدد انواع مختلف.

* سیستم موشکی:

- ۶۰ فروند از نوع اسکاد D.c

— سکوهاي پرتاب موشكهاي زمين به زمين: ۱۸ سکوي فراگ ۷-۱۸ سکوي SS-21، ۲۰ سکوي اسكاد B-C و SS-C 1B اسپال و SS-C-3 ساحلي
— موشك هدايت شونده ضد تانك: ۴۷۰۰ فروند ساگر AT-3، ۲۰۰ فروند اسپیگوت ۲۰۰ عدد ميلان
— ضد هوايي: ۲۰۰۰ دستگاه از انواع مختلف.
— موشك زمين به هوا: ۲۰ فروند SA-13 و تعدادي SA-9/7

سوریه در سال ۲۰۰۰ موشك اسكاد D كره اي خود را كه ۳۶۰ ميل برد داشت را با موفقيت آزمایش كرد. در سال ۲۰۰۱ ميلادي رژيم صهيونيستي موشك اسكادي كه از حلب در شمال سوریه به طرف جنوب شليك شده بود را ردیابی كرد. محل فرود اين موشك در بیاباني در جنوب سوریه بود. در اوایل سال ۲۰۰۱ م، بسياري از كارشناسان نظامي معتقد بودند سوریه داراي حداقل ۲۶ سکوي پرتاب موشك اسكاد و ۳۰۰ الي ۴۰۰ فروند موشك اسكاد B.C بوده است اسكاد بي قادر به حمل يك كلاهك ۱۰۰۰ كيلوگرمي و اسكاد سي قادر به حمل كلاهكي ۷۷۰ كيلوگرمي با دقت زياد در هدفگيري ميباشد. سوریه با اين توان موشكي قادر به تهديد تامي خاك رژيم صهيونيستي است.

* نيروي دريائي

— تعداد ۱۲۰۰۰ نفر
— پایگاه: داراي سه پایگاه در لاذقيه، طرطوس، مينت البیداء
— زیر دریایی: ۳ فروند مدل رومئو (ساخت شوروي سابق)
— ناوچه ساحلي: ۱۹ فروند
— ناوچه گشتي: ۱۱ فروند
— مين روب: ۹ فروند
— آبي خاكي: ۳ فروند پالئوكني مخصوص پياده كردن نيرو

* نيروي هوايي

- تعداد نیرو: ۴۰ هزار نفر
- تعداد هواپیما: ۶۳۹ فروند انواع جنگنده
- تعداد هلیکوپتر: ۱۰۰ فروند انواع مختلف
- جنگنده بمب افکن: ۱۰ اسکادران انواع زیر:
- ۴ اسکادران شامل ۷۰ فروند سوخو ۲۲. — ۴ اسکادران شامل ۶۰ میگ سوخو ۲۳. — ۱ اسکادران شامل ۲۰ سوخو ۲۰. — ۱ اسکادران شامل ۲۰ سوخو ۲۴. — جنگنده: ۱۸ اسکادران شامل: ۸ اسکادران شامل ۱۷۲ فروند میگ ۲۱ - ۲ اسکادران شامل ۳۰ فروند میگ ۲۵ - ۵ اسکادران شامل ۸۰ فروند میگ ۲۳ - ۳ اسکادران شامل ۲۰ فروند میگ ۲۹ - هواپیمای شناسایی: ۶ فروند میگ ۲۵ - هواپیمای حمل و نقل: ۲۸ فروند - هلیکوپتر جنگی: ۱۰۰ فروند - هلیکوپتر حمل و نقل: ۱۹۰ فروند - هلیکوپتر ضد زیر دریایی: ۲۴ فروند - هواپیمای آموزشی: ۱۹۱ فروند - موشک هوا به زمین: انواع اسوانز، کری و هات - موشک هوا به هوا: انواع آتل، آکرید، آپکس، آفید، آلامو

* فرماندهی دفاع هوایی

- تعداد نیروی تقریبی: ۶۰ هزار نفر در قالب:
- ۲۲ تیپ دفاع هوایی
- ۲ هنگ موشک زمین به هوا

* نیروهای سوری مستقر در خارج

بعد از خروج نیروهای سوری از لبنان در سال ۲۰۰۵ دیگر این کشور در خارج از سوریه نیرو ندارد. تعداد نیروهای سوری در لبنان به حدود ۳۰ هزار نفر می‌رسید که شامل:

- ۱ لشکر فرماندهی
- ۱ سپاه
- ۱ لشکر پیاده نظام مستقل
- ۲ تیپ توپخانه
- ۸ هنگ نیروی ویژه

* نیروهای شبه نظامی

- ارتش آزادیبخش فلسطین

- تعداد: ۴۵۰۰ نفر در قالب ۳۰ تیپ (در سوریه و لبنان)
- تجهیزات: ۶۰ تانک جنگی، تعدادی توپخانه و کاتیوشا و موشک ضد تانک ساگر
- تعداد: ۸۰۰۰ نفر
- نیروهای مردمی حزب بعث (ارتش مردمی)

***نیروهای خارجی در سوریه**

- سازمان ملل (UNDOF): ۱۳۰۰ نفر از اتریش، کانادا، فنلاند و لستان.
- روسیه: ۵۰۰ نفر که عمدتاً نیروی هوایی و دریایی هستند.

***تسلیمات شیمیایی**

هرچند رژیم صهیونیستی و آمریکا در جنگ روانی خود مدعی وجود برنامه تسلیمات شیمیایی و میکروبی در سوریه هستند اما به نظر می‌رسد این ادعاها بیشتر برای تحت فشار قرار دادن دولت سوریه باشد.

***تسلیمات هسته‌ای**

هیچ مدرکی دال بر فعالیت مؤثر و چشمگیر سوریه در زمینه تسلیمات هسته‌ای وجود ندارد اما غربی‌ها معتقدند شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این کشور بدنبال دستیابی به این تسلیمات می‌باشد.

سوریه از سال ۱۹۹۰ مذاکراتی را با آرژانتین جهت خرید و ساخت یک راکتور اتمی آغاز کرد اما تحت فشار آمریکا متوقف شد. سوریه در دسامبر ۱۹۹۱ یک راکتور تحقیقاتی ۳۰ کیلوواتی با منبع نوترونی از چین خریداری نمود و کمیسیون انرژی اتمی سوریه ۹۸۰ گرم اورانیوم غنی شده (۹۰٪) را دریافت کرد. گفته می‌شود روسیه و سوریه در سال ۲۰۰۳ قراردادی در زمینه ساخت تأسیسات اتمی به مبلغ دو میلیارد دلار

امضاء کردند که شامل يك راکتور هسته‌اي نیز می‌شد. گفته می‌شود روسیه و سوریه در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌اي به توافقاتی رسیده‌اند. هرچند مقامات سوریه به شدت هرگونه تلاش خود برای استفاده از انرژی هسته‌اي را تکذیب می‌نمایند.

۸- جنگ‌های سوریه

سوریه بعد از استقلال تنها علیه تجاوز طلبی‌های رژیم صهیونیستی با آن رژیم وارد جنگ شده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

الف- جنگ ۱۹۶۸

اختلاف‌های مرزی سوریه و رژیم صهیونیستی که گهگاه به برخوردهای شدید مبدل می‌شد، از اواخر ۱۹۶۶ صورت جدی‌تری به خود گرفت. در اکتبر ۱۹۶۶ رژیم صهیونیستی از حملات چریک‌هایی که از خاک سوریه انجام می‌گرفت به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد، ولی در ژانویه ۱۹۶۶ درگیری‌های تازه‌ای بین سوریه و رژیم صهیونیستی در نزدیکی دریاچه طبریا رخ داد و دیرکل وقت سازمان ملل از دو کشور خواست که از برخوردهای مجدد خودداری کنند. ولی در اثر اتفاقات مرزی کار مذاکرات به بن‌بست رسید و در آوریل درگیری شدیدی بین نیروهای دو طرف در اطراف دریاچه طبریا رخ داد.

در جنگ شش روزه که در ۵ ژوئن ۱۹۶۸ آغاز شد، رژیم صهیونیستی پس از تصرف استحکامات سوریه در تپه‌های مشرف به دریاچه طبریا با پیشروی‌های سریع توانست شهر قنیطره (واقع در چهار مایلی جنوب دمشق) را تصرف نماید. در دهم ژوئن، رژیم صهیونیستی و سوریه موافقت رسمی خود را با پیشنهاد آتش‌بس سازمان ملل بر اساس قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت اعلام نمودند و متعاقب آن ناظرین سازمان ملل در خط آتش مستقر گردیدند. از آن به بعد سوریه با هرگونه تلاش جهت سازش با رژیم صهیونیستی که متضمن برگرداندن سرزمین‌های ازدست‌رفته در این جنگ نباشد مخالفت می‌کند و اخیراً دولت سوریه مشارکت

خود در کنفرانس صلح پیشنهادی جرج بوش رئیس جمهور آمریکا را که قرار است در پائیز سال ۲۰۰۷ بر گزار شود موکول به مطرح شدن مسئله جولان نموده است.

ب- جنگ اکتبر

در جنگ ششم اکتبر سال ۱۹۷۳ که نزد سوری‌ها به «جنگ تشرین» معروف است، ارتش سوریه با هماهنگی ارتش مصر، با یورش به نیروهای اشغالگر صهیونیستی در جولان، توانست در کمتر از ۲۴ ساعت استحکامات اشغالگران را درهم کوبد بدین ترتیب، ارتش سوریه با عبور از دریاچه «طبریا» و رود اردن، بر بلندی‌های جولان که در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ میلادی به اشغال رژیم صهیونیستی در آمده بود، سیطره یافت.

هماهنگی سوریه و مصر در ابتدای جنگ، رژیم صهیونیستی‌ها را غافلگیر کرد، اما نیروهای مصری پس از تسلط بر استحکامات دشمن در ساحل غربی «کانال سوئز» موسوم به «خط بارلو» عملیاتشان را در سومین روز جنگ متوقف کردند. این امر، فشارها را در جبهه جولان بر ارتش سوریه دو چندان کرد، و پس از گذشت سه هفته از آغاز درگیری، جنگ فرسایشی شد و یک سال به طول انجامید.

اعراب که در جنگ شش روزه ژوئن سال ۱۹۶۷ میلادی متحمل شکست سنگینی شده بودند و بلندی‌های جولان سوریه و صحرای سینا در مصر را ازدست داده بودند، از جنگ اکتبر به عنوان بزرگترین دستاورد نظامی اعراب در برابر رژیم صهیونیستی یاد می‌کنند. سوریه و رژیم صهیونیستی در پایان سال ۱۹۷۴ میلادی به آتش بس زیر نظر سازمان ملل تن دادند و برای این اساس، یک هزار و سیصد و پنجاه سرباز کلاه آبی پاسدار صلح موسوم به نیروهای «اندوف» مسئولیت نظارت بر آتش بس در منطقه جولان را برعهده گرفتند. به موجب توافق آتش بس، رژیم صهیونیستی، نیروهای خود را از شهر «قنيطرة» سوریه تخلیه کرد،

البته پس از آن که این شهر را به تلی از ویرانه بدل ساخت.

سوری‌ها قنیطره‌ی ویران شده را به عنوان سند ددمنشی صهیونیستها به همان شکل حفظ کرده‌اند. بسیاری از اهالی جنگ زده جولان در شهرهای دیگر سوریه سکونت گزیده‌اند که شمار آنان بر اساس آمار رسمی، حدود ۴۵۰ هزار نفر تخمین زد می‌شود. حدود ۲۰ هزار تن از شهروندان «دروزی» مذهب سوریه نیز در پنج روستا به نامهای «مسعده»، «عین قنیه»، «مجدل شمس»، «الغجر» و «بقعا تا» در بخش اشغالی جولان سوریه سکونت دارند.

رژیم صهیونیستی تاکنون نزدیک به ۴۰ شهرک در جولان ساخته و بیش از ۲۰ هزار یهودی را در آن اسکان داده است.

موقعیت سوق الجیشی جولان و مشرف بودن آن بر بخشهای وسیعی از سوریه، وجود زمینهای حاصلخیز کشاورزی و سفره‌های زیر زمینی، همواره نظر آزمندانه‌ی صهیونیستها را، حتی پیش از تأسیس رژیم اشغالگر قدس، به خود جلب کرده بود. رژیم اشغالگر صیونیستی در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۸۱ میلادی، جولان را به محدوده این رژیم ضمیمه کرد و درصدد دادن شناسنامه‌ای رژیم صهیونیستی به ساکنان سوری آن برآمد ولی با مخالفت سرسختانه‌ی ساکنان اصلی جولان روبرو شد. در سال ۱۳۸۶ بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه دستور داد به همه ساکنین جولان شناسنامه سوری اعطاء گردد.

در پی برقراری آتش بس میان سوریه و رژیم صهیونیستی، جبهه جولان در سکوتی منفعلانه فرو رفت، زیرا سوری‌ها تصمیم گرفتند، سرزمین اشغالی خود را با تحرکات دیپلماتیک و با استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت، از رژیم صهیونیستی باز پس گیرند، راهبردی که همچنان بر آن پایبند هستند. سوریه با تکیه بر همین دیدگاه و «اصل صلح در برابر زمین» در سال ۱۹۹۱ میلادی وارد مذاکره با تل آویو شد که این مذاکرات به طور پراکنده تا مارس ۲۰۰۰ ادامه داشت، اما با کارشکنی‌های رژیم صهیونیستی بدون

نتیجه مانند. مذاکرات میان طرفهای سوری و صهیونیستی در حالی متوقف شد که بر سر ۸۵ درصد از مسایل مورد اختلاف، توافق حاصل شده بود. اما، اصرار صهیونیستها برای تداوم اشغال نوار ساحلی دریاچه طبریا، مذاکرات به شکست انجامید.

سوریه پیوسته بر ضرورت بازگرداندن تمامی سرزمین جولان تا مرزهای چهارم ژوئن ۱۹۶۷ که این نوار ساحلی را نیز شامل می‌شود، تأکید دارد.

در پی اشغال جولان به دست رژیم صهیونیستی، سازمان ملل قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ را به تصویب رساند که از این رژیم خواسته شد، به مرزهای پیش از جنگ سال ۱۹۶۷ میلادی بازگردد. اما صهیونیستها از اجرای آنها سرباز زده و جامعه جهانی نیز در برابر زیر پا نهاده شدن قطعنامه‌های این سازمان تحرکی نشان نداده است.

مقامات سوری پیوسته تأکید دارند که صلح عادلانه و فراگیر، گزینه راهبردی سوریه بوده و این کشور خواهان برقراری صلح در چهارچوب مفاد کنفرانس مادرید اصل «زمین در برابر صلح» و قطعنامه‌های بین المللی است.

با این حال، تداوم بی اعتنائی صهیونیستها به پیشنهادهای صلح سوریه، مسئولان سوری را بر آن داشت که از بعد از جنگ ۳۳ روزه لبنان در سال ۱۳۸۵، لحن خود را تغییر دهند و به صراحت اعلام کنند: «اگر امکان بازگرداندن جولان با مذاکره فراهم نیاید، راه دیگری - مقاومت - نیز وجود دارد.»

فاروق الشرع معاون رئیس جمهوری سوریه در تیر ماه ۸۶، تصریح کرد: «سوریه خواهان جنگ با رژیم صهیونیستی نیست، اما برای آن آماده می‌شود، زیرا می‌داند که رژیم صهیونیستی به دنبال بهانه‌ای برای جنگ است به همین علت باید آمادگی داشته باشیم.» در تابستان ۱۳۸۶ ارتش اشغالگر صهیونیستی دست به مانورهای نظامی گسترده، پر ساز و برگ و در عین حال بی سابقه‌ای در بخش اشغالی سرزمین جولان زد که از اهداف ماجراجویانه‌ی این رژیم خبر می‌دهد.

رئیس جمهوری سوریه در این باره به خبرنگار رادیو «بی بی سی» گفت: جنگنده‌های اسرائیلی در تجاوز به حریم سوریه در ششم ماه سپتامبر ۲۰۰۷، ساختمان‌های را که پیشتر کاربرد نظامی داشت، بمباران کردند و اماکن مهمی هدف قرار نگرفت. «بشار اسد» در این مصاحبه متذکر شد: «پاسخ نظامی، به تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی‌ها همان چیزی است که آنها به دنبالش هستند و این چیزی است که ما خواهان آن نیستیم». وی افزود: «ضروری نیست که پاسخ ما، موشک جواب موشک باشد، ما ابزار خاص خود را داریم که ممکن است سیاسی باشد یا چیزی دیگر اما به هر جهت، این حق ما است که وقت مناسب، پاسخ دهیم».

هر ساله به مناسبت بزرگداشت جنگ اکتبر رئیس جمهوری سوریه به همراه فرماندهان ارتش و مسئولان بلند پایه کشوری، بر مزار سرباز گمنام در کوه «قاسیون» در دمشق حاضر شده و با قرائت فاتحه و نثار تاج گل، یاد شهیدان این جنگ را که منجر به آزادسازی بخشی از سرزمین اشغالی «جولان» شد، گرامی می‌دارند. و برای بزرگداشت این جنگ یک موزه بزرگ به نام موزه جنگ تشرین در دمشق ایجاد شده است.

ج - جنگ ۱۹۸۲ و حمله رژیم صهیونیستی به لبنان

فعالیت چریکی فلسطینی‌ها در لبنان و بروز عامل مقاومت اسلامی در جنوب لبنان و همچنین استقرار موشک‌های سوریه در منطقه بقاع بعنوان عامل تهدیدآمیزی علیه رژیم رژیم صهیونیستی از دیدگاه تل آویو شمرده می‌شد. رژیم صهیونیستی که مترصد حمله به لبنان جهت نابود سازی مقاومت فلسطین و لبنان و تضعیف نیروی سوریه در لبنان بود در تاریخ ششم ژوئن ۱۹۸۲ نیروی خود را به لبنان گسیل داشت. نیروی رژیم صهیونیستی با عبور از منطقه بقاع قصد پیشروی به سوی دمشق را داشت که دولت سوریه با درک اهداف توطئه گرانه تل آویو نیروی خود را بسیج کرد و از پیشروی رژیم صهیونیستی جلوگیری کرد. بعد از این بود که رژیم صهیونیستی به طرف منطقه شوف و بیروت پیش رفت و بیروت را محاصره نمود. این

محاصره مقدمه خروج نیروهای فلسطینی به رهبری یاسر عرفات از لبنان و روی کار آمدن بشیر جمیل دوست و همکار رژیم رژیم صهیونیستی در لبنان بود. به دنبال این جنگ بود که سوریه حضور نظامی خود در لبنان را تقویت کرد و این حضور تا سال ۲۰۰۵ م، ادامه داشت و بعد از ترور رفیق الحریری و تظاهرات علیه نیروهای سوری در لبنان این کشور با سرعت نیروهای خود را از لبنان خارج نمود.

د - روز شمار جنگ ها و درگیری های سوریه و رژیم صهیونیستی

۱۹۴۸: ارتش سوریه در جنگ فلسطین بر ضد باندهای یهودی که هسته مرکزی رژیم صهیونیستی را تشکیل دادند مشارکت نمود. این امر باعث شد که رژیم صهیونیستی بارها سوریه را متهم نماید که از خط آتش بس در جولان گذشته اند.

۵ - یونیو ۱۹۶۷ بروز جنگ بین اعراب و رژیم صهیونیستی و جنگ هوایی بین سوریه و رژیم صهیونیستی.

۶ - اکتبر ۱۹۷۳: جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی. ۳۱ مه ۱۹۷۴ رژیم صهیونیستی و سوریه با یکدیگر به توافق آتش بس رسیدند و نیروهای سازمان ملل پس از خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از بعضی مناطق به جای آنها مستقر گردید.

- یونیو ۱۹۷۶ رژیم صهیونیستی نسبت به ورود ارتش سوریه به لبنان برای پایان جنگ داخلی واکنشی نشان نداد در ابتدا نیروهای سوری برای حمایت از چریک های مسیحی در مقابل نیروها فلسطینی و چپ وارد لبنان شد.

- دسامبر ۱۹۸۱ کنیست رژیم صهیونیستی قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن بلندی های جولان به رژیم صهیونیستی ملحق می گردید.

- در یونیو ۱۹۸۲ در جنگ فراگیر رژیم صهیونیستی علیه لبنان و اشغال پایتخت جنگ هوایی شدیدی بین سوریه و رژیم صهیونیستی در دره بقاع که نیروهای

سوریه مستقر بودند اتفاق افتاد گفته شد در این جنگ هوایی بیش از ۸۰ هواپیمای سوری سقوط کرد.

- ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ کنفرانس صلح مادرید با حضور سوریه و رژیم صهیونیستی منعقد شد.

- ۱۵ دسامبر ۱۹۹۹ ایهود باراک نخست وزیر رژیم صهیونیستی و فاروق الشرع وزیر خارجه وقت سوریه در واشنگتن دیدار کردند.

- ۳ نوامبر ۲۰۰۰ این دو نفر بار دیگر با حضور وزیر خارجه وقت آمریکا خانم اولبرایت در واشنگتن با یکدیگر دیدار کردند.

- ۵ اکتبر ۲۰۰۳ نیروی هوایی رژیم صهیونیستی با یک حمله هوایی به منطقه عین‌الصاحب در ۱۵ کیلومتری شمال غرب دمشق به یک منطقه فلسطینی نشین که رژیم صهیونیستی ادعا نمود پایگاه آموزش تروریست‌ها حمله کرده این حمله در پاسخ به یک حمله استشهادی توسط جهاد اسلامی صورت گرفت که بر اساس آن ۲۰ صهیونیست به قتل رسیدند.

- ۲۸ یونیو ۲۰۰۶ چهار هواپیمای جنگی رژیم صهیونیستی حریم هوایی سوریه را نقض کرده و بر بالای کاخ بشار اسد در لاذقیه به پرواز در آمدند.

- در تاریخ اول ماه اوت ۲۰۰۶ هواپیماهای جنگی رژیم صهیونیستی به منطقه مصنع در نزدیکی مرز سوریه و لبنان حمله کردند.

- ۶ سپتامبر ۲۰۰۷ سوریه اعلام کرد دفاع هوایی این کشور هواپیماهای رژیم صهیونیستی را که به فضای این کشور در منطقه تل ابیض رخنه نموده بودند، مجبور به فرار نمود و این هواپیماها قبل از فرار مخازن سوخت و بعضی از ادوات جنگی را در خاک سوریه رها نمودند. این عملیات هیچگونه تلفات مادی و یا جانی نداشت. سوریه اعلام کرد حق پاسخ گویی را برای خود محفوظ می‌دارد. بعد از یک ماه سکوت منابع رژیم صهیونیستی از بمباران یک پایگاه نظامی سوریه که فعالیت اتمی در آن شروع شده بود خبر دادند و دولت سوریه بعدها اعلام نمود یک منطقه‌ای که قبلاً پادگان نظامی بوده است در این

حمله مورد هدف قرار گرفته است به دلیل شرایط منطقه‌ای از جمله حضور آمریکا در منطقه و رابطه خوب کشورهای عربی با آن و همچنین رابطه سرد آنها با سوریه هیچ یک از کشورهای مهم عربی این حمله را محکوم نکردند.

۹- جولان

رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ میلادی صحرای سینای مصر بلندی‌های جولان سوریه جنوب لبنان و کرانه باختری رود اردن و باریکه غزه را اشغال کرد در حال حاضر بسیاری از اهالی جولان در شهرهای مختلف سوریه سکونت گزیده‌اند که شمار آنان بر اساس آمار رسمی ۴۵۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. جولان از ابتدای عصر حجر محل اقامت انسان‌های نخستین بوده است و آثار تاریخی در مناطق «تل عکاش» و «جسرینات یعقوب» نشان می‌دهد که در سال ۵۲۲ قبل از میلاد در این مناطق تمدن وجود داشته است. پس از آن اقوام آرامی، آشوری، کلدانی، فارسی و یونانی در آن اقامت گزیدند و در سال ۶۰۱ میلادی بخشی از سرزمین‌های عربی شد که در زمان رومی‌ها تشکیل شده بود. آثار تاریخی پیدا شده در شهرهای «قنیطره»، «بانیاس»، «فیک» و «خشینه» گواه این موضوع هستند در سال ۶۴۶ میلادی نبرد بزرگ «یرموک» که موجب انقراض دولت روم شد در این منطقه رخ داد. سال‌ها قبل از تشکیل دولت صهیونیستی و شاید از اواخر قرن نوزدهم میلادی صهیونیست‌ها چشم طمع به جولان دوخته بودند گذشته از عقاید تاریخی و دینی یهود در خصوص ارض موعود که جولان نیز بخشی از آن است بسیاری از اظهارات و یادداشتهای سیاسی نیز نشان از چشمداشت صهیونیست‌ها به سرزمین فلسطین دارد. دیوید بن گوریون یکی از رهبران جنبش صهیونیستی طی نامه به حزب کارگر انگلیس در ۱۹۱۸ میلادی خواستار تسلط بر بلندی‌های جولان به منظور در اختیار داشتن آب‌های رودخانه‌های یرموک و اردن توسط صهیونیست‌ها شد. سازمان جهانی صهیونیست طی یادداشتی به کنفرانس صلح ورسای (۱۹۱۹) خواستار

انضمام جولان و جبل الشیخ به وطن قومی یهود گردید.

در جنگ شش روزه اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ م، رویای رژیم صهیونیستی‌ها به حقیقت پیوست و نیروهای رژیم صهیونیستی پس از اشغال جولان شهر قنیطره واقع در ۶۰ کیلومتری جنوب دمشق را تصرف کردند. شش سال بعد در جنگ رمضان در اکتبر ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) شهر قنیطره از رژیم صهیونیستی باز پس گرفته شد اما ارتفاعات جولان همچنان در اشغال باقی ماند. در دسامبر ۱۹۸۱ طی جلسه‌ای کنیست الحاق جولان به خاک رژیم صهیونیستی را تصویب کرد. سازمان ملل طی قطعنامه‌هایی خواستار خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از مناطق اشغالی شده اما این سرزمین‌ها همچنان در اشغال رژیم صهیونیستی باقی مانده است. طی چهل سال اشغال جولان، رژیم صهیونیستی تلاش کرده است بر اساس یک برنامه زمان بندی شده با تخریب روستاها و شهرک‌های عرب نشین منطقه و آواره ساختن ده‌ها هزار نفر از ساکنان سوری منطقه و جایگزین کردن ساکنان یهودی به جای آنها در شهرک‌های جدید تأسیس بافت جمعیتی جولان را برای اهداف دراز مدت تغییر دهد.

اهمیت ژئوپلیتیک جولان:

الف - آب

جولان فلاتی است به مساحت ۱۸۰۰ کیلومتر مربع که بین لبنان، فلسطین، اردن و سوریه واقع شده است و در واقع محل اتصال کشورهای کنونی ناحیه شام می‌باشد. جولان از شمال به کوه‌های حرمون منتهی می‌شود و بزرگترین قله این رشته کوه جبل الشیخ نام دارد. دره نهر یرموک در مرز سوریه و اردن در جنوب جولان قرار دارد. نهر اردن و دریاچه طبریا در غرب جولان این منطقه را از فلسطین جدا می‌کند. قله جبل الشیخ که در طول سال همواره پوشیده از برف است منبع اصلی تأمین آب دریاچه طبریا و رود اردن به شمار می‌رود رودخانه بانیا با آب شیرین خود که یکی از سرچشمه‌های رودخانه اردن است از این

بلندي‌ها سرچشمه مي‌گيرد. منطقه جولان داراي منابع آبي حدود ۲۰ ميليون مترمكعب مي‌باشد و شهرک‌هاي يهودي نشين اين مناطق با نياز ساليانه به ۲۶ ميليون مترمكعب آب مقداري از نيازهاي خود را از درياچه طبريا و بقيه را از چشمه‌ها و چاه‌ها و آب‌هاي زهکشي شده سطحي تأمين مي‌کنند به طوري که آب‌هاي درياچه رام که بزرگ‌ترين حوضچه آبي جولان است به سوي آبادي‌هاي رژيم صهيونيستي هدايت مي‌شود. با اشغال اين مناطق سوریه از ۳۸ ميليارد مترمكعب بارش ساليانه اين مناطق محروم شده است. بديهي است خروج نيروهاي رژيم صهيونيستي از جولان اين رژيم را از اين منبع عظيم آب محروم مي‌کند و آب يك راهبرد اصلي براي رژيم صهيونيستي به حساب مي‌آيد زيرا در اين رژيم هيچ رود دائمي جريان ندارد و رود اردن نيز در مناطق بعد از ۱۹۶۷ قرا دارد ميانگين کلي ريزش باران در کليه آنجيزه‌هاي رژيم صهيونيستي که منابع مختلف آب را تغذيه مي‌کند به حدود ده هزار ميليون مترمكعب مي‌رسد که تنها ۱۸٪ آن قابل استفاده است و مابقي با تبخير و ريخته شدن به درياهاي مدیترانه و سرخ از بين مي‌رود.

پس مشکل آب در رژيم صهيونيستي يك مشکل اساسي است و براي جبران آن به سرقت از منابع آبي ديگران دست زده است آبي که رژيم صهيونيستي از کشورهاي مجاور به تاراج برده ساليانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ ميليون ليتر مکعب است که حدود ۴۰٪ از نيازهاي ساليانه را تأمين مي‌نمايد و به طور مشخص آب بلندي‌هاي جولان به تنهائي نياز آبي رژيم صهيونيستي را تأمين مي‌نمايد. رژيم صهيونيستي براي حل اين بحران در پي سرمايه‌گذاري‌هاي عظيم در زمينه به کار گيري تکنولوژي مي‌باشد از جمله شيرين کردن آب دريا و باردار کردن ابرها و استفاده مجدد از فاضلاب‌ها، اين اقدامات مي‌تواند هزينه‌هاي زيادي به رژيم صهيونيستي تحميل نمايد. پس آب عنصر اساسي جهت امنيت و بقاي رژيم صهيونيستي است و بر اساس اصل خود ياري اين کشور براي حفظ امنيت منابع آبي خود مي‌خواهد بر منابع آبي ديگر کشورهاي منطقه

مسلط باشد و آنها را تحت کنترل خود در آورد. راهبرد رژیم صهیونیستی این است که رژیم صهیونیستی به منابع آب کشورهای همسایه وابسته نباشد. با این راهبرد مشخص می‌شود که هرچند مذاکراتی برای انتقال آب مصر (نیل) به رژیم صهیونیستی وجود داشته است اما به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی در این قضیه جدی نیست.

ب - زمین

همواره زمین مانند آب برای رژیم صهیونیستی به عنوان یک راهبرد مطرح بوده است و ادامه حیات این رژیم در گرو بدست آوردن آب و زمین بیشتر است. هرگز در نخستین کنفرانس صهیونیست در سال ۱۸۹۷ در ترسیم یک دولت صهیونیستی گفت: «امنیت دولت آینده رژیم صهیونیستی به وسعت اراضی این کشور بستگی دارد هرچه اراضی وسیع‌تر باشد تأمین امنیت آن آسانتر خواهد بود.» بر این اساس رژیم صهیونیستی دست به اشغال و تجاوز بیشتر به کشورهای همجوار می‌زند. در خصوص جولان نیز با توجه به اینکه این منطقه سرزمینی حاصلخیز می‌باشد رژیم صهیونیستی حاضر نخواهد شد به سادگی از آن چشم پوشی نماید.

ج - اهمیت نظامی

یکی از نقاط ضعف رژیم صهیونیستی مساحت کم و عرض باریک آن است و عدم برخورداری از عمق استراتژیک امنیت این رژیم را در معرض خطر قرار می‌دهد. رهبران رژیم صهیونیستی به دلیل محدودیتهای جغرافیایی سعی نموده‌اند تا به منظور کاهش تهدیدات خارجی به تجاوز به کشورهای همجوار ادامه دهند و جولان با توجه به استراتژیک بودن آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچند رژیم صهیونیستی دارای برتری نظامی و حتی هسته‌ای در منطقه است اما جولان آنقدر اهمیت دارد که رژیم صهیونیستی نمی‌خواهد از آن چشم پوشی کند. در خصوص اهمیت جولان همین بس که

عده‌ای از صهیونیست‌ها معتقدند داشتن جولان بدون صلح به مراتب بهتر از نداشتن جولان با صلح است.

د - اهمیت اقتصادی

جولان از نظر اقتصادی نیز اهمیت زیادی دارد در حال حاضر رژیم صهیونیستی ۴۰ شهرک یهودی‌نشین در این منطقه ایجاد نموده است و به تدریج به انتقال یهودیان به شهرک‌های جدید ادامه می‌دهد کارخانه مشروب سازی این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی برخوردار است و سالانه بیش از ۶۰۰ هزار بطری مشروب فقط به کشورهای اروپایی صادر می‌کند و پیش‌بینی می‌شود بیش از دو میلیارد دلار در آمد توریستی این منطقه در سال باشد.

ه - اهمیت تاریخی جولان

هدف نهایی رژیم صهیونیستی ایجاد کشور ملی و تاریخی رژیم صهیونیستی است به اعتقاد بسیاری از یهودیان، جولان در کتاب مقدس مورد اهتمام بوده است و بر همین اساس تصرف جولان را گامی در رسیدن به هدف اساسی که همان رژیم صهیونیستی بزرگ می‌باشد می‌دانند. باستان‌شناسان رژیم صهیونیستی هم مدعی هستند آثار بسیاری از کنیسه‌های قدیم یهودی در این منطقه کشف شده است.

هرچند در سال‌های اخیر استراتژی از نیل تا فرات رژیم صهیونیستی تا حدودی تغییر یافته و به نفوذ اقتصادی و کشوری محدود اما قدرتمند تغییر پیدا نموده است اما به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی به سادگی حاضر نباشد از این منطقه عقب‌نشینی کند.

مساحت جولان ۱۸۶۰ کیلومتر مربع می‌باشد که هنوز ۱۲۶۰ کیلومتر آن تحت اشغال رژیم صهیونیستی است و ۲۰ هزار نفر سوری در روستاهای این منطقه زندگی می‌کنند بزرگترین روستای این منطقه «مجدل الشمس» می‌باشد که ۵ هزار نفر جمعیت دارد در مقابل ۲۰ هزار شهرک‌نشین نیز به این منطقه منتقل شده‌اند که در ۴۰ شهرک یهودی‌نشین که طی سال‌های اخیر بنا شده است زندگی می‌کنند.

از نظر اداری، جولان جزء استان قنیطره سوریه می‌باشد صهیونیست‌ها قبل از خروج از قنیطره اقدام به ویران نمودن این شهر نمودند و دولت سوریه اکنون تصمیم دارد این منطقه ویران شده را که نشانی از وحشیگری صهیونیست‌ها است، به عنوان منطقه توریستی حفظ نماید. شهر جدید را در کنار آن بنا نماید. در زمان تجاوز رژیم صهیونیستی به این استان ساکنین آن ۱۵۰ هزار نفر بوده‌اند که امروزه ۴۱۰ هزار نفر از آوارگان این استان در شهرهای مختلف سوریه زندگی می‌نمایند. دولت سوریه اخیراً برای ورود به منطقه قنیطره سخت‌گیری‌های قبلی را ملغی نموده است و در نظر دارد شهری در کنار شهر ویران شده قنیطره بسازد و قنیطره قبلی که توسط صهیونیست‌ها به بدترین شکل ممکن ویران شده را به عنوان سند جنایت و وحشیگری صهیونیست‌ها باقی بگذارد.

قنیطره اهمیت استراتژیک مهمی برای سوریه دارد این استان محل تلاقی کشورهای مجاور سوریه می‌باشد و ۶۷ کیلومتر از دمشق و ۶۰ کیلومتر از اردن فاصله دارد و از پل دختران فلسطین ۳۰ کیلومتر و از لبنان ۲۰ کیلومتر فاصله دارد. مرتفع‌ترین بلندی سوریه یعنی کوه حرمون با ارتفاع ۲۸۱۴ مترمربع و پست‌ترین نقطه سوریه در کناره طبریا با ۲۱۲ متر از سطح دریا در این منطقه واقع شده است. این شهر به مناسبت عبور بولس‌الرسول از این منطقه اهمیت دینی نیز برای مسیحیان دارد لذا در سفر پاپ ژان پل دوم از سوریه در ۲۰۰۱ م، وی از این شهر نیز بازدید نمود سوریه در نظر دارد فعالیت‌های عمرانی در این منطقه که تا مدتی قبل یک منطقه نظامی بود را آغاز نماید و مقدمات این کار فراهم شده است.

جمعیت قنیطره به ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد که در حال حاضر ۳۵ نفر در این شهر سکونت دارند ۶۰ هزار نفر در حال حاضر در روستاهای استان قنیطره زندگی می‌نمایند که بعد از جنگ بازسازی شده است. نیروهای سازمان ملل در حال نظارت بر آتش بس بین

سوریه و رژیم صهیونیستی می‌باشند. این نیروها (اندوف) در حال نظارت بر آتش بس و با صلیب سرخ برای خروج و ورود سوری‌های مقیم جولان به داخل سوریه همکاری می‌نمایند دولت سوریه سالانه ۳۰۰ سهمیه دانشگاهی برای مقیمین جولان اختصاص داده که این افراد سالانه بین مناطق اشغالی و سوریه رفت و آمد می‌نمایند. ضمناً هر ساله بسیاری از ساکنین سوریه و یا جولان اشغالی با یکدیگر ازدواج می‌کنند که نیروهای اندوف، رفت و آمد بین طرفین را تسهیل می‌نمایند. همچنین سالانه ۳۰۰ نفر از مشایخ دروزی جهت زیارت اماکن مقدس خود در سوریه با اجازه رژیم صهیونیستی از مرز عبور کرده به سوریه می‌آیند.

۱- اصول و مبانی سیاست خارجی

سیاست خارجی سوریه از ابتدای استقلال این کشور از فرانسه تاکنون تحت تأثیر همسایگی با رژیم صهیونیستی بوده است. از آن جا که ماهیت رژیم صهیونیستی ماهیتی تجاوزکارانه و چشم داشت به خاک دیگران است همیشه تهدیدی راهبردی برای سوریه به شمار می‌آید. با توجه به برتری قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی رژیم صهیونیستی نسبت به سوریه، این کشور تلاش نموده است برای توازن با رژیم اشغالگر قدس، از سیاست واقع گرایانه استفاده نماید لذا در صحنه بین‌الملل به دنبال متحدانی می‌باشد که بتواند در برابر این رژیم از سوریه حمایت نمایند. طی سال‌های متمادی سوریه، بر رابطه با شوروی سابق و بعداً روسیه و چین سرمایه‌گذاری نمود. رابطه خوب این کشور با ایران نیز با توجه به این پارامتر روشن می‌شود. اختلافات سوریه و رژیم صهیونیستی چنانکه در فصل قبل اشاره شد به چند درگیری بزرگ بین دو طرف منجر شده است و فشارهای این درگیری‌ها یکی از موانع توسعه اقتصادی سوریه به حساب می‌آید. اصول سیاست خارجی این کشور بر اساس این مبنا یعنی آزادی جولان اشغالی و مقاومت در برابر زیاده خواهی رژیم صهیونیستی استوار است. دولت سوریه با اتخاذ سیاست واقع گرایی توانسته است مشکلات زیادی برای رژیم صهیونیستی

ایجاد کند و مانع عمده بر سر راه زیاده خواهی‌های رژیم صهیونیستی از کشورهای عربی باشد. اگر سیاست‌های دولت فعلی سوریه نبود، بی تردید مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی با مشکلاتی مواجه می‌شد. زیرا حمایت‌های سوریه از مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین نقش جدی در پیروزی‌های این دو جریان و شکست رژیم صهیونیستی داشته است. اتخاذ چنین سیاست واقع گرایانه‌ای در سیاست خارجی موجب شد تا این کشور به عنوان یکی از طرف‌های عمده منازعه در خاورمیانه به شمار آید و به "بزرگترین کشور کوچک جهان" معروف گردد. با توجه به همین اهمیت است که کسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا اعلام می‌کند هیچ صلحی در خاورمیانه بدون حضور سوریه محقق نخواهد شد. این کشور توانست با حمایت از جمهوری اسلامی ایران در مقابل عراق مانع عربی فارسی شدن جنگ تحمیلی گردد چنانکه با حمایت از کویت در برابر تجاوز صدام توانست حمایت‌های اقتصادی فراوانی بدست آورد.

این کشور توانست سال‌ها نیروهای خود را در لبنان حفظ نماید و حرف اول را در لبنان بزند. از دیگر اصول سیاست خارجی این کشور که ملهم گرفته از ایدئولوژی حزب بعث است حمایت از وحدت اعراب می‌باشد این کشور همچنان یکی از اعضای فعال سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد. سوریه همواره قطعنامه‌ها و توافقات سازمان ملل در خصوص خلع سلاح و در رأس آن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که سوریه عضو آن است را تأیید کرده است و همچنین در سال ۱۹۹۲ موافقتنامه‌های تضمینی مربوط به آن را امضاء نمود. سوریه به منشور سازمان ملل پایبند است و این پایبندی سبب گردیده است از این سازمان بخواهد که هر آنچه در شورای امنیت صادر می‌شود اجرا نماید به خصوص قطعنامه‌هایی که در خصوص نزاع اعراب و رژیم صهیونیستی‌ها صادر شده است تا در منطقه صلح و آرامش ایجاد شود. حقوق بین‌الملل اقتضا می‌نماید که با همه یک گونه

برخورد نمایند نه اینکه با دو معیار با این مسئله برخورد شود.

نظم سیاسی جهان عرب نشان می‌دهد که سوریه همواره در ائتلاف خود با یک یا دو کشور عرب به عنوان قدرت مهم هماهنگ عمل می‌کند. به عبارت دیگر سوریه نمی‌تواند بدون این روش نقش سیاسی و راهبردی خود را در منطقه و جهان ایفا نماید. سیاست خارجی حافظ اسد ائتلاف با کشورهای مهم عرب عمده‌تاً در قالبی مصلحتی، مقطعی و یا برای گریز از برخی فشارهای داخلی و خارج بوده است. البته سیاست در سوریه بر خلاف دیگر کشورهای عرب مبتنی بر شتابزدگی نمی‌باشد بلکه با رفتار ثابت خود و در جهت رفع تنگناهای راهبردی خود، سوریه بر مبنای یک سری مصلحت‌ها به تغییراتی دست می‌زند و در همان حال تلاش می‌نماید موضعگیری ثابت خود را بدون اعطای امتیازات قابل توجهی به دیگران حفظ نماید. سیاست خارجی سوریه در زمان حافظ اسد و بعداً پسرش بشار حفظ مجرای تنفسی با کشورهای منطقه و جهان بوده است. بدین گونه سیاست خارجی خود را متناسب با آرمان‌های ملت سوریه و ملتهای منطقه و همچنین عدم خدشه دار کردن منافع غرب طراحی کرده است. علی‌رغم تغییراتی که در جهان رخ داده و با فشارهای غرب و آمریکا، بارها این کشور تا مرز انزوای کامل پیش رفته و حتی در معرض تهدید و تعرض قرار گرفته است اما سیاست سوریه نسبت به صلح با رژیم صهیونیستی و حمایت از بعضی از طرف‌ها تغییر ننموده است. بطور کلی این سیاست در روابط سوریه با کشورهای عربی و منطقه از جمله ایران، عربستان و مصر متجلی است. اما منطبق ساختن از سیاست‌های هر کدام این کشورها بر سوریه و یا پیروی دمشق از سیاست‌های آنان با توجه به ساختار ایدئولوژیک و سیاسی نظام حاکم در سوریه غیر قابل اجرا می‌باشد. چنین حالتی در سیاست سوریه با غرب مشاهده می‌شود. نمونه بارز این عملکرد سوریه در حمایت از گروه‌های فلسطینی مخالف صلح می‌باشد.

۲- سیاست خارجی در زمان بشار اسد

رئوس برنامه‌ها و اهداف سیاست خارجی بشار اسد در سخنرانی وی در مراسم تحلیف اولین دوره ریاست جمهوری وی منعکس و مورد توجه زیادی قرار گرفت. بشار اسد در سخنرانی خود اصول سیاست خارجی سوریه در دوران حافظ اسد را مورد تأکید قرار داد و بر پایبندی خود به صلح با رژیم صهیونیستی تأکید و اظهار داشت: "ما برای تحقق صلح عجله داریم و این مسئله برای ما یک راهبرد است ما حاضر نیستیم از سرزمین خود چشم‌پوشی کنیم و اجازه دهیم حاکمیت کشورمان مخدوش گردد."

شرایط منطقه‌ای با ورود بشار اسد به قدرت به سرعت تغییر کرد زیرا مدتی پس از به قدرت رسیدن ایشان انتفاضه دوم مردم فلسطین آغاز شد و برخلاف انتفاضه اول مورد حمایت کشورهای عربی قرار گرفت و سوریه از این انتفاضه حمایت گسترده‌ای نمود. در این رابطه بشار اسد طی مصاحبه‌ای اعلام نمود: «هدف اصلی ما قبل از هر چیز حمایت از انتفاضه مردم قهرمان فلسطین است که نمی‌توانیم در این خصوص هیچگونه کوتاهی داشته باشیم.» در این مصاحبه، بشار اسد از آمریکا به شدت انتقاد و عدم التزام رژیم صهیونیستی به توافقات بین‌المللی را عامل اصلی شکست روند صلح دانست. در اجلاس سران اتحادیه عرب در سال ۲۰۰۱ بشار اسد موفق شد رهبران کشورهای عربی را به حمایت از انتفاضه و قطع روابط اقتصادی، سیاسی با رژیم صهیونیستی ترغیب نماید. با پیروزی جرج بوش در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ آمریکا و بدنبال آن به نخست وزیری رسیدن شارون در سال ۲۰۰۱ در رژیم صهیونیستی و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در آن سال، خاورمیانه و جهان وارد مرحله جدیدی گردید و تمام معادلات قبلی در منطقه بر هم خورد و مسائلی مانند حقوق بشر، صلح، مبارزه با فقر و توجه به محیط زیست و... در حاشیه قرار گرفت. آمریکا نیز توجه خود را به مبارزه با تروریسم معطوف کرد. ۱۱ سپتامبر بر روابط سوریه و آمریکا نیز مستقیماً تأثیر گذاشت.

با توجه به سياست اعلام شده از سوي بوش رئيس جمهور آمريكا مبني بر اين كه "هركس با ما نيست بر ضد ما است" موجب گرديد كه سوريه در موضع اتهام قرار گيرد زيرا سوريه از سه گروه مبارز به شدت مخالف آمريكا يعني حزب الله، حماس و جهاد اسلامي كه در ليست گروههاي تروريستي آمريكا قرار داشت حمايت مي نمود. سوريه در اين رابطه با فشارهاي فزاينده اي روبرو شد و حتي يك بار هم معاون وزير خارجه آمريكا سوريه را به حمله نظامي تهديد كرد. با افزايش فشارها سوريه تلاش نمود يك تعريف جديدي از تروريزم در سازمان ملل ارائه نمايد كه بين تروريزم و مقاومت ملي تفاوت قائل شود. اما آمريكا به شدت با اين تلاش ها مخالفت نمود و سوريه ناگزير شد به گونه اي با منطق جديد آمريكا تعامل نمايد لذا به آمريكا پيشنهاده همكاري در مبارزه با تروريزم را ارائه داد اما بر موضع خود مبني بر تمايز قائل شدن بين تروريزم و مقاومت ملي تاكيد كرد حتي سوريه تا ارائه اطلاعات امنيتي در خصوص القاعده با آمريكا همكاري نمود.

۳- چگونگي تصميم سازي در سياست خارجي

يكي از موفقيت هاي حافظ اسد رئيس جمهور سابق سوريه در صحنه سياست خارجي بود به طوري كه اين سياستمدار توانست بحران هاي مهمي را مديريت نمايد و به كشورش نقش مهمي در سياست منطقه اي اعطا نمايد به طوري كه سوريه در بين ديپلمات ها و كارشناسان به عنوان بزرگترين كشور كوچك جهان نام گرفت اين سياست علي رغم افزايش فشارها به سوريه و تغييرات منطقه اي كم و بيش ادامه پيدا كرد. اكنون اين سؤال مطرح است كه سياست خارجي در سوريه چگونه اتخاذ مي گردد كه اينگونه توانسته است دستاورد بزرگي را در پي داشته باشد؟ آيا تصميمات فقط توسط شخص رئيس جمهور اتخاذ مي شود و يا تصميم گيري سيستماتيک است؟ براي روشن شدن اين موضوع بايد به قانون اساسي اين كشور مراجعه نمود. بر اساس ماده ۹۴ قانون اساسي سوريه كه در

سال ۱۹۷۳ تهیه گردیده است رئیس جمهور مسئول سیاست خارجی می‌باشد و نخست وزیر نقش قابل ملاحظه‌ای در سیاست خارجی ندارد علاوه بر این ماده با توجه به اینکه رئیس جمهور دبیرکل حزب بعث نیز می‌باشد و در ماده ۸ قانون اساسی گفته شده است حزب بعث رهبری جامعه و کشور را بر عهده دارد همچنین با توجه به اینکه رئیس جمهور فرمانده کل قوا و همچنین رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ترقی‌خواه نیز است، دارای صلاحیت‌های زیادی در خصوص سیاست خارجی است.

چنانکه در بخش قوه مقننه نیز ذکر شد، رئیس جمهور سوریه بر طبق ماده ۱۱۵ قانون اساسی و ماده ۱۰۸ آئین نامه داخلی مجلس، در زمان عدم تشکیل جلسه مجلس حق قانونگذاری نیز دارد و با توجه به این صلاحیت‌هایی که قانون اساسی برای ریاست جمهور قائل شده است رئیس جمهور نقش اصلی را در سیاست خارجی بر عهده دارد. هر چند از لحاظ نظری سیاست خارجی توسط وزارت امور خارجه سوریه ترسیم و با هماهنگی کامل با ریاست جمهور اجراء می‌شود اما واقع امر این است که وزارت خارجه سوریه گزارشات، تحلیل‌ها و برنامه خود را به ریاست جمهور تقدیم می‌نماید اما تصمیم‌گیر نهایی در این خصوص رئیس جمهور است و وزارت خارجه تصمیمات سیاست خارجی را با هماهنگی با دیگر جهات ذیربط اجراء می‌نماید.

نقش وزیر امور خارجه در تصمیم‌گیری‌های مهم مبهم است زیرا مسائل مهمی مانند جنگ و صلح را رئیس جمهور و مجلس تصمیم‌گیری می‌نمایند اما در خصوص مسائل روتینی مانند قطعنامه‌های سازمان ملل و... نقش وزیر امور خارجه نقشی اصلی است و معمولاً نظر سوریه در مورد مسائل جهانی از ثبات برخوردار است. اگر تصمیمی ماهیت نظامی و یا امنیتی داشته باشد نقش وزارت امور خارجه کاهش و نقش ارگانها و سرویس‌های نظامی و امنیتی افزایش می‌یابد و رئیس جمهور به عنوان بالاترین مقام نظامی و امنیتی و فرماندهی کل نیروهای مسلح و مشاورین نظامی و امنیتی ایشان در این خصوص تصمیم‌گیری می‌نمایند. عملاً

در زمان حافظ اسد این رئیس‌جمهور بود که از طریق با مشورت با مشاوران خود تصمیمات اصلي سياست خارجي را اتخاذ مي‌کرد. به عنوان مثال از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ مذاکرات صلح با رژیم صهيونيستي تحت نظر مستقيم ايشان انجام مي‌شد و فاروق الشرع وزير خارجه وقت سوريه به دليل اعتمادي که حافظ اسد به ايشان داشت نقش مهمي بر عهده داشت. پس از مرگ حافظ اسد و به قدرت رسيدن بشار به دليل اعتماد و دوستي که بين رئيس جديد و فاروق الشرع وجود داشت، نقش ايشان در سياست خارجي سوريه به خصوص در بحران‌هاي مهمي مانند حمله آمريکا به عراق، ترور حريري، قطعنامه ۱۵۵۹ ارتقاء پيدا کرد. وي در سال ۲۰۰۶ به عنوان معاون اول رئيس‌جمهور برگزيده شد و صلاحيت‌هاي زيادي به وي محول گرديد و حتي براي اولين بار معاون رئيس‌جمهور داراي قائم مقام گرديد و سر لشکر محمد نصيف (ابو وائل) که از افسران با تجربه و مشاوران دو رئيس‌جمهور سوريه بوده است به اين پست منصوب شد. گرچه به نظر مي‌رسد نقش اساسي در سياست خارجي سوريه هنوز بر عهده رياست‌جمهور مي‌باشد.

در سال ۲۰۰۶ وليد معلم جانشين فاروق الشرع در وزارت امور خارجه شد. دليل اصلي اين انتخاب تلاش براي بهبود چهره سوريه در نزد غرب به خصوص آمريکا بود زيرا ايشان به مدت ۱۰ سال (۱۹۹۰ — ۲۰۰۰) در اوج ماه عسل روابط سوريه و آمريکا به عنوان سفير سوريه در واشنگتن خدمت مي‌کرد و شناخت خوبي از سياستمداران و هرم قدرت در آمريکا داشت. سوريه تلاش نمود با انتخاب فردي مانند وليد معلم روابط با آمريکا را بهبود بخشد و از فشارهاي آمريکا بر خود به خصوص پس از ترور حريري بکاهد. تعيين ايشان به عنوان وزير خارجه تبديلي در سياست‌هاي آمريکا عليه سوريه و کاهش فشارها نداشت و حتي در مقاطعي فشارها افزايش نيز پيدا نمود.

نقش رهبري جبهه ملي ترقي‌خواه و رهبري کشوري حزب بعث نيز در سياست خارجي سوريه تاثير دارد و

این دو نهاد نقش حمایتی از سیاست خارجی دارند. معمولاً شخص رئیس جمهور مسائل سیاست خارجی را برای مشورت به این دو نهاد ارائه می‌دهد. تحول مهمی که بعد از مرگ حافظ اسد در رابطه با سیاست خارجی سوریه از نظر شکلی مشاهده می‌شود اهمیت است که رئیس جمهور به مجلس ملی این کشور می‌دهد. ایشان در سخنرانی خود در زمان تحلیف دوره اول و دوم ریاست جمهوری در پارلمان رؤس برنامه‌های سیاست خارجی خود را اعلام نمود و برای تأکید بر نقش نهادهای انتخابی بعضی از تصمیمات مهم را در مجلس خلق سوریه بیان داشت به طور نمونه در سال ۲۰۰۵ با حضور در مجلس ملی سوریه خروج نیروهای کشورش از لبنان را اعلام کرد. نقش نهادهای نظامی و امنیتی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی از اهمیت زیادی برخوردار است اما کمتر مورد توجه رسانه‌های گروهی قرار می‌گیرد.

ناظران سیاست خارجی سوریه معتقدند این سرویس‌های امنیتی سوریه هستند که تصمیم‌گیرندگان اصلی در سیاست خارجی در موضوعات مهم به خصوص در مورد روابط با کشورهای منطقه و همسایه و همچنین مرتبط با مسائل امنیتی می‌باشند. به طور مثال در پرونده عراق، فلسطین و لبنان رئیس جمهور با لحاظ نمودن ملاحظات طرفهای امنیتی تصمیم می‌گیرد یا مسئول روابط سوریه با لبنان تا خروج نیروهای سوریه از این کشور در سال ۲۰۰۵ م، دستگاه امنیتی و اطلاعاتی سوریه بود و به مدت دو دهه سر لشکر غازی کنعان این مسئولیت را بر عهده داشت و بعد از آن سرلشکر رستم غزاله این مسئولیت را برعهده گرفت هرچند این دستگاه از نظر اداری زیر مجموعه و شعبه‌ای از سازمان امنیت نظامی سوریه به حساب می‌آمد اما مسئول آن مستقیماً با رئیس جمهور کار می‌کرد.

در خصوص ارتباط با گروههای فلسطینی مانند حماس، جهاد اسلامی و... نیز همینگونه است و مسئول ارتباط با آنها شعبه‌ای از دستگاه امنیتی ارتش سوریه است و هیچ ارتباطی با وزارت امور خارجه

ندارند و این شعبه گزارشات آنها را مستقیماً به رئیس جمهور تقدیم می‌نماید. برای روشن شدن این موضوع باید به این مسئله توجه شود که علی‌رغم رابطه بسیار خوب سیاسی حزب الله لبنان، جنبش فلسطینی حماس و جهاد اسلامی با دولت سوریه کمتر در رسانه‌های جمعی از ملاقات رهبران این گروه‌ها با رئیس جمهور سوریه خبری منتشر می‌شود.

۴- چالش‌های سیاست خارجی سوریه

با توجه به تحولات منطقه‌ای می‌توان مهمترین چالش‌های سیاست خارجی سوریه را در حال حاضر به شرح ذیل بر شمرد:

۱- لبنان، با توجه به تحولات بعد از ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۵ م، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که سوریه با آن دست به گریبان است، مسئله لبنان به خصوص تشکیل دادگاه بین‌المللی برای محاکمه متهمین به این ترور می‌باشد. هرچند سوریه معتقد است و بر این نکته اصرار دارد که هیچ‌گونه نقشی در این ترور نداشته و هیچ دلیلی نیز برای آن وجود ندارد اما تشکیل چنین دادگاهی بر اساس تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند چالش مهمی برای دولتمردان سوریه باشد چون با تشکیل این دادگاه، می‌توانند مقامات عالی سوریه حتی بشار اسد را به دادگاه احضار و نفس چنین عملی می‌تواند موجب تضعیف و نقض حاکمیت ملی سوریه و شخص بشار اسد را فراهم آورد.

مسئله دیگر برای سوریه را می‌توان تعیین مرزهای بین دو کشور و از همه مهم‌تر نقشی که لبنان می‌تواند در پناه دادن به مخالفان دولت سوریه داشته باشد، بر شمرد. از سوی دیگر تحت تاثیر قرار گرفتن تنظیم رابطه با گروه‌های هم پیمان خود در لبنان، می‌تواند فشارها بر دولت سوریه را افزایش دهد.

۲- تنظیم رابطه با کشورهای عربستان و مصر: رابطه خوب سوریه با دو کشور مذکور طی سال‌های متمادی توانسته بود محوری قوی از کشورهای عربی

را به وجود آورد که با یکدیگر در خصوص مسائل منطقه تا حدودی هماهنگ بودند و نقش مهمی را در منطقه ایفا می‌نمودند اما بعد از ترور حریری و سپس جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب الله و انتقاد شدید بشار اسد از رهبران کشورهای عربی به خاطر عدم همکاری با حزب الله و تشویق رژیم صهیونیستی به ادامه حملات که آنها را اشباه الرجال خطاب نموده و مورد حمله قرار داد، موجب تیرگی بیشتر روابط را فراهم آورد. رژیم صهیونیستی و آمریکا از این موضوع برای در انزوا قرار دادن بشار اسد استفاده و حتی سعی نمودند نقش منطقه‌ای سوریه را به اردن اعطا کنند اما بعد از مدتی متوجه شدند اردن پتانسیل ایفای چنین نقشی را ندارد. اما اقدام برای در انزوا قرار دادن سوریه تا حدودی موفقیت‌آمیز بود به طوری که بدنبال تجاوز هوایی رژیم صهیونیستی به فضای سوریه در شهریور سال ۱۳۸۶ هیچ یک از کشورهای عرب و اکنش در خوری نشان نداند.

عربستان تلاش می‌نماید سوریه را از محور مقاومت دور و به محور سازش نزدیک سازد این موضوعی است که بارها توسط رسانه‌های وابسته به عربستان مورد تاکید قرار گرفته است و یکی از شرایط بهبود رابطه با سوریه را کاهش روابط سوریه با ایران اعلام نموده‌اند، شرطی که به سختی می‌تواند مورد موافقت بشار اسد قرار گیرد. عربستان طی ۲۷ سال گذشته همواره برای کاهش رابطه ایران با سوریه تلاش نموده اما هرگز این تلاش‌ها با موفقیت همراه نبوده است. در این خصوص کافی است به تلاش‌های ریاض برای ممانعت از گسترش روابط ایران و سوریه در زمان جنگ تحمیلی اشاره کرد.

۳- سومین چالش خارجی سوریه مسائل مربوط به عراق است سوریه تلاش می‌کند سیاستی را انتخاب نماید که ضمن عدم شناسایی اشغالگران با دولت عراق همکاری نماید که به نظر می‌رسد با سفر مقامات عراقی به سوریه از جمله سفر نخست وزیر عراق به سوریه در تابستان سال ۱۳۸۶ و دکتر عادل عبد المهدي

در مهر ماه ۱۳۸۶ دو کشور توانسته‌اند تا حدی به یکدیگر نزدیک شوند.

۴- چهارمین چالش سوریه که از چالش‌های قبلی اهمیت بیشتری دارد ادامه مذاکرات صلح با رژیم صهیونیستی و تنظیم رابطه با آن است.

موقعیت منطقه‌ای

سوریه که در منطقه آسیای غربی واقع شده است به عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا شناخته می‌شود و به ساحل شرقی مدیترانه اشراف دارد. از دورانهای گذشته سوریه مرکز بازرگانی میان شرق و غرب بوده است. این کشور از لحاظ استراتژیک برای کشورهای عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا این کشور از شمال با ترکیه غیر عرب هم مرز است و از جنوب با سرزمینهای اشغالی فلسطین این کشور به خاطر نقش زیادی که در لبنان و عراق و فلسطین دارد به عنوان بازیگر اصلی به حساب می‌آید طی چند دهه گذشته اهمیت منطقه‌ای سوریه دچار تحول بوده است نقش سوریه در منطقه با اشغال فلسطین توسط صهیونیستها و جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی اهمیت بسزایی یافت و در جنگ سرد به دلیل هم پیمانی با شوروی نقش عمده‌ای پیدا نمود اما با فروپاشی شوروی نه بلکه از اهمیت سوریه کاسته نگردید بلکه بدنبال تجاوز عراق به کویت و مشارکت سوریه در جنگ علیه عراق برای اخراج نیروهای صدام از کویت و بدنبال آن مشارکت سوریه در مذاکرات صلح بار دیگر نشان داده شد که اهمیت سوریه به دلیل وابستگی به شوروی نیست بلکه این کشور دارای اهمیت ذاتی است. طی یک دهه گذشته فشارهای زیادی برای اجبار سوریه به پذیرش صلح وارد شده اما سوریه در این خصوص با اعلام شرایط خود حاضر نگردیده است از مناطق اشغالی خود چشم‌پوشی کند و با اتخاذ سیاست‌های ویژه توانسته رژیم صهیونیستی و آمریکا را در لبنان و عراق به چالش بکشد هر چند بعد از ترور حریری در لبنان سوریه با یک چالش عمده مواجه شد اما این فشارها

نیز نتوانست سوریه را مجبور نماید که از مواضع خود در خصوص صلح خاورمیانه عقب نشینی نماید. برای تشریح موقعیت منطقه‌ای سوریه روابط این کشور با چند کشور مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روابط سوریه با فرانسه

رابطه سوریه و فرانسه همیشه یک رابطه پر اهمیت و حساسی بوده است زیرا سوریه مستعمره فرانسه بوده است. علی‌رغم اینکه فرانسه توانسته است در زمان استعمار، سوریه را تحت تأثیر قرار دهد اما نباید فراموش کرد رفتار استعماری فرانسه باعث شده که افکار عمومی سوریه به شدت ضد فرانسوی شود. سوری‌ها همچنان فرانسه را مسبب جدایی استان اسکندرون از خود و الحاق به ترکیه می‌دانند. اما علی‌رغم این سوریه همواره خواستار تداوم رابطه و مذاکره با فرانسه بوده است و حتی در یک مقطع خواستار مشارکت جدی فرانسه در روند صلح خاورمیانه گردید. شاید دلیل آن نیز حمایت‌های مکرر فرانسه از سوریه مبنی بر درخواست جهت خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از جولان بوده است. ذیلاً اهم تحولات روابط سوریه و فرانسه اشاره می‌گردد:

الف- رابطه سوریه و فرانسه قبل از استقلال

بعد از جنگ جهانی اول که امپراتوری عثمانی متلاشی شد بر اساس موافقتنامه سایکس — پیکو (۱۹۱۶)، لبنان و سوریه در شمار بخش‌های تحت کنترل فرانسه درآمدند و در سال ۱۹۲۲ جامعه ملل رسماً سرزمین سوریه بزرگ را بین دو کشور فرانسه و انگلیس تقسیم کرد به طوری که اردن و فلسطین تحت قیمومیت انگلیس و سوریه و لبنان امروزی تحت قیمومیت فرانسه درآمدند. یک سال بعد سربازان فرانسوی این سرزمین را اشغال کردند. در تمام دوران حاکمیت فرانسه بر سوریه، این کشور تلاش نمود نفوذ خود را از طریق ایجاد تفرقه و حمایت از اقلیت‌های مذهبی مخالف هم افزایش دهد و سوریه تلاش نمود سه دولت فرقه‌گرا در سوریه پایه‌گذاری نماید

دولتي سني در مرکز، دولتي علوي در غرب و يک دولت دروزي در جنوب که اين ها با يکديگر يک نظام فدرال را تشکيل دهند.

با شکست فرانسه در سال ۱۹۴۰، در جنگ جهاني دوم، سوريه تحت کنترل دولت دست نشانده ویشي در فرانسه در آمد تا اينکه انگلیسی‌ها و فرانسوي‌هاي آزاد اين کشور را مجدداً در ژوئيه ۱۹۴۱ به اشغال خود درآوردند. سوريه در سال ۱۹۴۱، ادعای خودمختاري کرد، اما اين امر تا اول ژانويه ۱۹۴۴، محقق نگردید. با ادامه فشارها از جانب گروه‌هاي ملي‌گرای سوريه به نيروهاي اشغالگر فرانسه به منظور بيرون بردن نيروهايشان از سوريه، فرانسويها در آوريل ۱۹۴۶، اين کشور را ترک کرده و اداره آن را به جمهوريخواهاني که در زمان قيمومت فرانسه بر سوريه در اين کشور پا به عرصه وجود نهاده بودند، سپردند. در نتيجه در سال ۱۹۴۶، عملاً موضوع استقلال سوريه تحقق يافت.

ب- رابطه سوريه با فرانسه از استقلال تا روي کار آمدن حافظ اسد

در اواخر ۱۹۴۵، قدرتهاي پيروز در جنگ جهاني دوم، در دو کنفرانس تهران و يالتا با تقسيم ضمني خاورميانه و اروپا، مناطق تحت تصرف خود را بعنوان قلمروهاي سياسي و ايدئولوژيک شرق و غرب تعريف کردند. تحولات بعدي از جمله حمله رژيم صهيونيستي به مناطق عربي و شکست اعراب (و نيز سوريه) از رژيم صهيونيستي از دست دادن سرزمينهايشان، باعث گرايش بيشتر کشورهاي عربي نظير سوريه به اتحاد جماهیر شوروي و دور شدن آنها از ايالات متحده آمريکا شد. با آنکه سوريه همانند بسياري ديگر از مستعمرات فرانسه بواسطه مبارزات مردم اين کشور براي کسب استقلال و آزادي از زیر يوغ فرانسه، نمي‌توانست روابط حسنه‌اي و استراتژيکي با اين کشور داشته باشد اما از سويي نيازهاي اين کشور به فرانسه در منطقه خاورميانه و مديترانه باعث گردید تا سوريه برغم متکي بودن بر

اتحاد جماهیر شوروي همچنان بر روي موقعيت و نقش فرانسه در اروپا بويژه سازمان ملل متحد حساب باز نماید. در اين دوران عمده روابط فرانسه و سوریه بر موضوعات منطقه‌اي و همکاریهاي بين‌المللي استوار بود.

ج- روابط فرانسه و سوریه در دوران حافظ اسد

در نوامبر ۱۹۷۰، حافظ اسد وزير دفاع وقت سوریه يك کودتاي نظامي بدون خونريزي انجام داد. وي رهبران غير نظامي و راديکال حزب بعث را اخراج و خود رأساً به ايفاي نقش نخست وزير پرداخت. سوریه درجریان جنگهاي داخلي لبنان (۷۶-۱۹۷۵) به طور عميق درگیر شد. در مارس ۱۹۷۶، در پاسخ به درخواست رئیس جمهور وقت لبنان سلیمان فرنجیه نیروهاي نظامي سوریه براي مهار درگیریهاي اسلامي - مسيحي در منطقه دروز وارد لبنان شدند. اما پس از مدتي میانجیگری سوریه در لبنان تبدیل به حمایت این کشور از مسیحیان دست راستي سوریه علیه مسلمانان و فلسطینیان گردید. بدین ترتیب سوریه با وارد کردن حدود پنجاه هزار نفر از نیروهاي نظامي خود به لبنان به يك بازیگر سياسي مؤثر در صحنه سياسي داخل لبنان مبدل شد. از آن به بعد، این کشور با تربیت و تقویت هواداران سياسي خود در داخل لبنان اندیشه‌هاي افراطي قوم گرایانه مانند «سوریه بزرگ» (منطقه‌اي شامل سوریه کنونی، اردن و لبنان) را در دستور کار قرار داد.

در سال ۱۹۸۱، سفیر فرانسه در لبنان در محل پاسگاه ارتش سوریه که ماشینها را برای بازرسي متوقف کرده بودند، توسط يك سري افراد مسلح ترور شد. این امرتنش زیادی را در روابط سوریه و فرانسه ایجاد کرد. دامنه تنشها وقتي بیشتر شد که سرویسهاي امنیتی فرانسه در پایان تحقیقات خود به این نتیجه رسیدن که قتل سفیر فرانسه در لبنان (لوئیس بلامر) کار سوریه‌اي‌ها بوده زیرا آنها از تماسهاي دیپلماتیک فرانسه در

لبنان با سازمان آزادیبخش فلسطین، شدیداً ناراضی بودند.

مشارکت سوریه با ائتلاف کشورهای غربی در دهه ۹۰ میلادی در جنگ دوم خلیج فارس، موجبات بهبود نسبی روابط سوریه با کشورهای غربی و نیز عربی را فراهم کرد.

در ژوئیه ۱۹۹۸ میلادی حافظ اسد رئیس جمهور سوریه پس از ۲۲ سال از فرانسه بازدید نمود. هدف اصلی اسد از سفر به پاریس جلب کمک‌های سیاسی اتحادیه اروپائی برای خارج کردن منطقه از بن بست مذاکرات صلح بود. فرانسوی‌ها استقبال شایان توجهی از اسد بعمل آوردند. حافظ اسد در دیدار خود با شیراک برای وی توضیح داد که سیاست رژیم صهیونیستی مبتنی بر آشتی نا پذیر با کشور همسایه است. حافظ اسد معتقد بود، رژیم صهیونیستی بر صلحی پافشاری می‌کند که علل اصلی نزاع را نادیده می‌گیرد. در واقع چنین صلحی بیشتر به سرکوب و سازش اجباری شبیه است و تنها برای رژیم صهیونیستی امنیت و ثبات به همراه می‌آورد اما برای طرف‌های مقابل، برعکس، نه موجب بازگشت سرزمین‌هایشان و نه اعاده صلح و امنیت برای آنها می‌شود. وی از فرانسه خواست تا با نفوذ خود در اتحادیه اروپا، سطح مذاکراتی را که به حد صفر رسیده بود، احیا کند. در آن زمان فرانسه در صدد دستیابی نفوذ بیشتر در مذاکرات صلح خاورمیانه بود زیرا به باور فرانسوی‌ها وقتی رژیم صهیونیستی با فشار آمریکا حاضر شد بود که بر سرمیز مذاکرات صلح بنشینند، این امر به معنای تعیین مسیر روند تحولات آینده منطقه خاورمیانه بود که در عین حال نفوذ بیشتر آمریکا را در این منطقه نیز نهادینه می‌کرد. بنابراین فرانسه می‌بایست نوعی توازن نفوذ را در منطقه و در رقابت با آمریکا ایجاد کند. از همین رو ژاک شیراک به حافظ اسد قول داد که اجازه نمی‌دهد روند مذاکرات صلح فروپاشد. نگاه اسد به ایفاء نقش فعال‌تر اروپا در مذاکرات صلح خاورمیانه به معنای آن نبود که نقش آمریکا را بعنوان یکی از

بانیان مذاکرات صلحي که از سال ۱۹۹۱، آغاز شده و اساس آن مبتني بر طرح زمین در برابر صلح بود، نادیده بگیرد. فرانسه هم می‌دانست که رژیم صهیونیستی قدرت دیگری غیر از آمریکا را (که این کشور را وادار به ادامه مذاکرات صلح کند) به رسمیت نمی‌شناسد و لذا این کشور می‌خواست با حمایت نسبی از اعراب در مذاکرات صلح و تأکید بر امنیت رژیم صهیونیستی و تقبیح تروریسم، به گونه‌ای هم منافع خود را در میان کشورهای عربی خاورمیانه جستجو کند و هم به نوعی با رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه همراهی نماید. بهرحال در آن ایام نوعی خوشبینی امیدواری در میان کشورهای عربی در خصوص اینکه اتحادیه اروپایی می‌تواند بن بست مذاکرات صلح خاورمیانه را بشکند، وجود داشت. بعلاوه رفتار فرانسه به گونه‌ای بود که هرگاه تلاش‌های آمریکا با ناکامی مواجه می‌شد، این کشور فرصت‌طلبانه وارد عمل می‌گردید. البته فرانسه همچنین تلاش‌های زیادی را برای کنترل تهاجمات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان و درگیری با نیروهای حزب الله در سال ۱۹۹۶ بعمل آورد. بعلاوه شیراک در سال ۱۹۹۶ برای رایزنی با سوریه از این کشور بازدید بعمل آورد. همین پیشینه بود که موجب گردید در سال ۱۹۹۹، با میانجیگری فرانسه و سوریه، امر مبادله اسراء بین دو طرف رژیم صهیونیستی و لبنانی انجام گیرد.

یک سال پس از سفر حافظ اسد به فرانسه فرزند وی بشار اسد که در آن زمان هنوز یک مقام رسمی سیاسی محسوب نمی‌شد در اوت ۱۹۹۹، پس از یک سفر دوره‌ای به منطقه خلیج فارس، به فرانسه سفر کرد. وی در این سفر به مدت دو ساعت و نیم با ژاک شیراک گفتگو کرد و دیدگاه‌های خود را در مورد مسایل منطقه‌ای با وی در میان گذاشت. بر اساس اعلام خبرگزاری فرانسه و سخنگوی کاخ الیزه عمده مذاکرات دو طرف بر سر موضوعات بین‌المللی و منطقه‌ای بویژه نزاع خاورمیانه و روند صلح متوقف شده از سال ۱۹۹۶ بود. همچنین اخبار محرمانه‌ای نیز

منتشرگردید که طرفین در خصوص مسایلی مانند حضور سوریه در لبنان، آینده سیاسی این کشور و نیز ریاست جمهوری بشار اسد با یکدیگر مذاکره نموده‌اند. بهر حال فرانسه تنها کشور غربی بود که بشار اسد قبل از تصدی پست ریاست جمهوری از آن بازدید بعمل آورد. این امر شاید به دو دلیل صورت گرفت. اول آنکه بشار اسد می‌دانست فرانسه دارای بیشترین تاثیرگذاری در آینده سیاسی لبنان و مهمترین کشور عضو اتحادیه اروپا در حمایت از اعراب در جریان صلح خاورمیانه است و از این رو از نظر مقامات سوری باید این تضمین حاصل می‌شد که با جابجایی قدرت در سوریه خطری موقعیت این کشور را در لبنان تهدید نمی‌کند. دوم اینکه بشار اسد دارای سابقه تحصیلات در فرانسه بوده و از این جهت با اعتماد به نفس کامل می‌توانست در خصوص آینده سیاسی خود و کشورش با مقامات فرانسوی بحث و تبادل نظر کند.

یکی از دلایل همکاری سوریه و فرانسه در موضوع صلح خاورمیانه (علیرغم وجود مشکلاتی که این دو کشور در مسئله لبنان با یکدیگر دارند) آن است که فرانسه بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل همواره خواستار تخلیه بلندیهای جولان توسط رژیم صهیونیستی شده و تکرار و تصریح این موضوع توسط فرانسه امر بسیار مطلوبی برای سوریه است. هم چنین جانبداری فرانسه از تلاش برای یافتن یک راه حل عادلانه در خصوص آوارگان فلسطینی نیز از جمله موضوعات کلیدی دیگری است که در پیگیری مذاکرات صلح خاورمیانه فشار زیادی را بر رژیم صهیونیستی وارد می‌کند. ضمن آنکه واضح است این امر تا حدود زیادی عدم توازن ناشی از حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی در مذاکرات صلح را تعدیل می‌کند.

فرانسه بعضاً در برخی از موضوعات جانبی اما مهم، مانند اختلاف رژیم صهیونیستی و سوریه در استفاده از منابع آبی جولان و مناطق حاشیه‌ای آن،

میانجیگری کرده و راه حلهایی رامبتنی بر مقررات حقوق بین‌الملل به طرفین پیشنهاد نموده است.

موضوع دیگری که در همین ماه موجب افزایش تنش در روابط دو کشور شد، اقدام فرانسه در حمایت از ادامه و گسترش مأموریت نیروهای موقت سازمان ملل در جنوب لبنان، بعد از عقب نشینی نیروهای رژیم صهیونیستی از این منطقه بود. دمشق با هرگونه حضور سازمان ملل در جنوب لبنان مخالف بود. از نظر سوریه حضور نیروهای موقت سازمان ملل در جنوب لبنان، یک پوشش بین‌المللی برای عقب نشینی رژیم صهیونیستی و بازگشت حاکمیت و استقلال به این کشور فراهم می‌کرد و تصمیمات و اقدامات دولتهای سوریه و لبنان برای پشتیبانی از رفتار حزب الله و دیگر شبه نظامیان لبنانی جنوب این کشور را با مشکل روبرو می‌ساخت. اصرار فرانسه بر این امر نیز از آن جهت بود که این کشور براساس سیاستهای خود در سالهای گذشته، از هر فرصتی برای طرح و عملی کردن کاهش نفوذ سوریه در لبنان استفاده کرده بود. در همین ارتباط، سوریه ناامیدانه با اعزام یک هیأت سیاسی به ریاست فاروق الشرع به فرانسه از مقامات این کشور از جمله رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه این کشور خواست تا فرانسه از حضور نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در جنوب لبنان حمایت نکرده و یا حداقل سربازان فرانسوی را در میان این نیروها بکار نگیرد. در پاسخ مقامات فرانسوی نه تنها بر موضع خود برای حضور نیروهای نظامی حافظ صلح سازمان ملل در جنوب لبنان پافشاری کردند بلکه به فاروق الشرع هشدار دادند که در صورت مخالفت با حضور این نیروها در جنوب لبنان با یک انزوای بین‌المللی روبرو خواهند شد. آنها همچنین به سوریه یادآوری کردند، چنانچه به گروههای شبه نظامی اجازه فعالیت و اختلال در آتش بس در جنوب لبنان بدهد، تمام جامعه بین‌المللی سوریه را مسئول و عامل ادامه خشونتها در منطقه خواهند دانست.

آخرین رایزنی ژاک شیراک و حافظ اسد در می سال ۲۰۰۰، در جریان یک تماس تلفنی صورت گرفت. این رایزنی بدنبال تنشهای بوجود آمده در جنوب لبنان بود. اسد در این مکالمه تلفنی به شیراک اطمینان داد که سوریه کاملاً در پشت سر لبنان و حامی درخواستهای اصولی این کشور است. دو طرف همچنین در زمینه روابط دو جانبه و امکان برگزاری نشستی در خصوص تشکیل کمیته نظارتی موسوم به «کمیته تفاهم آوریل» با یکدیگر رایزنی کردند.

د- روابط سوریه و فرانسه پس از حافظ اسد

در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۰ میلادی، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه پس از سه دهه حکمرانی بلامنازع بدنبال یک بیماری مزمن از دنیا رفت. ژاک شیراک تنها رهبر غربی بود که در مراسم تشیع جنازه وی شرکت کرد. بلافاصله پس از مرگ حافظ اسد، پارلمان سوریه اصلاحاتی را در قانون اساسی این کشور بعمل آورد که بر اساس این اصلاحات حداقل سن برای تصدی سمت ریاست جمهوری از ۴۰ سال به ۳۴ سال کاهش یافت. این امر به بشار اسد اجازه می داد که قانوناً خود را نامزد واجد شرایط رهبری حزب بعث و ریاست جمهوری سوریه کند. در ۱۰ ژوئیه سال ۲۰۰۰ میلادی بشار اسد در ریان یک رفراندوم عمومی با کسب ۹۷/۲۹ درصد آراء ماخوذه (حسب اعلام آمار دولتی سوریه) سمت ریاست جمهوری این کشور را بدست گرفت. در اوت همین سال، کمیته روابط خارجی حزب بعث سوریه اسامی ۲۱ نفر از مقامات سابق و مسئولان نشریات و رسانه های عمومی این کشور را بعنوان نامزدهای کسب مقام سفارت در سفارتخانه های سوریه در خارج از کشور، به بشار اسد (رئیس حزب بعث و رئیس جمهوری سوریه) پیشنهاد کرد که وی نیز احکام آنها را صادر و ابلاغ نمود. خاطر نشان می سازد در سال ۲۰۰۰ میلادی سوریه در حالیکه دارای شصت نمایندگی در سراسر جهان بود، تنها ۶ سفیر در سفارتخانه های این کشور در سازمان ملل، فرانسه، مسکو، تهران، امارات و آمریکا داشت که این سفرا،

مسئولیت رسیدگی به امور دیگر نمایندگی‌های سوریه در منطقه حوزه مأموریت خود را نیز به عهده داشتند. اقدامات بشار اسد برای افزایش تعداد سفرها به معنی تلاش مجدد این کشور برای خارج شدن از انزوای بین‌المللی و ارتقاء سطح روابط بر اساس یک اراده جدید بود. بشار اسد در ایامی زعامت سیاسی سوریه را بدست گرفت که دوران روابط استراتژیک روسیه و سوریه در بلوک شرق بسر آمده بود و آمریکا نیز در جهان تک قطبی پس از جنگ سرد کاملاً جانب رژیم صهیونیستی را گرفته و هر از چند گاهی با قرارداد دادن سوریه در لیست سیاه حامی گروه‌های تروریست، تولید کننده سلاح‌های کشتار جمعی و ناقض حقوق بشر به اعمال تشدید تحریم‌های گوناگون علیه این کشور اقدام می‌کرد.

ذیلاً سیاست خارجی فرانسه در قبال سوریه پس از روی کار آمدن بشار اسد در این کشور را مرور می‌نمایم:

در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، یک هیأت از سنای فرانسه با هدف کمک به تجهیز ارتش سوریه و بررسی راه‌های تحقق این موضوع، دیدار ه روزه‌ای را از سوریه به عمل آورد. هیأت مذکور همچنین دیدارهایی با مقامات سوریه بعمل آورد. در این دیدارها در خصوص تقویت روابط دو جانبه، نحوه تفسیر سوریه از پیمان طائف و روند صلح خاورمیانه بحث و بررسی صورت گرفت. این هیأت ۴۱ عضو داشت و شامل افرادی با تخصص‌های صنعتی، نظامی و سیاسی بود و مذاکرات فشرده‌ای را با وزیر دفاع، وزیر خارجه، وزیر اطلاعات، وزیر اقتصاد، وزیر صنایع و نمایندگان بخش‌های خصوصی سوریه انجام داد.

موضوع استقلال و بازگشت حاکمیت لبنان و عقب نشینی از پایتخت این کشور، مسائل امنیتی جنوب لبنان و حمایت از درخواست سوریه برای عقب نشینی کامل رژیم صهیونیستی از بلندی‌های جولان و مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷ شامل دریاچه طبریا، پایبندی به آتش بس، کاهش تنش‌ها و ندادن بهانه به رژیم صهیونیستی

از دیگر نقاط مورد تأکید فرانسه برای این دیدار بود.

همچنین اطلاعات متعددی از برنامه‌های این سفر، مسائل امنیتی، تشریفات این بازدید و تلاش‌های یهودیان مقیم فرانسه برای جلوگیری از انجام سفر و نیز برپایی تظاهرات اعتراض‌آمیز به هنگام سفر و در طول چند ماه باقی‌مانده به انجام آن منتشر گردید. اخبار اعلام شده حکایت از آن داشت که بشار اسد به همراه یک هیأت عالی‌رتبه سیاسی - اقتصادی مرکب از معاون وقت رئیس‌جمهور (عبدالحلیم خدام)، وزیر امور خارجه و چند وزیر دیگر، ۲۲ افسر بلند پایه و بیش از ۵۰ تن از تجار سوریه به فرانسه سفر می‌کند. این امر نشان دهنده آن بود که سوری‌ها به اهمیت نتایج این سفر و موفقیت احتمالی آن واقف بوده و کسب دست‌آوردهای مفید از این بازدید، چشم امید دوخته‌اند. پیش‌بینی شده بود هشت موافقت‌نامه فنی و اقتصادی میان دو کشور امضاء شود و بانک مرکزی فرانسه هم متخصصان خود را برای مشاوره در امر بازسازی و سازماندهی بخش بانکی سوریه اعزام کند.

برخی از اروپایی‌ها با انتقاد از رفتار فرانسه در زمینه گسترش روابط با سوریه، اظهار نظر کردند این کشور در چارچوب اتحادیه اروپا و مشارکت اروپا - مدیترانه برای گسترش روابط با سوریه در دوران ریاست خود بر این اتحادیه، محدودیت می‌گذارد اما خود جداگانه و بصورت دوجانبه خلاف آن را انجام می‌دهد.

در اول ماه می ۲۰۰۱ میلادی، سوریه از تمدید اجازه فعالیت نماینده خبرگزاری فرانسه در دمشق خودداری کرد. این مسئله موجب گردید تا سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه، ضمن ابراز تأسف از این اقدامات آن را علامتی منفی برای آزادی مطبوعات در سوریه بخواند.

بشار اسد در ماه ژوئن قبل از سفر به فرانسه، با شبکه ۲ فرانسه در مورد مسائل مهم مربوط به روابط دو جانبه، مسائل منطقه‌ای و

بین‌المللی مصاحبه و اظهار داشت: ما دائماً باید مراقب باشیم که دولتهای اروپایی، کشورهای آن طرف مدیترانه را نادیده نگیرند. (اشاره به رفتار فرانسه در دوره تصدی ریاست اتحادیه اروپایی) نزدیکی کشورهای اروپایی به ما در منطقه مدیترانه آنها را ملزم می‌کند که نقش فعال‌تری را در رابطه با مسائل منطقه ایفا نمایند. وی مجدداً تأکید کرد که موقعیت فرانسه در این خصوص برجسته‌تر از سایر کشورهای اروپایی است. فرانسه کشوری است که برای دهه‌ها در منطقه حضور داشته و به نظر ما دارای بیشترین صلاحیت در خصوص انجام هرگونه مذاکره و پیگیری مشکلات و مسائل منطقه است.

بشار اسد در پایان، در خصوص روابط دو جانبه فرانسه و سوریه اظهار داشت: این روابط از دوران حاکمیت ژنرال دو گل خوب بوده و تا امروز که ژاک شیراک بصورت قاطع و آشکارا مواضع خود را در حمایت از اعراب بیان می‌کند، همچنان حسنه است. او ابراز امیدواری کرد که مناسبات خوب دو کشور ادامه یابد و در آینده شکل کامل‌تر و بهتری به خود گیرد.

عقب نشینی نیروهای سوریه از بیروت و استقرار آنها در دره بقاع پیامی بود که دولت سوریه قبل از سفر بشار اسد به مردم و دولت فرانسه و مخالفین لبنانی مقیم پاریس (از جمله میشل عون که علیه او به تبلیغات منفی می‌پرداختند) داد. این سفر در نیمه دوم ژوئن سال ۲۰۰۱، صورت گرفت و مقامات سوریه این اقدام را با هدف کاهش فشار بر خود در جریان سفر به فرانسه و کسب نتایج مطلوب انجام دادند.

روز دوشنبه ۲۵ ژوئن ۲۰۰۱، بشار اسد برای انجام یک سفر رسمی سه روزه از فرانسه وارد پاریس شد. در این سفر وی با مقامات بلند پایه فرانسه از جمله ژاک شیراک و ژوسپن نخست وزیر وقت و دیگر مقامات عالی‌رتبه فرانسه دیدار کرد. اسد همچنین در پشت درهای بسته مذاکرات محرمانه‌ای را با شیراک در خصوص مسائل منطقه‌ای و دو جانبه به عمل آورد. بر اساس اعلام مقامات دو کشور، در این مذاکرات

همکاریهای دو جانبه سوریه و فرانسه و سوریه و اتحادیه اروپا، وضعیت آینده نیروهای سوریه در لبنان و مسائل امنیتی جنوب این کشور، روند صلح خاورمیانه و ادامه مذاکرات با رژیم صهیونیستی و وضعیت شهرکهای یهودی‌نشین مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همانطور که قبلاً پیش‌بینی شد بود فرانسوی‌ها از سوریه خواستند که با گزارش کمیته میچل و طرح مشترک اردن و مصر درباره ادامه روند صلح موافقت کند.

همچنین شيراك قول داد که از تلاشهای بشار اسد در زمینه اصلاحات سیاسی و نوسازی اقتصادی و مسائل اجتماعی و حقوق بشری سوریه حمایت کند. بشار اسد در این خصوص به شيراك یادآوری کرد که کشورش به همکاریهای فرانسه در زمینه‌های تجاری، اقتصادی، صنعتی و توسعه‌ای نیاز دارد و یکی از دلایل حضور وی در پاریس همین موضوع است. وی خواستار حضور فعال‌تر فرانسه در سوریه در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی، دانشگاهی همچنین انتقال تجربیات تکنولوژیک شد.

در این دیدار قرار شد ژاک شيراك تا پایان سال ۲۰۰۱ از سوریه دیدار کند که این امر در اواسط اکتبر همان سال صورت گرفت.

بشار اسد در پایان این دیدار در مصاحبه به خبرنگاران اعلام کرد: سوریه و فرانسه در این نظر مشترک هستند که اساس گفتگوهای صلح بر مبنای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، مذاکرات صلح مادرید و طرح صلح در برابر زمین باشد. وی عملکرد رژیم صهیونیستی را در این خصوص بر مبنای سوق دادن منطقه به سمت جنگ توصیف کرد و در خصوص اقدامات آمریکا نیز اضافه کرد که هیچگونه مشارکت واقعی از این کشور در روند صلح مشاهده نشده است. وی وجود شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی را از لحاظ انسانی و قانونی غیرقابل قبول دانست و در پایان با دعوت از اتحادیه اروپائی و فرانسه برای ایفاء نقش فعال‌تر در روند صلح

خاورمیانه بر پای بندي کشورش طرحهاي فرانسه براي از سرگيري مذاکرات صلح تأکید کرد. در این سفر دو موافقتنامه در زمینه توسعه صنعت توریسم و بررسی طرح گسترش فرودگاه بین‌المللی دمشق به امضای مقامات دوم دو کشور رسید.

روزنامه الوطن چاپ عربستان سعودی در این ایام خبرهاي متنوع و دقیق‌تری از دیدار بشار اسد از پاریس منتشر کرد. این روزنامه نوشت، فرانسه در این دیدار شش توصیه مهم به بشار اسد نمود. این توصیه‌ها عبارت بودند از:

۱- سوریه همچنان باید در مسیر روند صلح خاورمیانه باقی بماند. مواضعی که بعضاً مقامات سوری اتخاذ می‌کنند در نوع خود بدیع اما غیر قابل قبول است. همچنین برخی رفتارهای رژیم صهیونیستی نیز بگونه‌ای است که برغم ادعا در زمینه تلاش برای دستیابی به صلح، اخلاص در این روند ایجاد می‌کند. لذا این کشور نیز باید اقداماتی که منطقه را با یک بحران نظامی مواجه می‌سازد، کنار بگذارد.

۲- لازم است سوریه با تمام توان از اقدامات نظامی حزب الله در جنوب لبنان و مزارع شبعا جلوگیری کند.

۳- مناسب است که سوریه از تلاشهاي جامعه بین‌المللی و اقدامات دیپلماتیک اروپا و آمریکا برای تثبیت اوضاع در منطقه و ایجاد آتش بس میان فلسطین و رژیم صهیونیستی حمایت کند. فرانسه همچنین اعلام آمادگی کرد چنانچه سوریه پیامی برای از سرگيري مذاکرات صلح به مقامات رژیم صهیونیستی دارد، آن را منتقل نماید. ضمن اینکه این کشور قول داد، همچنان تلاش خواهد کرد تا مذاکرات دیپلماتیک برای احیاء روند صلح خاورمیانه را از سر بگیرد.

۴- توصیه چهارم فرانسوی‌ها به سوریه در خصوص اوضاع داخلی لبنان بود. فرانسه ضمن استقبال از آرایش جدید نیروهای نظامی سوریه در لبنان و با تأکید بر هرگونه تاثیرپذیری از مواضع مخالفان لبنانی مقیم فرانسه، مانند میشل عون و امین جمیل

در خصوص عقب‌نشینی بی‌قید و شرط سوریه از لبنان خواستار آن شدند که سوریه موعد زمانی مشخص برای خروج از لبنان تعریف و ارائه نماید.

۵- فرانسه از سوریه خواست نسبت به اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل در خصوص تحریم عراق جدیت به خرج داده و جلوی نقض این تحریم‌ها از ناحیه مرزهای سوریه را بگیرد.

۶- مقامات فرانسوی بشار اسد را به اجرای اصلاحات همه‌جانبه در سوریه فراخوانده و بر اعطای آزادی‌های عمومی بیشتر تأکید نمودند.

در ماه‌های اوت و نوامبر همین سال، شیراک و اسد با انجام تماس‌های تلفنی به رایزنی و تبادل نظر در خصوص مسایل منطقه‌ای و روابط دو جانبه و همچنین موضوع مبارزه با تروریسم پرداختند. بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر فرانسه تلاش کرد تا هماهنگی‌های زیادی را با کشورهای منطقه در خصوص مبارزه با تروریسم بعمل آورد. از آنجا که سوریه در مظان اتهام در امر همکاری با تروریسم است فرانسه اصرار دارد تا سوریه شدت عمل بیشتری در مبارزه با تروریسم از خود نشان دهد.

در سپتامبر ۲۰۰۱ بازداشت گروهی از فعالان سیاسی اصلاح طلب سوریه ناامیدی‌های زیادی را نسبت به تغییر اوضاع در سوریه در مقایسه با دوران حافظ اسد ایجاد کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه در این مورد عمیقاً اظهار تأسف کرد.

در اکتبر ۲۰۰۱، سوریه به عنوان یکی از اعضای پانزده گانه شورای امنیت انتخاب گردید و با توجه به مواضع مخالف آمریکا علیه سوریه این کشور تلاش کرد تا در مواضع بین‌المللی خود هماهنگی بیشتری با فرانسه به عمل آورد.

بشار اسد در ماه نوامبر ۲۰۰۱، همچنین با هیأت اعزامی از مجلس ملی فرانسه دیدار و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر را ناشی از سرکوب و ناکامی مردم منطقه و نادیده گرفتن علل این حوادث توصیف کرد. در همین ماه مدیرکل خاورمیانه و شمال آفریقا وزرات خارجه فرانسه در دمشق با بشار اسد ملاقات کرد.

وي پیام ژاک شیراک را در این دیدار تسلیم بشار اسد داد. در این پیام علاوه بر روابط دوجانبه موضوع مبارزه با تروریسم نیز مورد تأکید قرار گرفته بود. بشار اسد با تایید نقطه نظرات شیراک وضعیت در مناطق اشغالی فلسطین اشغالی را بحرانی و هشدار دهنده خواند و خواستار آن شد در شرایطی که همه بحثها بر سر مبارزه با تروریسم می‌باشد، لازم است از سوء استفاده رژیم صهیونیستی در برخورد با فلسطینی‌ها جلوگیری شود.

در آوریل ۲۰۰۲ میلادی، رئیس انجمن دوستی سوریه و فرانسه وابسته به مجلس ملی فرانسه که به سوریه سفر کرده بود خواستار بهبود شرایط حقوقی و مالی برای سرمایه‌گذاری در سوریه شد. وی در این خصوص نیاز به تعریف یک چهارچوب قانونی برای فعالیت بانک مرکزی سوریه و اقداماتی از قبیل بیمه سرمایه‌گذاری در این کشور را یادآور شد و بر شفاف شدن همکاری سوریه با اروپا و نحوه همکاری این کشور با سرمایه‌گذاران خارجی تأکید نمود.

در نیمه اکتبر ۲۰۰۲، ژاک شیراک دیدار کوتاهی از دمشق بعمل آورد. در این دیدار مسائل منطقه‌ای از جمله اوضاع عراق، فلسطین، روند صلح خاورمیانه و لبنان مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. بشار اسد با اعلام مخالفت کشورش با جنگ آمریکا علیه عراق خواستار آن شد که شورای امنیت سازمان ملل و اعضای دائمی آن از وقوع چنین امری جلوگیری کنند. ژاک شیراک نیز ضمن همراهی با بشار اسد در این رابطه، اعلام کرد که فرانسه نهایت سعی خود را در این زمینه بعمل خواهد آورد. رؤسای جمهور دو کشور همچنین اظهار نظر کردند که سیاست تهاجمی رژیم صهیونیستی در منطقه، مسیر روند صلح را سد نموده و خشونت‌هایی که توسط رژیم صهیونیستی انجام می‌شود اجازه نخواهد داد که صلح و امنیت مستقر گردد. دو طرف مجدداً بر اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت و رعایت مقررات بین‌المللی تأکید نمودند. ژاک شیراک و بشار اسد، همچنین موافقت کردند تا روابط دو جانبه خود را در زمینه‌های مختلف گسترش دهند. دو کشور

همچنین به تبادل دیدگاه‌های خود در خصوص نحوه برگزاری کنفرانس پاریس ۲ در خصوص بازسازی لبنان پرداختند.

در دسامبر ۲۰۰۲، بشار اسد و همسرش پس از سفر به لندن برای انجام یک بازدید کوتاه وارد پاریس شدند. در این بازدید بشار اسد با ژاک شیراک رئیس‌جمهور فرانسه دیدار و در خصوص نحوه همکاری دولت عراق با بازرسان بین‌المللی به تبادل نظر پرداختند. دو طرف از این همکاریها ابراز رضایت کردند. در همین ماه طی یک تماس تلفنی، رؤسای‌جمهور دو کشور به ادامه مذاکرات در این خصوص پرداخته و طرح مشترک آلمان - فرانسه را در خصوص عراق بررسی کردند. دو کشور توافق کردند رایزنی‌هایشان را در خصوص مسئله عراق ادامه دهند.

در ۱۹ مارس ۲۰۰۳، فاروق الشرع و دومینیک دوویلپن در خصوص مواضع آمریکا پیرامون عراق و جلسه اضطراری شورای امنیت در نیویورک با یکدیگر تبادل نظر کردند. دوویلپن در آوریل ۲۰۰۳ به دمشق رفت و با بشار اسد دیدار کرد. وی با بیان اینکه خاورمیانه چهار راه ارتباطی جهان است و کشورهای منطقه باید مسئولیت بین‌المللی خود را به خوبی شناخته و انجام دهند، بر نقش سوریه در کنترل بحران عراق و منازعه خاورمیانه تأکید و رفتار این کشور را در آن مقطع ستود. وی همچنین از نقش سوریه بعنوان یکی از اعضای موقت شورای امنیت سازمان ملل در خصوص قطعنامه ۱۴۴۱ سازمان ملل ستایش کرد.

در آوریل ۲۰۰۳، مقامات آمریکا، سوریه را به انجام تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک تهدید کردند. این امر به بهانه تلاش سوریه برای توسعه سلاح‌های شیمیایی و نیز کمک این کشور به عراقیان فراری و شکست در برخورد با تروریسم صورت گرفت. برخی کارشناسان در ارتباط با تلاش‌های سوریه درخصوص اصلاح قانون اساسی لبنان، معتقدند که انتخاب شهرداری‌ها در لبنان در ماه ژوئن ۲۰۰۴، نشان داد که بسیاری از هم‌پیمانان سیاسی سوریه در لبنان،

قادر به کسب آراء بالائي در اين کشور نيستند و سوریه در آینده با کاهش نفوذ در اين کشور مواجه خواهد شد. بر همین اساس مقامات سوري از اين انتخابات به عنوان زنگ خطري براي خود ياد کرده و درصدد برآمدن تا سرمایه گذاري خود را برروي موقعيت افراي چون اميل خود رئيس جمهوري کنوني لبنان و سيد حسن نصرالله دبیرکل حزب الله متمرکز نمایند. بعلاوه آگاهي سوریه از طرح و تلاش مشترک فرانسه و آمریکا براي انتخابات رياست جمهوري لبنان، اين کشور و هواداران لبناني آن را به تکاپوي جدي انداخت تا مقاصد خود را از طريق اصلاحات در قانون اساسي لبنان، به انجام برسانند. براساس ماده ۴۹ قانون اساسي کنوني لبنان رئيس جمهور نمي‌تواند بيش از شش سال عهده دار اين مقام باشد لذا از آنجا که اميل خود از ۱۹۹۸ ميلادي در سمت رياست جمهوري لبنان بوده، قانوناً امکان کاندیداتوري وي براي دور سوم رياست جمهور وجود نداشت تا اينکه پس از کشمکشها و اختلافات سياسي فراوان کابينه لبنان در يک نشست فوق‌العاده در تاريخ ۲۷ اوت ۲۰۰۴ موضوع تعديل اين اصل را تصويب و براي رأي گيري در خصوص تدبير دور رياست جمهوري لبنان به پارلمان اين کشور ابلاغ نمود. همانگونه که اشاره شد از يکسو دخالت فرانسه و آمریکا براي تعيين و حمايت نامزدهاي احتمالي رياست جمهوري آینده لبنان و تلاش سوریه و حاميان لبناني او در جهت تغيير قانون اساسي اين کشور و تدبير رئيس جمهور کنوني لبنان از سوي ديگر، موجب بالا گرفتن اختلافات داخلي در اين کشور و تنش در روابط آمريکا، فرانسه و سوریه شده است. در اوائل ژوئيه ۲۰۰۴، مقامات آمريکايي اظهار نظرکردند که آمريکا از انتخاب فرد جديدي براي رياست جمهوري لبنان (بر اساس قانون اساسي کنوني اين کشور) حمايت مي‌کند. اين بدان معنا بود که آمريکا همصدا با فرانسه مخالف تدبير دوره رياست جمهوري اميل خود از طريق اصلاح قانون اساسي اين کشور است. البته اخبار متناقض ديگري نيز دال بر

حمایت آمریکا از کاندیداتوری مجدد امیل لحود از برخی شبکه‌های خبری عربی و از جمله الجزیر پخش گردید. پس از تصویب قطعنامه پیشنهادی فرانسه که از سوریه خواست نیروهای خود را از لبنان خارج نماید روابط دو کشور تیره گردید. ترور حریری در لبنان یکی دیگر از دلایل سردی روابط سوریه و فرانسه را موجب شد به طوری که بارها مقامات فرانسه علیه سوریه موضع‌گیری و موجب تصویب قطعنامه‌هایی در شورای امنیت علیه سوریه و در نهایت تصویب تأسیس دادگاه بین‌المللی برای ترور حریری شدند. روابط دو کشور روز به روز تیره‌تر گردید تا اینکه در آبان ماه سال ۱۳۸۶ کوسران نماینده ویژه فرانسه در امور خاورمیانه با نزدیک شدن به پایان فرصت انتخاب رئیس جمهوری لبنان برای رایزنی در این خصوص به دمشق مسافرت نمود پس از این ملاقات وزرای خارجه سوریه و فرانسه در حاشیه اجلاس وزرای خارجه کشورهای همسایه عراق در استانبول با یکدیگر ملاقات کردند. آینده لبنان همچنان یکی از چالش‌های سوریه و فرانسه باقی خواهد ماند.

روابط سوریه و آمریکا

روابط سوریه و آمریکا در زمان جنگ سرد یک روابط متوازن بود سوریه موقعیت آمریکا را درک می‌نمود و علی‌رغم اینکه آشکارا با رژیم صهیونیستی که مورد حمایت آمریکا بود در کشمکش بود اما در هیچ دوره زمانی موضع‌گیری خصمانه‌ای علیه آمریکا اتخاذ ننمود زیرا اولاً به شوروی اطمینان صددرصد نداشت و ثانیاً چالش مستقیم با آمریکا را به نفع منافع سوریه نمی‌دانست نقطه عطف رابطه سوریه و آمریکا را می‌توان سال ۱۹۷۴ میلادی ذکر نمود در این سال نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا از سوریه دیدار نمود. این دیدار به دنبال میانجیگری آمریکا میان اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۳ صورت گرفت. در مناسبات دو جانبه تلاش سوریه بر آن بود که حمایت آمریکا برای باز پس‌گیری جولان از طریق

فشار آمریکا به رژیم صهیونیستی را بدست آورد گفته می‌شود آمریکا به سوریه وعده داده بود که جولان متعلق به سوریه است. طی سال‌های بعد یعنی تا سال ۲۰۰۳ آمریکا برای رابطه با سوریه اهمیت قائل بود و سوریه را تنها قدرتی می‌دانست که می‌تواند بر گروه‌های اسلامی مبارز و بعضی دیگر از کشورهای منطقه تاثیر بگذارد و آنها را کنترل نماید. روابط سوریه و آمریکا در دوره حکومت بشار اسد ابتدا تقویت گردید به خصوص دولت آمریکا از اقدامات اصلاحی بشار در خصوص توسعه سیاسی و اقتصادی حمایت نمود. اما بدنبال مواضع بشار اسد در حمایت از عراق و مخالفت با حمله آمریکا به این کشور و همچنین برخورد نیروهای امنیتی با برگزار کنندگان میتینگ‌های مخالفین و طرفداران جامعه مدنی دولت آمریکا و غرب نسبت به دولت بشار اسد ابراز ناامیدی نمودند. در این باره بشار اسد می‌گوید: «ابتدا در نظر داشتم اصلاحات مهمی در سوریه ایجاد نمایم اما وقتی متوجه شدم عده‌ای که تا قبل نسبت به سیاست‌های سوریه دشمنی می‌ورزیدند من را به گسترش اصلاحات تشویق نمودند نسبت به نیت آنها شك کردم و پس از بررسی متوجه شدیم آنها با دست زدن برای من افکار زشتی از جمله سرنگونی را دنبال می‌کردند لذا آن را کند کردیم تا برنامه عمیق‌تری در خصوص اصلاحات در آینده دنبال نمائیم.»

پس از اینکه دولت آمریکا از این قضیه دلسرد شد آهسته آهسته فشارها را بر سوریه افزایش داد و عده‌ای از نمایندگان مجلس آمریکا قانون محاسبه سوریه را به تصویب رساندند.

روابط سوریه و آمریکا که قبل از حمله به عراق به دلیل اختلاف نظر در خصوص مسائلی چون فلسطین و لبنان و رابطه نزدیک سوریه با ایران از گرمی برخوردار نبود بعد از اشغال عراق توسط آمریکا وارد مرحله جدیدی شد و دولت آمریکا به کرات دولت سوریه را مورد حمله و تهدید و مجازات قرار داد. جناح معروف به بازها در آمریکا مانند رامسفلد و بولتون حملات زیادی علیه سوریه آغاز و

اتهامات مختلفی علیه این کشور مطرح نمودند. این موضعگیری‌ها باعث شد تا سوریه در موقعیت سختی قرار بگیرد. علی‌رغم اینکه در آن زمان سوریه عضو غیر دائم شورای امنیت بود اما مجبور شد قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت که پوششی برای حمله آمریکا به عراق را فراهم می‌نمود را تایید نماید. رایزنی‌های سوریه و عراق قبل از حمله آمریکا به عراق ادامه داشت و بشار اسد اعلام نمود حمله به عراق با هدف سرپوش گذاشتن به جنایت‌های رژیم صهیونیستی بر علیه مردم فلسطین صورت می‌گیرد و در اجلاس سران اتحادیه عرب که چندی قبل از حمله به عراق برگزار شد از سران عرب درخواست نمود از دادن تسهیلات به نیروهای اشغالگر که خود را برای نابودی عراق آماده می‌نمایند پرهیز نمایند.

این موضعگیری‌ها باعث شد که آمریکا پس از اشغال عراق فشارهای خود را علیه سوریه افزایش دهد. ابتدا آمریکا از سوریه درخواست نمود طرفداران صدام را که به سوریه فرار کرده‌اند را تحویل دهد و حتی در یک مرحله مدعی شد سوریه سلاح‌های کشتار جمعی عراق را پنهان نموده است. سوریه توانست با این برهان که از قدیم ماهیت رژیم صدام را می‌شناخته و حتی روابط کامل دیپلماتیک نیز با این کشور نداشته است تا حدی این تلاش‌های آمریکا را خنثی نماید. در خصوص تسلیحات کشتار جمعی نیز پیشنهاد نابودی و از بین بردن کلیه سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه را به شورای امنیت ارائه نمود که این پیشنهاد با عدم استقبال آمریکا روبرو شد. سوریه توانست با چشم‌پوشی از عبور اتباع کشورهای عربی برای عملیات علیه نیروهای اشغالگر عراق، حضور آمریکا در عراق را با چالش جدی مواجه نماید اما در مقابل آمریکا نیز فشارهای خود را به دولت سوریه افزایش داد به طوری که در یک مرحله سوریه برای کاهش این فشارها مجبور شد از گروه‌های فلسطینی مقیم سوریه نیز بخواهد یا فعالیت‌های خود را کاهش و یا داوطلبانه از سوریه خارج شوند تا بهانه از دست

دشمن جهت حمله به سوریه گرفته شود، اما آمریکا فشارهای خود به سوریه به خصوص پس از ترور حریری نخست وزیر لبنان را افزایش و سفیر خود از سوریه را فراخواند. این فشارها که منجر به صدور قطعنامه علیه سوریه در شورای امنیت سازمان ملل گردید موجب شد سوریه نیروهای خود را به سرعت از لبنان خارج نماید. آمریکا حملات سیاسی و تبلیغی خود علیه سوریه را گسترش داد و حتی این حملات به حملات نظامی محدودی علیه سوریه منجر شد به طور مثال یک بار نیز نیروهای آمریکا به یک کاروان عراقی در داخل سوریه حمله نمودند و پنج سرباز سوری مجروح گردیدند و برای مدتی در دست نیروهای آمریکایی اسیر بودند. این اقدام آمریکا پیام محکمی بود که سوریه باید جلو ورود جنگجویان عرب به عراق را بگیرد در غیر این صورت ممکن است تمامیت ارضی این کشور مورد تعرض قرار گیرد.

در سال ۱۳۸۵ گزارش کمیته مطالعه عراق معروف به کمیته "بیکر - هامیلتون" منتشر شد در این گزارش از دولتمردان آمریکا خواسته شده است برای حل مشکلات عراق از سوریه و ایران کمک بگیرند. رسانه‌های گروهی سوریه این گزارش را نشانه‌ای از شکست سیاست آمریکا در منطقه ارزیابی نمودند و مقامات رسمی سوریه از آن استقبال کردند. اولین واکنش رسمی سوریه به این گزارش از سوی عماد مصطفی سفیر سوریه در آمریکا ابراز شد. وی از این گزارش استقبال و بر نقشی که ایران و سوریه می‌توانند در ثبات و استقرار عراق ایفا نمایند تأکید نمود. ولید معلم وزیر خارجه سوریه نیز در مصاحبه با واشنگتن پست با تأکید بر حمایت بشار اسد از توصیه‌های کمیته بیکر متذکر شد سوریه عملاً با از سرگیری رابطه با عراق به اجرای توصیه‌های این کمیته پرداخته است. وی افزود سوریه ضد آمریکا نیست بلکه می‌خواهد یکی از طرف‌های گفتگوهای منطقه‌ای باشد و به ثبات در این منطقه کمک نماید. بدنبال انتشار این گزارش بود که چند تن از سناتورهای حزب جمهوری خواه و دموکرات

آمریکا از سوریه دیدار نمودند. در اوایل سال ۱۳۸۶ خانم نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به رغم مخالفت صریح کاخ سفید از سوریه دیدار نمود. این مسئله نشان داد که علاقه اندکی برای منزوی کردن سوریه حتی در بین دولتمردان آمریکا وجود دارد. زیرا بسیاری در آمریکا نقش کلیدی سوریه را درک می‌نمایند. به نظر ایشان این کشور می‌تواند نقش مثبتی را در تمامی تحولات منطقه از جمله عراق، لبنان و فلسطین به نمایش بگذارد اما به شرطی که بتواند منافع خود را بدست آورد و در غیر این صورت ترجیح می‌دهد این بحران‌ها ادامه داشته باشد. شاید بتوان دو ویژگی که موجب شده رهبران غربی به خصوص بعضی از جناح‌های حاکمیت آمریکا به سوریه توجه نمایند را ماهیت سکولار و واقع‌گرایی سوریه دانست با این دو خصیصه بسیاری در غرب معتقدند می‌توان با سوریه وارد مذاکره شد این در حالی است که جناح معروف به بازها در آمریکا تنها راه به زانو در آوردن سوریه را ادامه فشارهای سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی بر سوریه می‌دانند. جناح‌های دیگر در آمریکا معتقدند نباید انتظار داشت سوریه بدون گرفتن امتیاز از مواضع خود در فلسطین، لبنان و عراق عقب نشینی نماید. همانگونه که کمیته بیکر هامیلتون اشاره دارد، واشنگتن باید همه مشکلات را به همراه بحث در خصوص احتمال شکل‌گیری معامله «زمین در برابر صلح» با رژیم صهیونیستی، به طور مستقیم با رهبران سوریه در میان بگذارد و مذاکره را شرط اصلی حل و فصل این مشکلات قلمداد کند. اگر آمریکا چنین مذاکراتی را کلید بزند آنگاه موقعیت چانه زنی را با سوریه بدست خواهد آورد.

سوریه و مذاکره صلح خاورمیانه

چنانکه ذکر شد کلیه سیاست‌های سوریه از همسایگی با رژیم اشغالگر قدس متأثر است. بعد از مطرح شدن مسأله صلح خاورمیانه در سال ۱۹۹۱ سوریه در کنفرانس مادرید شرکت کرد اما اسیر

تبلیغات خیالی برای صلح نگردید سوریه موضوع صلح کامل در برابر عقب نشینی کامل را مطرح نمود در آن زمان رهبران رژیم صهیونیستی اعلام نمودند بدون تضمین سوریه مبنی بر به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و برقراری روابط دیپلماتیک درباره عقب نشینی از بلندی‌های جولان مذاکره نخواهند نمود. حافظ اسد بارها بر راهبرد خود مبنی بر صلح فراگیر و عادلانه تأکید نمود و در این باره توضیح داد: «صلحی که ما می‌گوئیم این است که رژیم صهیونیستی از اراضی اشغالی عقب نشینی نماید نه صلحی که رژیم صهیونیستی می‌خواهد که هم اراضی ما در اشغال آنها باشد و هم با آنها صلح کنیم و این مسئله تحت هیچ شرایطی برای سوریه قابل قبول نمی‌باشد.» مذاکرات و تلاش‌های محرمانه برای صلح بین سوریه و رژیم صهیونیستی تا چند ماه قبل از مرگ حافظ اسد در سال ۲۰۰۰ م، ادامه داشت و کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا به عنوان میانه‌جی در این مذاکرات تلاش فراوانی نمود. خانم اولبرایت وزیر خارجه وقت آمریکا می‌گوید: رژیم صهیونیستی از عقب نشینی از جولان موافقت نمود و مشکل بر سر حضور نیروها در کناره دریاچه طبریا بود رژیم صهیونیستی می‌گفت نیروهای سوری حق استقرار در ساحل این دریاچه را ندارند اما سوریه اصرار می‌ورزید که این منطقه قبل از درگیری‌ها به سوریه تعلق داشته است و باید نیروهای سوریه در کنار آن مستقر شوند» گفته می‌شود حتی آمریکا پیشنهادات اغوا کننده‌ای نیز در این رابطه به حافظ اسد داده است اما حافظ اسد در پاسخ گفته است سرزمین یک کشور برای فروش نمی‌باشد و در این خصوص حاضر به معامله نمی‌باشیم بعد از متوقف شدن مذاکرات در سال ۲۰۰۰ م، بین حافظ اسد و دولت ایهود باراک نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی دیگر مذاکره‌ای جدی بین دو دولت انجام نشده است. هرچند بعد از اشغال عراق بارها روزنامه‌های رژیم صهیونیستی خبر از مذاکره محرمانه بین سوریه و رژیم صهیونیستی می‌دادند اما سوریه این مسئله را تکذیب نموده است.

رژيم صهيونيستي از انزوای سوریه و حضور آمریکا در منطقه استفاده نموده و فشارهاي خود را به سوریه افزایش داد، رژيم صهيونيستي در سال ۲۰۰۳ م، به يك پایگاه فلسطيني متعلق به جبهه خلق برای آزادي فلسطین فرماندهي کل در نزديکي دمشق حمله نمود. با افزایش فشارها بشار اسد در مصاحبه با روزنامه نیویورک تایمز پیشنهاد از سرگيري مذاکرات با رژيم صهيونيستي از نقطه‌اي که در سال ۲۰۰۰ م، متوقف شده بود را مطرح نمود. اما پاسخ رژيم صهيونيستي به این پیشنهاد منفي بود و در عوض رژيم صهيونيستي شهرک‌هاي يهودي نشین در جولان را ۵۰٪ افزایش داد و طبق برنامه تدويني قرار است تعداد شهرک نشینان تا سال ۲۰۰۹ به دو برابر افزایش یابد. از آن زمان تا کنون بارها رژيم صهيونيستي تلاش نموده‌اند مسئولیت عدم شروع مذاکرات صلح بین سوریه و این رژيم را بر عهده بشار اسد بگذارند و در این خصوص اقدامات تبلیغي چندي نیز نموده‌اند از جمله شارون نخست وزیر سابق این رژيم در سال ۲۰۰۴ م، اعلام نمود اگر سوریه در صلح جدي است باید گروههاي ستیزه جو را از سوریه اخراج نماید. موشه کتساو رئیس جمهور سابق این رژيم نیز در سال ۲۰۰۵ م، اظهار داشت بشار اسد برای نشان دادن جدیت خود در صلح به رژيم صهيونيستي سفر نماید. اما به نظر می‌رسد رژيم صهيونيستي در صلح با سوریه در حال حاضر جدي نیست و بدنبال سهم خواهي بیشتر از سوریه است و سوریه نیز شرایط فعلی را برای آغاز مذاکره با رژيم صهيونيستي مناسب نمی‌داند.

از سوي دیگر آمریکا به عنوان میانجي تمایلي به آغاز مذاکره بین سوریه و رژيم صهيونيستي ندارد بلکه تلاش می‌نماید نظام بشار اسد را بیش از پیش منزوي سازد تا بتواند تغییراتي در خاورمیانه بر اساس راهبرد خود و بدون دادن امتیاز به دست بیاورد. بشار اسد در سخنانی خود در اجلاس سران اتحادیه عرب در اردن در سال ۲۰۰۱ به شدت سیاست‌هاي دولت‌هاي رژيم صهيونيستي را مورد حمله

قرار داد و افزود: "مردم جامعه‌ای که فردی مانند آرئیل شارون را که معروف به جنایت است به عنوان نخست وزیر بر می‌گزینند بدین معنا است که طرفدار صلح نیستند بلکه جامعه‌ای نژاد پرست می‌باشند." بعد از اینکه بشار اسد چندین بار دیگر سیاست‌های رژیم صهیونیستی را مورد حمله قرار داد و جامعه رژیم صهیونیستی را جامعه‌ای بدتر از نازی‌ها معرفی نمود، حمله‌ای شدید برای بد نام کردن بشار اسد در رسانه‌های غربی آغاز و وی را ضد صلح و ضد سامی معرفی نمودند. بشار اسد تلاش نمود در سخنرانی‌های بعدی لحنی آرام‌تر و صلح جویانه‌تر به خود بگیرد به طور مثال در مصاحبه‌ای که با کانال ۲ تلویزیون فرانسه در سال ۲۰۰۶ م، انجام داد اعلام نمود صلح همچنان برای سوریه یک راهبرد است و سوریه در صورتی که رژیم صهیونیستی قادر به برداشتن گام‌های جدی برای صلح باشد آماده به رسمیت شناختن آن است. از سال ۱۳۸۵ دولت سوریه بارها بر ضرورت آغاز مذاکره بین دو دولت تأکید نموده است به طور مثال در آذر ماه ۱۳۸۵ بشار اسد در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی ری پبلیکا پیشنهادهای مکرر خود را برای آغاز مذاکره با رژیم صهیونیستی جدی دانست و از اولرت خواست که با شروع مذاکرات صداقت سوریه را در عمل به آزمایش بگذارد. اولرت اما ادعا کرد اسد در این خصوص صادق نیست و این مسئله را برای خروج از انزوای بین‌المللی مطرح می‌نماید. در این رابطه ولید معلم وزیر خارجه سوریه نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه آمریکایی واشنگتن پست پیشنهاد سوریه برای مذاکره با رژیم صهیونیستی را بی‌قید و شرط دانست و تأکید نمود که برای باز پس‌گیری بلندی‌های جولان، پیش شرط سوریه برای آغاز مذاکره به شمار نمی‌رود. این مسئله باعث شد بسیاری این موضع را تغییر سیاست سوریه تفسیر نمایند زیرا پیش از این سوری‌ها از سرگیری مذاکره با رژیم صهیونیستی را مشروط به تعهد رژیم صهیونیستی مبنی بر خروج از بلندی‌های جولان و باز پس دادن آن به سوریه مشروط می‌نمودند و اصرار می‌کردند که

مذاکرات باید از همان نقطه‌ای آغاز شود که در سال ۲۰۰۰م، پایان یافت. به نظر می‌رسد سوری‌ها حداکثر نرمش را از خود نشان داده‌اند و اینک توپ در زمین رژیم صهیونیستی است. از سوی دیگر اولمرت سرسختانه با آغاز گفتگو با سوریه پیش از قطع روابط نزدیک این کشور با حماس و حزب الله مخالف می‌ورزد و در مقابل امیر پرتز و نتانیا هو رهبر حز ب لیکود خواستار مذاکره با سوریه هستند. اما آمریکا به شدت با آغاز مذاکره رژیم صهیونیستی با سوریه مخالف است و معتقدند فشارهای بیشتر باعث دور شدن سوریه و شخص بشار اسد از نیروهای مبارز منطقه و نزدیک شدن ایشان به کشورهای متحد آمریکا در منطقه می‌شود.

سوریه بارها در سال ۱۳۸۶ م، اعلام نموده است که آزاد سازی جولان در صدر اولویتهای این کشور قرار دارد و سوریه شرط مشارکت خود در اجلاس پائیزی صلح خاورمیانه را منوط به طرح مسئله جولان در آن نشست قرار داده است. سوریه امیدوار است با فشارهای بین‌المللی به رژیم صهیونیستی و همچنین مذاکره، موفق به بازگرداندن جولان گردد.

روابط با ترکیه

یکی از چالش‌های مهم سوریه با همسایگان از بعد از استقلال چالش این کشور با ترکیه بوده است. البته سوریه سال‌ها تحت تسلط دولت عثمانی بود اما چالش مهم سوریه با ترکیه از زمانی شروع شد که استان مهم اسکندرون به ترکیه واگذار گردید.

بندر اسکندرون در خلیجی به همین نام در شرق دریای مدیترانه در شمال سوریه و در جنوب غربی ترکیه واقع است. این بندر اهمیت راهبردی دارد و در طول تاریخ باعث چالش‌هایی در این منطقه گردیده است. تا پیش از احداث کانال سوئز این بندر نقش مهمی در ارتباطات بازرگانی بین شرق و غرب داشت. بعد از تجزیه دولت عثمانی و تشکیل دولت جدید ترکیه استان اسکندرون به سوریه

واگذار و چون سوریه تحت قیمومیت فرانسه بود این منطقه نیز تحت قیمومیت فرانسه درآمد. دولت ترکیه که به اهمیت این منطقه واقف بود بلافاصله تلاش‌های خود را برای بازپس‌گیری این استان آغاز کرد و بارها به فرانسه متذکر شد که باید این استان به استقلال دست یابد و یا اینکه به ترکیه واگذار شود. بدنبال آغاز مذاکرات فرانسه و سوریه جهت اعطای استقلال به این کشور دولت ترکیه نسبت به آینده این استان ابراز نگرانی نمود و به جامعه ملل شکایت برد. در ژانویه سال ۱۹۳۷ شورای جامعه ملل توصیه کرد به ولایت اسکندرون استقلال داخلی داده شود و روابط خارجی و امور اقتصادی آن تابع سوریه و زبان رسمی این منطقه ترکی باشد. بدنبال این تصمیم دولت‌های فرانسه و ترکیه جهت تضمین تمامیت ارضی و اوضاع و حاکمیت بر این استان قراردادی منعقد ساختند و به این وسیله اولین قدم برای جدایی این استان از سوریه برداشته شد. بدنبال این تصمیم مردم سوریه و عرب‌های این استان دست به اعتراض زدند اما به دلیل تمایل دولت فرانسه به تجزیه سوریه و جلوگیری از قدرت گرفتن سوریه، این کشور تصمیم گرفت بعد از مذاکرات پیچیده این منطقه مهم را به ترکیه واگذار نماید لذا قرار شد با نظارت دو دولت (ترکیه و فرانسه) همه پرس‌های در این منطقه انجام و تکلیف نهایی این استان مشخص گردد. بدنبال آن در سال ۱۹۳۸ م، عده‌ای از نیروهای نظامی ترکیه وارد این منطقه شدند و در سال ۱۹۳۹ م، که مصادف با شروع جنگ جهانی دوم فرانسه عملاً استان اسکندرون که بعدها ترکیه آن را استان "هاتای" نامید را در اختیار ترکیه قرار دادند و بدینوسیله مانع هم‌پیمانی ترکیه با آلمان نازی گردیدند.

این اقدام دولت فرانسه باعث بدبینی مردم سوریه به فرانسه گردید و مردم معتقدند چون این اقدام در زمان قیمومیت فرانسه انجام شده است از نظر قانونی اعتباری ندارد. در کتاب‌های درسی و نقشه‌های رسمی سوریه همچنان این استان قسمتی از

سوریه که به اشغال ترکیه در آمده است معرفی می‌شود. به کرات به دانش آموزان سوری تلقین می‌شود که این استان با زور از کشورشان جدا شده است. مقامات رسمی سوریه چندین بار از تعلق این سرزمین به سوریه سخن گفته‌اند که هر بار با واکنش تند ترکیه مواجه شده است. به طور مثال در سال ۱۹۹۰ وزیر وقت اطلاع رسانی سوریه طی اظهاراتی موضوع تعلق این استان به سوریه را مورد تأکید قرار داد که این مسئله با واکنش تند ترکیه مواجه شد. سیاستمداران ترکیه ادعای سوریه را مغایر حسن همجواری و قرار داد لوزان می‌دانند. از سوی دیگر بسیاری از ساکنین عرب اسکندرون که به سوریه مهاجرت نموده‌اند در حال حاضر از شخصیت‌های مهم سوریه به حساب می‌آیند. هر چند این مسئله هنوز کاملاً حل نشده است اما طی چند سال گذشته به دلیل درگیری‌های دیگری که با آن مواجه است مانند لبنان و فلسطین و عراق و همچنین بهبود رابطه سوریه و ترکیه از اهمیت این بحران کاسته شده است.

دومین چالش سوریه با ترکیه موضوع آب فرات می‌باشد. این موضوع سالها موجب تشنج در روابط ترکیه با سوریه و عراق را فراهم آورده است. ساختن سد آتاتورک در نواحی شرقی ترکیه موجب نگرانی سوریه و عراق شد. این موضوع کاملاً بین سه کشور حل و فصل نشده است اما توافقی نسبی در خصوص میزان آبی که از ترکیه وارد سوریه و سپس عراق می‌شود صورت گرفته است.

سومین چالش بین دو کشور موضوع حزب کارگران کردستان بوده است. دولت سوریه در دهه هشتاد و نود قرن گذشته برای تحت فشار قرار دادن ترکیه، حزب کارگران کردستان که مخالف دولت ترکیه می‌باشد را تقویت نمود و عبد الله اوجلان رهبر این حزب را پناه داد بدنبال اقدامات ایذایی این جنبش علیه دولت ترکیه در سال ۱۹۹۸ م، روابط دو کشور به شدت بحرانی گردید و دولت ترکیه برای اخراج اوجلان از سوریه اولتیماتوم شدیدی به این کشور داد. روابط دو کشور به حدی بحرانی شد که تا مرز درگیری

نظامی پیش رفت به طوری که شایع شد ترکیه تهدید نموده که سوریه باید اوجلان را از سوریه اخراج کند در غیر این صورت نیروهای نظامی ترکیه برای دستگیری وی وارد خاک سوریه خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تنش بین این دو کشور تلاش فراوانی را آغاز نمود و در نهایت پس از خروج اوجلان از سوریه و امضای یک قرار داد امنیتی بین دو کشور روابط از وضعیت بحران خارج گردید.

بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد در سوریه در سال ۲۰۰۰ م، و متعاقباً پیروزی حزب اسلام گرای عدالت و توسعه در ترکیه روابط این دو کشور همسایه به سرعت توسعه یافت و بشار اسد دوبار از ترکیه دیدار و متقابلاً رهبران ترکیه از سوریه دیدار نمودند. در سال ۲۰۰۷ بعد از حمله هوایی رژیم صهیونیستی که گفته می‌شود با استفاده از فضای ترکیه به شمال شرقی سوریه صورت گرفت دولت ترکیه به این اقدام رژیم صهیونیستی اعتراض و وزیر خارجه ترکیه طی سفر به سوریه به دمشق اطمینان داد این اقدام بدون نظر مثبت رهبران نظامی و سیاسی سوریه صورت گرفته است. گزارشاتی در خصوص تلاش ترکیه جهت میانجیگری بین سوریه و رژیم صهیونیستی جهت بازگشت به مذاکرات منتشر شده است. در مهرماه سال ۱۳۸۶ بشار اسد رئیس جمهور سوریه به ترکیه مسافرت نمود و مورد استقبال گرم مقامات ترکیه قرار گرفت در این دیدار که در اوج بحران رابطه ترکیه با بخش شمالی عراق به خاطر تحرکات حزب کارگران کردستان علیه ترکیه بود و ترک‌ها بارها تهدید نموده بودند که به شمال عراق برای سرکوب حزب کارگران کرد حمله خواهند نمود در این سفر بشار اسد از حمله ترکیه به شمال عراق برای سرکوب حزب کارگران ترکیه حمایت نمود. ترک‌ها در دو سفر بشار اسد به ترکیه در دی ماه سال ۱۳۸۲ و مهر ۱۳۸۶ استقبال گرمی از بشار اسد نمودند. شواهدی در دست است که ترکیه تلاش می‌نماید میان سوریه و رژیم صهیونیستی و آمریکا میانجیگری نماید.

روابط اقتصادی دو کشور نیز بعد از سفر تاریخی بشار اسد به ترکیه در سال ۱۳۸۲ به سرعت در حال گسترش است و میزان مبادلات تجاری دو کشور از ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ م، به مرز یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ م، رسید و این میزان در سال ۲۰۰۶ شتاب بیشتری گرفت و به مرز ۱/۵ میلیارد دلار بالغ گردید. مدیرکل گمرک سوریه در سال ۱۳۸۶ پیش بینی کرده است حجم مبادلات دو کشور در سال‌های نه چندان دور به مرز ۵ میلیارد دلار در سال بالغ گردد.

روابط با عراق

روابط سوریه و عراق بعد از اسلام روابطی مبتنی بر رقابت بوده است و بارها بین لشکریان شام (سوریه) و کوفه (عراق) جنگ و درگیری رخ داده است در زمان اموی‌ها شام به عنوان مرکز خلافت مطرح بود اما با به قدرت رسیدن عباسی‌ها ایشان بغداد را به عنوان پایتخت برگزیدند و از رونق شام و نقش آن در جهان اسلام کاسته شد.

روابط سوریه و عراق در دوره معاصر نیز همیشه روابطی رقابت آمیز بوده است به عنوان مثال رقابت دو جناح حزب بعث طی چهار دهه روابط این دو کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. در بررسی روابط این دو کشور باید به دو دوره قبل از سرنگونی صدام و بعد از سرنگونی صدام تقسیم نمائیم زیرا در هر یک از این مراحل روابط سوریه و عراق دارای ویژگی خاصی بوده است.

الف- روابط سوریه و عراق در دوران صدام حسین

روابط عراق و سوریه در دوران حکومت صدام حسین به شدت تیره بود و دلیل آن نیز رقابتهای بین دو جناح حزب بعث بود. این روابط سرد گاه به حد بحران نیز رسید بعد از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران این روابط سردتر نیز گردید زیرا دولت سوریه تنها کشور عربی بود که به صورت علنی اقدام صدام در حمله به ایران را محکوم و حمایت خود را از

جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود. در طول جنگ هشت ساله علی رغم فشار کشورهای عربی مانند عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس، دولت سوریه حاضر نگردید روابط خود با عراق را بهبود بخشد. دولت سوریه برای تحت فشار قرار دادن صدام در جنگ تحمیلی لوله های نفتی که نفت عراق را به ساحل سوریه در کناره دریای مدیترانه برای صادرات منتقل می نمود قطع کرد و این اقدام علاوه بر فشار دیپلماتیک فشار اقتصادی زیادی بر رژیم صدام وارد نمود. دولت سوریه در اقدامی دیگر به تمامی معارضین دولت صدام پناهندگی داد و آنها را علیه رژیم صدام حمایت نمود به طوری که بسیاری از رهبران مخالف دولت صدام دارای گذرنامه سوری گردیدند از جمله افرادی که دارای گذرنامه سوری بودند می توان به جلال طالبانی رئیس جمهور فعلی عراق اشاره نمود که چند ماه پس از ورود به عراق بعد از سقوط صدام گذرنامه سوری خود را به دولت سوریه باز گرداند. دولت صدام نیز مزاحمت هایی برای دولت سوریه ایجاد نمود. حمایت از بعضی جناحها در لبنان، حمایت از اخوان المسلمین و انجام عملیات تروریستی در سوریه و ایجاد شورای همکاری عرب میان چهار کشور مصر، عراق، اردن و یمن شمالی با هدف تشکیل یک بلوک ضد سوری در بین کشورهای عربی جهت تحت فشار قرار دادن دولت سوریه از جمله این اقدامات بود. دولت سوریه بلافاصله در مقابل این اقدام در یک اقدام که نشان از هوش سیاسی حافظ اسد داشت رابطه خود را با مصر بهبود بخشید و تلاش صدام در ابتدای کار با شکست مواجه شد. صدام حسین در آستانه برگزاری کنفرانس سران اتحادیه عرب در بغداد (۱۹۹۰) تلاش نمود یک ژست دوستانه نسبت به دولت سوریه اتخاذ و رابطه خود را با حافظ اسد بهبود بخشد تا بتواند به عنوان مهمترین کشور عربی خود را مطرح و به جهانیان نشان دهد که فقط این صدام حسین است که می تواند همه رهبران عرب را دور هم جمع نماید اما سوریه که به این فکر صدام پی برده بود و ماهیت رژیم صدام را به دلیل مبارزه طولانی می دانست از

حضور در این کنفرانس خود داري نمود و مطبوعات نزدیک به سوریه در لبنان تلاش نمودند این کنفرانس را کنفرانسی آمریکایی جهت ایجاد اختلاف بین کشورهای عربی معرفی نمایند.

در سال ۱۹۹۰ با تهاجم عراق به کویت و اشتباه مهلک صدام، سوریه از اولین کشورهایی بود که این حمله را محکوم و با اعلام انضمام خود به ائتلاف ضد صدام به رهبری آمریکا، بهره برداری زیادی از این اشتباه صدام نمود. دولت سوریه بلافاصله اقدام به اعزام نیروی نظامی در حمایت عربستان نمود دولت سوریه با این اقدام توانست امتیازات زیادی از بازیگران بین‌المللی کسب کند و با چراغ سبز آمریکا توانست نیروهای میشل عون که توسط صدام تقویت شده بودند را شکست و ایشان را از کاخ ریاست جمهوری بیرون و نیروهای خود را در لبنان تقویت نماید.

همچنین حافظ اسد توانست به عنوان یک شریک اصلی صلح خاورمیانه مطرح و با حضور خود در کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ به روند صلح خاورمیانه بپیوندد. سردی روابط عراق و سوریه تا بعد از مرگ حافظ اسد در سال ۲۰۰۰ م، ادامه داشت و تغییری در روابط این دو کشور اتفاق نیفتاد اما با به قدرت رسیدن بشار اسد به تدریج روابط دو کشور بهبود یافت و روابط آنها در سطح دفتر حفاظت منافع آغاز گردید. بدنبال افزایش فشارهای آمریکا به عراق و اعلام قصد آمریکا برای حمله به این کشور چند تن از مقامات عالی‌رتبه عراق از جمله طه یاسین رمضان و عزت ابراهیم معاونین صدام به دمشق مسافرت و با مقامات عالی‌رتبه سوری دیدار کردند. قبلاً نیز صدور نفت عراق از لوله‌های نفتی که از سوریه می‌گذشت آغاز شده بود. در آستانه حمله آمریکا به عراق بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه با سخنرانی‌های آتشین خود بارها نسبت به حمله آمریکا به عراق هشدار داد و تنها رهبر عربی بود که در مخالفت جدی با حمله به عراق موضعگیری نمود. بسیاری از تحلیلگران فشارهای چند سال گذشته آمریکا علیه رژیم سوریه را به مواضع این کشور

علیه آمریکا در آستانه تجاوز به عراق مرتبط می‌دانند.

ب- رابطه سوریه و عراق پس از سرنگونی رژیم صدام

با توجه به سرنگونی صدام به عنوان دشمن دیرینه رژیم سوریه انتظار می‌رفت روابط این کشور با دولتمردان جدید عراق که اکثراً چندین سال در سوریه پناهنده بوده‌اند حسنه و حتی راهبردی باشد اما این رابطه اینگونه نشد بلکه رابطه دو کشور بیش از قبل به سردی گرائید و دلایل آن نیز در صحنه عراق سوریه در ابتدا به دلایل زیر به مخالفت و مقابله با سیاستهای آمریکا پرداخت:

۱- سوریه چون احساس می‌کرد پس از عراق نوبت آن خواهد بود لذا بطور بی‌سابقه و غیر متعارفی، - در حالی که همیشه محافظه کارانه عمل می‌کرد - به مقابله با آمریکا پرداخت.

۲- همراهی سوریه با سلفی‌ها در عراق بیشتر با انگیزه‌های داخلی یعنی کسب تایید اکثریت سنی مذهب در سوریه انجام می‌شد.

۳- در میان مدت، مسائل میان سوریه و عراق قابل حل خواهد بود. در گذر زمان مشکلات میان آن و دولت شیعه عراق حل خواهد شد. با شدت گرفتن اتهامات و فشارها علیه سوریه علی‌رغم مواضع اولیه، سوری‌ها در صحنه عراق گام‌هایی برای کاستن از شدت اتهامات غرب علیه خود برداشته‌اند، محدودیت فعالیت و دستگیری و تحویل تعدادی از سران سابق حزب بعث عراق، افزایش کنترل مرزهای خود با عراق، کنترل و جلوگیری بیشتر از تردد نیروهای القاعده از مرزهای سوریه به داخل عراق، درگیری‌های پراکنده با گروه‌های سلفی و تکفیری مستقر در سوریه و محدود کردن فعالیت این گروه‌ها، اعلام موافقت با روند دموکراسی در عراق و همکاری در برگزاری انتخابات مجلس این کشور از اتباع عراقی ساکن سوریه و دعوت از رهبران عراقی جهت دیدار از سوریه از جمله اقداماتی است که سوری‌ها بمنظور تنش‌زدایی از روابط و کاستن از این فشارها به آن مبادرت

ورزیده اند، گرچه اخیراً مشکلات سوریه و آمریکا در مورد عراق کمتر شده است و سوریه آمادگی خود را برای انجام معامله با آمریکا اعلام نموده ولی هر از چند گاهی شاهد تکرار اتهامات سابق از سوی برخی مقامات آمریکا علیه سوریه هستیم. گزارشات زیادی از حضور دواطلبان سوری و یا دواطلبان کشورهای دیگر عربی که از طریق سوریه وارد عراق شده بودند تا به عملیات تروریستی علیه مردم و یا نیروهای غربی دست بزنند منتشر گردید. آمریکا و عراق دولت سوریه را بارها به دست داشتن در انفجارات عراق متهم نمودند اتهامی که همواره از سوی مقامات سوریه مورد تکذیب قرار گرفت.

یکی از اقدامات نیروهای آمریکایی پس از ورود به عراق قطع جریان نفت عراق که از سوریه صادر می شد بود با این اقدام دولت سوریه پی برد که جناح معروف به "بازها" در آمریکا از اشغال عراق اهدافی بیش از سرنگون نمودن صدام را دارند.

پس از سالها سردی روابط دو کشور با تلاش جمهوری اسلامی ایران روابط سوریه و عراق با سفر وزیر خارجه سوریه به بغداد گسترش و از تاریخ ۳۰ / ۸ / ۸۵ به طور رسمی از سرگیری مناسبات دیپلماتیک بین دو کشور آغاز شد. سفر وزیر خارجه سوریه به عراق نخستین دیدار یک مقام بلند پایه سوریه از این کشور در طول بیش از ۲۵ سال بود. روابط سوریه و عراق در سال ۱۹۸۰ قطع گردید و این روابط در سطح دفتر حفاظت منافع در سال ۱۹۹۷ میلادی در محدوده همکاری های اقتصادی و کمک های بشر دوستانه از سر گرفته شد. در سال ۱۳۸۵ رئیس جمهور وقت عراق جلال طالبانی از سوریه دیدار و در نهایت در تابستان ۱۳۸۶ نوری المالکی نخست وزیر عراق و متعاقب آن عادل عبدالمهدی معاون قدرتمند رئیس جمهور عراق از سوریه دیدار نمود. می توان سفر نوری المالکی به دمشق را نقطه عطفی در روابط دو کشور دانست زیرا دولت سوریه به گرمی از ایشان استقبال نمود و نخست وزیر عراق نیز مواضع مستقلی در خصوص سوریه اتخاذ نمود. در بیانیه مشترکی که در

پایان سفرنوری المالکی از دمشق منتشر شد برای اولین بار دولت سوریه از دولت مالکی به عنوان دولت منتخب مردم نام برد و به حمایت از آن برخاست. در این بیانیه دولت عراق نیز اعتراف نمود که کنترل مرزها مسئولیت مشترک بوده که به میزان همکاری دو طرف بستگی دارد. همچنین در این بیانیه همسایگان از جمله سوریه به مشارکت فعال و مثبت در کمک به گفتگوی فراگیر و آشتی ملی در عراق فراخوانده شده اند این در حالی است که عراق تا مدتی قبل چنین مشارکتی را دخالت در امور داخلی خود می دانست. در این سفر قراردادهای مهمی امضاء گردید و صدور مجدد نفت عراق از طریق سوریه در دستور کار قرار گرفت و سوریه ۱۳ مجرم تحت پیگرد دولت عراق را تحویل دولت عراق داد. در سفر بشار اسد در مهر ماه سال ۱۳۸۶ به ترکیه رسانه های خبری از حمایت بشار اسد از حمله ترکیه به شمال عراق برای سرکوبی شورشیان کرد خبر دادند. این مسئله بار دیگر موجب اعتراض بعضی از جناح ها از جمله طالبانی به بشار اسد گردید.

اثرات حضور پناهندگان عراقی در سوریه

حضور شمار زیادی از پناهندگان عراقی در خاک سوریه و اقامت آنها در این کشور فشار کمر شکنی بر پیکر اقتصاد سوریه وارد می کند. حدود ۱/۵ میلیون پناهنده عراقی بعد از حمله آمریکا به عراق تا تابستان ۱۳۸۶ وارد خاک سوریه گردیده اند و این افراد فشار چشمگیری بر زیر ساختهای اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و اجتماعی سوریه وارد می نماید. تعداد پناهندگان عراقی حدود ۱۰٪ جمعیت سوریه است و دستور دولت سوریه برای ثبت نام از دانش آموزان عراقی جهت تحصیل در مدارس سوریه باعث گردیده تا بسیاری از مدارس سوریه دوشیفته شوند و از آنجا که در سیستم آموزشی سوریه تحصیل ابتدایی رایگان است و حتی دولت موظف به تأمین کتب دانش آموزان است تحصیل تعداد زیادی از کودکان عراقی موجب فشار بر منابع مالی دولت در زمینه

آموزش شده است. هزینه تحصیل کودکان عراقی در سوریه از سوی منابع دولت سوریه ۱۲۰ میلیون دلار برآورد می‌شود.

هجوم آوارگان عراقی موجب افزایش قیمت مواد غذایی و به طور کلی تورم در سوریه شده است. مردم سوریه از این بابت ناراضی هستند. با توجه به یارانه‌ای که دولت سوریه برای سوخت پرداخت می‌نماید در نهایت این فشار به دولت سوریه وارد می‌شود. منابع دولتی سوریه هزینه سالانه‌ای که دولت در اثر حضور این پناهندگان متحمل می‌شود را بیش از ۲ میلیارد دلار برآورد می‌کنند. ابعاد این هزینه وقتی مشخص می‌شود که بدانیم حجم بودجه دولتی سوریه ۱۲ میلیارد دلار در سال است. از سوی دیگر دولت سوریه تصمیم دارد به تدریج یارانه‌ای دولتی را حذف و به جای آن هزینه‌ها را به طور مستقیم به شهروندان سوری بپردازد.

در سال ۱۳۸۶ بدنبال افزایش مهاجرت عراقی‌ها به سوریه دولت این کشور برای کنترل بیشتر ورود عراقی‌ها تصمیم گرفت برای ورود عراقی‌ها به کشور مقررات سختی وضع و برای اتباع عراقی که قصد ورود به سوریه را دارند در خواست روادید اید. عراقی‌هایی که قصد ورود به سوریه را دارند باید از سفارت سوریه در بغداد در خواست روادید کنند. این مسئله می‌تواند تا حدی ورود و خروج عراقی‌ها به سوریه را کنترل نماید.

روابط با لبنان

سوریه همواره لبنان را متعلق به خود دانسته و معتقد است که در اثر طرح‌های استعماری لبنان از این کشور جدا گردیده است احزابی مانند حزب قومی اجتماعی که در سوریه و لبنان فعال است هنوز معتقد به سوریه بزرگ است. سوریه به دلایلی مختلفی همواره به لبنان به عنوان کشوری تحت قلمرو خود نظر داشته است. البته با روی کار آمدن حزب بعث در سوریه مسائل قومی و وحدت جهان عرب بیشتر مورد توجه قرار گرفت تا اینکه در سال ۱۹۷۶

نیروهای سوریه برای حمایت از مارونی‌ها که توسط نیروهای چپ و فلسطینی‌ها در معرض نابودی قرار گرفته بودند وارد لبنان گردیدند و بعد از ورود نیروهای سوری به لبنان نفوذ این کشور در لبنان بیشتر شد. البته وجود خطر دائمی رژیم صهیونیستی در مرزهای جنوبی دو کشور لبنان و سوریه بر این وابستگی و حتی همبستگی راهبردی میان دو کشور به نحو چشمگیری افزوده است. ذیلاً به تعدادی از عوامل سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی پیوند دهنده مناسبات میان دو کشور می‌پردازیم:

- وجود مرز مشترک ممتد میان دو کشور.
- وجود ارتباط بین ساکنین دو کشور مسیحیان، اهل سنت و شیعیان دو طرف به یکدیگر وابستگی زیادی دارند به طور مثال مدارس علمیه اهل سنت در سوریه قوی است و بسیاری از روحانیون اهل سنت لبنان به این حوزه‌های علمیه تعلق خاطر دارند، شیعیان لبنان به دلیل وجود اماکن مقدس شیعه به دمشق علاقه دارند. وابستگی مذهبی بین دروزی‌های سوریه و لبنان بسیار زیاد است.
- وجود احزاب متعدد طرفدار سوریه در لبنان که برخی مانند حزب قومی، اجتماعی سوری و یا حزب بعث رسماً از اتحاد با سوریه حمایت می‌نمایند.
- در ماه می ۲۰۰۴ کنگره آمریکا قانون بازخواست سوریه و اعاده حاکمیت لبنان را به تصویب رساند و بر اساس آن دولت آمریکا تحریم‌های جدیدی را علیه سوریه به بهانه حمایت از تروریسم و رفت و آمد شبه نظامیان القاعده به داخل عراق از مرزهای این کشور و بمنظور تحت فشار قرار دادن دمشق برای همکاری در صحنه عراق اعمال کرد.
- عملکرد عجولانه سوریه در صحنه داخلی لبنان و حمایت از تمديد ریاست جمهوری امیل لحود از طریق تغییر در قانون اساسی آن کشور باعث تشدید فشارها علیه سوریه گردید چرا که با واکنش تند مخالفان حضور سوریه در لبنان و استعفای رفیق حریری نخست وزیر و وزرای کابینه وی مواجه شد. در سطح بین‌المللی نیز با حمایت آمریکا و فرانسه منجر به

تصویب قطعنامه ۱۵۵۹ در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۰۴ بر علیه سوریه گردید. تصویب این قطعنامه باعث شد سوریها خود را در موقعیت نگران کننده ای بیابند و تا حدودی جدی بودن اوضاع را درک نمایند. اگرچه در ابتدا در مقابل قطعنامه موضع گیری نموده و آنرا دخالت در امور داخلی سوریه و لبنان اعلام اما بتدریج شروع به اجرای آن نمودند. دولت سوریه پس از عقب نشینی و خروج سریع نیروهای این کشور از لبنان آن را اجرای بندهای مربوط به سوریه در قطعنامه مذکور اعلام کردند.

ترور رفیق حریری با توجه به نقش مهم وی در صحنه سیاسی لبنان و با در نظر گرفتن شرایط منطقه ای و فشارهایی که به آن اشاره شد، به منزله تیر خلاصی بر حضور نیروهای نظامی و امنیتی سوریه در لبنان بود. پس از ترور رفیق حریری و در پی درخواست خانواده حریری و گروههای مخالف رئیس جمهور لبنان و جامعه بین المللی در ۱۸ فروردین ۸۴ (۷ آوریل ۲۰۰۵) قطعنامه ۱۵۹۵ توسط شورای امنیت سازمان ملل بمنظور شناسایی علل و عوامل وقوع این ترور صادر شد و در پی آن دبیرکل سازمان ملل کمیته ای بین المللی برای تحقیق در این خصوص تعیین نمود و دتلف مهلیس قاضی آلمانی را به ریاست این کمیته برگزید و خواستار همکاری کلیه طرفها جهت کشف حقیقت گردید.

تصویب قطعنامه های ۱۵۵۹ و ۱۵۹۵ سوریه را نه تنها از سوی غرب بلکه از سوی نیروهای داخلی لبنان و تعدادی از کشورهای عربی برای خروج از لبنان تحت فشار قرار داد، به همین دلیل مجبور به خروج نیروهای نظامی و امنیتی خود از لبنان گردید و حتی سعی کرد هرچه بیشتر خود را از دخالت آشکار در امور داخلی لبنان مبرا نموده، موضع گیری صریحی در قبال تحولات داخلی لبنان نداشته باشد، لذا امیل خود رئیس جمهور لبنان علی رغم گرایش و وابستگی به سوریها مجبور به پذیرش نخست وزیري فواد سنیوره در تاریخ ۸/۴/۸۴ (۲۹ ژوئن ۲۰۰۵) گردید که خود و بیشتر اعضای کابینه اش به گروه المستقبل به ریاست

سعدالدین حریری وابستگی دارند و از عمده‌ترین گروه‌های معارض سوریه بشمار آمده و اغلب در رسانه‌های خود به سوریها حمله می‌کنند. پس از روی کارآمدن سنیوره که با حمایت از قطعنامه‌های ۱۵۵۹ و ۱۵۹۵ و همصدا با خانواده حریری درخواست پیگیری دخالت سوریه در ترور حریری را مطرح نمود، روابط سوریه و لبنان بیش از پیش رو به وخامت گذاشت.

از سوی دیگر مهلیس اولین رئیس کمیسیون تحقیق سازمان ملل روز پنج‌شنبه ۸۴/۷/۲۸ (۲۰ اکتبر ۲۰۰۵) پس از چهار ماه تحقیق و بررسی گزارش ۵۴ صفحه‌ای خود را در خصوص علل و عوامل قتل رفیق حریری به دبیرکل سازمان ملل ارائه نمود. در این گزارش روند حوادث از زمان ملاقات حریری با بشار اسد و مذاکره بر سر تمديد ریاست جمهوری خود مورد بررسی قرار گرفته و با اشاره به جزئیات این ملاقات سعی شده اختلاف حریری با مقامات سوری بر سر این موضوع بعنوان علت و انگیزه اصلی سوریه برای سازماندهی و یا مشارکت و همکاری در طراحی ترور حریری قلمداد شود. این گزارش علیرغم تناقضات و نواقص موجود و استناد به اظهارات برخی شهود و ادله غیر متقن رنگ و بوی شدیداً سیاسی آن شواهد زیادی علیه مقامات سیاسی و امنیتی سوریه و لبنان طرح نمود و از مقامات بلند پایه امنیتی سوریه بعنوان مظنون در ترور حریری یاد کرد و در نهایت ضمن اعلام ناتمام ماندن تحقیقات، سوریه را به عدم همکاری کامل با تحقیقات و ارائه اطلاعات ناقص و غلط به منظور گمراه کردن آن متهم نمود و با اشاره به لزوم ادامه تحقیقات از این کشور خواست تا همکاری کامل را جهت روشن شدن مسائل باقیمانده و سرخهای بدست آمده بعمل آورد.

بر اساس این گزارش شورای امنیت در روز دوشنبه ۸۴/۸/۹ (۳۱ اکتبر ۲۰۰۵) قطعنامه ۱۶۳۶ را صادر کرد که در آن از سوریه خواسته شد تا در مهلت باقیمانده تا ۸۴/۹/۲۴ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۵) همکاری کامل را با تیم تحقیق سازمان ملل جهت یافتن عاملان ترور حریری انجام دهد. بدنبال صدور این قطعنامه

فشارهاي زيادي بر روي سوريه وارد شد و مهليس درخواست بازجويي از شش افسر عالي‌رتبه سوري را در لبنان نمود که سوريه با آن مخالفت و با بازجويي مقامات خود در وين موافقت نمود. به موازات آن سوريه دست به اقداماتي نظير پخش اعترافات حسام حسام معروف به شاهد نقابدار مبني بر تکذيب اظهارات خود به کميسيون تحقيق براي زير سؤال بردن نتايج تحقيقات کميسيون مزبور نمود. با اين وجود شوراي امنيت سازمان ملل متحد روز پنج شنبه ۸۴/۹/۲۴ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۵) در پايان مدت قانوني فعاليت کميسيون تحقيق قطعنامه ۱۶۴۴ را که سومين قطعنامه در ارتباط با ترور حريري است به تصويب رساند و در آن ضمن تقدير از گزارش کميته تحقيق مدت مأموريت آن را نيز بنا به پيشنهاد کميته و درخواست دولت لبنان ب مدت شش ماه تا (۱۵ June ۲۰۰۶) تمديد کرد. بر اساس قطعنامه کميته موظف است هر سه ماه گزارشي از روند پيشرفت تحقيقات و نحوه همکاري دولت سوريه را به شوراي امنيت ارائه نمايد، ضمناً کميته مي‌تواند هر زمان که همکاري سوريه در برآوردن خواسته‌هاي اين قطعنامه و قطعنامه‌هاي ۱۵۹۵ و ۱۶۳۶ را ناکافي تشخيص دهد به شوراي امنيت گزارش نمايد.

اين قطعنامه با تأکيد بر نتايج حاصله قبلي کميته و با ابراز نگراني از کامل نشدن تحقيقات همچنان از سوريه مي‌خواهد تا همانگونه که در قطعنامه ۱۶۳۶ خواسته شده همکاري کامل و بدون قيد و شرط را با کميته بعمل آورد. اگرچه لحن قطعنامه اخير در مقايسه با قطعنامه‌هاي قبلي ملایم‌تر به نظر مي‌رسيد و بزعم برخي از ناظران حاكي از کاهش فشارها و موفقيت ديپلماسي دمشق در لوژ نمودن نتايج تحقيقات تلقي گرديد ولي در واقع همانگونه که در متن قطعنامه نيز به آن اشاره شده، پرونده همچنان در دستور کار بوده هر لحظه امکان احياء و سوء استفاده از اين موضوع و ساير موضوعات جاري در لبنان بعنوان مرکز ثقل فشار عليه سوريه وجود دارد در اينجا ذکر اين نکته ضروري است که پس از

تهدید شش ماهه مأموریت کمیته تحقیق سازمان ملل و در پی استعفای مهلیس، سرژ برامیرتز، دادستان بلژیکی از ۱۱ ژانویه ۲۰۰۶ ریاست آن را بعهدہ گرفته است و سوریه نیز اعلام آمادگی برای همکاری با وی نموده است. وی طی دو سال فعالیت هنوز به سر نخ محکمی مبنی بر دست داشتن سوریه در این ترور و ترور چهار تن از نمایندگان طرفدار حریری نگردیده است. اظهارات (۸۴/۱۰/۹) عبدالحلیم خدام (معاون سابق ریاست جمهوری سوریه که در پاریس اقامت دارد) مبنی بر تهدید حریری توسط مقامات سوری بخصوص شخص بشار اسد و در پی آن درخواست کمیته بین‌المللی تحقیق برای مصاحبه با بشار اسد و فاروق الشرع موج جدیدی از تبلیغات و فشار علیه دمشق ایجاد کرد. در پی این فشارها عربستان و مصر وارد یک رایزنی فشرده با سوریه و جهات بین‌المللی و در رأس آن فرانسه برای خروج سوریه از بحران موجود گردیدند. ابتدا رهبران مصر و عربستان در جده با یکدیگر ملاقات و سپس این دو با بشار اسد تلفنی گفتگو نمودند و پس از آن مبارک جهت ملاقات با رئیس‌جمهور فرانسه عازم پاریس گردید. در این رابطه وزیر خارجه عربستان روز یکشنبه ۸۴/۱۰/۱۸ وارد دمشق شد و متعاقب آن عصر همان روز رئیس‌جمهور سوریه بطور سرزده از عربستان و مصر دیدار و با سران این دو کشور ملاقات کرد. ژاک شیراک رئیس‌جمهور وقت فرانسه در تاریخ ۸۴/۱۰/۱۹ در دیدار وزیر خارجه عربستان بر همکاری بدون قید و شرط سوریه با کمیته تحقیق تأکید نمود، اتحادیه اروپا نیز در تاریخ (۸۴/۱۰/۲۳) با انتشار بیانیه‌ای ضمن اعلام حمایت کامل از دولت سنیوره از سوریه خواست بطور کامل و بدون قید و شرط با کمیته تحقیق همکاری کند، دیوید ولش دستیار وزیر امورخارجه آمریکا نیز که روز شنبه (۸۴/۱۰/۲۴) برای دیدار با مقامات لبنانی وارد این کشور شد در یک نشست مطبوعاتی تهدید کرد که اگر سوریه بدون شرط با کمیته بین‌المللی تحقیق همکاری نکند،

این موضوع بار دیگر به شوراي امنیت خواهد رفت تا تصمیمات شدیدتری علیه دمشق اتخاذ شود. اظهارات و انتقادات خدام از حکومت سوریه گذشته از تسویه حسابهای شخصی احتمالاً با حمایت و تحریک فرانسه و آمریکا (و حتی عربستان) برای ادامه فشار به حکومت سوریه صورت گرفته است، و در واقع با توجه به سابقه طولانی و جایگاه و اهمیت نقش وی در ساختار سیاسی و تشکیلات حکومتی و حزبی سوریه ضربه بزرگی به حکومت بشار اسد وارد نمود طبیعتاً ادامه این فشارها با توجه به عدم توزیع دموکراتیک قدرت، حمایتهای خارجی از معارضین و مخالفین داخلی و مشکلات اقتصادی پیش بینی نشده ای که موجب تنگنای معیشتی و اقتصادی مردم سوریه و نارضایتی آنان می‌گردد، حکومت را در موقعیت نامساعدی قرار خواهد داد.

به این ترتیب علی‌رغم تعاملات و تغییرات حاصله در سیاست خارجی سوریه و امتیازاتی که این کشور در سالهای اخیر داده است، غرب و بویژه آمریکا همچنان بدنبال ادامه فشارها به منظور تغییر رفتار دمشق بدون هیچگونه قید و شرطی می‌باشند و ضمن تردید در خروج کامل نیروهای اطلاعاتی سوریه از لبنان، بر لیست مفصلی از خواسته‌های خود از سوریه تأکید می‌کنند که شامل پایان دادن به حمایت از تروریسم و تعامل مثبت در عراق، عدم مداخله در امور داخلی لبنان، قطع حمایت از گروههای فلسطینی و حزب الله لبنان و قطع همکاری با جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد.

عربستان

روابط سوریه و عربستان طی چند دهه اخیر به غیر از چند سالی بعد از حمله عراق به کویت و آن هم به دلیل حمایت سوریه از عربستان و کویت و مشارکت نیروهای چند ملیتی که عراق را مجبور به خروج از کویت نمود رابطه راهبردی نبوده است. در زمان جنگ تحمیلی همواره عربستان سوریه را به حمایت از صدام و قطع رابطه با ایران تشویق می‌نمود و چون در این

راه موفق نگردید رابطه این دو کشور رابطه خوبی نبود در سال‌های اخیر نیز عربستان به دلایل منطقه‌ای و بین‌المللی رابطه‌ای راهبردی با سوریه نداشت اما مشورت‌های خود را به خصوص در مورد فلسطین و روند صلح خاورمیانه ادامه می‌دادند. سخنرانی‌های بشار اسد در قبل از حمله آمریکا به عراق، ترور حریری به عنوان مهمترین متحد عربستان در لبنان و حمایت سوریه از حزب الله در جنگ ۳۳ روزه و انتقاد بشار اسد از بعضی از سران عرب رابطه سوریه و عربستان به شدت به سردی گرائید. در تاریخ ۸۵/۶/۱۳ پایگاه اینترنتی شام پرس که نزدیک به دولت سوریه به حساب می‌آید عربستان را متهم نمود که قبایل سوریه را علیه دولت این کشور تحریک می‌نماید. این نشریه الکترونیک همچنین عربستان را متهم کرده که با پرداخت ۸۰ میلیون دلار به «خدام» معاون سابق رئیس جمهور سوریه او را به دروغ پردازی علیه ملت و دولت سوریه ترغیب می‌نماید. این نشریه از دولت سوریه خواسته است با توجیه حفظ همبستگی اعراب در برابر رفتار خصمانه عربستان ساکت ننشینند. قبلاً نیز نشریه الکترونیک سوریا نیوز متعلق به فراس طلاس فرزند وزیر سابق دفاع سوریه نوشت: قحطانی وابسته نظامی عربستان در سوریه به تازگی در دیدار با برخی از سران قبایل سوریه آنان را به شورش بر ضد دولت تشویق کرده است. سایت‌های نزدیک به دولت سوریه خواستار اخراج این دیپلمات سعودی از دمشق گردیدند. نشریات الکترونیک سوریه حملات تبلیغاتی علیه عربستان را آغاز نمودند و نشریات وابسته به عربستان (ایلاف، الحیات، الشرق الاوسط) نیز به درج مطالب منفی علیه سوریه ادامه دادند که نشان می‌داد روابط این دو کشور در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ همچنان دچار بحران می‌باشد و دولت عربستان چندین بار از خدام و رفعت اسد از مخالفین دولت بشار اسد در جده استقبال نموده است.

سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان در زمستان ۱۳۸۵ بدون نام بردن از سوریه بعضی کشورهای عربی

را متهم نمود که اولویت روابط خود را با کشورهای غیر عرب قرار داده‌اند و این امر به وحدت اعراب ضربه زده است. ناظران این انتقاد را متوجه روابط سوریه و ایران قلمداد نمودند بعضی منابع مطبوعاتی معتقدند یکی از دلایل تیره‌گی روابط سوریه و عربستان رابطه راهبردی سوریه با ایران است زیرا عربستان از افزایش نفوذ ایران در کشورهای عراق، لبنان و سوریه به شدت نگران می‌باشد. عبدالخلیم خدام معاون سابق ریاست جمهور سوریه که در سال ۱۳۸۵ از دولت سوریه جدا شد و به پاریس مهاجرت نمود در مصاحبه با تلویزیون المستقبل وابسته به حریری (نزدیک به دولت عربستان) دولت بشار اسد را مجری سیاست‌های استراتژیک ایران در منطقه قلمداد نمود و بیانونی رهبر اخوان المسلمین نیز در مصاحبه با کانال تلویزیونی مذکور به مناسبت انتخاب مجدد به عنوان رهبر اخوان المسلمین سوریه اعلام کرد رژیم ایران رویکرد منفی دارد و با صرف پول اقدام به تبلیغ جهت شیعه نمودن مردم سوریه می‌نماید. وی از ایران خواست در امور کشورهای عربی دخالت ننماید. بدنبال تجاوز هوایی رژیم صهیونیستی به سوریه در شهریور ۱۳۸۶ کشورهای مهم عرب از جمله عربستان از محکوم نمودن آن خودداری کردند که این نیز نشان دیگری از سردی روابط عربستان با سوریه می‌باشد.

مصر

روابط سوریه و مصر در چند دهه اخیر از یک روند ثابت برخوردار نبوده است در دوره ۱۹۷۸ تا نیمه دهه هشتاد در پی عقد توافقنامه جداگانه رژیم مصر با رژیم صهیونیستی و سفر سادات به فلسطین اشغالی، روابط قاهره و دمشق تیره گردید و کشورهای عرب و در صدر آن سوریه، مصر را از اتحادیه عرب اخراج نمودند این در حالی است که رابطه دو کشور در دهه شصت آنقدر نزدیک شد که دو کشور با یکدیگر ادغام شدند. طی چند سال گذشته به خصوص

قبل از ترور حریری و افزایش فشارهای بین‌المللی به سوریه این روابط از یک روند رو به گسترشی برخوردار بود و رهبران دو کشور به طور مرتب با یکدیگر ملاقات می‌نمودند اما بعد از اختلاف دو کشور در سال ۱۳۸۵ در خصوص حمایت از حزب الله در جنگ با رژیم اشغالگر قدس این روابط تیره گردید اما این تیرگی مانند تیرگی روابط با عربستان نبود زیرا مصر همچنان به رایزنی با سوریه در خصوص مسئله فلسطین و لبنان ادامه می‌دهد هر چند شاهد سفرهای متقابل رهبران دو کشور نمی‌باشیم.

ب - عضویت در سازمان‌های بین‌المللی

سوریه در سازمان‌های مختلف بین‌المللی عضویت دارد:

۱- اتحادیه عرب:

سوریه در مذاکرات اولیه برای ایجاد اتحاد اعراب در سال ۱۹۴۴ م، نقش مهمی داشت در آن سال مصطفی نخاس نخست وزیر وقت مصر، جمیل مردم نخست وزیر وقت سوریه را برای مذاکره جهت اتحاد بین کشورهای عربی دعوت می‌نماید در مذاکرات اولیه که کشورهای مصر، سوریه، عراق، اردن و عربستان حضور داشته‌اند دو تفکر وجود داشته است یکی وحدت کامل کشورهای عربی با مرکزیت سوریه بزرگ و دیگری تفکر ایجاد یک اتحادیه با استقلال کشورهای عضو در نهایت در شهریور ۱۹۴۴ که نشست نمایندگان کشورهای سوریه، مصر، لبنان، اردن، عراق و یمن در قاهره تشکیل شد تفکر ایجاد اتحادیه عرب بر تفکر قبلی پیروز شد و این کشورها پروتکل اسکندریه را امضا نمودند و در سال ۱۹۴۵ م، میثاق این اتحادیه در قاهره به امضای اعضای مؤسس به غیر از عربستان و یمن رسید. در حال حاضر این اتحادیه ۲۲ عضو دارد و تا کنون ۳۳ اجلاس سران برگزار کرده است و قرار است اجلاس ۳۴ این اتحادیه در مارس ۲۰۰۸ در سوریه برگزار گردد.

سوریه و سازمان ملل

روابط خارجي / ۲۳۱

سوريه بدنبال استقلال عضو سازمان ملل بوده است و در سال‌هاي ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ م، به عنوان عضو غير دائم شوراي امنيت سازمان ملل انتخاب گرديد.

عضويت در سازمان کنفرانس اسلامي

اين کشور عضو فعال سازمان کنفرانس اسلامي است.

جنبش عدم تعهد

اين کشور عضو سازمان جنبش عدم تعهد است و معمولاً در اين سازمان فعال بوده است.

چنانکه در فصل مربوط به تاریخ سوریه گفته شد قبل از شکست ایران از اسکندر مقدونی سال‌های متمادی سوریه در قلمرو ایران قرار داشت. بعد از اسلام بسیاری از دانشمندان و شاعران ایرانی به دمشق مسافرت و یا مدتی را در سوریه امروزی رخت اقامت گزیدند از جمله این افراد می‌توان به سهروردي، مولانا، سعدي، فارابي، سهروردي و... اشاره نمود. روابط تاریخی ایران و سوریه در بحثی دیگر و جداگانه ارائه می‌گردد. ذیلاً تاریخ معاصر روابط دو کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- روابط سیاسی

قبل از انقلاب

الف - روابط رسمی

کشور سوریه در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) رسماً استقلال یافت.

کشور ایران بلافاصله این کشور را به رسمیت و در دمشق کنسولگری تأسیس نمود، در ۲۰ آذر ۱۳۲۸ کنسولگری به سفارت تبدیل و آقای مشفق کاظمی از آن تاریخ تا آذر ۱۳۳۲ به سمت وزیر مختار ایران در دمشق منصوب شد.

به منظور تقویت و تحکیم مناسبات دوستانه بین دو کشور در سوم خرداد ۱۳۳۲ (مطابق با ۲۳ مه ۱۹۵۳) یک عهدنامه مودت بین دولت ایران و جمهوری سوریه در دمشق به امضاء رسید، ولی به دلیل عدم طی مراحل قانونی هرگز به مرحله اجرا در نیامد.

در تیر ماه ۱۳۳۷ به علت الحاق سوریه به مصر و تأسیس جمهوری متحده عربی سفارت ایران در دمشق تعطیل و منحصر به یک سرکنسولگری در دمشق گردید. پس از جدایی سوریه از جمهوری متحده عربی، در شهریور ۱۳۴۰ (سپتامبر ۱۹۶۱) نمایندگی ایران با درجه سفارت کبری از اول فروردین ۱۳۴۱ در دمشق شروع بکار کرد و آقای محمود ملایری تا تیر ماه ۱۳۴۲ سفیر ایران در دمشق بود و پس از ایشان آقای فریدون دیبا از تیر ۱۳۴۲ تا تیر ۱۳۴۲ و بعد آقای محمود ملایری از تیر ۱۳۴۲ تا مهر ۱۳۴۴ در دمشق سفیر بود که به علت تیرگی روابط بین دو کشور به تهران فراخوانده شد و مناسبات دو کشور که از بدو استقلال بر اساس مودت پایه گذاری شده بود در مهر ۱۳۴۴ به علت اظهارات آقای یوسف زعین نخست وزیر سوریه ضمن شرح برنامه دولت سوریه در مجلس ملی این کشور چار رکود گردید. مشارالیه درباره بخشی از کشورمان اظهاراتی نمود که چون مبین افکار تجاوزکارانه بود، موجب اعتراض دولت وقت ایران شد و ایران سفیر و دیپلمات‌های خود را از دمشق به تهران فراخواند و رابطه سیاسی خود را با دولت سوریه به حداقل محدود کرد.

دولت ایران در تاریخ ۱۳۵۱/۴/۷ تصمیم مورخ ۱۳۵۱/۴/۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد آزادی پنج افسر سوری که توسط نیروهای رژیم صهیونیستی در خاک لبنان دستگیر شده بودند را تایید نمود. بدنبال آن ۲۵ مؤسسه تولیدی ایران در نمایشگاه بین‌المللی دمشق که از تاریخ سوم تا سی ام، شهریور ۵۱ در آن شهر تشکیل شد شرکت نمودند. روابط ایران و سوریه که تا نیمه اول سال ۵۲ تحرکی نداشت پس از شروع چهارمین جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در اکتبر ۱۹۷۳ تحولات رضایت بخشی در جهت تحکیم و توسعه پیدا کرد و دولت وقت ایران برای نشان دادن مراتب دوستی خود، به ملت و دولت سوریه تصمیم به اعزام سفیر به دمشق گرفت، و آقای محمد پور سرتیپ سفیر ایران در ۱۴ آذر ۱۳۵۲ (۵ دسامبر ۱۹۷۳) استوار نامه خود را به ژنرال حافظ اسد

رئیس جمهوری سوریه تقدیم نمود. دولت سوریه نیز متقابلاً آقای محسن علی زیفا را بسمت سفیر آن کشور به ایران اعزام نمود.

دولت ایران در تاریخ ۵۲/۷/۱۸ ضمن اظهار تأسف از بمباران شهر دمشق توسط هواپیماهای رژیم صهیونیستی که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان بی‌دفاع گردید، آن را تقبیح نمود.

در تاریخ ۵۲/۶/۱۷ آقای عبدالحلیم خدام معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه وقت سوریه در راه مسافرت به توکیو توقف کوتاهی در تهران نمود و با وزیر امور خارجه وقت درباره مسائل مورد علاقه دو کشور و تحکیم بیشتر مناسبات فیما بین مذاکراتی انجام داد.

دولت ایران از آغاز جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی آمادگی خود را برای ارسال کمکهای بهداشتی به کشورهای عرب و پذیرفتن بیش از دویست تن از سربازان مجروح مصری و سوری برای مداوا در بیمارستانهای کشور اعلام آمادگی نمود و متعاقب آن تعداد ۲۱ نفر از سربازان و افسران سوری در تاریخ ۵۲/۱۱/۲۷ برای معالجه به تهران اعزام شدند و در بیمارستان توان بخشی شفا یحیائیان بستری و تحت درمان قرار گرفتند.

در سال ۱۳۵۲ بین مقامات هواپیمائی ایران و سوریه مذاکراتی درباره ایجاد خط مستقیم هوائی بین ایران و دمشق صورت گرفت. مناسبات دوستانه ایران و سوریه در سال ۱۳۵۳ از تحرك مطلوبی برخوردار بود و در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترش و تحکیم بیشتری یافت.

از تاریخ ۲۵ اردیبهشت الی سوم خرداد ماه ۱۳۵۳ (۱۵ تا ۲۴ مه ۱۹۷۴) هیأتی بریاست آقای محمد عمادی وزیر اقتصاد و بازرگانی خارجی سوریه به ایران مسافرت و در این مدت با مقامات ایرانی در مورد بسط و گسترش روابط بازرگانی و اقتصادی بین دو کشور مذاکراتی بعمل آورد. در خاتمه این مذاکرات یادداشت تفاهمی توسط وزرای اقتصاد ایران

و سوریه به امضاء رسید که نکات مهم آن بشرح زیر است:

- انعقاد یک موافقتنامه بلند مدت بازرگانی بین دو کشور
 - تهیه و تولید گوشت در اراضی حوزه طرح فرات در سوریه و صدور قسمت اعظم تولیدات این طرح به ایران
 - ایجاد یک کارخانه کود شیمیایی در سوریه، استفاده از سنگ فسفات آن کشور
 - کمک فنی ایران به سوریه در زمینه های مورد تقاضا سوریه با موافقت دولت ایران
 - انعقاد یک موافقتنامه جهانگردی بمنظور تشویق وتوسعه فعالیت های جهانگردی بین دو کشور
 نقطه عطف روابط دو کشور قبل از پیروزی انقلاب اسلامی سفر ۴ روزه حافظ اسد به تهران در دی ماه سال ۱۳۵۴ بود. این سفر روابط دو کشور را تا حدودی ترمیم کرد و در پایان این سفر بیانیه مشترک دو کشور صادر شد. در این بیانیه به پایان ادامه اشغال اراضی اعراب، حقوق ملت فلسطین، صلح عادلانه در خاورمیانه و عقب نشینی رژیم صهیونیستی از سرزمین های اشغالی و اجرای قطعنامه های شورای امنیت در خصوص خاورمیانه و توسعه روابط دو کشور تأکید گردیده بود. در شهریور ماه سال ۱۳۵۶ بدنبال ناپدید شدن امام موسی صدر ایران پیامی برای حافظ اسد ارسال و از این حادثه ابراز نگرانی نمود. البته این اقدام شاه را میتوان فقط یک بازی سیاسی جهت جذب گروه های مذهبی به خود در اوج مبارزه مردم علیه رژیم وی قلمداد نمود و ارزش دیگری نداشت.

مهمترین عامل بهبود در روابط ایران و سوریه در سال ۱۳۵۳ را میتوان ناشی از افزایش اختلاف دو جناح حزب بعث عراق و سوریه قلمداد نمود. سوریه با بهبود روابط خود با ایران در نظر داشت رژیم عراق را تحت فشار قرار دهد. هرچند سوریه پس از امضای قرارداد ۱۹۷۵ بین ایران و عراق، رژیم عراق را برای

امضای این قرارداد مورد حمله شدید قرار داد و این کشور را به خیانت بزرگ متهم نمود و مدعی شد از حقوق عربی دست شسته است اما دولت ایران نیز از سفر حافظ اسد به تهران بهره برداری لازم را جهت فشار به عراق نمود.

با توجه به بهبود وضع اقتصادی ایران در اثر افزایش قیمت نفت دولت ایران یک کمک بلا عوض ۵۰ میلیون دلاری و یک وام ۱۵۰ میلیون دلاری در این سال در اختیار سوریه قرار داد.

ب - روابط غیر رسمی

دولت سوریه یکی از راهبردهای پنهان خود را حمایت از مخالفان رژیم شاه قرار داده بود به همین دلیل به تعداد قابل توجهی از مخالفان رژیم شاه اجازه اقامت در سوریه داده بود و رفت و آمد مخالفان رژیم را به سوریه و لبنان تسهیل می‌کرد. دلیل این امر نیز آشکار بود سوریه دولت وقت ایران را دست نشانده آمریکا و غرب می‌دانست. این رژیم بزرگترین حامی و شریک اقتصادی رژیم صهیونیستی در منطقه بود، در حالی که سوریه در جرگه کشورهای بلوک شرق و شوروی سابق قرار داشت و به خاطر جنگ با رژیم صهیونیستی و از دست دادن بخشی از سرزمین خود با رژیم صهیونیستی خصومت شدیدی داشت.

دلایل عدم گسترش روابط ایران و سوریه قبل از انقلاب اسلامی را می‌توان به اختلافات ناشی از مواضع دو کشور بر شمرد که مانع همکاری دو کشور گردیده بود برای آشنایی با این اختلافات سیاسی می‌توان به ویژگی‌های دو دولت اشاره نمود:

ویژگی‌های ایران قبل از انقلاب

- ۱- نوع حکومت ایران سلطنتی بود.
- ۲- حکومت شاه بر اساس حمایت غرب به خصوص آمریکا بنا شده بود و ارتباط خوب اقتصادی،

سیاسی و نظامی با آنها داشت و به عنوان ژاندارم منطقه عمل می‌نمود.

۳- نظام شاه به عنوان هم پیمان غرب وظیفه اصلی‌اش جلوگیری از نفوذ اقتصادی سیاسی و ایدئولوژیک شوروی به منطقه خلیج فارس بود.

۴- رژیم شاه دولتی بود که رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخته و از سیاست‌های توسعه طلبانه آن در منطقه حمایت می‌نمود.

ویژگی‌های دولت سوریه

۱- این کشور از زمان استقلال خود در سال ۱۹۴۶ دارای نظام جمهوری پارلمانی بوده است و احزاب سیاسی در آن از آزادی نسبی برخوردار بودند و حزب بعث به عنوان یک حزب قومی بدنبال اتحاد کشورهای عربی بود.

۲- سوریه در زمان حاکمیت حافظ اسد از غرب و آمریکا تا حدودی فاصله گرفته بود و راهی مستقل از آنها در پیش گرفته و به بلوک شرق نزدیک شده بود و شوروی از حامیان تسلیحاتی آن بود.

۳- سوریه رژیم صهیونیستی را به خاطر تجاوزات مکرر و اشغال جولان و قبل از آن فلسطین دشمن می‌شمرد.

با این ویژگی‌هایی که بر شمرده شد دو دولت از نظر سیاسی بسیار از یکدیگر دور بودند و نمی‌توانستند رابطه دوستانه‌ای داشته باشند اما بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (قدس سره) رابطه بین دو کشور به دلیل نزدیکی مواضع سیاسی به سرعت بهبود و گسترش یافت دلایل این بهبود را نیز می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

۱- دولت سوریه قبل از انقلاب با مخالفان شاه ارتباط داشت.

۲- با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تغییر بنیادین در سیاست خارجی ایران اتفاق افتاد و راهبرد خود را تقویت رابطه با کشورهای اسلامی و عربی قرار داد و کشور ایران که در بلوک کشورهای

طرفدار غرب قرار داشت سیاستی مستقل در پیش گرفت و به جنبش عدم تعهد ملحق گردید.

۳- اقدام انقلابی رهبر کبیر انقلاب اسلامی در قطع رابطه با رژیم صهیونیستی و محکوم نمودن سیاستهای تجاوزکارانه آن و توصیف این رژیم به غده سرطانی و بدنبال آن تحویل سفارت رژیم صهیونیستی در تهران به سازمان آزادیبخش فلسطین و برافراشتن پرچم فلسطین بر بام سفارت رژیم اشغالگر قدس انعکاس وسیعی در جهان اسلام و عرب داشت و بسیاری از مردم جهان عرب از این تحول خشنود گردیدند. سوریه به دلیل دشمنی با رژیم اشغالگر قدس، از این سیاست جمهوری اسلامی ایران استقبال نمود و بارها خشنودی خود را از این اقدام اعلام کرد و بدنبال آن رابطه دو کشور رو به گسترش گذاشت.

۴- مخالفت دو کشور با سیاستهای رژیم بعث عراق روابط را بیش از پیش گسترش داد.

۵- مخالفت دو کشور با اقدام مصر در صلح با رژیم صهیونیستی و تأثیرات آن در منطقه.

۶- حمایت دو کشور از مقاومت در فلسطین و لبنان.

۷- حمایت سوریه از ایران در مقابل حمله عراق به ایران. سوریه بسیار کوشید تا از تلاش رژیم وقت عراق برای تبدیل جنگ تحمیلی به جنگ عرب و فارس جلوگیری نماید و این اقدام سالها ادامه داشت و علی‌رغم پیشنهادات کشورهایمانند عربستان و کویت برای ترغیب حافظ اسد برای بهبود رابطه با عراق، ایشان از هرگونه اقدامی که به تقویت عراق منجر شود خودداری نمود. طی اوج جنگ تحمیلی فشارها به سوریه افزایش یافت اما دولت این کشور نه بلکه از حمایت ایران دست بردار داشت بلکه حمایت‌های راهبردی خود را افزایش نیز داد به طوری که دولت عراق به شدت در تنگنا قرار گرفت.

یکی از اقدامات مهم دولت سوریه در خصوص حمایت از جمهوری اسلامی ایران بستن خط لوله‌ای بود که نفت کرکوک در شمال عراق را به بندر بانیاس در کناره دریای مدیترانه منتقل می‌نمود. این اقدام موجب ضربه زدن به اعتبار سیاسی و اقتصاد رژیم صدام حسین گردید.

از روابط خوب دو کشور هر دو استفاده بهینه نمودند و هرگز این رابطه یک طرفه نبود و طی ۳۰ سال رابطه خوب دو کشور در حال نهادینه شدن است به طوری که ایران و سوریه با ثبات‌ترین رابطه را در منطقه داشته‌اند و این رابطه می‌تواند برای دیگر کشورهای منطقه و اسلامی نیز الگو قرار گیرد و مردم کشورهای منطقه از آن بهره برداری نمایند. این رابطه برای هر یک از دو کشور منفعی به شرح ذیل داشته است.

منافع رابطه برای ایران:

- ۱- سوریه تلاش زیادی نمود تا جنگ ایران و عراق به عنوان جنگ فارس و عرب مطرح نشود و جنگ قومی در منطقه شعله ور نگردد.
- ۲- سوریه توانست با بستن لوله‌هایی که نفت شمال عراق را به ساحل شرقی دریای مدیترانه می‌رساند ضربه بزرگی بر اقتصاد این رژیم که در حال جنگ با ایران بود وارد نماید.
- ۳- سوریه بارها مانع اجماع کشورهای عضو اتحادیه عرب بر علیه ایران در جنگ تحمیلی گردید. به طور مثال سوریه اجلاس سران کشورهای عرب که در ماه مه ۱۹۸۲ جهت حمایت از عراق برگزار شد را تحریم و برای عدم موفقیت آن تلاش نمود. سوریه توانست به همراه الجزایر، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین مانع اجماع جهان عرب بر علیه ایران در آن مقطع گردد.
- ۴- سوریه تلاش فراوانی را برای کاهش فشارهای کشورهای عربی به خصوص سعودی و کشورهای عربی خلیج فارس بر ایران نمود این کشورها به شدت

از روابط رو به گسترش و هم پیمانی ایران و سوریه نگران بودند. ضمناً در بعضی از بحران‌های رابطه ایران و کشورهای عربی، سوریه پا درمیانی و توانست رابطه ایران و آن کشورها را بهبود بخشد.

۵- در اوج تحریم تسلیحاتی ایران در جنگ تحمیلی سوریه توانست سلاح‌های پیشرفته دفاعی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.

۶- ایران توانست از طریق سوریه رابطه خود را با لبنان تعمیق نماید و این اقدام يك اهمیت راهبردی برای کشورمان در پی داشت.

منافع رابطه برای سوریه:

منافعی که سوریه از روابط خود با جمهوری اسلامی از آن برخوردار می‌گردد را می‌توان به شرح ذیل بر شمرد:

۱- افزایش نقش منطقه‌ای سوریه در اثر رابطه با جمهوری اسلامی ایران.

بعد از حمله عراق به کویت و اشغال این کشور توسط رژیم صدام بارها دولت‌هایی مانند کویت و عربستان که در زمان جنگ تحمیلی سیاست‌های سوریه در هم پیمانی با ایران را مورد نکوهش قرار داده بودند صحت مواضع سوریه برای آنها آشکار شد. سوریه توانست با هم پیمانی با ایران و مخالفت با رژیم صدام احترام بین‌المللی و منطقه‌ای جلب نماید. دیگر کشورهای منطقه به خصوص عربستان بارها در جنگ تحمیلی از سوریه خواستند برای پایان جنگ تحمیلی میانجیگری نماید و حتی شاه سابق عربستان تلاش نمود اجلاسی بین حافظ اسد و صدام برگزار نماید که حافظ اسد از آن شانه خالی نمود. از سوی دیگر سعودی‌ها بارها برای ترغیب سوریه جهت باز کردن لوله‌های نفت عراق به سوریه کمک مالی نمودند.

۲- ایران با استفاده از روابط خوب خود با ترکیه زمانی که رابطه سوریه و ترکیه بحرانی و در

آستانه درگیری قرار گرفتند توانست میانجیگری نماید و بحران را کنترل و مانع ایجاد جنگ بین دو کشور همسایه گردد با توجه به مطالب فوق مشاهده می‌شود روابط دو کشور به نفع هردو کشور بوده است لذا رهبران دو کشور با درک این مسئله طی سه دهه اخیر برای گسترش و تعمیق این روابط تلاش نموده‌اند لذا برای منافع بلند مدت از بسیاری از اختلافات سطحی چشم‌پوشی و به منافع دراز مدت منطقه‌ای نگاه نموده‌اند.

با توجه به مطالب فوق، اهمیت و چرایی اظهارات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۹ که در ملاقات با بشار اسد ایران و سوریه را عمق استراتژیک یکدیگر نامیدند و تأکید فرمودند روابط ۲۸ ساله ایران و سوریه از دیرینه‌ترین و ممتازترین روابط کشورهای منطقه است، بهتر درک می‌شود.

۲- روابط اقتصادی

روابط اقتصادی ایران و سوریه در دو دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار کمتر از حد انتظار بود اما طی چند سال اخیر همکاری‌های اقتصادی - تجاری با چشم‌اندازی فراگیر روابط سیاسی ایران و سوریه را غنای بیشتری بخشیده است و دولتمردان دو کشور را برآن داشته که تداوم و پیشبرد این روابط را همپای مناسبات سیاسی در سرلوحه کاری خویش قرار دهند. از سال ۱۳۸۰ رشد فزاینده‌ای را در این زمینه شاهد بوده‌ایم و دو کشور تلاش نمودند روابط اقتصادی خود را ارتقاء بخشند و آن را به سطح روابط سیاسی برسانند طی چند سال اخیر ایران توانست با برخورداری از

توانایی فنی و مهندسی خود اقدام به صدور خدمات مهندسی قابل توجهی به این کشور نماید.

اهم محوره‌ای روابط اقتصادی به قرار زیر است: **الف - اجلاس عالی همکاری‌های اقتصادی:**

در خلال شش سال گذشته اجلاس عالی همکاری‌های اقتصادی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور ایران و نخست‌وزیر سوریه بطور متناوب در تهران و دمشق تشکیل گردیده است. مصوبات کمیته عالی مشترک ایران و سوریه، تدوین‌گر خط و مشی مناسبات دو کشور در عرصه‌های گوناگون از جمله اقتصادی، علمی و فرهنگی به شمار می‌آید. آخرین اجلاس در اسفند ماه ۸۵ در تهران برگزار شد و طی آن نخست‌وزیر سوریه به اتفاق هشت تن از وزرای کابینه میهمان جمهوری اسلامی ایران بودند. نخست وزیر سوریه در سفر مهر ماه ۱۳۸۶ آقای متکی وزیر امور خارجه به دمشق؛ از معاون اول رئیس‌جمهور ایران جهت سفر به دمشق بمنظور تشکیل نهمین کمیته عالی دعوت بعمل آورد. پیش بینی می‌شود این اجلاس در اواخر بهمن سال ۱۳۸۶ برگزار شود. همزمان با تشکیل کمیته عالی کمیته‌های مختلف نیز تشکیل جلسه داده و تمام امور دو جانبه مورد بررسی قرار می‌گیرد به طوری که در اجلاس اخیر هفت کمیته تشکیل گردید. اعضای کمیسیون اقتصادی مشترک به ریاست وزیران مسکن و شهر سازی ایران و اقتصاد و بازرگانی سوریه سالی دست کم دو بار در یکی از پایتخت‌های دو کشور گرد هم می‌آیند. در این نشست‌ها مشکلات و موانع پیش روی فعالیت‌ها و همکاری‌های اقتصادی طرح و چاره‌اندیشی می‌شود ضمن اینکه طرح‌های جدیدی نیز پیشنهاد می‌شوند و در دستور کار مطالعاتی قرار می‌گیرند.

مبادلات بازرگانی:

هر چند حجم مبادلات کالایی میان دو کشور به اندازه سطح کلی روابط نیست لیکن از نسبت رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. حجم مبادلات

بازرگانی در هفت ماه اول امسال حدود ۹۱ میلیون دلار بوده است و پیش بینی می‌شود این رقم تا پایان سال ۱۳۸۶ به ۱۵۰ میلیون دلار برسد.

جدول مبادلات تجاری دو کشور (واحد ارزش، هزار دلار)

شرح	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
صادرات ایران به سوریه	۱۱ میلیون و ۷۵۰ هزار	۱۸۶۳۳۶	۱۷۰۷۳۵
سهم از صادرات کل ایران	۱/۵۷	۱/۷۸	۱/۰۴
واردات ایران از سوریه	۴۶۴۸	۶۶۷۶	۱۰۴۰۰
سهم از واردات کل ایران	/۰۱	۰ /۰۲	۰ /۰۲
تراز تجاری	+۱۱۵۱۰۲	+۱۷۹۶۶۰	+۱۶۰۳۳۴
حجم مبادلات	۱۲۴۳۹۸	۱۹۳۰۱۲	۱۸۱۱۳۵

* آخرین آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران
سوریه هم اکنون بزرگترین بازار صدور کالاهای صنعتی جمهوری اسلامی ایران بویژه خودرو می‌باشد.

پروژه‌ها :

فضای مثبت همکاری‌های اقتصادی میان ایران و سوریه، شرکت‌های دولتی و خصوصی ایرانی را به فعالیت و سرمایه‌گذاری در سوریه تشویق نموده است. در واقع محور همکاری‌های اقتصادی ایران و سوریه در بخش اجرای پروژه‌ها می‌باشد. هم اکنون بیش از ۲۵ پروژه و قرارداد به ارزش تقریبی یک میلیارد دلار توسط شرکت‌های ایرانی در سوریه در دست اجرا می‌باشد. طرح‌های بزرگی مانند احداث کارخانه سیمان به ظرفیت تولید یک میلیون تن در سال؛ احداث ۱۰ واحد سیلوی ۱۰۰ هزار تنی؛ بازسازی نیروگاه به ظرفیت ۳۵۰ مگاوات؛ طرح انتقال آب از جمله مهمترین این قراردادها می‌باشند.

ذیلاً به مهمترین آنها اشاره می‌گردد.

کارخانه سیمان:

شرکت احداث صنعت عهده دار اجرای این پروژه است. این پروژه یک طرح ملی و بسیار مهم برای سوریه است و تا کنون بارها توسط شخص نخست وزیر سوریه پیگیری می‌شود. ارزش این کارخانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار است که شرکت احداث صنعت آن را به مرحله نهایی رسانده است شایان ذکر است سوریه اکنون نزدیک به ۳۰٪ از نیاز خود به سیمان را که رقمی بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار است وارد می‌کند.

سیلوها:

جمهوری اسلامی ایران هم اکنون ساخت ۱۰ واحد سیلو به ظرفیت یک میلیون تن و به ارزش ۱۸۰ میلیون دلار را در سوریه در دست اجرا دارد. شرکت جهاد توسعه سیلوها مجری این طرح می‌باشد. نخست وزیر سوریه پس از بازدید که در سال ۱۳۸۶ از محل اجرای ۲ واحد از سیلوها داشت خواستار کاهش زمان اجرای پروژه گردید. بر این اساس در پی مذاکرات طرفین اصلاحیه قرارداد تنظیم و بموجب آن مدت زمان اجرا از ۶/۵ سال به ۳ سال کاهش و ارزش آن به ۲۰۸ میلیون دلار رسید (۲۸ میلیون دلار افزایش) ضمناً توافق شد تمام بودجه طرح از سوی طرف سوریه تامین شود. (قبلاً ۷۰٪ سرمایه بر عهده پیمانکار بود)

بازسازی ۲ واحد از نیروگاه بانیاس:

شرکت انرژی آذرآب مجری این پروژه ۶۲ میلیون دلاری می‌باشد و این پروژه به اتمام رسیده است.

کارخانه تولید سمند:

این کارخانه در اسفند ۸۵ با سفر آقای داودی معاون اول رئیس جمهور اسلامی ایران به دمشق و با حضور رئیس جمهور سوریه، افتتاح گردید و ایران خودرو در حال افزایش میزان تولید روزانه خود در این کشور می‌باشد.

شرکت مشترک ایران و سوریه "سیامکو" نام دارد و اتومبیل تولیدی این شرکت «شام» نامگذاری شده است. در اولین مرحله خریداران سوری برای خرید ۱۵۰۰ اتومبیل ثبت نام نمودند که تا شهریور ماه سال ۱۳۸۶، ۱۲۰۰ اتومبیل تحویل شهروندان سوری شد. در کارخانه سیامکو در حال حاضر مراحل تولید با استانداردهای زیست محیطی، کیفی و فنی ایران خودرو و تحت نظر مهندسان مجرب ایرانی توسط نیروهای سوری انجام می‌شود.

طی بیش از یک سالی که از تولید این اتومبیل گذشته است مردم سوریه استقبال خوبی از آن نموده‌اند و افزایش تقاضا باعث افزایش قیمت آن از ۱۲ هزار دلار به ۱۴ هزار دلار در بازار خودرو سوریه رسیده است.

طی یک سال گذشته دهها مهندس و تکنسین سوری در ایران خودرو آموزش دیده‌اند و ایران خودرو قصد دارد برای ایفای نقش محوری در بازار خوردو خاورمیانه جدیدترین فناوری‌های تولید خودرو را در شرکت سیامکو پیاده نماید. یکی دیگر از اقدامات ایران خودرو ایجاد تولید قطعات سمند شام در سیامکو می‌باشد که گامی بلند در جهت تعمیق حضور صنعت خودرو سازی ایران در کشور سوریه به شمار می‌آید.

شرکت سایپا:

در مراحل عقب‌تری از ایران خودرو فعالیت می‌کند. این شرکت با مشارکت نماینده خود در سوریه کارخانه مونتاژ اتومبیل را در اطراف شهر حمص ایجاد و در وهله نخست مبادرت به تولید پرآید می‌نماید. شرکت مشترک ایران و سوریه در این مورد شرکت خودروسازی "سی وی کو" است که با مشارکت دو شرکت سایپا و همشو سوریه تأسیس شده است. این شرکت در اردیبهشت ۱۳۸۴ به ثبت رسیده است. برای

تأسیس کارخانه مذکور زمینی به مساحت ۲۰۵ هزار مترمربع اختصاص یافته است. فاز اول این طرح ۵۰ میلیون هزینه در بر داشته و قرار است ۴۰٪ قطعات محصولات این شرکت نیز در سوریه تولید شود. ظرفیت فاز نخست تولید کارخانه سی وی کو ۱۵ هزار دستگاه در سال است که قابل افزایش خواهد بود.

تولیدات سایپا ۳۰٪ بازار سوریه را در اختیار دارد و از سال ۱۳۸۰ هجری شمسی که این شرکت وارد بازار خودرو سوریه شده تا سال ۱۳۸۶ بیش از ۴۰ هزار دستگاه خودرو به سوریه صادر نموده است. دلیل استقبال خریداران سوری از تولیدات سایپا کم مصرف بودن آنها و همچنین خدمات بعد از فروش آن می‌باشد. قرار است به زودی این شرکت نیز تولید خود را آغاز نماید.

تأسیس پست‌های برق

دو شرکت ایرانی صفا نیکو و پارسیان ۱۶ پست انتقال برق به ارزش ۳۶ میلیون دلار در سوریه احداث نمود ه‌اند و شرکت آذر آب نیز موفق به امضای یک قرار داد به ارزش ۲۷۰ میلیون دلار جهت احداث یک کارخانه خصوصی برق گردید.

برقراری تجارت آزاد:

از سال ۱۳۷۸ مذاکرات دو کشور برای تجارت آزاد بین دو کشور آغاز شده است در تیر ماه سال ۱۳۸۶ دو طرف موافقت اولیه برای ایجاد تجارت و کالاهای مشمول تعرفه ترجیحی را امضا نمودند. شورای بازرگانان طی چند سال اخیر شورای بازرگانان دو طرف مرتب تشکیل جلسه می‌دهد که آخرین بار در تابستان ۱۳۸۶ تشکیل گردید.

همکاری‌های نمایشگاهی

دو کشور مشارکت فعالی در نمایشگاه‌هایی که در کشور طرف مقابل بر گزار می‌شود دارند.

همکاری در زمینه نیرو

دو کشور بیش از ۱۰۰ میلیون دلار قرار داد همکاری‌های برقی با یکدیگر دارند و شرکت‌های جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از مناقصه‌های بر گزار شده در سوریه برنده شده و مشغول اجرای پروژه‌های خود هستند.

حساب تسویه:

با سفر رئیس جمهور وقت کشورمان به سوریه در سال ۱۳۷۸ موضوع بدهی‌های سوریه به ایران مطرح و دو کشور توافق کردند مجموع بدهی‌های سوریه در ۱۰ قسط پرداخت شود طرف سوری ۷ قسط را بطور مرتب و هر ساله پرداخت نموده‌اند.

نشست بازرگانان ایرانی و سوری

طی چند سال گذشته بازرگانان ایرانی و سوری به طور مرتب با یکدیگر ملاقات نموده‌اند. در تابستان ۱۳۸۶ رئیس اتاق بازرگانی کشورمان که جهت حضور در پنجاه و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی دمشق به سوریه سفر نموده بود با راتب صلاح رئیس اتاق بازرگانی سوریه دیدار نمود در این دیدار از رئیس اتاق بازرگانی سوریه جهت سفر به ایران دعوت بعمل آمد.

ب - سرمایه گذاری مشترک ایران و سوریه

ایران و سوریه به دلیل اینکه با چالش‌های مشترکی مواجه بوده و از سوی دیگر به دلیل موقعیت راهبردی دو کشور هماهنگی‌ها و اقدامات مشترک خود را گسترش داده‌اند از مهمترین اقدام اقتصادی دو کشور سرمایه گذاری مشترک بین دو کشور می‌باشد که دارای انعکاسات مثبتی در کلیه اشکال روابط و تقویت روابط دو کشور در مقابل چالش‌های داخلی یا خارجی سیاسی و یا اقتصادی است. سرمایه گذاری مشترک می‌تواند به عنوان نیروی محرکه تمامی انواع روابط

اقتصادی، تجاری و مالی و حتی سیاسی و فرهنگی عمل نماید. گسترش روابط و مقابله آنها با چالش‌های داخلی و خارجی فقط با احساسات و عواطف تحقق نمی‌یابد بی‌تردید وجود مصالح مشترک عامل مهمی در تقویت روابط می‌باشد و بهترین راه برای ایجاد مصالح مشترک سرمایه‌گذاری مشترک است و این می‌تواند روابط اقتصادی دو کشور را به سطح روابط سیاسی برساند. بر این اساس دو کشور تلاش نموده‌اند سرمایه‌گذاری مشترک را گسترش دهند به طوری که سرمایه‌گذاری ایران در سوریه در اوایل سال ۱۳۸۶ بالغ بر یک میلیارد دلار می‌گردد و از این مبلغ بیش از ۹۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مشترک است. اهم سرمایه‌گذاری‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- کارخانه سیمان حماه
 - ۲- ساخت و بازسازی نیروگاه‌های برق
 - ۳- ساخت ۱۰ سیلو حبوبات
 - ۴- ساخت کارخانه‌های خودرو سازی
 - ۵- ساخت کارخانه روغن موتور
- در راستای گسترش روابط اقتصادی قرار است پروژه‌های مهم و راهبردی دیگری که می‌تواند تاثیر فوق‌العاده‌ای در روابط دو کشور داشته باشد در سوریه به انجام برسد از جمله:
- ۱- ساخت و ایجاد خط لوله نفت و گاز که نفت ایران را از طریق عراق به ساحل شرقی مدیترانه در شهرهای طرطوس و بانیاس برساند.
 - ۲- اتصال خطوط آهن ایران به سوریه از طریق عراق که از این طریق آسیای میانه به دریای مدیترانه متصل می‌گردد و نقش سه کشور ایران، عراق و سوریه بیش از پیش راهبردی می‌شود.
 - ۳- ایجاد اتوبان بین سه کشور که می‌تواند یک خط ترانزیت کالا باشد و از مزایای سرعت و عدم پرداخت هزینه‌های مالیات کانال سوئز بر خوردار باشد.

مزایای سرمایه‌گذاری مشترک ایران و سوریه

بدون شك سرمايه گذاري دو کشور داراي مزايای زيادي مي‌باشد از جمله اين مزایا مي‌توان به موارد ذيل اشاره نمود:

- نهادينه کردن روابط سياسي و تقويت روابط اقتصادي در زمينه‌هاي مختلف از جمله مبادلات تجاري بين دو کشور. سرمايه گذاري مشترك معمولاً باعث افزايش حجم مبادلات تجاري بين دو کشور مي‌گردد.

- اين اقدام به تبادل کارشناس بين دو کشور منجر مي‌شود که مي‌تواند موجب نهادينه کردن روابط در زمينه‌هاي مختلف گردد.

- سرمايه گذاري مشترك به معني سرمايه گذاري در بازار سوریه نمي‌باشد بلکه سرمايه گذاري مشترك ايران و سوریه مي‌تواند از دسته بندي‌هاي منطقه‌اي نیز بهره برداري نمايد به خصوص در کشورهای عضو اتحاديه عرب با جمعيتي بالغ بر ۲۵۰ ميليون زیرا توليدات ساخت سوریه به عنوان يك کشور عرب بدون هرگونه تعرفه گمرکي مي‌تواند به ديگر کشورهای عربي صادر شود و مي‌تواند از مزايای منطقه تجارت آزاد اروپا (طرح مشارکت اروپا و خاورميانه نیز بهره برداري نمايد).

هرچند روابط سياسي و سرمايه گذاري‌هاي مشترك دو کشور افزايش يافته است اما طبق آمار هنوز مبادلات تجاري دو کشور بسيار پائين است و صادرات سوریه به ايران در سال ۲۰۰۵ از سه ميليون دلار تجاوز ننمود يعني ۵۶٪ کل صادرات سوریه که دلايل چنين وضعيتي را مي‌توان اينگونه بر شمرد:

- حمل و نقل در حال حاضر که از موانع عمده عدم افزايش مبادلات تجاري دو کشور است (حمل و نقل دريائي هزينه بر است و اوضاع عراق مانع حمل و نقل ريلي و يا جاده‌اي بين دو کشور مي‌شود).

- مقررات گمرکي هرچند دو کشور اخيراً براي کاهش تعرفه‌هاي گمرکي موافقتنامه‌اي امضا نموده‌اند اما هنوز به مورد اجر گذاشته نشده است.

- عدم وجود بانک مشترك که بتواند مبادلات تجاري بين دو کشور را تسهيل نمايد.

- عدم توجه بازرگانان سوریه به بازار ایران. واردات سوریه از ایران در سال ۲۰۰۴ میلادی ۵۷ میلیون دلار بوده است یعنی ۸۵٪ از واردات سوریه از ایران بوده است و این مبلغ ۱۹ برابر صادرات سوریه به ایران بوده است. در سال ۱۳۸۵ شرکت کابلهایی شهید قندی موفق به امضای قراردادی با طرف سوریه جهت صدور کابل به این کشور شد افزایش صادرات ایران به سوریه اساساً به دلیل قراردادهای سرمایه گذاری است که شرکتهای ایرانی در سوریه به امضاء رسانده اند که لاجرم صدور تجهیزات و تولیدات را می‌طلبیده است. به طور اصولی ایجاد منطقه آزاد تجاری مشترک بین دو کشور بدون شک می‌تواند حجم مبادلات تجاری فیما بین را افزایش دهد. با توجه به نزدیکی جغرافیایی ایران و سوریه و همچنین روابط خوب سیاسی بین دو کشور و همچنین امضای قرار داد تجارت ترجیحی بین دو طرف انتظار می‌رود طی چند سال آینده شاهد گسترش روابط بازرگانی بین دو کشور باشیم. برای توسعه سرمایه گذاری مشترک بین دو کشور و افزایش حجم مبادلات بازرگانی ناچاراً باید مجموعه‌ای از اقدامات را انجام داد از جمله:

- ایجاد نظام حمایت مالی از سرمایه گذاری مشترک بین دو کشور از طریق تأسیس بانک مشترک که مهمترین وظیفه آن حمایت از سرمایه گذاران سوری و ایرانی باشد. همچنین ایجاد بانک تجاری مشترک جهت حمایت از مبادلات تجاری بین دو کشور. در تیر ماه سال ۱۳۸۶ در جریان تشکیل کمیته‌های کاری کمیسیون مشترک اقتصادی بین دو کشور چارچوب کلی برای ایجاد بانک مشترک مورد توافق قرار گرفت و مقرر شد بانک صادرات ایران و بانک تجارت سوریه زمینه ایجاد یک بانک مشترک را فراهم آورند. البته ایجاد بانک مشترک با توجه به فشارهای مالی و محدودیتهایی که از سوی آمریکا به دو کشور وارد می‌آید با مشکلاتی مواجه خواهد بود.

-تلاش جهت یکسان کردن قوانین و مقررات تجاری و مشخصات فنی بین دو کشور جهت سرمایه گذاری مشترک و تسهیل مبادلات تجاری.

-ایجاد نظام اطلاع رسانی پیشرفته در خصوص فرصت‌های سرمایه گذاری در دو کشور و ایجاد سرمایه گذاری مشترک و اهتمام به توسعه خدمات بعد از سرمایه گذاری.

-تشویق تأسیس شرکتهای مشترک برای بازاریابی و ایجاد نظام اطلاع رسانی جهت بازاریابی و تشویق ایجاد شرکتهای حمل و نقل مشترک و شرکتهایی در زمینه سرمایه گذاری جهانگردی مشترک.

-تمرکز بر تشجیع و فعال نمودن سرمایه گذاری مشترک بین تجار دو کشور و عدم تمرکز سرمایه گذاری‌های بین دو دولت.

همکاری‌های بازرگانی ایران و سوریه

-تأسیس مرکز تجاری ایرانیان: طرف ایرانی تمایل خود را برای تأسیس مرکز تجاری کشورمان در سوریه اعلام نموده است و با درخواست طرف سوری شرح وظایف دفتر مذکور برای مقامات آن کشور ارسال گردید، لیکن تاکنون طرف سوری نظرات خود را اعلام ننموده است.

-شرکت واگن سازی پارس: این شرکت در سالهای گذشته حدود ۹۶۰ دستگاه واگن حمل سوخت به سوریه صادر کرده و پروژه تعمیر ۹۹ دستگاه واگن مسافری به ارزش ۱۰ میلیون دلار نیز در مرحله اجرا است. این شرکت در مناقصه ۸۰ دستگاه واگن حمل فوسفات به ارزش ۴ میلیون دلار برنده شده و قرارداد مربوطه امضاء گردیده و تا کنون به مرحله اجرایی نرسیده است.

-گروه صنعتی کاوه: این شرکت در پی اعلام طرفهای سوری آمادگی خود را جهت ساخت کارخانه شیشه فلوت در سوریه اعلام نموده، در این خصوص مجوزهای لازم اخذ شده است، پروژه مذکور در شهر حمص به ارزش ۸۹

میلیون دلار اجرا خواهد شد. سهام سرمایه گذار ایرانی ۶۵٪ (تامین ماشین آلات و خدمات) و سهم طرف سوری ۳۵٪ خواهد بود.

- فرآورده های نسوز و باتری: در سال ۱۳۸۵، ۲۰۰ هزار دلار و در سال جاری تاکنون ۱۸۰ هزار دلار مواد نسوز به سوریه صادرات داشته و این رقم در سال جاری به حدود ۲۵۰ هزار دلارافزایش خواهد یافت در خصوص تأسیس کارخانه فرآورده های نسوز در سوریه مطالعات امکان سنجی طرح انجام و گزارش فنی و اقتصادی دو طرح تولید مواد نسوز بصورت سرمایه مشترک به شرح زیر به طرف سوری ارائه شده است:

- طرح ۲۰ هزار تنی به ارزش ۱۲/۵ میلیون دلار جهت بازار سوریه

- طرح ۶۰ هزار تنی به ارزش ۲۲/۵ میلیون دلار جهت بازار منطقه

بر حسب اظهارات اخیر رئیس موسسه سیمان سوریه به دلیل حجم ناچیز مصرف این کالا در سوریه ایجاد خط تولید آجر نسوز در این کشور توجیه اقتصادی ندارد. در مورد پروژه باتری سازی در سوریه، شرکت باتری سازی سیرجان مذاکرات مقدماتی را با شرکت هندسیه سوریه بعمل آورده و منتظر شرکت در مناقصه تولید باتری می باشد.

- موتور سازان و تراکتور سازی تبریز

شرکت موتور سازان تاکنون طی ۱۴ مرحله ۳۰۰۰ دستگاه موتور تراکتور به سوریه صادر نموده و در حال حاضر در مناقصه صدور ۲۰۰۰ دستگاه موتور شرکت نموده که هنوز نتیجه آن اعلام نشده است، شرکت ماشین سازی تبریز نیز آمادگی خود را جهت صدور انواع ماشین افزار مورد نیاز کارگاه های صنعتی سوریه و ایجاد خط تولید سوزن راه آهن در سوریه اعلام کرده است، طرف سوری نیز، اظهار علاقه نموده است که دو کشور در زمینه تولید تراکتور در سوریه همکاری داشته باشند.

همکاری های علمی، پزشکی و بهداشتی

در پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک، دو طرف در خصوص تهیه و امضای یاد داشت تفاهم بهداشتی و برنامه

اجرائی آن توافق نمودند و در جریان آخرین کمیسیون مشترک عالی اقتصادی دو کشور در تاریخ ۸۲/۱۰/۵ یادداشت تفاهم همکاریهای پزشکی و بهداشتی بین دو کشور به امضاء رسید.

- در زمینه همکاریهای آموزشی نیز سوریه نسبت به اعزام هیئتهای پزشکی خود جهت گذارندن دوره‌های کوتاه مدت و بلند مدت تمایل بسیار دارد که این موضوع از طریق دانشگاههای تهران و شهید بهشتی در دست بررسی است.

- همچنین شرکت دارو پخش در خصوص صدور دارو به کشور سوریه فعال است و تا کنون حدود ۹۰ هزار دلار داروی بی‌حسی دندان به سوریه صادر نموده است.

- در چهار چوب گسترش روابط پزشکی و بهداشتی دو کشور، جمهوری اسلامی ایران آمادگی تجهیز سه بیمارستان سوریه و نیز احداث کارخانه مشترک داروی دندان پزشکی با شرکت تامیکو سوریه را به مقامات سوری اعلام نموده است.

- با توجه به امضای موافقتنامه جدید آموزشی در زمینه‌های پزشکی و رشته‌های وابسته لازم است نسبت به تشکیل کمیته مشترک بهداشتی اقدام لازم صورت گیرد.

همکاری‌های نفتی و گازی:

دو کشور در زمینه نفت و گاز، پترو شیمی و معدنی مذاکراتی جهت گاز سوز کردن خودروها، بازسازی پالایشگاههای حمص و بانیاس بازسازی توربین‌های مربوط به وزارت نفت سوریه، بازاریابی خارجی مشترک نفت و همکاری در بهره‌برداری، انتقال و بکارگیری گاز در صنایع مختلف انجام داده‌اند، همچنین بدنبال امضاء یادداشت تفاهم دو کشور مبنی بر همکاری با بخش پتروشیمی آن کشور در جهت بازسازی، تعمیر و نگهداری و بررسی امکان سرمایه‌گذاری در طرح پیشنهادی احداث کارخانه پتروشیمی در سوریه هیأتی از وزارت صنایع، وزارت نفت و

کارخانه کود شیمیایی آن کشور از تاریخ ۸۲/۹/۲ لغایت ۸۲/۱۰/۷ به کشورمان سفر نمود، ضمناً شرکت ملی صنایع پتروشیمی جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را برای بازسازی و رفع تنگناهای واحدهای کود شیمیایی حمص و نیز مشارکت در ساخت واحد پترو شیمی در سوریه پس از انجام مطالعات امکان سنجی اعلام نمود.

در تاریخ ۸۶ / ۷ / ۱۲ در جریان سفر وزیر نفت سوریه به تهران تفاهم نامه‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و کشور سوریه منعقد گردید که بر مبنای آن ایران از ابتدای سال ۲۰۰۹ م، ۲ تا ۳ میلیارد مترمکعب گاز به سوریه صادر خواهد نمود. صادرات این میزان گاز از طریق خط لوله ترکیه انجام خواهد شد و کار گروه‌هایی برای نهایی کردن این تفاهم نامه به زودی از سو دو کشور کار خود را آغاز می‌کنند. وزیر نفت سوریه در دیدار خود از تهران همچنین خواستار استفاده از تجربه ایران در زمینه سهمیه بندی بنزین گردید که قرار شد شرکت ایرانی مجری کارت سوخت مطالعات خود جهت انجام پروژه مشابه در سوریه را آغاز نماید. همچنین وزیر نفت سوریه تفاهم نامه صادرات گاز ایران به سوریه را گام بلندی در توسعه روابط میان دو کشور دانست و گفت واردات گاز ایران به سوریه به پیشرفت پروژه‌های صنعتی و اقتصادی سوریه کمک زیادی خواهد کرد.

ایران و سوریه همچنین در حال مطالعه جهت احداث یک پالایشگاه با مشارکت ونزوئلا هستند. این پالایشگاه قرار است با ظرفیت ۱۴۰ هزار بشکه در روز کار خود را آغاز نماید.

توافقنامه‌ها و یادداشت تفاهم‌های بین دو کشور در
سال ۱۳۸۵

ردیف	موضوع	محل امضاء	طرف ایرانی	طرف سوری
۲	گردشگری	تهران	رئیس‌سازمان گردشگری	وزیر جهانگردی
۳	زیارتی و اوقاف	تهران	وزیر ارشاد	وزیر اوقاف
۴	تحقیقات علمی	تهران	وزیر علوم	وزیر آموزش عالی
۵	فناوری و توسعه علمی	تهران	وزیر علوم	وزیر آموزش عالی
۶	زبان فارسی	تهران	قائم مقام وزیر علوم	رئیس دانشگاه عالی
۷	تأسیس دانشگاه	تهران	رئیس دانشگاه البعث	معاون وزیر آموزش عالی
۸	تأسیس کتابخانه منطقه‌ای	تهران	رئیس کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی شیراز	معاون وزیر آموزش عالی
۹	قرارداد ساخت مرکز آموزش ادبیات فارسی دانشگاه دمشق	تهران	قائم مقام وزیر علوم	رئیس دانشگاه اه دمشق
۱۰	پنجمین نشست کمیته صنعت و معدن	تهران	وزیر صنایع و معادن	وزیر صنایع
۱۱	سومین کمیته پیگیری کمیسیون عالی مشترک	تهران	وزیر مسکن و شهرسازی	وزیر اقتصاد و بازرگانی
۱۲	بهزیستی	تهران	رئیس سازمان بهزیستی	معاون وزیر بهداشت
۱۳	برق	تهران	وزیر نیرو	وزیر برق
۱۴	مسکن و شهرسازی	تهران	وزیر مسکن و شهرسازی	وزیر راه و ترابری
۱۵	کار	تهران	وزیر کار	وزیر نفت
۱۶	مخابرات و اطلاع رسانی	تهران	وزیر ارتباطات	وزیر راه و ترابری
۱۷	پزشکی	تهران	وزیر بهداشت	وزیر بهداشت
۱۸	ششمین نشست کمیته صنعت	تهران	وزیر صنایع	وزیر صنایع
۱۹	همکاری‌های کشاورزی	تهران	وزیر جهاد	وزیر

روابط با جمهوری اسلامی ایران / ۲۴۵

کشاورزی	کشاورزی			
نخست وزیر	معاون اول رئیس جمهور	تهران	کمیته عالی همکاری های اقتصادی ایران و سوریه	۲۰
معاون وزیر خارجه	معاون کنسولی	تهران	کنسولی	۲۱

توافقنامه ها و یادداشت تفاهم های بین دو کشور در سال ۱۳۸۶

۱	کمیته پیگیری کمیسیون مشترک	دمشق	وزیر مسکن	وزیر اقتصاد
۲	اجلاس همکاری های بندری - دریایی	تهران	معاون وزیر راه	معاون وزیر راه
۳	خواهر خواندگی بندر طرطوس و بندر امام خمینی	تهران	مسئول بندر امام خمینی (ره)	مسئول بندر لاذقیه
۴	زیراتی و جهانگردی	دمشق	رئیس سازمان حج و زیارت	معاون وزیر جهانگردی
۵	توافقنامه همکاری علمی بین دانشگاه تربیت مدرس و تشرین	لاذقیه	رئیس دانشگاه تربیت مدرس	رئیس دانشگاه تشرین
۶	همکاری های علمی	دمشق	وزیر علوم	وزیر آموزش عالی
۷	تاسیس دانشگاه مشترک	دمشق	رئیس دانشگاه تربیت مدرس	وزیر آموزش عالی سوریه
۸	اصلاح موافقتنامه همکاری قضایی	-	-	-
۹	تصویب موافقتنامه کمک متقابل اداری در امور گمرکی در مجلس شورای اسلامی	-	-	-
۱۰	یادداشت تفاهم هفتمین نشست کمیته صنعت بین دو کشور	دمشق	سرپرست وزارت صنایع	وزیر صنایع سوریه

۱۱	صورتجلسه همکاري هاي نفتي	تهران	سرپرست وزارت نفت	وزير نفت سوريه
۱۲	همکاري در امور مسکن	تهران	وزير مسکن و شهري سازي	وزير مسکن

اهم پروژه‌های انجام شده و در دست انجام جمهوری اسلامی ایران در سوریه

عنوان پروژه	طرف سوري	حل پروژه	مبلغ به ميليون دلار	پيمانكار
سيمان حماه	شرکت اسمنت	حماه	۱۹۸ ميليون دلار	احداث صنعت
توسعه سيلوها	موسسه صوامع	حسکه	۲۰۸ ميليون دلار	توسعه سيلوها
نیروگاه بانياس	موسسه كهربا	بانياس	۶۰	آذر آب
بویلر پالایشگاه	پالایشگاه بانياس	بانياس	۸	آذر آب
بویلر پالایشگاه حمص	پالایشگاه حمص	حمص	۱۵	آذر آب
مخازن پالایشگاه حمص	پالایشگاه حمص	حمص	۱	آذر آب
پستهای برق	موسسه برق	شهرهای مختلف	۲۰	صفا نیکو
پستهای برق فشار قوی	وزارت برق	شهرهای مختلف	۱۱۰	پارسیان
احداث پستهای برق	وزارت برق	شهرهای مختلف	۱۱۵	صانیر
آبرسانی به دشتهای الباب	وزارت آبیاری	حلب	۱۲	شیمابر
احداث تونل و کانال آبرسانی	وزارت آبیاری	حلب	۲۶	سابیر بین الملل
واگن	وزارت راه	راه آهن	۱۰	واگن پارس
تولید خودرو	وزارت صنایع + بخش خصوصی	ریف دمشق	۶۰	ایران خودرو
تولید خودرو	بخش خصوصی	حمص	۴۶	سایپا
کارخانه تصفیه روغن	بخش خصوصی	ریف دمشق	۷	

۳- روابط فرهنگی

طی چند سال اخیر روابط فرهنگی دو کشور نیز همسان با روابط سیاسی و اقتصادی رو به گسترش بوده است. یکی از عواملی که موجب دوام و ثبات روابط دو جانبه خصوصاً در زمینه سیاسی و اقتصادی گردیده گسترش روابط دو جانبه فرهنگی است. دو کشور ضمن برگزاری هفته‌های فرهنگی در کشور دیگر اخیراً اقدام به امضای موافقتنامه اولیه برای تاسیس دانشگاه مشترک نیز نموده و دیگر مراودات فرهنگی را نیز افزایش داده اند. در حال حاضر دهها دانشجوی ایرانی در دانشگاههای سوریه و دهها دانشجوی سوری در دانشگاههای ایران مشغول تحصیل می‌باشند.

اهم قراردادهای فرهنگی دو کشور به شرح ذیل می‌باشد:

موافقتنامه فرهنگی

این موافقتنامه در سال ۱۳۶۲ به امضای وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی ایران و وزیر آموزش و پرورش سوریه رسید. این موافقتنامه برای یک دوره پنج ساله که قابل تمدید و یا اصلاح دارد بر اساس این موافقتنامه برنامه‌های اجرایی سه ساله متعددی تدوین شده است. این برنامه‌های اجرایی شامل همکاری‌های فرهنگی دو کشور در زمینه‌های آموزشی و پرورشی، آموزش عالی، فرهنگی و رسانه گروهی می‌باشد و همکاری‌های دو طرف به طور مبسوط در هریک از موضوعات ذکر شده است.

یادداشت تفاهم‌های فرهنگی

- یادداشت تفاهم تأسیس گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دمشق توسط رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه دمشق در خرداد ماه ۱۳۸۴.

- امضای تفاهم نامه همکاری میان دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه البعث سوریه در تاریخ ۸۲/۴/۹.
- امضای قرار داد خواهر خواندگی بین استان لاذقیه سوریه و استان گیلان در شهریور ۱۳۸۲.
- امضای توافقنامه همکاری بین سازمان دانش آموزی ایران و سوریه.
- امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های آموزشی در صورت جلسه امضاء شده بین دو وزیر آموزش و پرورش.
- امضای یادداشت تفاهم در خصوص اوقاف بین وزیر اوقاف سوریه و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه سال ۱۳۸۵.
- امضای پنج یادداشت تفاهم بین دو کشور در خصوص آموزش عالی در جریان سفر وزیر آموزش عالی سوریه به کشورمان در سال ۱۳۸۵.
- امضای موافقتنامه در خصوص تأسیس دانشگاه مشترک فارابی در سوریه در مهر ماه ۱۳۸۶ بین وزیر آموزش عالی سوریه و رئیس دانشگاه تربیت مدرس.
- امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های گردشگری میان دو کشور در جریان سفر وزیر گردشگری سوریه به تهران در سال ۱۳۸۵.
- طی چند سال گذشته کمیته دوستی ایران و سوریه فعال گردیده است طرف ایرانی این کمیته دوستی در ایران حجت الاسلام و المسلمین اختی و در سوریه آقای مصطفی میرو نخست وزیر سابق می‌باشد.

آموزش زبان فارسی در سوریه

آموزش زبان و ادبیات فارسی در سوریه بعد از انقلاب اسلامی با تحویلی چشمگیر روبرو شده است در سه سال اخیر رایزنی فرهنگی فعالیت‌های خود را در این زمینه گسترش داده است و جهت نهادینه شدن آموزش زبان فارسی در میان قشر تحصیل کرده سوریه مجوز تأسیس چهار گروه زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی در چهار دانشگاه مهم سوریه اخذ شده است و تا کنون سه گروه در دانشگاه‌های سوریه افتتاح شده است. ضمناً مراکزی نیز برای زبان

آموزی در آموزشکده‌های زبان‌های خارجی وابسته به دانشگاه و در مقر رایزنی فرهنگی و مراکز دیگر افتتاح شده است. همچنین مراکز فرهنگی دو کشور در سوریه و تهران فعال می‌باشد.

پیوست‌ها

برای آشنایی با روابط دو جانبه ایران و سوریه به یکی از بیانیه‌های مشترکی که پس از پایان سفر بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه از تهران منشر شد اشاره می‌شود:

بسمه تعالی

متن بیانیه مشترک جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه در پایان سفر جناب آقای بشار اسد رئیس‌جمهوری عربی سوریه به تهران در راستای تحکیم و گسترش روابط برادرانه میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه و بنا بر دعوت رسمی جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس‌مخترم جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای دکتر بشار اسد رئیس‌جمهوری عربی سوریه در رأس هیأتی عالی رتبه از تاریخ ۲۸ لغایت ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۵ از جمهوری اسلامی ایران دیدار نمودند. در این سفر، مقامات دو کشور مهمترین مسائل فیما بین و همچنین تحولات منطقه‌ای را مورد گفتگو و تبادل نظر قرار دادند و بر موارد ذیل تأکید کردند:

روابط دو جانبه

- در ملاقاتهای طرفین که در جوی آکنده از دوستی و همکاری سازنده انجام شد روند روابط سیاسی، اقتصادی، بازرگانی مورد بررسی قرار گرفت و طرفین با ابراز رضایت از سطح روابط عالی سیاسی دو کشور بر اهمیت تقویت، توسعه و تعمیق روابط دوستانه و برادرانه بین دو کشور در تمامی زمینه‌ها تأکید نمودند.

- طرفین بر لزوم تلاش تمامی ارگانهای دو کشور جهت برگزاری موفقیت‌آمیز اجلاس کمیته عالی اقتصادی دو کشور که قرار است در تهران برگزار گردد، تأکید نمودند.

- طرفین از گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی فیما بین اظهار خرسندی نموده و ضمن تأکید بر استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود در دو کشور؛ خواستار تعمیق و توسعه هر چه بیشتر این روابط گردیدند.

موضوع خلع سلاح و فعالیتهای هسته ای جمهوری اسلامی ایران

- دو کشور بر حق غیرقابل انکار کشورهای عضو معاهده NPT جهت استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای تأکید کرده و اعلام می کنند که هیچ گونه تبعیضی در اعمال این حق برای کشورهای در حال توسعه پذیرفته نیست، از این رو تصمیمات و سیاستهای کشورهای عضو NPT از جمله جمهوری اسلامی ایران در تملک چرخه سوخت هسته ای باید مورد احترام واقع شود.

- طرفین اعتقاد راسخ دارند که موضوع فعالیتهای صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران باید در آژانس بین المللی انرژی اتمی مورد بررسی قرار گیرد، طرفین معتقدند این موضوع باید از راههای دیپلماتیک و مذاکره بدون هرگونه پیش شرط، حل و فصل گردد.

- دو کشور اعتقاد راسخ خود را بر ضرورت ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح های کشتار جمعی اعلام کرده و توجه جامعه جهانی را به تهدید سلاحهای هسته ای رژیم صهیونیستی برای صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی جلب نموده و بر لزوم اقدام فوری نهادهای مسئول بین المللی برای مقابله با این تهدید تأکید می نمایند.

خاورمیانه

- طرفین تداوم سیاستهای اشغالگری و تجاوزات رژیم صهیونیستی را محکوم کردند و جمهوری اسلامی ایران حق ملت سوریه در باز پس گیری سرزمینهای خود در جولان اشغالی را مورد تایید قرار داد.

لبنان

– دوکشور با تأکید بر ضرورت تحکیم وحدت و وفاق ملی، آنچه را که تمامی لبنانی‌ها نسبت بدان توافق نمایند، به گونه‌ای که امنیت، ثبات و یکپارچگی خاک این کشور را تضمین نماید، مورد حمایت قرار می‌دهند.

– طرفین ضمن حمایت از حق مردم لبنان در مقابله با تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه تمامیت ارضی لبنان و باز پس‌گیری سایر اراضی اشغالی خود، خواستار پایان دادن به این تجاوزات از سوی جامعه بین‌الملل شدند.

فلسطین

طرفین با استقبال از توافق مکه مکرمه جهت تشکیل دولت وحدت ملی، توجه و عنایت خود را به وحدت ملت فلسطین ابراز داشته و حمایت خود را از حق بازگشت فلسطینیان و برپایی دولت مستقل آنان در سرزمین فلسطین اعلام نمودند.

طرفین اقدامات رژیم صهیونیستی در هتک حرمت و تهدید مسجد الاقصی و تخریب بخشی از آثار تاریخی آن با هدف محو هویت اسلامی و تاریخی آن را محکوم نموده و خواستار تحرك جدي مجامع بین‌المللی بویژه سازمان کنفرانس اسلامی جهت متوقف ساختن اقدامات تجاوزکارانه آن در هتک حرمت اماکن مقدس شدند.

عراق

طرفین حمایت خود را از دولت عراق، وحدت ملی و سرزمینی این کشور و حاکمیت و استقلال آن را به گونه‌ای که متضمن خروج نیروهای اشغالگر از آن گردد و نیز حفظ هویت عربی و اسلامی عراق اعلام داشتند.

طرفین حمایت خود را از تلاشهای دولت عراق و سایر تلاشهایی که بمنظور تحقق آشتی ملی و مقابله با فتنه طایفه‌گری و توطئه‌های موجود در این زمینه اعلام داشته و خواستار تمسك هر چه بیشتر ملت عراق به وحدت ملی خود شدند.

طرفین رهبران جهان اسلام را در شرایط خطرناک کنونی به مقابله با تلاشهای فتنه افکنانه‌ای که همه امت اسلامی را هدف قرار داده است، فرا می‌خوانند و همچنین خواستار یکپارچه نمودن تلاشهای آنان جهت مقابله با خطرات پیش روی جهان اسلام شدند.

بسم ... الرحمن الرحيم

اجرای موافقتنامه فرهنگی میان
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی
سوریه
برای سالهای ۱۳۸۶-۱۳۸۴ هجری شمسی
برابر با (۲۰۰۸-۲۰۰۶ میلادی)

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه که در این موافقتنامه از این پس طرفین نامیده میشوند. در راستای تحکیم مناسبات دوستانه و با الهام از ایمان به میراث فرهنگی، تمدن و تاریخ مشترک دو کشور و در جهت تقویت روابط موجود فیما بین در زمینه‌های تربیتی، علمی، فرهنگی و فنی و در اجرای موافقتنامه امضاء شده در تهران به تاریخ ۲ اسفند ۱۳۶۲ هجری شمسی برابر با ۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۴ هجری قمری و ۲۱ فوریه ۱۹۸۴ میلادی، در مورد برنامه اجرایی سالهای فوق به شرح ذیل توافق نمودند.

فصل اول: آموزش و پرورش ماده ۱

طرفین به منظور توسعه همکاریهای موجود فیما بین نسبت به تعادل اطلاعات و فن آوری در زمینه آموزش و پرورش به شرح ذیل اقدام خواهند نمود:

الف- ساختار نظام آموزشی، آموزش پیش دبستانی و آموزش عمومی، متوسطه، استثنایی و آموزش های فنی و حرفه ای

ب- تکنولوژی آموزشی و فن آوری اطلاعات IT و ICT

ج- تربیت معلم، آموزش قبل از خدمت و ضمن خدمت معلمان، فعالیتهای فوق برنامه، شیوه های نوین تریس و ارزشیابی تحصیلی

د- آموزش محیط زیست، جمعیت و بهداشت مدارس

ه- ارائه تجربیات و طرحهای موفق خود در

زمینه مبارزه با بیسوادی و آموزش بزرگسالان

ماده ۲

طرفین به منظور آشنایی با فرهنگ و تمدن دو کشور نسبت به مبادله اسناد، کتب و اطلاعات منطبق با واقعیات پیرامون تاریخ، جغرافیا و فرهنگ دو کشور و گنجاندن آنها در برنامه های آموزشی و کتب درسی یکدیگر اقدام خواهند نمود.

ماده ۳

طرفین کتب، نشریات، اسلاید، فیلمهای آموزشی و کمک آموزشی را که در دو کشور تهیه و منتشر می شود مبادله خواهند نمود.

ماده ۴

وزارت آموزش و پرورش طرفین، ضمن تبادل اطلاعات لازم نسبت به معرفی نظام آموزشی خود به صورت یک شماره ویژه یا در مجلات علمی، آموزشی که توسط آموزش و پرورش دو طرف منتشر می شود اقدام خواهند نمود.

ماده ۵

طرفین از یکدیگر جهت شرکت در جشنواره های هنری، آموزشی و همچنین مسابقات علمی، فرهنگی ورزشی که در هر یک از دو کشور برگزار می گردد دعوت به عمل آورده و تسهیلات لازم جهت شرکت در آن را برای یکدیگر فراهم می آورند.

ماده ۶

طرفین آمادگی خود را نسبت به ایجاد ارتباط و تبادل اطلاعات بین دبیرستانهای یکدیگر از طریق شبکه اینترنت در چارچوب Associated school projects اعلام می‌نمایند. در این راستا طرفین نسبت به معرفی دبیرستان به یکدیگر جهت تبادل اطلاعات و اجرای طرح اقدام می‌نمایند.

ماده ۷

طرفین در طول مدت اعتبار این برنامه نسبت به ایجاد ارتباط و همکاری بین سازمان دانش آموزی جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شبیه الثورة سوریه اقدام می‌نمایند.

ماده ۸

طرفین آمادگی خود را به منظور برگزاری اردوهای تابستانی دانش آموزی سالیانه برای ۱۵ نفر از دانش آموزان مدارس یکدیگر به همراه ۲ سرپرست و به مدت یک هفته اعلام می‌دارند.

ماده ۹

طرفین در مدت این برنامه نسبت به اعزام هیأتی مرکب از سه نفر کارشناس جهت تبادل تجارب و اطلاعات در زمینه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، تالیف و چاپ کتب درسی، آموزش کودکان استثنایی و آخرین اطلاعات و دستاوردهای علمی و آموزشی اقدام می‌نمایند.

ماده ۱۰

طرفین از کارشناسان یکدیگر به منظور شرکت در سمینارها، کنفرانسها و کارگاههای آموزشی دعوت می‌نمایند.

ماده ۱۱

طرف سوریه تسهیلات لازم را جهت بازدید معلمان مدرسه جمهوری اسلامی ایران در سوریه از مدارس آن کشور به منظور انجام تحقیقات علمی فراهم می‌نماید.

ماده ۱۲

طرفین از گسترش همکاری دو همکاری دو کشور در سازمانهای علمی آموزشی فرهنگی متحد (یونسکو) و

روابط با جمهوری اسلامی ایران / ۲۵۷

سازمان علمی آموزشی تربیتی کشورهای مسلمان (ایسکو) حمایت می‌نمایند.

ماده ۱۳

طرفین نسبت به ارزشیابی تأیید مدارك تحصیلی صادره از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی یکدیگر بر اساس قوانین و مقررات داخلی اقدام می‌نمایند.

ماده ۱۴

طرفین در طول اعتبار این برنامه همکاری در امور نوجوانان را تشویق نموده و به اقدامات ذیل مبادرت می‌ورزند:

الف: برگزاری نمایشگاه‌های کتاب، نقاشی و اجرای تئاتر برای کودکان و نوجوانان
ب: تبادل تجربیات و اطلاعات در زمینه نقاشی، کتاب، فیلم و تئاتر عروسکی کودکان

ماده ۱۵

شرکت صنایع آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را جهت همکاری در زمینه تولید وسایل آموزشی و کمک آموزشی به طرف سوری اعلام می‌نماید.

فصل دوم: آموزش عالی

ماده ۱۶

طرفین بر اجرای یادداشت تفاهم امضاء شده در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۹ (مطابق با ۲۰۰۵/۲/۱۷ میلادی) فی‌ما بین وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری جمهوری اسلامی ایران و وزارت عالی جمهوری عربی سوریه در زمینه همکاری‌های علمی، تحقیقاتی و فن‌آوری تأکید می‌ورزند.

ماده ۱۷

طرفین در امر تبادل و دیدار اساتید و محققان جهت شرکت در سمینارهای و کنفرانسهای علمی که در

دو کشور تشکیل می شود و همچنین در اجرای تحقیقات علمی در کلیه زمینه ها اقدام خواهند کرد.

ماده ۱۸

طرفین نسبت به مبادله و دیدار اساتید دانشگاهها و محققان به هدف تقویت همکاری مشترک فی مابین دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی در دو کشور اقدام نموده و در مورد تشکیل گروه های تحقیق در کلیه زمینه ها به وژه در زمینه انرژی تجدید پذیر و انفورماتیک اقدام خواهند کرد.

ماده ۱۹

طرفین اسناد و مدارک و اطلاعات علمی و همچنین کتب و مطبوعات و نشریات و مجلات دوره ای را که در دو کشور از طرف دانشگاهها و موسسات علمی منتشر می شود مبادله خواهند کرد.

ماده ۲۰

طرفین در زمینه تقویت همکاری مستقیم بین دانشگاههای دو کشور از طریق انعقاد توافقنامه روابط دو جانبه فی مابین اقدام می نمایند.

تبادل بورس های تحصیلی

ماده ۲۱

طرف ایرانی سالانه بورسهای ذیل را به طرف سوری اعطاء می نماید.

الف: بیست بورس تحصیلی در مقطع کارشناسی در رشته های مختلف.

ب: پانزده بورس تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته های مختلف که از این تعداد دو بورس به رشته زبان فارسی اختصاص می یابد.

ج: پنج بورس تحصیلی در مقطع دکترا در رشته های مختلف از این تعداد دو بورس به رشته زبان و ادبیات فارسی اختصاص می یابد.

د: کلیه پذیرفته شدگان در قالب بورسیه های مذکور از پرداخت هزینه یک دوره آموزشی زبان فارسی معاف می باشند و در صورت عدم موفقیت در دوره دانشجوی موظف به پرداخت هزینه تکرار دوره می باشد.

- ۲- طرف سوری سالانه بورس های ذیل را به طرف ایرانی اعطاء می نماید:
- الف: بیست بورس تحصیلی در مرحله کارشناسی در رشته های مختلف
- ب: پنج بورس تحصیلی در مرحله کارشناسی ارشد در رشته های مختلف
- ج: پنج بورس تحصیلی در مرحله دکترا در رشته های مختلف
- د: کلیه پذیرفته شدگان در قالب بورسیه های مذکور از پرداخت هزینه یک دوره آموزش زبان عربی معاف می باشند و در صورت عدم موفقیت در دوره دانشجوی موظف به پرداخت هزینه تکرار دوره می باشد.
- ۳- رشته ها و سایر جزئیات مربوط به بورسیه ها از جاری دیپلماتیک مورد توافق قرار می گیرد.
- ۴- کلیه پذیرفته شدگان در طول تحصیل مجاز به تغییر رشته و انتقال نمی باشند.
- ۵- طرفین کمیتة مشترکی را جهت تحقیق در پذیرش بورسیه های تحصیلی رد و بدل شده میان دو کشور با توجه به شرایط لازم تشکیل خواهند داد.

ماده ۲۲

طرفین توافق نمودند پنج سهمیه تحصیلی دانشگاهی در مقطع لیسانس در رشته های مختلف طبق قوانین داخلی خود به یکدیگر اعطاء نمایند پرداخت شهریه تحصیلی طبق تعرفه داخلی شهروندان دو کشور عمل می شود.

ماده ۲۳

طرفین از پیشرفت همکاری مشترک میان کتابخانه های دانشگاهی حمایت کرد.

ماده ۲۴

طرفین نسبت به مبادله هیأتی مرکب از سه نفر از کارکنان آموزش عالی جهت کسب اطلاعات و تبادل تجارب کارشناسی سالانه یکبار در مدت اجرای این برنامه اقدام خواهند کرد.

ماده ۲۵

با همسران و فرزندان دیپلماتهای دو کشور که در مقطع لیسانس تحصیل می‌کنند از لحاظ پرداخت شهریه تحصیلی همانند سایر شهروندان دو کشور رفتار می‌شود. این امر براساس رفتار متقابل می باشد.

ماده ۲۶

طرفین نسبت به ایجاد کرسی زبان فارسی در دانشگاههای سوریه و ایجاد کرسی زبان عربی در دانشگاههای ایران اقدام نموده و از آنچه در این زمینه وجود دارد حمایت خواهند کرد در این راستا طرفین متقابلاً تعدادی از استید و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی و عربی یکدیگر را جهت شرکت در دوره‌های باز آموزی زبان و ادبیات طرف متقابل مبادله خواهند کرد.

فصل سوم: فرهنگ و هنر

ماده ۲۷

طرفین در جشنواره‌های سینمایی که در دو کشور بر پا می‌شود شرکت خواهند کرد.

ماده ۲۸

دو طرف متقابلاً نسبت به برپایی هفته‌های فیلم در دو کشور اقدام می‌نمایند.

ماده ۲۹

طرفین در زمینه تحکیم فعالیت سینمایی بین موسسه سینمایی سوریه و موسسه ایرانی فارابی پیرامون تبادل تجربیات سینمایی و تهیه فیلم جهت شرکت در جشنواره‌های سینمایی دو کشور همکاری می‌نمایند.

ماده ۳۰

طرفین مطبوعات و نشریات سینمایی را میان خود مبادله خواهند کرد.

ماده ۳۱

طرفین تولید فیلمهای سینمایی مشترک را تشویق می نمایند.

ماده ۳۲

روابط با جمهوری اسلامی ایران / ۲۶۱

طرفین به منظور تبادل اطلاعات هیئتی مرکب از متخصصان را در زمینه موزه‌ها و حفظ و ترمیم آثار باستانی به مدت یک هفته میان خود مبادله می‌نمایند.

ماده ۳۳

طرفین نسبت به مبادله نشریات و مطبوعات ویژه آثار باستانی اقدام خواهند کرد.

ماده ۳۴

گروه موسیقی شرقی سوریه یک جشن موسیقی را در جمهوری اسلامی ایران بر پا خواهند کرد.

ماده ۳۵

گروه موسیقی ایرانی یک جشن موسیقی و کارگاه آن را در سوریه برگزار خواهد کرد.

ماده ۳۶

طرفین در جشنواره های هنری که در دو کشور برگزار می شود به ویژه جشنواره بین المللی بصری و جشنواره های فجر شرکت خواهند کرد.

ماده ۳۷

طرفین گروه های تئاتر را به منظور اجرای نمایش بین دو کشور مبادله می‌نمایند.

ماده ۳۸

طرفین در جشنواره های تئاتر که در دو کشور برگزار می شود شرکت می‌نمایند در این راستا طرف ایرانی برپایی یک کارگاه تئاتری را در دمشق که دست‌اندرکار بازیگری نوین باشد مورد تشویق قرار خواهد داد.

ماده ۳۹

طرفین نسبت به تبادل اساتید و کارآموزان مدارس عالی هنرهای نمایشی در دمشق و تهران برای شرکت در جشنواره ها و سمینارهای هنری که در دو کشور برگزار می‌شود اقدام می‌نمایند.

ماده ۴۰

طرفین مبادله و برپایی نمایشگاههای هنری (هنرهای تجسمی) در دو کشور را جهت آشنایی با هنر کشور متقابل تشویق می نمایند.

ماده ۴۱

طرفین اطلاعات تفضیلی مربوط به جشنواره ها و نمایشگاههای تجسمی بین المللی را که در دو کشور برپا می شود مبادله می کنند.

ماده ۴۲

طرفین مطبوعات هنری در زمینه های پیکر تراشی، تصویر برداری، کنده کاری را مبادله خواهند کرد.

ماده ۴۳

دو طرف فهرست آثار خطی نگاهداری شده نزد خود را با یکدیگر مبادله خواهند کرد.

ماده ۴۴

طرفین فهرست کتابهای مربوط به مطبوعات و مطالعات مربوط به نشر و احیای میراث عربی و فارسی را میان خود مبادله می نمایند.

ماده ۴۵

طرفین کارشناس خود را جهت اطلاع از نسخه های قدیمی خطی عربی و فارسی و شیوه حفظ و نگهداری آنها مبادله می نمایند.

ماده ۴۶

طرفین نسبت به تبادل هیئتهای تحقیقاتی و کارشناسی در زمینه برنامه ریزی و آمار بمنظور تحقیق در مسائل فرهنگی اقدام می نمایند.

ماده ۴۷

طرفین تعدادی از کارکنان اداره مرکزی وزارتخانه فرهنگ خود را جهت اطلاع از روش کار در موسسات فرهنگی هر یک از آنها برای مدتی بین یک تا دو هفته مبادله خواهند کرد.

ماده ۴۸

روابط با جمهوری اسلامی ایران / ۲۶۳

طرف ایرانی پذیرای یکی از کارمندان کتابخانه ملی اسد سوریه جهت آشنایی با شیوه کتابداری و اطلاعات مربوطه به مدت دو هفته می باشد.

ماده ۴۹

طرفین نسبت به انجام همکاری مشترک در زمینه کتابداری بین کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی اسد سوریه از طریق انعقاد یادداشت تفاهم دو جانبه اقدام می نمایند.

ماده ۵۰

طرفین نسبت به تعادل کارشناسان به مدت دو هفته جهت اطلاع از نسخه های خطی و کتابهای کمیاب و نحوه نگهداری آنها و بمنظور ایجاد زمینه تبادل تصاویر مربوط به نسخه های خطی اقدام می نمایند.

ماده ۵۱

طرفین نسبت به دیدار یکی از کارشناسان نسخه های خطی خود به مدت دو هفته جهت اطلاع از شیوه نگهداری و مرمت نسخه های خطی اقدام می کنند.

ماده ۵۲

طرفین در نمایشگاههای بین المللی کتاب که در هر یک از دو کشور برگزار می گردد شرکت می نمایند.

فصل چهارم: شرایط مالی

ماده ۵۳

اعزام افراد:

الف: طرف اعزام کننده هزینه سفر افراد (ایاب و ذهاب) را به پایتخت یکدیگر به عمه می گیرد.
ب: طرف میزبان هزینه های ذیل را قبل می نماید.

۱- اقامت و غذا در هتل مناسب

۲- نقل و انتقال در داخل بر حسب نوع

برنامه دیدار

معالجه پزشکی رایگان در بیمارستانهای عمومی دولتی در حالت بروز بیماریهای غیرمترقبه

ماده ۵۴

بورسهای تحصیلی

الف: طرف اعزام کننده

- طرف اعزام کننده کلیه هزینه های حمل و نقل بین المللی و داخلی دانشجویان بورسیه را تا رسیدن آنان به کشور میزبان یا دانشگاه محل تحصیل آنان برای اولین بار به عهده می گیرد.
ب: طرف پذیرنده

۱- محل اسکان دانشجویی افراد بورسیه را تامین خواهد کرد.

۲- به هر دانشجوی بورسیه شهریه پرداخت می گردد که میزان آن بر اساس قوانین مالی متعارف داخلی تعیین می گردد و در این بر اساس رفتار متقابل عمل می شود.

۳- به هر کدام از دانشجویان بورسیه ای سالیانه یک ماه حقوق برای خرید کتاب پرداخت می شود یا کتابها به صورت رایگان در اختیار دانشجویان قرار می گیرد در این خصوص بر اساس رفتار متقابل عمل می شود.

۴- دانشجویان بورسیه ای از پرداخت هزینه های تحصیلی دانشگاه معاف شده و یا کشور میزبان به جای آنان پرداخت خواهد کرد.

۵- معالجه پزشکی دانشجویان بورسیه ای در صورت بیماریهای غیر مترقبه در بیمارستانهای عمومی دولتی انجام خواهد شد.

ماده ۵۵

نمایشگاهها

الف: طرف اعزام کننده

۱- کلیه هزینه‌های انتقال نمایشگاه تا پایتخت کشور پذیرنده و بازگشت آن را به عهده خواهد گرفت.

۲- هزینه‌های بیمه بین‌المللی مربوط به نمایشگاه را در مدت برپایی آن در خارج از کشور به عهده خواهد گرفت.

ب: طرف پذیرنده (میزبان):

۱- کلیه هزینه‌های نقل و انتقال نمایشگاه را در داخل به عهده می‌گیرد.

۲- سالنهای مناسب جهت برپایی نمایشگاه را تامین خواهد کرد.

ماده ۵۶

طرف اعزام کننده:

۱- ماه مورد نظر را جهت اجراء و همچنین اسامی کارشناسان و متخصصان برنامه بازدید را مطابق با ماده مربوطه مشخص می‌نماید.

۲- بیوگرافی هر کدام از نامزدها را با تعیین وقت پیشنهادی دیدار به طرف مقابل منعکس می‌نماید.

۳- اشخاصی که نامزد استفاده از مواد این برنامه می‌شوند بایستی به زبان کشور میزبان و یا یکی از دو زبان انگلیسی یا فرانسه آشنایی داشته باشد.

۴- پس از اطلاع از موافقت میزبان جهت اجرای ماده پیشنهادی و پذیرش نامزدها از تاریخ دقیق سفر و شماره پرواز و مشخصات شرکت هواپیمایی مربوطه را در زمان مناسب به اطلاع میزبان خواهد رساند.

ماده ۵۷

معرفی افراد مورد نظر جهت استفاده از بورسیه تحصیلی توسط مقامات مربوطه در دو کشور انجام خواهد شد.

ماده ۵۸

توافق در خصوص جزئیات و زمان اجرای مواد برنامه از راههای دیپلماتیک امکان‌پذیر خواهد بود.

ماده ۵۹

این برنامه مانع از اجرای هر نوع همکاری علمی آموزشی و یا فرهنگی که در آن قید نشده و برای انجام آن از طریق دیپلماتیک توافق لازم به عمل آمده نخواهد شد.

ماده ۶۰

این برنامه از تاریخ امضا به مدت ۳ سال معتبر خواهد بود و اعتبار آن تا امضای برنامه اجرایی جدید به طور موقت ادامه خواهد یافت. این برنامه در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۴ هجری شمسی مطابق با ۲۳ فوریه ۲۰۰۶ در شصت ماده در دو نسخه اصلی به زبانهای فارسی و عربی در دمشق تنظیم و به امضاء رسید هر دو متن دارای اعتبار یکسان می‌باشند و در صورت بروز هرگونه اختلاف نظر در تنظیم و در تفسیر متن مراتب با توافق طرفین حل و فصل خواهد شد.

از طرف دولت اسلامی ایران
از طرف دولت جمهوری عربی سوریه
محمد سعیدی کیا

دکتر علی

سعد

وزیر مسکن و شهرسازی
وزیر آموزش و پرورش

فهرست منابع

فارسي

- اسماعيل، طارق، تحول سيسي در سوريه، ترجمه ژسعيد برزين، تهران شركت سهامی انتشار، تابستلن ۱۳۵۸.
- امامي، محمد علي سياست و حكومت در سوريه، دفتر مطالعات سيسي و بين‌الملل. ۱۳۷۶.
- پيشوايي، مهدي شام سرزمين خاطره‌ها، چاپ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۹
- عنايت، حميد، سيري در اندیشه سياسي جهان عرب، تهران، انتشارات امير كبير، ۱۳۵۸
- مهري حسين، صد ميليون عرب تهران انتشارات توس، ۱۳۵۷.

عربي

- سيل باتريك، الصراع علي الشرق الاوسط. لندن، ۲۰۰۰
- السيد جلال، حزب البعث العربي الاشتراكي. بيروت ۱۹۸۰.
- دراسات الاستراتيجية. مجله مركز دراسات سياسي جامعه دمشق
- مجله جامعه دمشق للآداب و العلوم الانسانيه.
- فاضلي محمود، رسانه هاي جمعي سوريه، روزنامه الشرق يکشنبه ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۸۴

گزارشات

- عليزاده طباطبايي، سيد موسي، نگاهی به هيات دولت سوريه، بي تا
- نشریه کار آمد (نشریه داخلي گروه صنعتي ايران خودرو شماره ۲۱۶ مورخ ۲۴ / ۶ / ۸۶).
- دائره المعارف اسلامي جلد ۱ و ۲
- سايتهاي عربي

WWW. Syria- news. Com

نشریات ادواری

- گزارشات مطبوعاتی و روزانه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در دمشق و گزارشات مرکز پژوهشهای خبرگزاری مذکور
- گزارشات واسناد آرشیو اداره اول خاورمیانه عربی و شمال
- مجله سیاست خارجی
- مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی
- سوریه در یک نگاه سید موسی علیزاده طباطبایی، گزارش تهیه شده در سفارت جمهوری اسلامی ایران — دمشق ۱۳۸۳.
- نادمی. رضا، روابط ایران و سوریه، پایان نامه دوره کارشناسی، دانشکده روابط بین‌الملل
- شکوهی. عباس، سیاست و اقتصاد در سوریه، رساله ارتقاء مقام، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۷۱.
- شکوهی. عباس، بررسی روابط مصر و سوریه، رساله ارتقاء مقام، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- زامل سعیدی، اتحادیه عرب گذشته، حال و آینده رساله ارتقاء مقام دبیر اولی سال
- هرابرد، کمجیان. مترجم احمدی حمید، جنبشهای اسلامی در جهان عرب، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲